

# سپاوون

شماره اول حمل ۱۳۶۸ مطابق اپریل ۱۹۸۹ مطابق  
رمضان المبارک ۱۴۰۹ - سال دوم شمار مسلسل ۱۱



مورکیشیہ

صدای

جاودانہ

سدها

۲۰ لیلا، لیلا نوروز است

۲۲ خدا یاد دنیا دوروز است

۲۶ ۱۳۶۸ سال ولی دژر مار کال بولی؟

# لکی فایف



# ۵۵۵

دعوت کما حقہ  
و شخصہ مخصوصہ و شیر خوار شہرانیہ لاجنس صورتہ بگزار می نماید سالانہ  
لکے فایف ہمیشہ بر شمس اپر خاطرہ خواہد بود

آدرس: شهر ن—مقابل مسجد جامع شیرپور • تلفون: ۲۰۴۱۰



# یمار امین ویدیو کست

بعترین فلمعای وید یوی گلچین ( پینتو، دری،  
هندي وایرانی) آماده فروش دارد • فلمبرد آری از  
محافل خوش شما بد یرفته میشود •  
ادرس: منزل اول فروشگاه بزرگ افغان  
۲۱۷۷۶-۲۰۷۰۴

## عکاسخانه هروی

عکاسخانه هروی عکاسی محافل خوش و سرور شما را  
به بدترین وجه برگه از مینماید  
( همچنان شب و یو یسی )

اکدیس: چهار راه سردار  
تق برفخانه  
جمهوریت

## خوراکه فروشی انوش

خوراکه فروشی انوش تازه به فعالیت آغاز نموده انواع خوراکه باب  
را به قیمت های مناسب عرضه میدارد •  
مشتری د ایی خوراکه فروشی انوش باشید • همچنان مجلات  
و جراید مورد علاقه تانرا ازین خوراکه فروشی  
د ستیاب کرده میتوانید •

اکدیس: چوک قلع فتح شه

# سباوروس

اعلان تان شما را با شرایط بهتر بنیسه  
میرسانه

## خوراکه فروشی سبزویش

خوراکه مورد  
نیاز شما را به  
فروش میرساند •  
همچنان بلوزهای  
بهاری هندي و لباس -  
جین از قبیل براهن، دامن  
جمبر های زنانه، طفلانه و دخترانه  
ساخت وطن را با قیمت های نازل بد سترن سرا -  
جمعین محترن ترارمید هد •  
شما میتوانید مجلات و نشریه های مورد علاقه تانرا نیز بد ست آرید •

اکدیس: سرک ۶ قلع فتح شه تق برفخانه برادران هوس

## قرطاسیه فروشی سید احمد شاه

جدید  
ترین لوازم  
تحریر کلمپ  
معارف •  
اقسام کتاب  
و کتابچه، انواع قلم های  
خود کار خود رنگ و ده ها قلم  
اجناس د یگر مورد ضرورت تانرا به قیمت های مناسب  
ورضایت بخش د ستیاب نمایید • ادرس منزل اول فروشگاه بزرگ -  
افغان • نمبر تلفون ۲۱۷۷۶

## قرطاسیه فروشی اخبارک

کتاب، قرطاسیه، مجلات و کارتهای  
تربیتی ارزان و خوب  
اکدیس: منزل اول فروشگاه بزرگ قلع  
فتح شه

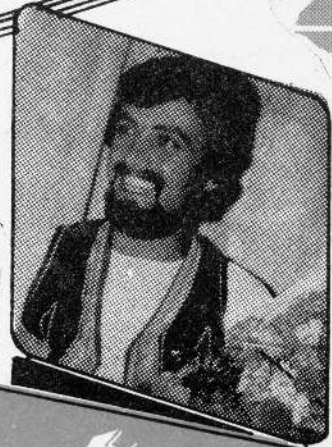
## قرطاسیه فروشی دوست

انواع قرطاسیه، جراید و مجلات د لخواهتان را عرضه  
میدارد • ادرس توجه نمایید •

ماکتب مکر و باغ کهنه

شماره اول حمل ۱۳۶۸ سال دوم  
شماره مسلسل نهم

# سپاروون



نعیم پوپل

یلا

نوروز است صفحه (۲۵)

صفحه (۳۵)

## فاجعه



صدای گمشده، صدای  
جاودانه‌سدها  
صفحه (۲۰)

صفحه (۸۴)

درسهای موسیقی

پاستی

سیرین

مخ (۸۷)

کوزیر

آیاتاسی دخیل

از مود تا سینما  
صفحه (۵۴)

علی فاضلی بسمل  
پروما جبرایلی را ایستاد  
دنیای عشق خود را  
سرگرد شتاند

صفحه (۲۲)

چون در این بیست

از گپها که ما خبر شدیم  
صفحه (۴۴)



صفحه (۵۸)

۱۳۱۶ ساله بودی در زمان زکای بون  
مخ (۲۷)

زن ۱۳ ساله بی نام مرد

صفحه (۴۰)



چاری در صد سالگی  
صفحه (۳۲)

مدیرمسول: د. کورژا هرطنین  
تلفون: ۶۱۹۵۲  
معاون: محمد اصف معروف  
تلفون: ۶۲۷۵۲  
سویچورد: ۶۱۸۷۸  
ارتباطی: ۳۹ - ۴۸ - ۵۴



نشریه اتحادیه ژورنالیستان  
جمهوری افغانستان

زیر نظر هیأت تحریر:  
بارق شفیعی  
محمود حبیبی  
عبدالله شادان  
لطیف ناظمی  
رهنورد زریاب  
شفیق وحدان

ارتزگرافیک: محمد طیبی و  
وحمید سمور  
مطالعی: کبیر امیر  
عمی نامی  
معمول: محمد گل  
نگار: شریف لطیفی و  
شاپسون

اداره مجله در تصحیح و تدقیق مطالب دست ازاد دارد. مضا مین  
وارد در صورت نشر یا عدم نشر مسترد نمیگردد. نظریات ارایه شده صرف  
نظر نویسندگان میباشد.

# مصیبت‌اشک

مباحثه: حسینا حافظ

امروز در نیای ماینس و تکالوژی، متأسفانه مواردی وجود دارد که نمی‌شود آن را با این همه مسایل و تکالوژی بیشتر-فته تدایمی کرد. هیچ اندازه هم برای وابستگی انسانهای عصر ما به مواد مخدر معین شده نمی‌تواند. شبکه‌های وسیع برای کشتن انسانها توسط مواد مخدره فعالیت میکند. مانیامروز در هر کجایی شاخ و پنجه زده است. تاجران مرگ با وسایل گوناگون داری مرگ را عرضه میدارند. این تاجران هیت‌های مختلف دارند، در هر کشوری سزولکته‌شان پیدا است، به قیمت جان هزاران جوان آنان زنده کسی آبرومندان و شاهانه می‌نمایند چرا اعتماد از بین نمیرود؟ چرا نیروی جوان و فعال کشورهای جهان سوم عمدتاً و انسانهای کشورهای پیشرفته به حلقه‌های معتادین کشانیده میشود؟ برای اینکار بازی‌های تجارتهی وسیع است. ادامه دارد، و اما اعتماد و وضع اعتماد در کشورها چگونه است؟ مجله ما از کار این برایم نمیتواند به ساده‌گی بگذرد. چنانچه در شماره‌های قبلی خویش نیز در مورد نوشته‌هایی داشتم و اینک در این شماره با هم با دکتر عبدالسلام آثم رئیس بخش صحت روانها حبه‌تری تیب داده و توجه خواننده‌گان را به آن جلب میدارم و تقاضا دارم آنرا تا اخیر بخوانید.

س: اعتماد دوا می‌چی مفهومی دارد؟



ج : وابستگی دوايي که به عوض کلمه اعتياد دوايي يا معتاد شدن از طرف سازمان صحت جهان پذيرفته شده است عبارت از مجموعه عوارض جسمي و زکامی و سلوکي ميباشند اين عارضه در اثروابستگی به مواد الکولي يا مخدر وجود مي آيد که حالات مختلف مي داشته باشد البته وابستگی دوايي يا سوء استعمال دوايي فرق دارد .

س : اعتياد يا وابستگی به مواد مخدره در کشور ما چيزي تازه نيست ولي در اين اواخر تعداد زيادي از جوانان به مواد مخدر معتاد گردیده اند به علت چیست ؟

ج : علل و اسباب مختلف ميتواند وجود داشته باشد . ناپاسامانی شخصيت مي ثباتی عواطف و احساسات شخصي موجود است خانواده هاي پراکنده هاي نم انگيزه فشار اجتماعي هم نشيني با دوستان معتاد وغيره . همچنان کنجکاري پراي در رفتن اسرار مرز مواد نشه اور و بعضاً هم بخاطر فراموشي نم و نگرانی به صورت موقت و بايد علل عده را در تبليغات فرهنگي قاچاقچيان مواد مخدره دريافت که جوانان و نوجوانان کم تجربه به دامشان مي افتند . علل هاي ديگر روانسي نيز وجود دارد مثلاً افاده خود کامگی و نوع بندي و باري نسبت به خانواده و محيط .

س : در شرايط کشور ما اعتياد نوع از خود بيگانگی است يا لذت بردن ؟

ج : به موضوع دلچسپي تما مي گرفتيد در کشورهای مختلف حالت اعتياد نه تنها در شرايط جنگ بلکه در همه حالات وجود مي داشته باشد چنانکه امروزه در کشورهاي مختلف جهان اين امر به مشاهده ميرسد که بنا بر تجربی جوانان بتزليل افکار

بي اراده می و موارد ديگر که قبلاً ذکر نموديم حالات اعتياد بروز ميکند . برخی از معتادان فکسر کرده اند که گويابنا بردن بيه مواد مخدره و مشروبات الکولي آن ها را به عالم ديگر برده و در چنان حالت ميتوانند نفس راحت بکشند حالانکه در نتيجه اين حالت زنده می آنها به تباهي مواجه شده و واقعيت هاي زنده می همانطور بچامی ماند .

در مورد لذت بردن که شما از آن ياد کرديد در اوایل خوشی هاي گذرا و کاذب به وجود می آيد بعداً حالت نشه غمناک وغير قابل تحمل می باشد و از سوي ديگر انسان معتاد در يك ناگيري قرار می داشته باشد به مصداق همان شعر :  
نشه صهبانمی ارز به تشويش  
خسار  
در گذر امروز عذاب که فردا  
آتش است

س : ارتباط معتاد بين بخصوص جوانان با امراض روانی چگونه است ؟

ج : نزد معتادان تشويشات روانی بملاحظه ميرسد گاهی پيشوار است که فهميده شود که ايا اعتياد باعث تشويش روانی شده است يا تشويش روانی باعث اعتياد .

به هر صورت تاثيرات اين دوا لاي هم متقابل است در نتيجه پناه بردن به مواد مخدر انسان بي اراده شده مسووليت هاي اجتماعي و اخلاقي را کمتر درک می کند . استدلال و منطق نزد معتاد از بين رفته احساسات عجز و کوتاه نظري شود کم حوصلگی و شک بردن بيچنان نسبت به همسر و دوستان در او تقويت يافته چنين تلقينات قضاوتش را متاثير می سازد به تدریج نفرت و دوستان و خانواده اش را نسبت

به خود بيشتري سازد و گاهی هم از شخص معتاد فقط بايد انتظار انسان زنده را داشت که مشابه به يك مجسمه است .

س : بيشتري معتاد بين درجا معه ما کيها اند و از کدام مواد استفاده بعمل می آورند ؟

ج : در حالاتيک فعاليت قاچا قبران و تجاران مواد مخدر مساعد تر باشد خطر اعتياد وسيعتر می شود مخصوصاً در کشورهایمانند کشور ما دشواري هاي زنده می مصيبت هاي جنگ و بيسوادي و عواملی از ينگونه اين مصيبت را افزايش ميدهد در کشور ما در برخی مناطق از ترياکی بحیث داروی آرام کننده سرفه و تسکين درد اعضا و دواي خواب آور استفاده می شود از تئوپروچرس گاهی براي درمان و معالجه قلعج ها کار می گيرند در برخی از ولايات ما در طبابت هاي محلی و غنچهوي حتی براي اطفال نيز اين مواد را توصيه ميکنند . حالانکه توصيه اين مواد صد فيصد از کودکی اعتياد را به بار می آورد . در بخش هاي ديگر کشور ما که کشت و توليد ترياکی چرس و تنباکو رايج است از لحاظ اشتغال افراد با اين مواد وابستگی هاي دوايي را بوجود می آورد . بد بختانه در سال هاي اخير هيروئين در بين جوانان جامعه بازار يافته است . متاسفانه زماني دختران و پسران جوان مصاب به آن به مشاهده ميرسد که البته کار وسيعی و مبارزه عليه آن ادامه دارد .

نمونه هاي از مواد ديگر مثل ماندرس ، مخم و بننگ آب و بعضی ادويه ديگر هم وجود دارد چنانچه می گويند : در يکی از مناطق ولايت بدخشان پيغمردی بود که مدت درازی ترياکی دود می کرد

و به آن وابستگی داشت زمانیکه او چشم از جهان می پوشد در فضاي کلبه موصوف ديگر دود ترياکی نمی پيچيد و چندي بعد يکتعداد موش هاي مرده در بين اتاق محقر پير مرد متوفی ديده می شود . دليل آن اين است که حتی موش هاي موجود در سوراخ هاي خانه نيز به ترياکی وابستگی پيد کرده بودند که با قطع دود ترياکی و تبا ني آوردن بيسترك آن مرد و زمين اتاق آن پير مرد افتاده اند .

تاجاييکه از خود ما بين وابسته به هيروئين معلومات حاصل شده هيروئين نيز در کشور ما برخلاف کشورهای ديگر از طريق دود کردن به مصرف ميرسد .

س : تعداد معتاد بين به مواد مخدره در شهر کابل آيا معلوم است ؟

ج : آماري وجود ندارد يک احصائيه تشييت يکصد هزار مصاب وابسته به ترياکی در بدخشان است که مربوط بيک دهه قبل است . رياست صحت روانی وزارت صحت عامه در نظر دارد تا به همکاري مالی اداره سازمان صحت جهان و مساعدت هاي ارگان هاي ذيربط ، احصائيه مصابين به مواد مخدره و مشروبات الکولي در شهر کابل وسپس در ولايات را بدست آورد . باتاسف بايد گفت که تعداد اين اشخاص افزايش يافته است و ايجاب توجه جدي را می نمايد .

س : برنامه تدبيريه چگونه است ؟

بقيه در صفحه ( ۷۴ )

# دواي مرگ و تاجران مرگ



بیه میگویند



مهر و محبت

چهار ماهه



چهار ماهه

مهر و محبت

چهار ماهه

چهار ماهه

چهار ماهه

### دو سه وادامه

هیله منده م هغه کسان چی به تحینو عقل نار وغیواخته  
دی ژر تر زره شفا و موسی او د عقلی او هو بنیابر سترگی بی روضی شی  
خبره داسی ده چی تحنی بی احساسه اوس مسوولیته نارینه  
د خیل ژوند بدی او د نیستی روضی چی لومړنی بنیخی ورسره  
به ورین تندی کاللی چوره یاده باسی حتی د خیل بیه نسو  
اوشعرت شخه تیر یزی او د دوهم واره بند و بست کوی که شه هم  
چی د موضوع نوی نه ده ولی به ۶۲ کال کی بی د سارن ناروضی  
بنه تحانته نیولی او د پروکسانوته بی سرایت و کړ امید واره یس  
مسز کال داد کو رینورنگید و ناروضی له منعه ولاړه شی .

لطیفا پرداد بیتون پوهنځی فار التحصیل



### پاکی و صفایی

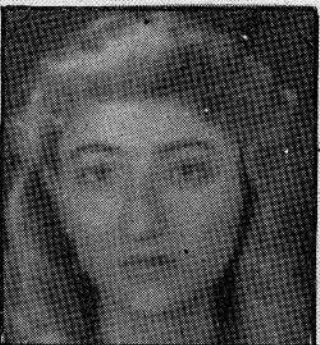
عزیز آقا سراز  
دل بستگی خاصی به پاکی و صفایی د ادم آرزو مند صاحب خانه  
مکروریان شم ، آنجا بعترمی شود . پاکی و صفایی راتا مین کرد .  
- اگر با دخترین هم سفر زنده کی شوید که او چند ان توجه  
به پاکی نداشته باشد در آن صورت چه خواهید کرد ؟  
- خدای ناخواسته باشد که این چنین شود ، ورته کار زار می شود  
با آنم اگر چنین دخترین سرد چار نسدم انوقت اورا به روحیه  
خود تربیه میکنم .



### نظام و د سپلین در سرویس ها

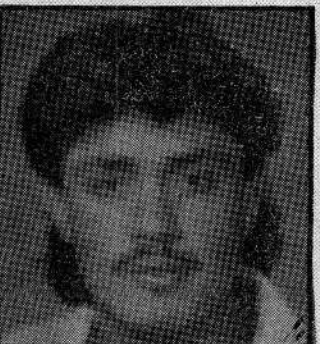
عضوکلان خانواده ام میباشم . آرزو د ان خواهران و برادرانم  
به آرزوهای دلشان نایل آیند .  
همچنان آرزو مندم که بعضی از همشهریان مانظم و د سپلین  
اجتماعی را در سرویس های ملی بس جدای رعایت نمایند ، و نگرانان  
محتش هم درین زمینه از خود سی تفاوتی نشان ندهند ، بعضی  
از مردان به بالا شدن از د روزه اوس سرویس هلاتمندی بسیار  
نشان میدهند وقتی برایشان گفته شود که یک کمی دور شوید و یا  
بد اخل سرویس پیش بروید میگویند : (( برو بی جان تو چقه  
خود می سازی ، ما از خود خوار و مادر د ارم . . . ))

مصرفیاتیکان در نشان فار از صواب



### میخواهد هنرمند سینما شود

محمد فرید محصل سال د م پوهنځی هنرهای زیبا :  
در رشته تیاتر و سینما مصروف تحصیل استم ، باسلمک عشق  
میورنم و دوستش میدانم ، و معین ام هر نقشه که برام سپرد مشود  
میتوانم آنرا به خوبی اجرا نمایم ، ولی باتا سف چند باریکه به  
اداره فلم های هنری و مستند مراجعه کردم خود را پشت در بسته  
یافتم و جواب رد شنیدم ، آرزو مندم که امسال آرزو هام بر اورد  
شود و بتوانم در فلم ها کار نمایم .





# پایند حاضری خانه

## پایند حاضری خانه



روهینا محسن پوهنتنی ژورنالینم :  
تعمیم د اتم اسنال باشخسر مورد نظم ازدواج تمام آرزود اتم  
که د زمینه فامیل مخالفت ننماید .  
آرزومندم بعد از عروسی شوهرم مراخیلی دوست بد اوردوسه  
وقت معین خانه بیاید ، یعنی آن تسمیکه پایند حاضر د دفتر  
میباشد ، باید پایند حاضر نزد من نیز باشد .

## وفادار و پولدار



روزیا وفا کارمند وزارت امور عودت کننده کان :  
آرزو د اتم باخوانی دارای تحصیلات عالی ، وفادار و پولدار  
ازدواج تمام ، پولدار به خاطر اینکه میخوایم ماه غسل رادرخان  
از کشور سوری تمام .  
- اگر باخوانی دارای چنین صفات آشنا نشدید در آن صورت ؟  
- در آن صورت باهیی کسر از دواج نخواهم کرد .

## در آرزوی ثروت و شهرت



محبوبه کارمند نشرات سنا :  
د رزنده گیام سه آرزوی بزرگ د اتم که به حقیقت بیوستن آن  
خیلی مشکل و یا هم دوزار امکان است ، نخست آرزو د اتم خیلی ها  
تروتمند باشم ، آندر که حسابش را کم ، دوم اینکه یک ورزشکار  
ورزیده به سویه جهانی باشم و در مسابقات ورزشی جهانی همیس  
موفقیت ازان من باشد و سن اینکه میخوایم به ایالات متحده  
ایرکیکاسفر تمام .

## بنیاست او اخلاق



خیال محمد سرراز :  
زما بیواچینی هیله داده چی سرکال د ترخیر د اخیستلو  
وروسته د ژورنالینم به پوهنتنی کی شامل شم . اوم د ژوند ملگری  
چی بنیاست او اخلاق ولری پیدا کن .  
- د د بی خصویاتو لروونکو انجلی سره که بیسواده ورا شناسی  
عنه انتخابوی ؟  
- لومری کوشس کم چی د ژوند ملگری می باید باسواده وی  
اوه که نه وه نویایی د مبارزه با بیسواده . کورس کی شاملم او خبله هم  
شبه اوون ور سره سبی وایم ترخو با سواده شی .



# چهارمین جشنواره شعر جوان

## مباحثه از کلامه حبیب

وقتی شعری را زمزمه میکند چنانست که گویی دریایی از نسور در رگهای جانانت جاری میشود . صدایش آنچنان برجذب و نوازشگر و لطیف است که وقتی میشنوی تنهایی در وجودت میشکند، زیرا که در صدایش وسعت رویش و پایش است .

سیما شادان از زمزمه دیکلماتورانی است که میتوان گفت در بخش زنها چون او زیاد نداریم و اگر هم است انگشت شمار . وقتی عقب میکروفون قرار میگیرد ، وقتی شعری را از بیدل زمزمه میکند آنچنان با احساس میخواند ، آنچنان شعر را جان میبخشد که گویی این خود شاعر است که در نزد یکی ات نفس میکشد . بادنمایی از برشها بدیدنش میرم تا توشه بی برای مجله تهیه دایم ، مانند همیشه آنچنان که است با لطف همیشه کسی اش که خمیر وجود اوست با خوبی و مهربانی یک زن رو بروم می نشیند . هر چند که در برخورد هایش صمیمی است اما در گفتار خود نهایت جدی و دقیق است .

من بعد از سکوت کوتاهی از روی میروم :

- وقتی اولین بار عقب میکروفون قرار گرفتید و ا همه نداشتید ؟
- البته که و ا همه داشتیم ، حتی صدای قلم را میشنیدیم بخصوص که آنروز عبدالله (( شادان )) همراه با من اخبار را میخواند .
- و آیا غلطی نکردید ؟

- نه همه اخبار را بدون غلط خواندم .

- شما علاوه بر آنکه نطان خوب و ورزیده استید اشعار را نیز دیگمه می کنید، آیا اتفاق افتاده که اشعار را غلط بخوانید ؟
- چرانه حتماً غلط خوانده ام زیرا گاهی همان لحظه یعنی در آخرین لحظات شروع پروگرام شعر را بمن سپرده انده بخصوص وقتی شعر از مولانا و بیدل بوده طبعاً که بدون غلطی نبوده است .
- شما وقتی اولین باری که شعر را دیگمه میکردید خواستید مانند چه کسی دیگمه کنید چون فریده انوری یا کسی دیگر و یا خودتان ؟

- چون زنده گی من با عبدالله شادان است من از او آموختم ولی تا اکنون از کسی تقلید نکرده ام . بودن عبدالله شادان نطق ورزیده که دوبار جایزه اول دیگمه شعر را گرفته است ، فکر میکنم برای کافی است .

- شما اکثراً هنگ ها را نیز کارگردانی می کنید همینطور است ؟



# پونتم در نیمه های شب به چه فکرمی کند

ترجمه علی اشرف

س- اگر بیگانه پس با شما تماس میگیرد و یا کسی دست شمارا میگیرد و یا دستانتان را در ورگوشه های بیخود پس احساس به شما دست میدهد ؟

ج- در چنین حالات خود را نا راحت احساس میکنم و از این آشنایی ها خوشم نمی آید. اگر یک دوستم ، مادرم و یا کسی را که دوست دارم مرا به اغوش میکشند البته که قشیه کاملاً جداست از چنین چیزها. و در راحتی خیلی به دورتم میدارم و اگر ضرورت بیفتد بگویم. پشت مورد آزار (پنج میزتم) در چنین حالت خیلی با قاطعیت و در جلو چشم همه عکس العمل نشان میدهم. خیلی میزنم و یا خنجر را میدرم. با آنهم در زنده گی حقی لسته پس هم خودم را تنها میدون دوست احساس نکرده ام.

س- لطفاً در مورد بوسه نشستن تان وارک و راست بگوئید ؟

ج- من هرگز مردی را در ملاقات نخست نمی بوسم. اگر راست بگویم به چنین ملاقاتهایی دم نرفته ام. فراموش نباید کرد که مادر خند بوسه بهم نه در آمریکا ، در ایران ، دختران را به بیرون رفتن دعوت میکنند. زودتر از این زمان دعوت صورت نخواهد گرفت. بران هفتیسه سهنا آستم و دعوت هفتیسه جوانی بیشتر با داران. روانه کسی مراد دعوت کند. تمام باید دیدن در این باشد. بنابراین موافقت زنی میزنم اما را به بوسه نمیزنم

س- در نیمه های شب وقتی همه خوابند شما درباره چه فکر میکنید ؟

ج- فکر ، فکر ، درباره چه فکر میکنم ؟ این مربوط میشود به اینکه چگونه روزی را گذرانم.

س- در روز بدی را گذرانده باشم ، از زرد میباشم و در بستم ((لوتن)) میزنم و اما امروز خوبی برایم بوده باشد و حال میباشم به بالشت میزنم و باید لبخند خواب میروم ، این مهم نیست که من چه ساعتی بخانه بر میگردم چهار صبح یا شش صبح ، من خواب سنگین ندارم هرگاه تلفون در یکی از اتاق های دورم زنگ بزند آنرا می شنوم و فوراً بر میخیزم. اما شب زنده دارم حاضری دم داشته ام و آن وقت بوده که یا ناراحتی روسی یا اختلاف نشوری با مادر و خواهر داشته ام و عاشقی میخواسته خراب شود. س- وقتی به اغوش کشیده شدند اید عکس العمل تان چه بوده است ؟

وای ! وار خدا جان ! این دیگره است؟ بعضی حال این مربوط می شود به کسی که مراد اغوش میگیرد.

س- اگر بیگانه پس با شما تماس میگیرد و یا کسی دست شمارا میگیرد و یا دستانتان را در ورگوشه های بیخود پس احساس به شما دست میدهد ؟



میخواهم زنی باشم عاشق با خدا دوستی یک با یک مرد میتوانم بعد گسترده تری از سکس داشته باشم



چونان نسل نوین حدیثی و آزاد است و درین مسورد چسارت کرده با والدین شان حرف میزنند ، اما در مورد من صدق نمیکند چه من تراورده دهه (۸۰) نیستم ، از تنوع تا اندازه یی مسافه کار استم و عذر میخواهم البته در آینده پیراز کسی اوقات نرم در زمینه صحبت خواهم کرد ، به عقیده من جوانی جو دارد درین مورد ابراز نداشتند که از لسا نترس به پختگی بنیه در صفحه (۶۰)

بوسیدن یک امر طبیعی است و وسیله انتقال احساس دوستی و محبت تلق میشود. س- خوب اجازه میدهید کسی جلو بروم و بوسه بدهد ؟

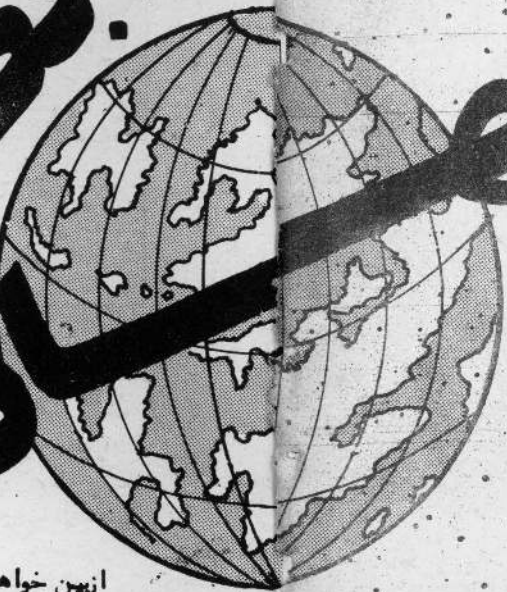
ترجمه: انجنیر حلیم

# تأثیر عمده جنگ ذروی سقوط ناگهانی و سردی و متلاطم درجه حرارت خواهد بود

## تأثیر عمده جنگ

## ذروی سقوط ناگهانی و سردی

## و متلاطم درجه حرارت خواهد بود



بگذارد نوح کیم حادثه غیر قابل تصور وقوع پوست ...  
سینای جهان بعد از جنگ ذروی چگونه خواهد بود ؟

از پاسخ این سوال میتوان نهایت مشابهت را قاطع  
در برابر وجودیت (۵۰۰۰۰) سرگوله ذروی فعلی جهان کار گرفت  
در کفرانس های دانشمندان ذروی در سیکو و واشنگتن شهرهای  
نیگرنمایندگان جامع علمی جهان به آخرین مسائلات و تحقیقات  
شان بهر این که جهان بعد از جنگ ذروی چگونه خواهد  
بود توجه جدی مبدول داشته اند . تنهاسه سال قبل ، دانشمندان  
ذروی این مفکوره که اگر چه وضع جهان بعد از جنگ ذروی خیلی ناچهار  
انگیز و ناگوار خواهد بود ، ولی موجودات زنده به ناچار مانند کیم دنیا  
کنه نخواهند شد ، کار کردند ، این دانشمندان اکنون بعد از دست  
یافتن به حقایق تازه و اینکه برای همچو (( خوشبینی )) استدلال ضعیف  
وجود دارد ، تغییر عقیده داده اند .

پس اینجاست سیمای بعد از فاجعه ذروی از نگاه دانشمندان  
زمانیکه سناریوهای گوناگون جنگ ذروی در معرض آزمایشات دقیق  
و تجارب مودل های کمپیوتر قرار گرفت ، چه قدرت محض انفجار  
(۱۰۰) میگاتن یا (۵۰۰۰) میگاتن (کمز از نصف زیاد خانه میبوس  
ذروی جهان) باشد ، همه به این نتیجه رسیدند که  
موجب انفجارات ذروی نسبت به تاثيرات مستقیم آن (امواج تکان  
دهنده ، جریان حرارت یافتند باد حرارتی و شمشع) به مراتب وحشت  
ناکتر و کشنده تر است .

مودل های اقلیمی که لظرف دانشمندان شوروی و امریکایی یعنی  
تم ساگان در پوهنتون کورنل ، مشخصین و دانشمندان مرکزی ایالات  
متحده برای تحقیقات اتموسفری که مستقیماً در رأس آن قرار دارد  
ولادیمیر الکساندروف و گیورگی ستنچیکوف از مرکز ریاضی اکادمی علوم  
شوروی ، گیورگی گولیتسین و الکساندر گمنزوری از انستیتوت نیک اتموسفر  
مستقلانه طرح شده است تصویر مشابهی را از سیمای جهان بعد از  
جنگ ذروی ارائه میکند . تأثیر عمده جنگ ذروی سقوط ناگهانی ، سردی  
وسریع و متلاطم درجه حرارت خواهد بود ، ظرف چند روز محدود جهان  
از سردی یقیناً به اندازة سردی قطب شمال دچار سرماخوردگیسی

خواهد شد و حداقل برای یکسال ادامه خواهد یافت .  
آفت ایکولوژیکی سرتاسری !

هفته ذروی بعد از انفجار (( زمستان )) همراه با تاریکی تقریباً  
مطلق فرا خورشید ، صدها هزار تن خاکستر و دود آتش های شعله ور شد  
در سرتاسر قاره ها پرده غیر قابل نفوذی را بر روی آسمان خواهد کشید  
شکل نورمال اتموسفر با هوای گرم در بالا و هوای سرد در پایین حالت  
معکوس را بخود خواهد گرفت .

طبق نظریه ولادیمیر الکساندروف ، درجه حرارت اتموسفر در  
ارتفاعات بین (۱۰۰۰۰) و (۱۵۰۰۰) متر تا حد درجه سانتیگراد  
خواهد رسید در حالیکه در سطح زمین درجه حرارت در حدود پنجاه  
درجه پایین تر از نورمال کاهش خواهد یافت ، با این کار واکنش زنجیری  
از حرکت بازمی آید و منتهی به آفت ویدیخی ایکولوژیکی سرتاسری  
مگردد .

ناپودی عجات بصورت کل !

مودل سرد بعدی های درود آنها یکی اتحاد شوروی از اقلیم جهان  
تأثیرات جانبی وحشت انگیز زمستان ذروی را ارائه میکند ، طوری که  
تفاوت نهایت زیاد درجه حرارت بین قاره ها و اوسار ( هوای خیلی  
آهسته تر بر روی اوسار سرد ) منتهی به تند بادها و توفانهای شدید  
در نون های ساحلی خواهد گردید که این به توبه خود چنان بر فباری  
های شدیدی را بدنهال خواهد داشت که حیات را بصورت کل نابود  
خواهد ساخت ، علاوه بر آن ، تغییرات اتموسفری سببیکل های در ولوتیکی  
را کاملاً از بین خواهد برد و خشکسالی و نواذوری را بر قاره های وسیع  
بندان و بدون خورشید حکمفرما خواهد ساخت .

بعبارت دیگر ، هراتیه که از صهیبت آتش جان سلامت برده ،  
سردی یا خشکسالی اثر از بین خواهد برد ، یخبندان ناگهانی وسیع  
که الکساندروف ستنچیکوف آنرا پیش بینی کرده ، برای جنگلات در ارتفاعات  
متوسط تپاه کن و کشنده خواهد بود ، جنگلات مناطق حاره و نیمه حاره  
ذی که تقریباً نیمی از کله خشک زمین را در بر میگیرد ، یعنی نا طوری

از بین خواهد رفت زیرا این جنگلات حتی در برابر تغییرات جزئی درجه  
حرارت بهمانور نمیتوانند مقاومت کنند .

صریخندگان دیگر !

الکساندروف معتقد است که تقریباً یکسال را در بر خواهد گرفت تا  
جهان باردگر تلاشگر روز روشن باشد ، این چه چیزی را اشکار میسازد  
یا توضیح میدهد ؟ جنگلات وسیع به صحرانیمه صحرای مبدل خواهد شد  
البدوی (یا قدرت انعکاس نور) سطح زمین دوچند یاسه چند خواهد  
گردید که در نتیجه آن نور خیلی کمتری از خورشید جذب خواهد شد و  
بدین ترتیب تمام سیستم اقلیمی جهان دستخوش تغییر خواهد گردید ،  
این نشانه هنده ، امکان پیدایش یک صریخندگان دیگر است .  
ملزوماً الکساندروف و ستنچیکوف محاسبه کرده اند که در حدود (۸) ماه  
بعد از درگیری ذروی ، هوای گرم بر روی ساحات تبت و بعضی نقاط دیگر  
موجب خواهد شد تا برفها و یخبندانهای ساحات مذکور آب گردیده و  
در نتیجه آبهای خیلی زیادی بر روی قاره ها سرانبر خواهد شد ، بار  
دگر سبیل عظیمی توأم با درجه حرارت قطبی همه جا را فرا خواهد  
گرفت .

تمام این (( سناریو )) ها تصور میکنند که فاجعه ذروی در صورت وقوع  
در نیم کره شمالی رخ خواهد داد ، چون کله های هوای سرد و نیم  
کره در اثر مانع اقلیمی غیر مرئی خط استوا از هم جدا شده اند ، انسان  
میتواند تصور کند که بازماندگان این فاجعه نهایت در نیم کره جنوبی  
پناه گزین شوند .

زمستان ذروی بر تمام مناطق تا ثیر خواهد انگذد !

بدبختانه به چنین امدها و آرزوها بخود دلپسه اند ، طبق  
نظر الکساندروف این مانع را تفاوت های درجه حرارت بین دو نیم کره  
از بین خواهد برد .

این فرضیه که هیچ منطقه ذی بر روی کره زمین از این فاجعه در  
امان نخواهد ماند بهر جهت تحقیق مستقل دیگری تأیید شده است .  
کارل ساگان دانشمند امریکایی و گولیتسین و گمنزوری دانشمندان

شوروی در مطالعات و تحقیقات شان بهر این تغییرات ممکنه در اتموسفر  
بعد از جنگ ذروی به چیزهای تازه و مشخصی دست یافته اند ، آنان  
توفانهای خاکی را که بر سطح کره میخ بر وقوع می پیوندد بعنوان مثال  
می آورند .

طبق نظریه گولیتسین ، خاکتوده هایی که از کره میخ در آسمان  
تابستان بلند میشود ، تمام کره میخ را در ظرف چند هفته در بر  
میگیرد و درجه حرارت کره میخ را بصورت کلی تغییر میدهد ، سطح کره  
سرد میشود در حالیکه اتموسفر بسوی بالا گرم است و به شکل متناقض  
جهان پیدا میکند ، همچو چیز مشابهی بر روی سطح کره زمین نیز اتفاق  
خواهد افتاد ، بر طبق تخمین های نهایت مستطانه ای که بعمل آمده  
آلوده کی اتموسفر ناشی از جنگ ذروی در تمام کره زمین از شدت شمعاع  
خورشید که به سطح زمین میرسد ظرف چند هفته در حدود (۱۵۰) -  
مرا تبه خواهد کاست .

مودل های اقلیمی ایالات متحده و اتحاد شوروی نشان میدهد که  
بعد از انفجار (( صرف )) ۱۰۰ میگاتن (( معادل ۸۰۰۰ هیروشیما ))  
کره زمین برای زندگی انسان یا هر ارگانیسم زنده دیگر جایی مناسبی  
نخواهد بود .

یک شب طولانی و خاموش

بر طبق نظریه ایرلیچ ، دانشمند بیولوژی در پوهنتون ستانفورد  
کالیفرنیا ، هر بخش از جهان زنده که از فاجعه ذروی در امان مانده  
باشد در هر صورت محکوم به فنا خواهد بود ، علت ساده آن اینست  
که فوتوسنتز ، این پایه و اساس زنده گی نبات در تاریکی غیر ممکن  
خواهد بود و بدین زندگی نبات تمام حیوانات بازمانده از فاجعه از بین  
خواهد رفت .

حتی اگر تصور کنیم که شرایط نیست شکل ارتجایی بخود بگیرد ،  
در آن صورت جهان با خطر دیگری یعنی شمعاع قوی ماورای بنفش مواجه  
خواهد شد .

تشکیل مقادیر نهایت زیاد نایتروجن اکساید در ساحه اطراف قشر  
اوزون اتموسفر طبق نظریه اسرائیل ضو اکادمی علوم اتحاد شوروی  
بقیه در صفحه (۲۲)

اگر بوی نعیت و احوال کونی زنده می یابم مرد کتیبه اراد من عمل بین اوست بر اراد ۳۱ انه و من کونی او بیاسور بیعی می تواند آید او را شکل ن مد و حتی جریان حسان حارن او را نیز تغییر دهد ۱۰

از حکایات باستانی هند  
مترجم: ع. فرحسوی  
پارسی و متن داری

شب شور و سرور بود چون شای  
بایسری که بر این آرزای شده  
بود شادمان گردیده بود بنا  
و ملکه بخاطر دست یافتن به این  
الطاف و بخشش شامی از شعایر  
و مراسم را بر پا آورد و ریاست های  
بسیاری کشیده بودند از سر  
آنها از زمان ازدواج شان در  
دوازده سال قبل تا این زمان  
کودکی بدنی نیاورده بودند  
ملکه از سوی همه نزد یکان و  
عزیزان تهنیت گفته شده بود  
کودک خوشدل و زیاده رکاب او  
لمیده بود هنگام نیمه شب از  
همه تقاضا شد تا بخیرد اخلسی  
کاخ را ترک گویند تا ملکه  
که خدمه ها در بیرون از اتاق  
نگهبانی اثر میکردند خواب  
را حسی داشته باشد بجز آنها  
خاموش شدند  
ملکه ساعتی خوابید اما ناگهان  
بیدار شد و بد نظر رسید که نوری  
در نزدیکی سرش ظاهر شده است  
چشماتش را گشود تا به منبع نور  
نگاه کند آنچه را دید او را به  
شگفتی واداشت آنجا یک موجود

نورانی ایستاده بود و دست  
را ستر به سوی سرکودک نوزاد  
کشیده شده بود چون ملکه به  
آن نگریست موجود نورانی  
دستش را عقب کشید و لبخند زد  
ملکه بر حایر نشست و گفت  
من نمیدانم تو کیستی اما یقیناً  
تو پدیده بود آسمانی است  
چون نورانی خاموشی گردید این  
کار ملکه را شگفت زد ساخت  
ملکه گفت  
بر شما گفتمی زیند  
و مود با نه افزود  
آیا شما یک موجود آسمانی  
نیستید  
رب النوع سرنوشت گفت  
بلی استم اما من رب النوع  
سرنوشت ایتم و یگانه و شیعه من  
اینست تا آنکه را در زنده کسی  
برای یک نوزاد فراهم شده  
است در پیشانی او بنگسیار  
من نمیتوانم چیزی را بیشتر از آنچه  
(کارما) برای یک کودک مقرر  
داشته است از زود من درختان  
تولد هر کودکی را تعیینم اما  
مردم مرا نمیتوانند ببینند اینکه

توانستی مرا ببینی بیانگر عفت  
خاص و بذاتی بی است که تو  
یداری با وجود آنکه خود از آن  
آگاهی نداری  
ملکه در برابر رب النوع خم شد  
و پرسید  
آیا آنکه را در پیشانی کودک  
من نباشته این برای من آشکار  
نخواهید کرد  
رب النوع سرنوشت گفت  
من نمیتوانم آشکارا تمسحتن  
اگر اینکار را بکنم برای توست  
ندارد از سوی دیگر اینکار  
بدون هیچگونه تزیین با عفت  
شگرافی تو خواهد شد  
شما همین الان نیم از آن به  
را آرزو داشتید بدانم برایم  
گفتید چنین به نظر میرسد که  
هیچ چیز خوبی در سرنوشت  
بسم وجود ندارد شما باید تمام  
حقیقت را برایم بگویید در غیر این  
شمارا نخواهم گذاشت که بروید  
اگر با جبر بروید من خود را  
خواهم کشم  
ملکه این جمله ها را با صدای  
نرم ولی مضم اشعار کرد  
مباحثه بین ملکه و رب النوع  
ساعتی ادامه یافت بالاخره  
رب النوع مجبور شد تا برای ملکه  
اشکار سازد که بر او در زنده می  
خواهد کرد و دراز کاخ در  
جنگلی خواهد زیست  
ملکه دریا را میرومید میگریست  
اما بخورد جزا داد تا از  
رب النوع خوشبختی تقاضا کند  
که اندکی بارید بختی بپوش  
را کاهش دهد  
رب النوع گفت  
خوب من تضمین میکنم که او  
هر روز توانایی شکار یک آهو را

داشته باشد و این امر بزرگی از  
سرنوشت او خواهد بود بیشتر  
ازین تازی کرد نمیتوانم  
و سر این سخن ها رب النوع  
ملکه را ترسید  
روزها سپری شدند ملکه در  
و وسواس خود را در دل نگه داشت  
یک سال بعد شاه بیمار شد و  
در گذشت وزیر سیمه کار او  
تا شاهی را به بهانه اینکه  
شهرزاده خرد سال است تمسب  
کرد و در پیشان سعی کرد تا ملکه  
و شهرزاده را بکشند اما ملکه با  
شهرزاده کویت به موقع فرار  
کرد و در جنگلی پناه گرفت  
پیش گویی رب النوع مرگ بسمه  
و اقیعیت پیوست هر نام ملکه  
جال های را در گوشه و کنار جنگل  
می گسترانید و صبح بعد آهویی  
را در یکی از جال های یافت  
ملکه آهو را به یکی از جنگل نینان  
میداد و او آنرا در شهر می فروخت  
و بهایش را به ملکه می سپرد  
به این ترتیب سالها سپری  
شد بزودی شهرزاده نوجوان  
به یاری مادر شتابید در عین  
حال شهرزاده به شاکردی یک  
تارک دنیا رفت بنوشتن و خواندن  
و فلسفه را اموخت  
روزی شهرزاده در اندیشه بی  
با خود میگفت  
بسیار شگفتی آور است که  
هیچگاهی بیشتر از یک آهو در روز  
شکار نمیکم در حالیکه هر روز در  
پنج محل جال میگذارم و بسیار  
عجیب تر اینکه هیچ روزی را بدون  
یک آهوی شکار شده سپری نمیکم  
مادرش که این سخنها را  
شنیده بود گفت  
این بخاطر است که شکار یک

آهو در یک روز جزئی از سرنوشت  
توست  
به این ترتیب ملکه بخشی از  
راز را آشکار ساخت شهرزاده  
اصرار ورزید تا بداند که مقصود  
مادرش چیست و ملکه مجبور شد  
تا همه چیز را به یک به او بگوید  
شهرزاده نشست و در سکوت  
تزیینی فرورفت پس از سکوت  
طولانی گفت  
مادر! من سرنوشت خود را  
تعمیر خواهم داد  
بسم چگونه اینکار را میتوانی  
بکنی کی میتوانی سرنوشت خود  
را تغییر دهی  
شهرزاده نوجوان گفت  
اگر من مسؤول سرنوشت کونی  
خویشم به خاطر اعمال خود در  
زنده می قبلی است بسم من  
میتوانم اینکار را بکنم  
شهرزاده ساعات طولانی بسمه  
اندیشه فرورفت و بعد با چهره  
مغمم برخاست  
روزی دیگر او به عور پنج جال  
فقط یک جال را در گوشه بی از  
جنگل گسترانید و در نور یک  
پیشینی کرده بود یک آهو را  
در جال یافت  
روز بعد به عور اینکه جال را  
روی زمین بگستراند آنرا در  
شاخه بی از درختی آویخت  
با وجود آن صبح روز بعد آهویی  
در جال گیر مانده بود  
و بعد جال را در بلند ترین  
درخت آویخت و همین سان گرد  
گرد درخت آتشی بزرگی افروخت  
نیمه شب از خواب بیدار شد  
و موجود نورانی بی را در کنارش  
یافت  
شهرزاده پرسید

آیا عارپ النوی سرنوشت  
استیسه  
رب النوع خشمگین گفت  
بلی من استم منظور تو از  
او چکن نیال در درخت بلند و  
افروختن آتس پیرامون آن چیست  
آیا تو میدانی با وجود یک من یک  
رب النوع است در نیای عینی  
من خلاف توانین بیعی نمیتوانم  
کار بکنم نمیدانی که بگردن  
آهوه بالای درخت تازی است  
دنیار  
شهرزاده گفت  
اما شکار یک آهو در هر روز جزئی  
از سرنوشت من است اینکه  
چگونه آنرا در جال من گیر  
میاندازی کارتوست  
رب النوع گفت  
آیا باید بخاطر خوشبختی  
که برای تو تضمین کرده ام مزا  
حم من شوی  
شهرزاده آهسته گفت  
اگر کار ترا نوازنی ساختم  
تو در برابر من ظاهر میشدی  
اما تو چرا میخواهی که من در  
برابر تو ظاهر شوم  
تا آنکه آنچه را در پیشانی من  
نوشته بی و مرا محکم به زنده می  
در تبعید میکند از جبین من  
بزای رب النوع سرنوشت  
سکوت کرد شهرزاده چشمانش  
را بست و با حرارت و اشتیاق ملهم  
از یک سرنوشت تو گردید لحظات  
طولانی سپری شد شهرزاده  
احساس کرد که دست رب النوع  
از پیشانی او میگذرد بعد  
چشمانش را باز کرد  
رب النوع سرنوشت گفت  
با اراده و آرزوی خود تو قادر  
بوده ای تا سرنوشت را عوض کنی  
و افزود  
احسان و بخشش من با تو  
خواهد بود  
و آنگاه ناپدید شد  
روز بعد خوب شکی خوبی  
قیام در کاخ سلطنتی را به شهرزاده  
و مادرش آورد قاصد تخت و  
تاج که مستبد و مستگر شده بود  
از سلطنت خلع گردیده بود ملکه  
و شهرزاده بزودی به سوی کاخ  
رفتند همه کس ملکه را شناخت  
چشم و سرور بزرگی بخاطر اعاده  
تاج به وارث حقیقی آن برپا شد  
و شهرزاده به حیث شاه تاج پسر  
سرنهاد



# مراسم یک تدفین

# امپراتور

از آنجاییکه پیرامین ۶۲ سال مراسم تدفین امپراتور توری صورت می پذیرد، حکومت جاپان با مصلحت دبلوماسی رویرو بود؛ چگونه مثال، چطور میتوانست یقین حاصل نماید که جورج بوش مجبور نشود که تارسیدن نوبت الفبایی کشورش، جهت ادای احترام در برابر تابوت امپراتور، قریب سه ساعت انتظار نکند. اعضای کمیته موظف در وزارت امور خارجه جاپان تا ساعت ۲ یا ۳ شب روی حل همجو مسائل مصروف کاری بودند. قرار معلوم وزارت خارجه کشوری از وزارت خارجه جاپان تقاضا به عمل آورد، بود تا وقت مواصلت رئیس دولت متبوعش، به منظور رفع احتمال آماج گیری از طرف قاتلان سری نهداشته شود. حکومت دیگری خواسته بود که در مورد شاه کشورش ((که نهایت مغرور است)) توجیه بخصوصی میندول گردد. جورج بوش در نخستین مسافرت خارجی خود بحیث رئیس قوه اجرائیه کشور، با سران دولتی زیادی از جمله روسای جمهور فرانسوا میتران، از فرانسه، کورازون اکینو از فیلیپین، حسنی مبارک از مصر، خواهد پیوست. روهامرفته از جمله پیناز ۱۴۰ هیات ملی شرکت کننده در مراسم در ۵۲ سران دول قرار داشتند.

## درین مراسم جاپان بایست پلوما

## سی امنیت سنن هبی بهم می میخت

قرار اظهار یک ما مورسابقه در جاپان مراسم تدفین امپراتور، از نگاه دبلوماسی، به مقایسه با بازهای اولمپیا ۱۹۶۴ و کنفرانس عالی اقتصادی ۱۹۸۶ در توکیو، شخصیت های برجسته (VIP) زیادی را در برهم آورد. بود. هزاران ژورنالیست مطبوعاتی و تلویزیونی در شهر سرازیر گردیدند. اگرچه مواظبت و تغذی این همه مهمانان کار ساد موهلی نبود، در پهلوی آن حکومت مدراعظم جاپان بایست آنانرا از حملات تروریستی معشون نگه میداشت و مراتب معمول تشریفات بین المللی را با مراسم سنن شنتو منساخت. در حالیکه همه اینها خود را به بهترین وجهی در ذهنیت عام داخلی تبارز میدادند.

در واقعیت امر، توجه از متونی به مهماندار، یعنی خود جاپان، معطوف گردیده بود. هیرو-هیتوئه تاریخ ۷ جنوری درگذشت، مگر جسد وی معرولاکند در بین چند تابوت چوبی مسلسل، با یک شمشر تشریفات برسران - به منظور اجرای یک سلسله مراسم پیش از مراسم اصلی در کاخ امپراتوری نگهداشته شد. با وصف پیشینی ها، که مرگ امپراتور احساسات ملی و انتحارهای سنتسی هب گریبان دست راستی را برخواهد انگیزخت.

مردم جاپان پسران تعدادی رسمی در روزه به زندگی عادی شان برداختند حتی چین غزا در آری بعضیها احساس مینمودند که با درگذشت امپراتور آخرین نشانه بیوند شان با جگه جهانی دم، با رسمولیت ازد و شرفشان برداشته شده است. مراسم تدفین میرفت که مصیبت های هنرمیت و انشال پسران جنگ را به دست تاریخ بیسار. ازان نگاه، بعضی ها آنرا به جهت تجلیل تبار جاپان بمثابه نخستین بر قدرت غیر نظامی جهان تلقی میکردند، به همین علت حتی کشورهایی که در جنگ جهانی دم از تحسار و جاپان آسیب دیده بودند، مانند چین و کوریا، ی جنوبی، به اعزاز ما موران عالیرتبه شان برداشته بودند، که در آنجا هنوز احساسات غمگین

جاپانی ناشی از بد رفتاری با اسرای جنگی باخ خود باقی است، به اعزاز شهزاده فلیپ بسنده کرد. اتحاد شوروی، با وصف وجود اختلاف نظر هساروی تلتک جزایر شمال جاپان، انا تولی کولیا توف، معاون رئیس جمهور را گسیل داشت.

مینی برگشته های خانی، که در جوار پارک تعیین شده برای برگزاری مراسم تدفین به سسر میبرد، مقامات امنیتی جاپان به منظور جلوگیری از ورود تروریست های افراطی، اعضای ارتش سرخ مخالف سیستم امپراتوری، و مواد انفجاری سه توکیو ۲۲۰۰۰ بولیس شد تروریستی را بسج نمود. بود تا به تلاشی مسوترها و اموال تجارتی زمینی و هوایی در نقاط مختلف مرکز و همیه شهر ببرد از بند. موضوع پارسی که در تنظیم مراسم در نظر گرفته شده بود آشتی دادن در نقش متضاد امپراتور بود؛ نقش سنتی پیشوایی مذ هب شنتو نقش ریبر دولت فیریند هبی، باین معنی که تاجه حدی در مراسم مذ هب و تاجه حدی تشریفات دولتی مراعات میگردد چه ماده ۲۰ قانون اساسی جاپان مشعر است که هیچ سازمان مذ هبی نه از امتیازات دولتی ونه از صلاحیت سیاسی بهره مند شده میتواند. دست راستی های شنتو قاندا داشتند که مراسم باید کاملاً مذ هبی باشند و استدلال شان روی این واقعیت استوار بود که مراسم تدفین سران تمام کشور و جاپان چوب سنن مذ هب شخصی ویا فامیلی شان صورت میگردد. برای رسیدن به یک تفاهم از عناصر مذ هبی مراسم تاحد زیادی کاهش بعمل آمد و لوکه بحدی نبود که موجبات تقاعد حزب کمونسنت جاپان را، که قصد تحریم شرکت در مراسم را داشت، فراهم سازد.



بعضی از مهمانان خارجی، مخصوصاً وقتی که هوا سرد باشد، حسرت تحریم کننده گان مراسم را میخوردند. بارک شنجو کوکون، که باشکوه های گیلان خود شعرت دارد، به نسبت آماده سازی برای مراسم تدفین، بروی مردم مسدود بود و رانجا یک مالون مراسم، که دارای یک دروازه چوبی سه ارتفاع ده فت بود، ساخته شده بود. در مراسم مذ هبی پسر ۵۵ ساله امپراتور نقش همانند آرو - رهبران مذ هبی شنتو نقش بر گزار کننده رسمی مراسم را ایفا نمودند. در پایان مراسم مذ هبی بیانییه های از طرف مدراعظم و دیگر ما موران جاپانی - ایزاد گردید و بند عوین در برابر تابوت ادای احترام نمودند و سپس تابوت به گورستان واقع در تبه های نرین توکیو نقل داده شد.

از آنجاییکه هوای فیروری توکیو سرد بود حکومت جاپان تاحد ممکن در وقت مراسم کاهش بعمل آورد تا مهمانان خارجی را هوای سرد آن پت ننمایند. البته صرف سمعی و معارف زیاد وقتی رضایت بخش تلقی میشود که خوشی خاطر مهمانان فراهم ساخته بتواند. د پلوما سنن زیگانه غالب اوقات سننسی حکومت و ریبر مشکلات جاپان را در خارج کشور بهتر جلوه داده است و حکومت موجوده جاپان نیز به چنین امری احساس نیاز مندی من نمود. به این نسبت مدراعظم جاپان تاحاییکه ممکن بود شخصاً از مهمانان رسیده گئی نمود، اما نظریه کی وقت و تعداد زیاد مهمانان عالی مقام او ده دقیقه وقت را برای هر عیانت تخصیص داده بود، امپراتور جدید و خانش از روزهای جمع و روشاها ن شخصاً رسید گئی نمودند و یاز پیران ملاقات گروین بعمل آوردند.

## زخم معده یک مریضی

نوشته دکتر کورون الله روحیان  
مکروبیست  
کشف میکروب کامیابلو بکتیر پیلوس (Compylobacter pylori)  
در سال ۱۹۸۲ تغییر فاحش را در طرز شکم و اسباب گستریت های مزمن و فرخات خماساز همگی بوجود آورد. تقریباً ۱۰ فیصد مرخصان قرحه اثنا عشری ۷۰ فیصد فرخات معده، میکروب پیلوری را در معده شان حمل نموده و محو همین ارگانیم از وجود بافت صحت و ترمیم گستریت ها و فرخات میگردد.

سابق تفکر در مورد اسباب فرخات یاز خم معده اکثراً به اساس تغییر توازن بین ترشح اسید معده و مقاومت میکروبی جدار معده فکسر میشد که تداوی هم به همین اساس بیان میشد ولی در این اواخر فلان بالایی فکتور های که باعث تنزیل مقاومت جدار معده میگردد، تدفین نموده یک علت معده همین میکروب پیلوری را در یافتند که میکروب یک قدرت خاصی در تغییر محیط معده و محافظه موضعی معده و میکروبی آن را داشته و میکروب در جدار معده توصل نموده و باعث نابودی قشر محافظی میکروبی معده میگردد. اکثراً ۲۰ فیصد انسانها در یک وقت، صاحب این میکروب میشوند. و افرادی که این میکروب را دارند ۲۰ مرآتیه اماتف تراز مریمان نورمال خطر تشکیل فرخات را دارند، هر انسان ممکن در طول زندگی ۱-۲ بار به این میکروب صاحب گردند و نسبت به رشد بودن مقاومت فردی یا استعمال آنتی بیوتیک که ممکن به هدف دیگری خورده شود، این میکروب از صابین آن نابود میگردد.

در سابق گستریت ها و فرخات را مرتبط به قلوبی اثنا عشر - تشوش روحی، سکر و مسواد مخرش مثل الکول، مرچ، غذای تند، اسپرین و یا خانوادہ آن میساختند. ولی این مسواد فقط میتواند یک سرخی و تخریش و معما تخریب جدار معده را تولید کند ولی نمیتواند باعث التهاب مزمن گردند ولی در صورتیکه قرحه موجود باشد باعث تشدد آن میگردد.

میکروب پیلوری یک میکروب گرم منفی شکل S مانند که یکانه مکروبی است که میتواند در جدار معده، کولونی های تشکیل داده و خود را از اسید معده توسط یک قشر پیلو از با کار بزیست و میوکشن محافظه کند. و اکثر این میکروب در رواجی که باعث ترشح میکوشن میگردد، تراکم نموده و در ضمن برای محافظه اسید میکروب، یک قدرت خاص فعالیت میتا بولیکی و تولید یوزیا هارکتالیزها را داشته که باعث تولید آمونیم باي کار بزیست از یوزیا میشود که مشابهت با میکروب های نوع سیا سیرولایا هاداشته و از همین سبب ممکن این میکروب در ابتدا از حیوانات به انسان انتقال کرده باشد.

برای اولین بار در ۱۹۳۸ Doenges  
بقیه در صفحه (۹۰)



# صدای

# جاودانه سده ها



ترجمه: علی ائیسر



به‌مینگونه موکیش درین قام کردن ریکارد از لحاظ کمی آهنگهایش نبود. برای او یک آهنگ ارزشناکی این را وقتی داشت که احساساتش را در آن انعکاس دهد. به‌عین دلیل هم است که وقتی هزار آهنگ بجامانده او را در آن‌ها مردم بد آوری می‌گیرند پاسخ مساعد گرفته می‌شود. بسیاری آهنگهایش ملو از روح هنرموسیقی است. گدایان و شراب - نمند آن آهنگهایش بطور همگون حفظ می‌شوند.

موکیش چاند متور، همانند دیگر کمپوزر موسیقی ((وسانت دیسای)) باورهای بازگشتن و آرد نیای سینما شد ولی نتوانست در بیشتر از چهار فیلم ظاهر شود. شکست او در بازگشتن به هنر او از خوانی این نیز تا "تیر منق" بجا گذاشت. حتی نخستین آهنگ غیر فلیش این را که به اساس یکی از آهنگهای ((بنگ ملک)) سرود چنگی به دلها نزد همانطور که نخستین سه آهنگ فلیش این سرود توجه قرار نگرفت. او تا گریه در یک مکان بدون برداشتن یک کلمه مدتها باقی ماند تا اینکه در ۱۹۴۵ ((کشف)) شد.

عقیده عمومی بر این است که ((انیل بیسواس)) یکی از موسیقی‌دانان برتران مشهور فلیش، برای اینکه از او یک آواز خوان بسازد موکیش را با سیلی زد. اما خود بیسواس این انسانه را زد کرده میگوید: ((شاید برای هر خواننده تازه کار در عصر موکیش عشق بوزیدن به آواز سیگل مود بود. من خوبی خرابی داشتم. وقتی موکیش از ناتوانی این در سرودن آهنگ حزن بیاورده تهدیدش کردم که در جلو ارگستر -

لک و کوش خواهم کرد.))  
بقیه در صفحه (۷۸)

گفته میشود وقتی شاهان می‌میرند خسوف رخ می‌دهد و طبیعت به عمیان بر میخیزد. ولی وقتی شاهان دنیای موسیقی - سیگل، موکیش و راج-سید مردند چنین چیزهایی واقع نشدند و در عوض نوت‌های ناموزون از سفوتی زندگی بگوش رسید. وقتی موکیش ((الوداع)) گفت اکثریت مردم ضایعه عظیمی را احساس کرده‌اند زیرا موکیش صمیمیت خود را به مردم عادی با آمیختن آرزوها و رویاهای آنها در لایه‌های آهنگهایش تبارز داده بود.

به اساس کار ((هریش رهوانشی)) که به‌عنده گرفته است تا تمام آهنگهای موکیش را در یک کتاب جمع و انتشار دهد، موکیش در طول ۳۰ سال کار هنری اش مجموعاً هزار آهنگ دارد. یعنی بطور اوسط در هر سال ۲۸ آهنگ سروده است. از نگاه کمیت البته که تعداد قابل ملاحظه نیست، اما کمیت صرف تعداد و ارقام را بیان میکند نه قلم تسخیر شده هنری را.

بطور مثال سیگل در تمام حیات هنری اش صرف دو صد و پنجاه آهنگ سروده ولی اینکه او چه سرود با ارزشتر است تا اینکه به چه تعداد در سرود! سیگل این امتیاز را داشت که آهنگها کمپوزیتورهای را خواند که انعام درین سودجوی نبودند ولی موکیش در آثارهای عنکبوتی سینمای تجارتن گیسر - مانده بود که بعضاً با وجود عدم تطابق برخی از کمپوزها با صدا پیش بطور لایه‌ای می‌بایست آنها را می‌سرود، با وجود آنهم غالباً انسان - آوازین آهنگهای بدیعترین عارایی ساخت. طلعت محمود یادداشتن ششم آهنگ شاید در انتخاب کمپوزها سختگیرانه برخورد کرده است.



## یک هزار آهنگ در ۳۰ سال کار هنری





صاحبا ز پوپل

# لیلا، لیلا نو روز است خدا یاد دنیا کو روز است



## نعیم پوپل چگونه مجبور شد وطن را ترک گوید



زنده گان را در یوتلوزین از طرف شما ازین غذا محروم اند علت چیست؟

— شما واقعتاً را گفتید من صرف در عروسی ها و محافل خوشی دوستان میروم و من

— در راد یوتلوزین چرا؟

— این چرا را باید از خود اینها بپرسید، از بد بريت موسیقی راد یوتلوزین که زنده باشند در روزه های مایوسی را بروی من کشود اند. همین حالام در حد و د (۵) پارچه برای بهار تعبیه د پده ام. انراد در طلوع سوزنیک ثبت میگردم بعد از از زبانی اگر خدا بخواید که بد پرفته شود انرا لبسنگ خواهم کرد.

— خوب نفهمید من کلام را از موسیقی آغازیدم ولی شما ما یوس گله و شکوه به خورد من داد پس یعنی چه؟ بیایید از سالهای دور صحبت کنیم از سال ۹۶ که همکاری تانرا باراد یوتلوزین پده از همسان اهنگ نخست او از تان برای اکثریت پت بد پرنده بود و است. پس بیایید در قدم اول از سرینش های هنری تان بشنویم، بعد من ایتم به طرف تلخی هایش.

— شما حتماً استعدادی برای آواز خواندن داشتید ولی ایانزد کسی زانوی شاکردی هم زد پده یا مشکل تعدادی از آواز خوانان ما گل خود رو بودید.

— من اساساً آواز خوانی را نزد برادرم نعیم پوپل امختم.

— میشود چند اهنگ او را نام ببرید.

— اهنگ: لیلا لیلا نوروز است خدا یاد دنیا کو روز است

همچنان اهنگ: قدح را سرگنیم شب را سرگنیم. از اهنگهاییست که در انوقت ها زیاد سزبانها افتاده بود.

— ای این اهنگ ها از مرحوم احمد ظاهر نیست؟

— اول نعیم پوپل انرا خواند. بعد مرحوم احمد ظاهر دوسه پارچه او را در کست خوانده است.

— اولین اهنگ من: نگاهت راز من برگیر و بگذر.

— در انوقت چند سال داشتید؟

— در حدود ۱۹ سال داشتم.

— برای چه کسی انرا خوانده بودید؟

— از شعران خوشم آمده بود.

— گویند تان که واقعتاً فقط همین بود.

— انرا برای کسی که فعلاً شریک زنده گی من است خوانده بودم.

— ایاد راول هاهم از طرف راد یوس مشکلات داشتید؟

— بلی. اولین اهنگ راد راد یوس با بسیار مشکلات ثبت کردم.

— در مجموع چند پارچه اهنگ در تان بشنویم، بعد من ایتم به طرف تلخی هایش.

— شما حتماً استعدادی برای آواز خواندن داشتید ولی ایانزد کسی زانوی شاکردی هم زد پده یا مشکل تعدادی از آواز خوانان ما گل خود رو بودید.

— من اساساً آواز خوانی را نزد برادرم نعیم پوپل امختم.

— میشود چند اهنگ او را نام ببرید.

— اهنگ: لیلا لیلا نوروز است خدا یاد دنیا کو روز است

بقیه در صفحه (۸۵)

گروه خودش قرار دارد. ازین هنر مند موفق در حدود (۱۵) - پارچه اهنگ در ارشیف راد یوس موجود است.

از اهنگهای خیلی به نام او که در انوقت ها زیاد سزبانها بود اهنگ لیلا، لیلا نوروز است و اهنگ (قدح را سرگنیم شب را سرگنیم) میباشد که بعداً مرحوم احمد ظاهر دوسه پارچه انرا در کست خوانده است.

... و این همه راولی پوپل برام قصه میکند.

ولی پوپل آواز خوان خوش صدا را که سالهاست بروی پده تلوزین بین زنده ام در یکی از عروسی ها بالای ستیز من بینم. او میخورد اند (( نگاهت راز من برگیر و بگذر که دیگر تاب پده ارت زد ام )) این اهنگ را چنان با احساس میخواند که با کف زدهای مستند استقبال میکردم. مگره او را درین جا غیر مترقبه بیدار کردم. ام از او دعوت مینمایم تا به دفتر مجله بیاید که به قولش من ایستد و می آید.

شماره مشکل بیدار کردیم چرا انراد یوتلوزین میگزینیم. علاقه مندان او از تان چی دارند؟ میگویند موسیقی غذای روح و زبان و احساسات است ولی تا جایی که دیده میشود بیننده گان و شنو-

بمیانند کشور ترک کند او نخست به ایران رفت. در انجا با گوشتوش خواننده پرواز به ایران اهنگهای د و گانه اجرا کرد. حتی زمزمه بین وجود داشت که با گوشتوش رابطه عشقی قائم نموده و با هم از نواج میکنند. بعداً از انجای فرانسه رفت و فعلاً در کالیفورنیا زنده گی میکند.

نعیم پوپل هنگامیکه کشور ترک مینمود متاهل بود او خانم افغانسی داشت که فعلاً هم با هم از زن و فرزندانش زنده گی مینماید.

ولی در انجا فعالیت گسترده هنری دارد. گروه او بنام (( گروه کامپین )) پلیمشود که در راد یوس وقت میخواند ام احساس من کرد صدایش چون رودی در رگ های جان جاری میشود.

وقت او میخواند فضا بسوی گلبرگهای شسته شده میداد.

وقت میخواند تو میگفتی گلها میشکند و شاخه های خشک درختان شکونه میزند.

در بریت که آواز خوش نعیم پوپل آواز خوان جوان و خوشوش صداشنیده نمیشود زیرا که او در کشور پیرو برای مردم د پگسر میخواند.

نعیم (پوپل) در سال ۵۴ جبراً روی یک سلسله مسایل و قضا یا مجبوری ترک کشور کردید. و قضیه ازین قرار است:

د دختری که به یکی از خانواده های بانام انوقت منصوب بود به نعیم پوپل چنان دل باخت که وقت متوجه عشق یک طرفه خویش گردید دست به خود کشی زد ولی نجاتش دادند. خانوادها دختر تصمیم گرفت تا بخاطر نجات دختر شان از انشی که تنها خودش در ان میسوزد نعیم پوپل را مجبور

## ولی پوپل درباره برادرش سخن میگوید

# زاکا کال وولک د ژرما راکا کال یوپی

کی نقل زره نازره وی یو آزی  
 د خیل احساس سره سم پرمخ  
 یی د خیل مراد د لاسسته  
 راور لود باره توله مخکه رانسکر  
 زوی د مار به کال زیزید لسی  
 هلك قهار شعوت پرست او  
 خورا حساس وی اوزیزید لی نجلی  
 بنایسته وی به خایانیا نوکی  
 د بنایسته ستاین د باره مار  
 فوندي بنایسته اصطلاح وسیل  
 کییزی .

نیکمرغه به وی که د مار به  
 کال زیزید لی د گامینی اوچرگی  
 به کال زیزید لوسره واده وکړي  
 خود بیژود کال سره به طالعمنند  
 نه وی د پراگ او وحشی خوگ  
 د کلو سره به بد مرغه وی .

به یو یزیم کی مارک نیسه  
 موجود به توگه گیل کیزی د مار  
 رانو پاچا (موچالیندا) بوداد  
 سیل به وخت کی وژغوري مار  
 خو پی ی ترهغه وخته پوری ساتل  
 کیدی ترخود فیلسوف نگارچون  
 د نظر له مخی انسانان د مار  
 د پوهی سطحی ته ورسیدل .  
 همدارنگه به بوداییم کی مارک  
 تهر چرگ د شعوت او خوگ د  
 جهل سمبول دی .

د منحنی آسیا منحنی خلک په  
 دی عقیده دی چی د مار به  
 کال زیزید لی نارینه که د سړی  
 اومیزی به کال زیزید لی نجلسی  
 سره واده وکړي د هغه  
 اولاد ونه به نامتوانان د اره خلک  
 وی د مار به کال زیزید لی نجلی  
 که د چرگی اوتوپه کال زیزید لی  
 هلك سره واده وکړي دوی به  
 نجونی زیزوی .

د منگولیا اومنجوریا خلک عقیده  
 لري : (د مار به کال زیزید لسی  
 یو معتدل اوزره سواند مانسان  
 دی همدارنگه دی به منطقی  
 تیز فهم او برخله خبره ولاړ سړی  
 وی خو عیب به یی دشرویاتو  
 خنبل وی د زره مغلواو نوری  
 اوز دی ناروی به ولری د د  
 د باره لازم نه دی چی دخیل  
 رییس (وظیفوی) سره جنجال  
 وکړي به لومړی سرکی به رنغ  
 یو سی اووروسته به له منحنه  
 ولاړ شی .)

د مار به کال زیزید لی انسان  
 به تریوا ویا کلو پوری ژوند وکړي که  
 د پاک خدی د کراوتشا وایسی  
 مشکله خوگ خان حنی خلاصولو  
 شی د مار د نوروه نظریوا و فیصلو  
 وی .

د تبت د شپيته کلتی کییزی  
 بیل د جینی کییزی له بیل سره  
 سمون نه لري به تبتکی دا  
 دوره د سوي د کال خخه بیل  
 کیزی به پداسی حال کی چی به  
 جین کی د موزک د کال خخه  
 بیل کیزی به د دوی ترمنخ تو پیر  
 به د روگلوکی دی به دی خاطر  
 اوسنی شپيته کلتی دوره به جین  
 کی به ۱۹۸۴ کال او په تبت کی به  
 ۱۹۸۷ کال کی بیل شوه .  
 د ۱۹۸۹ کال د فبروري د  
 شپزیم نیتی به شیه نوي کال  
 یعنی د زره مار کال بیل شو .  
 (چی ۱۲۶۸ هـ ش کال هم به  
 همدی نامه یاد یزی) د طبیعی  
 عناصرو د دی رنگ سره  
 مخکه سمون لري کال مونث  
 (نرم) بلل کیزی د خختیو  
 خلکو په روایت به دی کال کی  
 زوری او بد مرضی بیسی سختی  
 نیستی تزلزل اوماته نه بیسیزی  
 د منحنی اوختیعی آسیا په خلکو  
 کی د مار خخه مختلف تعبیرونه  
 شته جابانیا ن عقیده لري :  
 ((مار د حکمت فراست اوارا دی  
 خاوند دی خورا طالع مند دی  
 هر خه ته بخان رسولی شی مار  
 متکبر او مغروردی خوشتریف اغو  
 سته شوی دی مار خورا خسرود  
 خواه او موزی دی خود علاقسی  
 په صورت کی مرستی ته هم دانگی  
 کله هم داسی ساتته کوی چی به  
 مشکله خوگ خان حنی خلاصولو  
 شی د مار د نوروه نظریوا و فیصلو  
 وی .

د هر عنصر د باره یوزرگی یعنی  
 سورد اور ژر د مخکی سپین د  
 اوسینی تور د اوبواوشین د در  
 ختی د باره مشخص شوی دی  
 کلونه به مذکر (کلک) اومونث  
 (نرم) ټول هم ویش شوی دی  
 د موزک پراگ نهنگه آس  
 بیژواو سینی کلونه مذکر (کلک)  
 اود گامینی سوي مار میزی  
 چرگه اوخوک کلونه مونث (نرم)  
 بلل شوی دی .  
 لویه یا شپيته کلتی دوره به  
 خختیوه اومنحنی آسیا کی لخورا  
 پخواخخه د تاریخ په مختلف زمانو  
 کی منل شوی ده . د انگیزه به  
 جین کی ترمیلاد مخکی به د وده  
 پی پی به جابان کی به مغولستان کی  
 به خلورمه پی پی به مغولستان کی  
 د میلاد په خوارلمه پی پی ۱۰ و  
 به تبت کی به ۲۷ ام کال کی منل  
 شوی ده .

همدارنگه کال میاشت ور  
 یی او ساعتونه هم دخارویوه  
 نامه یاد یولی لکه د (صفر متر  
 ۲ بجو) د موزک ساعتونه  
 (۲-۴ بجو) د گامینی  
 (۴-۶ بجو) د پراگ له  
 (۶-۸ بجو) د سوي او هندا  
 راز تراخره پوری یاد یولی  
 لویه کیزیه :  
 پنخه کوچنی د وولس کلنی  
 د وری یوه لویه شپيته کلتی دوره  
 جوړ وی به دی دوره کی یو  
 خاروی پنخه واره به تکرار یاد  
 یزی خوه هر وار کی یوزرگی د  
 هر خاروی د باره مشخص شوی  
 دی د ارنگره د پنخه طبیعی  
 عنصر یعنی درخته اور مخکسه  
 اوسپنه او اوبو خخه اخیسته  
 شوی دی د اوشیه لاند نیس  
 جدول کی به واضح ټول خر  
 گند یزی :

|        |      |        |         |         |         |         |
|--------|------|--------|---------|---------|---------|---------|
| مور    | نر   | ۱ شین  | ۱۳ سور  | ۲۵ ژر   | ۲۷ سپین | ۲۹ تور  |
| کامینه | بنخه | ۲ شین  | ۲۴ سور  | ۲۶ ژر   | ۲۸ سپین | ۳۰ تور  |
| پراگ   | نر   | ۳ سور  | ۱۵ ژر   | ۱۷ سپین | ۱۹ تور  | ۲۱ شین  |
| سور    | بنخه | ۴ سور  | ۱۶ ژر   | ۱۸ سپین | ۲۰ تور  | ۲۲ شین  |
| نهنگه  | نر   | ۵ ژر   | ۱۷ سپین | ۱۹ تور  | ۲۱ شین  | ۲۳ سور  |
| مار    | بنخه | ۶ ژر   | ۱۸ سپین | ۲۰ تور  | ۲۲ شین  | ۲۴ سور  |
| آس     | نر   | ۷ سپین | ۱۹ تور  | ۲۱ شین  | ۲۳ سور  | ۲۵ ژر   |
| میزی   | بنخه | ۸ سپین | ۲۰ تور  | ۲۲ شین  | ۲۴ سور  | ۲۶ ژر   |
| بیژو   | نر   | ۹ تور  | ۲۱ شین  | ۲۳ سور  | ۲۵ ژر   | ۲۷ سپین |
| چرگه   | بنخه | ۱۰ تور | ۲۲ شین  | ۲۴ سور  | ۲۶ ژر   | ۲۸ سپین |
| نپیی   | نر   | ۱۱ شین | ۱۳ سور  | ۲۵ ژر   | ۲۷ سپین | ۲۹ تور  |
| خوگ    | بنخه | ۱۲ شین | ۱۴ سور  | ۲۶ ژر   | ۲۸ سپین | ۳۰ تور  |

نامه یاد یزی به دی ټول :  
 ۱- موزک ۲- گامینه ۳- پرا  
 نگ ۴- سوي ۵- نهنگه ۶- مار  
 ۷- آس ۸- میزه ۹- بیژو  
 ۱۰- چرگه ۱۱- سپی ۱۲- خوگه  
 نوي کال به د جنوري د د یار  
 لسی خخه د فبروري ترخلو رو  
 یشتی پوری (د جدی رویشتم  
 خخه د حوت ترخلورمی پوری)  
 بیل کیدی تل د سپزیم به  
 لومړی وری نمانع کیدی .  
 منگولیا یی ژری ویونکی خلک نوي  
 کال (سگان سر) یعنی سپینه  
 میاشت بولی نوي کال به نیمه  
 شپیه نه نمانعی بلکه د نوي کال  
 به لومړی وری د سهار سپید وته یی  
 نمانعی اوبه دی سهار دی یی  
 سینی خلک د یویل کورته سس  
 نوي کال مبارکی وایی اوسفاتو  
 ویش د اعدا ت تراوسه پوری  
 به منحنی آسیا کی پاته دی به  
 به میلمستیایکی د فونواوشید و  
 خخه نیار سوي خوار به دستر  
 خوان اینول کیزی سپین  
 خوار به سپینه میاشت لور  
 حکمت د رلود او خلک په دی  
 ارمان وه چی د اخوا به به  
 نوي کال د رمو به زیانید وکی  
 اغیزه لري او د پوی خور لسو  
 به وخت کی یویل ته دخارویو د  
 بجایانو د زیزید ولو هیلیس  
 خرگند ولی اوبه مغولستان  
 کی اوس هم د نوي کال لومړی  
 وری خرنگه چی مخکی مورویل دوی  
 کیزی دی کوچنی کیزیه د وولس  
 کاله ده هر کال د یو خاروی به  
 یاد ییزی .

نه نگاری د دی پر خای چی  
 د اقمری شمسی ویولو به به  
 وی چی قمری شمسی  
 مشتري زحل کیزیه یی ویولو  
 حرکت د انگیزه د لمر سپزیم  
 مشتري زحل اومخکی د حرکتو  
 خخه ترتیب شوی ده د اداکبه  
 هم د وولس کلتی بلل شوی چی  
 د لمر به تاوخوا یاندي د مخکی  
 د حرکت خخه تصحیح شوی او  
 توگه ۱۱۸۶۲ کلتی دوره بولی  
 د اوزره د لمر به تاوخوا یاندي د  
 مشتري حرکت دی .  
 تراوسه پوری د دی کیزی د  
 پیدا کید و خای چاته بحرگند نه  
 دی البته به آسیا کی دی خو  
 به خختیوه یا منحنی برخه کی د  
 خرگند نه ده د یوی خوانجو  
 یی شمیزه د منحنی آسیا د کوچنی  
 کلتور خخه لیری بریسی اوبه قوی  
 احتمال د جین د خوزون نجوسی  
 تاریخ لاسرته راور نه بلل کیزی  
 د بلی خواد کیزی ټول خاروی به  
 لږ استتا (بیژواو چرگه) به  
 منحنی آسیا کی ژوند کوی اونهنگ  
 خوه هر خای کی ژوند کولای شی  
 حرکت نوحل به سل کی دیوه روایت  
 تا پیدا گاردی خو بیاه به  
 اعتماد سره ویلی شوی د دی کیزی  
 جوړونکی مخرایی کوچیان دی چی  
 د مخرکوی مد نیت خاوندان  
 وری خرنگه چی مخکی مورویل دوی  
 کیزی دی کوچنی کیزیه د وولس  
 کاله ده هر کال د یو خاروی به  
 یاد ییزی .

د هر نوي کال به راتلو سره  
 ټول خلک د نو یویدیدو البته  
 نیکمرغه یویدیدو به تمه وی  
 او هر یو د خیل قیاس سره سم  
 راتلونکی اټکلونه وړاندی کوی  
 د ابحوانی آسیا یی عادت به  
 اروپا کی اوس د کلتور او کچر جیز  
 گریخید لی دی خو پوهیزی  
 چی راتلونکی کال د کم خاروی به  
 نامه یاد یزی اوهغه ټول کالی  
 اوما سکونه واغوندي اود کال  
 به لومړی وری یا شپیه یو بنایسته  
 نویت بنکاره کړی به عانگری  
 توگه منحنی د دی پوینتی سره  
 په یوه علاقه خرگند وی اوزر  
 زره غواری چی د نوي کال هم  
 د هغه خصوصیات اوتقریسی  
 اټکل شوی راتلونکی خان تصعلیم  
 کسری .  
 د کلونود اوشی یوه خختیوه  
 عنعنه ده چی د یو خخه د  
 کیزی به ټول د کال د عدد د سر  
 خنکه د خاروی هم لیکل کیدی  
 د اوشی دوی د وری لری لومړی  
 یی د وولس کلتی اود وده یی  
 شپيته کلتی دوره ده کله یی  
 پوهان د کوچنی اولوی دوری به  
 نامه هم بولی د وولس کلتی  
 د نورولس هاوولکیزوه برتلسه  
 د ویره معموله کیزیه نه ده به  
 یقینی ټول د انگیزه د ویر  
 حقیقی نه ده لکه یوه نجوس  
 او کلتوری کیزیه چی ده به  
 علمی ادبیاتوکی یی کله قسری  
 کیزیه هم بولی خود ایقینی

د ننی آسیا و نرغاد محلی خخه  
 د شیر شاه رشاد ژباړه







# پیرین چوپیره جیره موفق

یکی از غریبانه گان بر فدرت سینمای هند که نه تنها با آفرینش نقشهای درخشان در فیلمها و در هشتاد و نه سالگی (مردانگی) زندگی می یابد، بر سر جو پیره است. از هنرنمایی این هنرمند میگردید با گذشت سالیان در بازیگری از هنرنمایی این هنرمند میگردید. نقیضاً به غیر ملامت این بازیگر در رقابت نقش نواز میکند که توجه بر تماشاگر را بخود معطوف داشته باشد. در این باره میگوید: «من میخواهم در فیلمها بازی کنم و در آنجا کار کنم و در آنجا کار کنم». او از جمله دست اندرکاران سینمای هند است. با وجودیکه به بازیگری در جهان برزق و برزق میگردید و برزق میگردید و برزق میگردید. او از جمله دست اندرکاران سینمای هند است. با وجودیکه به بازیگری در جهان برزق و برزق میگردید و برزق میگردید و برزق میگردید.

# مرد خشن با سحرین تیکو



در کارهای صحنه سازی فلم ها آموزش دید و به امورتیه فلم اشتغال پیدا کرد.

نخستین چانس خود را در فلم (خط بزرگ) (( بیک تول)) به دست آورد، پس از آن نزد بیک ده سال در فلم های ارزان قیمت وسترن (کاوبای) نقش های را ایفا کرده و بزرگترین چانس طلایی آن در سال ۱۹۳۹ به فلم جالب کاوبای بنام ستیگ کوچ (وضع گادی چهار اسب) میباشد.

در سال ۱۹۶۹ به گرفتن نقش کاوبای در فلم ((مارشال)) جایزه اسکار را بدست آورد. درخشندگی او در چنین نقش ها برای سالیان متعادي در زمره ستاره های ممتاز سینمای امریکا، او را از دیگر هنر بيشه گان متمایز می گرداند، به تایید این گفته هفده فلم اوسالهای زیبا دی بهترین ارقام احصایوی تماشاگران سینما را بخود منحصر ساخت. پس از آنکه جلو تر شد به رشته کارگردانی و تولید فلم پرداخت ولی درین زمینه موفقیت چشمگیری بوجود نیارود. بقیه در صفحه (۶۱)

اوزنده گی را دوست دارد - شت و برای حقیقت وانعکاس از واقعیت ها در کرکترهای خشن نومیرت و عاطفه وانسان دوستی را با تمام جسارت در قید تمثيل ارایه میداد. این ستاره سینمای امریکا يك نام شناخته (جان واین) که نام اصلی آن ماریون میخاییل مورسیون کبتاریخ ۲۶ می ۱۹۰۲ از پدر مهاجر اسکاتلندی و مادر ایرلندی اثن در ونیترساتل (ایوا) امریکا متولد شد، میباشد.

(جان واین) در ابتدا اعلا نمند بود تا آنسر نوای هوایی و - چندی در مکتب دریا نوردی - تدریس دید و پس از آن به کارهای متنوع بار زندگی را بدوش کشید.

در سال ۱۹۲۸ جان واین به استدیوی فوکس در شهر لانس. انجلس مراجعه کرده و در آن جا

# سیدین خاموش شد



وچنان رفته بود که سینما گری برای همیشه چشم از جهان سینما و سینماگری برینده و افرینشگری جاودانه دست از قلمزنی برگیرد. آن که میخواست از سناریو های نوشته اش فلم و سریالی و نمایشنامه ها از ستر سپید کاغذ به پرده سپید سینما صفحه تلویزیون - صحن ستیز راه یابد و جلو آخرین گردد. ولی دریح که دست بمسرد مرگ آرزو هایش را به انجام و کرختی کشانید بقیه در صفحه (۶۰)

# نقش جدید من

امین رحیمی صحبت می کند



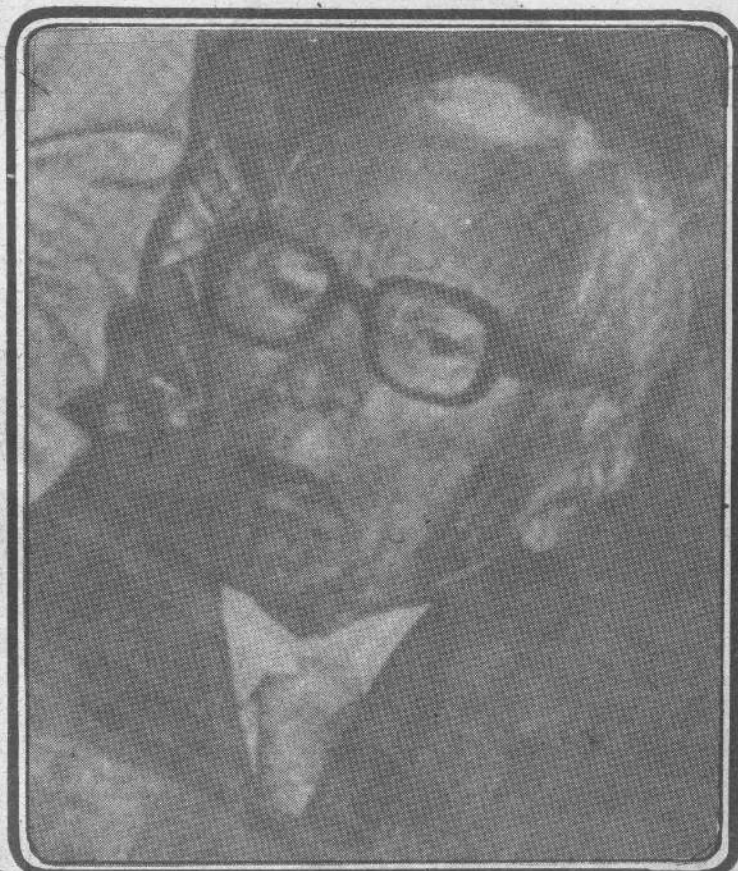
نقش جدید من در فلم هنری رنگه ۳۵ میلی متری بنام سفر میباشد که سناریست و کارگردان آن محترم سعید ورکری میباشد. بقیه در صفحه ۶۳

آرها



نقش

# قافیه و قیافه کوچک درسیمای یک مرد بزرگ.



## چهارلی در صد سالگی

استعداد و شهرت افسانوی  
چهارلی در سراسر جهان  
معرفی است

شخصیت خالص که در زمان  
حیات خود به شهرت و محبوبیت -  
افسانه بین میرسند بسیاری انگشت  
شماراند ، بخوبی کسانی چون  
چارلی چاپلین که برای مدت زمان  
شواری محبوبیتی پایان ناپذیر در  
میان مردم جهان داشته باشد .  
چارلی چاپلین بزرگ که در این  
روزها در سراسر جهان با حرمت و -  
ارادت نهاد به مقام والا او ، صد  
سالگی تولدش را جشن گرفتند -  
استعداد این شهرت آفرین در  
ضمیمه همین گردیده بود .  
دو سال پیش از ظاهر شدن چارلی  
برای نخستین بار روی پرده ، هر  
خانواده از نمانش آگاه بودند -  
موسکها ، اسپا ، بازی کودکان و حتی  
مسابقاتی به نام چارلی چاپلین -  
مسی گردید ، مردم رقص شبیه راه  
رفتن چاپلین ابداع کردند ، نامش  
ورد زبان اطفال بود ، حتی در فلما  
مقاله چاپلین پدیدار گردیدند .  
چاپلین سیمای جاودانه شخص  
را در دل پرده سینما خلق کرد که  
همه مردم جهان ، خورد و بزرگ از  
دیدن آن شادمان میگردد و کیف  
میبرند ، کیدیهای او حکایتگر  
نابسامانی های تجسم کننده تب  
های معین روزگاران فلماهای  
صامت و فلماهای ناطق ، روزتا روز  
کسب اهمیت و اوج مینماید ، بهترین



است که این بزرگ مردسینما  
 همیشه ، کارگردان ، کمپوزتور و  
 پرودیسور را از زبان خودش شناخت .  
 - چه کارهایی که نکردم ؟ روز-  
 نامه فروش ، شاگردی حروف -  
 چینی ، شیشه سازی ، ساختن  
 بازیچه ، اطفال ، نوکر داکتر و غیره .  
 مگر در تمام این مدت مصروفیت به کار  
 های جانبی هرگز هدف غایی اکتور  
 شدن را از یاد نبردم .  
 تازه مانیک تغییر حرفه میدادم هر-  
 نوز از جلادان بوتها ، شانه کردن  
 موها ، پوشیدن پیراهن پانک و از  
 رفتن گاه و بیگاه به تئاتر (بلیسک  
 هاور) ابانه ورزیدم .  
 - درستدیوی کمینی که مستون مک-  
 سنت ، سه بیوت صورت کار بودند ،  
 من هم طبعی بلهاس فادی در جای-  
 ایستادم تا مک سنت مرا خوبتر ببیند  
 اودر حالیکه آخر میگاش را میجهند  
 و گرم تاشا ی دیکور سالن هتل بود ،  
 ناگهان رهش را جانب من نموده گشت ،  
 اینجایک چیز جالب ضرور است خود  
 را بگونه کمید بینی میکاژکن ، هرچه  
 میل داری بیوت ، هرچه نکر کردم  
 عقلم قدنداد که چکونه خود را میکاژ  
 کنم ، از میکاژ و لباس را بیوتی خوشم  
 نی آمد ، در حالیکه جانب العاری  
 روان شدم بفکر آمد که پتلون گشادی  
 رابه تن و بوتهای کلانی رابه پا کنم  
 کلاه شیوی خوروی بسرو کنم و صای -  
 چوبین در دست بگیرم ، میخواستم  
 که همه چیز باهم در تضاد باشند ،  
 پتلون گشاد ، کرتی تنگ ، کلاه خود  
 و بوتهای کلان ، تعبدانستم که جوان  
 مینمایم یا من بخاطر نبودن مک سنت  
 مرا بزرگتر تصور میکرد ، اندیشه کردم که با  
 ایزاد بیوت بزرگتر معلوم میشوم ، تبسم  
 هنوز بر این روشن نبود ، مگر وقتی که  
 لباس ها را پوشیدم و میکاژ کردم ، نا-  
 گهان معلوم گردید که چه نوع تپین  
 دارم ، ناظا هر شدن بیورود سیتیز  
 تپ من در ز هنم جان گرفت و مکمل شد ؛  
 همینکه در برابر سنت قرار گرفتم با  
 تپیم کاملاً سائیز کرده بودم ، در -  
 برابرش به جست و خیز و قدم زدن -  
 پرداخته و صایم را حرکت میدادم ،  
 در ز هنم حرکات کهدی و شوخی  
 های نهادی شکل میگرفت .  
 بقیه در صفحه ( ۱۴ )



تعیین کننده صادق

۳۵

# حکایت

# قالت



مادر سراسیمه میدود تا فرزندانش را نجات دهد

## چگونه در برابر چشمان مادری پسرش را به قتل رسانیدند

### این حادثه چگونه اتفاق افتاد؟

مادر هر لحظه به پسر جوانش می‌اندیشید که نخل جوان قامت او چه بیهر چمانه بین چشمانش از بیخ قطع شده و بزمین غلتید. مادر در خوابهایش، در بیداری اش، در اندیشه اش و در خیالش فقط او را می‌دید که بین چشمانش بخود می‌پیچید و هوا را چنگ میزد، دست و پیا میزد و بعد رفته رفته سست میشد و دراز به دراز بجای می‌انسد. آنوقت مادر سراسیمه و نسا آرام فریاد میزد و اندوهی بزرگ بر قلبش می‌نشست.

لذا برای مادر زیستن به اوج درد خود رسیده بود، روز ها گرسنگی کشید، تشنه گی دید یکسال از اداره بی به اداره دیگر رفت و از محکمه بی تا محکمه دیگر قضیه را تعقیب کرد تا بالاخره بتاريخ ۱۱ اردیبهشت ۱۳۱۷ برای اطلاع داده شد که قاتل پسرش به اشد مجازات یعنی اعدام محکوم گردید.

تقسیم دیواری ۱۱ احسوت سال ۶۶ رانشان میداد، عقربه های ساعت از عدد ۷ گذشت بود. نضا هنوز رنگ شیرین داشت که مردم کارته نوسراسیمه رو - حشترده با نیرهای پیهم گلوله های که از دهانه تفنگچه بی که پانگشتان یک جوان عاصی و قهر آلود فشرده شد از خانه هایشان به بیرون ریختند.

یکسال ازین حادثه المناک گذشته بود که زن سنی انگشت به دروازه دفتر کوید و اجازت ورود خواست و آنوقت بدون مقدمه گفت: (( قاتل پسر مرا محکم به اعدام کردند، آمده ام تا از شما بخواهم که این قضیه را در مجله تان بنویسید، و آنوقت به تلخی گریست، و بعد از سکوت کوتاهی به صحبت خود ادامه

داد: در سال ۶۶ راضیه دختر را که کارمند وزارت مالیه است با نعمت الهه نامزد کردم همسوز سه ماه از نامزدی آنها نگذشته بود که بین آنها مخالفت آغاز گردید، یکبار بتاريخ ۵ نور دختر را در محل و خیفه اش لت و کوب کرد. بود بعد او را از موهایش گرفته به دفتر کارمن آورد و گفت: (( بگیر دخترت را، چله سرا پس بده)) در جوابش گفت: معامله مادر خانه بوده من و تو در خانه گپ میزنیم.

بعد بتاريخ ۱۸ نور سلامت ۲۱ بعد از ظهر خانه ما آمد میخواست دختر را سینما ببرد ولی راضیه که همان لحظه از رختشویی خلاص شده بود نمیخواست سینما برود. وقتی شوهرم داخله کرد، نعمت الله بالایی شوهرم تفنگچه کشید مرمی که از تفنگچه او خارج شد به ستون سقف - انه فرو رفت که مو ظفین حوزة ۸ امنیتی هم از

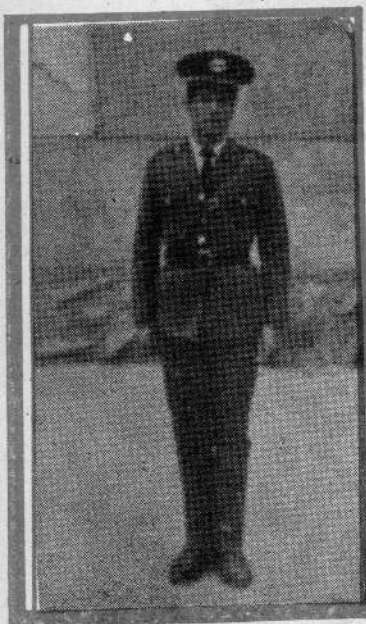
موسم آگاهی دارند، در آنروز هم بدختم گفت: (( چله مرا پس بده)) دختر در جواب گفت: من دختر افغان استم اگر چله را دادم پس نمیگیم. دختر به اندازه آخر توهین و تحقیر شده بود بخصوص وقتی پدر من او پیش چشمانش تعدید شد نتوانست تحمل کند لذا نامزدی خود را با اوفسخ کرد.

با وجود آنکه دختر نامزدی خود را با اوفسخ کرده بود بتاريخ ۲۵ اسد وقتی از وظیفه بخانه می آمد باردیگر در نزد یکی خانه او را تعدید کرد و بالاییش چاقو کشید که با مداخله مردم و کوچگی ها دختر بخانه آمد.

- آیا آندو قبل از نامزدی همدیگر را میشناختند؟ - نه شناخت قبلی بیین آنها وجود نداشت شوهر دختر کلانم با شوهر خواهر نعمت الله دوست بود و این وصلت به مشوره آنها صورت گرفت، نعمت الله

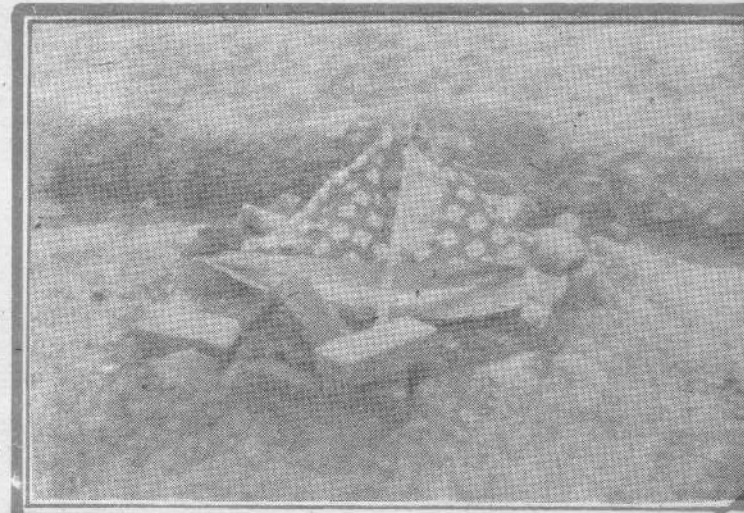
دختر دیگری را در نظر داشت که باید با او نامزد میشد و لسی نامیش رعایت نداشتند. وقتی باد ختم نامزد شده دختر همه ما زیاد خاطر او را میخواستیم اما از همان نخستین روزهای نامزدی باد ختم سر ناسازگاری را گذاشت، و هرگز نظر دختر و خاطر دختر را نمیخواست.

بقیه در صفحه (۸۷)



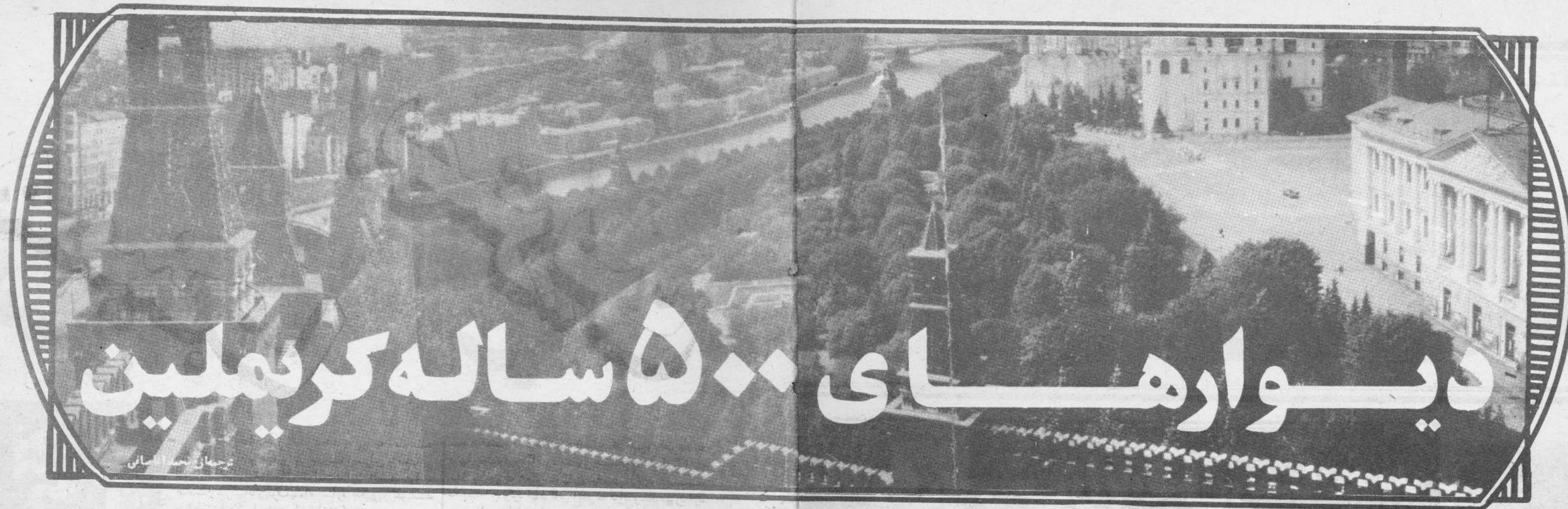
خواهر جاوید نیز درین حادثه زخمی می بود

## مرگ منتظر قاتل است



یاد بود مرگ جاوید در کوچه منزل شان

۳۴



# دیوارهای ۵۰ ساله کرملین

کاخ کرملین ، که یکی از بزرگترین بناهای دولتی تانخی بشمار میرود و وجهیات شکفتی تماشاگران را فراهم می آرد ، در سده پانزدهم و در دوره زمامداری امیر بزرگ روسیه ، ایوان سوم ، بدست معماران روس و بدستیاران استادان سنگ کار روس اعمار گردید . به این کاخ عظیم بنظر اربابیمان به نظر معمول عظمت و نفوسندی دولت روس نگاه میکردند .

انگیزه اعمار کرملین را احداث شهر مسکو تشکیل میدهد که در سال ۱۱۴۷ میلادی توسط امیر روسیه یوری دولگه رویی ، پادشاه تپه کنار رود مسکو صورت میپذیرد چه در آن روزگاران اعمار شهر معنی ساختن قلعه را داشت و کرملین قلعه بی بود که بجهت همه شهر مسکو بناگذاری شد . از آن زمان به بعد شاهان روس ، یکی پس دیگری ، به منظور دفاع شهر از بیوش های بیگانگان ، به ساختن و تکمیل و تجدید استحکامات شهر پرداختند .

کاخ کرملین مشتمل از برجها ، دیوارها و کلیسا های است که در دوره های شاهان مختلف ، مخصوصاً دوره ایوان سوم ، ساخته شده است . در گام نخست بدور قلعه ابتدایی ، مخصوصاً در قسمت های غیر مسکن ، به اعمار برجها توجه مبذول گردید ، این برجها ، که تعدادشان به بیست رسید ، هر کدام سیمای مهندسی و نام منحصربه فردی دارد ، نخستین برج طوری ساخته شد که تحت آن چاه عمیقی حفر گردیده بود ، این چاه انیسک راه مخفی یا رودخانه ارتباط داشت تا کرملین در صورت محاصره از زمین طریقی اکیال شود ، بروج گردید . به همین سبب به ماینسنگ به معنی بعد ها ، در اوایل سده شانزدهم ، در فاصله های بین برجها ، دیوارهای محافظتی بدور کرملین

بناهای تاریخی کرملین  
دیوارهای ۵۰ ساله کرملین

اعمار گردید ، این دیوارهای دو کیلومتری ، با در نظر داشت شکل اراضی منطقه ، شکل خط منکسور را داشت تا از هر برج تمام نقاط مشاهده شده بتواند .

دیوارهای اولی کرملین ، بصورت کل ، شکل مثلث متساوی الساقین را داشت ، در سال ۱۵۳۸ دیوار های دومی آن ، بدور دیوارهای اولی یا مثلث اولی ، که میدان سنخ را احتوا نمود ، ساخته شد . قسمت اعظم آن در دهه ۳۰ سده روان تخریب گردید ، در سال ۱۸۸۵ دیوارهای شهر سفید اعمار گردیدند که در اواخر قرن ۱۸ با حلقه خیابان سهزمتوشده در سال ۱۵۹۲ بزرگترین دیوارهای شهرن جهان ، که ۱۵ کیلومتر طول داشته و از چوب ساخته شده بدست ساختمان سپرده شده در سده های ۱۹ و ۱۸ بجای آن باغ حلقوی مسکو عرض وجود نمود .

کلیسای ترویتسکی نه رود ، مرکز هندسی تمام استحکامات مسکو و معمول ((سلطنت سه بعدی)) که امروز بنام کلیسای یگورسکی ها کلیسای واسیلیا بلاتنوه معروف است ، در میدان سنخ جلب توجه میکند .

بدین ترتیب ، اعمار استحکامات قدر دولتی روسیه طی یک مدت طولانی به مرحله اکیال رسید . برجها و دیوارهای کرملین از سخت های خوب تشکیل شده سنخ ساخته شده که هر کدام در حدود هشت کیلوگرم وزن دارد ، معموره چلیپا مانند از بیگ و آهن ساخته شده که عملاً دیوارها را محفوظ نگاه داشته است .

اگرچه استحکامات کرملین گاه گاه از حملات آتش سوزی ها ، نبرهای تپ ، انفجارات و تپ ها صدمه برداشته مگر هیچگاه به حملات مستقیم مواجه نگردیده و بنابراین نانهای بزرگی ندیده است . در صورت وقوع رخدادهای جنسی تنها پوشش خشتی بارها مورد تجدید ساختمان قرار گرفته است .

دیوارهای کرملین ، در واقعیت امر ، به یک منظمه سه ضلعی گشسته معنوی آثار هنری استادان بزرگ مبدل گردیده است ، از همین نگاه است که سالانه منسومان رشته های گوناگون هنر ، شعرا و مساحان پیشعاری پروانه وار بدوران گردی آیند و از تماشای آن حظ وافری برند .

**دیوارهای کرملین مسکو ۵۰۰ ساله دارد**

دیوارهای کاخ کرملین که ۵۰۰ ساله سردارده معمول دولت روسیه گردیده است ، در فصل کرملین روزگاری جنگل انبوه قرار داشت که نام مثل تپه پرویتسکی از آنجا گرفته شده است ، در سال (۱۱۴۷ م) امیر روسیه (یوری دولگه روی) در این تپه در کنار رودخانه مسکو اساس شهر را گذاشت ، اعمار شهر در آن زمان معنای ساختن قلعه را داشت ، معلومات کسی در باره دیوارهای باستانی مسکو حفظ گردیده است ، نخستین استحکامات چوبی که در سال (۱۱۵۶ میلادی) ساخته شده بود ، طبق معلومات در اشر حملات تاتارها طعمه حریق گردیده و این دیوارها با زحمات بیشتر تجدید ساختمان گردیدند و در زمان امیر روسیه (ایوان کالیستی) در آغاز قرن (XIV) چهاردهم در مدت پنج ماه به استحکامات دیگر قدری قوی تر از آن تعویض گردیدند ، اما معرنا هم بیشتر از ۵۰ سال طول نکشید ، در نیمه دوم قرن چهاردهم (روس دیمتری دویتسکی) تصمیم گرفت تا استحکامات جدید سنگی اعمار نماید .

در قرن XV یانزدهم تحت رهبری شخص امیر بزرگ روسیه ایوان سوم و معماران ایتالیایی (انتسون فنانین ، مارکوپو ، پیوتره انتونیوسولاری ، الیگز نپانین ، میلانتس) به همکار استادان مسکو سنگ کاری روس ساختمان یکی از بزرگترین بناهای

جهان را آغاز نمودند .

بیانه عظیم کارها ، اعمار برج های اساسی ، دیوارها و کلیسای کرملین که در مدت زمان ده سال توسط ایوان سوم انجام یافت ، حتی امروز موجب شگفتی جهانیمان میباشد ، چنین ساختمان بزرگ را در آن زمان حتی اروپای غربی هم نمیدانست ، در نظر اروپاییان کرملین سمبول نیرومند دولت مسکو محسوب میگردد .

اعمار استحکامات کرملین به ترتیب معین صورت گرفت ، در محلات نامحفوظ دفاعی در قدم اول برج ها و بعداً دیوارهای بین برج ها را اعمار نمودند . اولتر از همه برج (تائیسیتکا یا) اعمار گردید ، تحت برج مذکور چاهی را حفر نمودند ، بودند که در نیمه یک راه مخفی به رودخانه مسکو متصل میگشت تا در مواقع محاصره کرملین از راه آب اکیال کرد ، بنا برین برج بدین نام (تائیسیتکه) به اسمی گردید . در اوایل قرن شانزدهم در اطراف کرملین شروع به اعمار دیوارهای جدید نمودند ، در سال (۱۵۳۸ م) تحت رهبری معتمد سراتالوی (پتروک) دیوار دومی مسکو اعمار گردید ، قسمت اعظم این دیوارها در دهه ۳۰ قرن حاضر تخریب گردید .

در سال (۱۵۸۵ م) دیوارهای شهر سفید (که در آخر سده هژدهم جای آنرا حلقه خیابان سرسیز عوض کرد) ، اعمار گردید ، این یک امیل مقبول مسکو بود که توسط معمار روسی (نیویرکون) ساخته شد و در سال ۱۵۹۲ در مدت زمان ششماه بزرگترین دیوارهای شهر در جهان ، دیوارهای یانزدهم کیلو متری چوبی که در محل آن بین قرون (هژدهم - نوزدهم) باغ حلقوی مسکو ایجاد گردید .

دیوارهای جدید یکجا یا قلعه در قرن یانزدهم با تسامیل واحدی را تشکیل داد ، بدین صورت در زمان چیزی بیشتر از ده سال استحکامات نهایی مرکز روسیه اعمار شده اساس آن - دیوارهای -

کرملین اهمیت و نفوس این کار در چیست ؟

دیگی از انسانه های باستانی در باره آغاز مسکو که تا به نهم آن معلوم نیست با رجوع به امپروسیه پیشگویی نموده بود که درین مثل شهر بزرگی ایجاد میگردد ، یک قلعه مثلثی اعمار خواهد شد (سلطنت سه بعدی) .

و درین شهر اهالی بیشتر از قبایلی مختلف گرد هم جمع میشوند ، واقعاً دیوارهای کرملین عیناً به شکل مثلث متساوی الاضلاع ساخته شده است .

الساو خط دومی استحکامات کرملین با دیوارهای کرملین یک مثلث بزرگ دیگری را تشکیل داد که شامل میدان اساسی پایتخت - میدان سنخ - میباشد . کلیسای ترویتسکی نه رود ، مرکز هندسی تمام استحکامات مسکو و معمول ((سلطنت سه بعدی)) در میدان سنخ گردید ، (که امروزه نام کلیسای یگورسکی ها کلیسای واسیلیا بلاتنوه معروف است) که در اواسط قرن شانزدهم توسط ایوان کروزنوف - بنخاطسز - تجلیل از پیروزی - برخانی قزاق ها ساخته شد .

قرن (یانزدهم و شانزدهم) عصر وسعت سهضیح استحکامات سرحدات دولت جوان مسکو ، روابط وسیع تجارتی بیرون آمدن اودر صحنه سیاست جهانی - مانند دول بزرگ اروپایی میباشد .

در زمان ایوان سوم جهت دفاع از حملات جانسپ قلعه های یکی پس دیگری مانند قلعه نیوگ - نیوگ - ایوان - گورد ، کولونو و غیره احداث گردید .

در آن زمان مکتب شهر سازی روس ها به اوج بیشتر خود رسیده اما با انهم جهت اعمار دیوارهای پایتخت روسیه معماران ایتالیایی دعوت گردیدند .

بقیه در صفحه (۸۶)

# فروشگاه آمیخته با اهرامین

فروشگاه آمیخته با اهرامین  
بزرگترین فروشگاه جهان

سخت اعتماد دارند \* متخصصان کارآموده هر هفت  
دیارتمنت فروشگاه به منظور جستجوی اشیای گران  
بها ونادر به هر گوشه و کجای دنیا سفر میکنند ، بسا  
علاقتمندان وگردانندگان آثار به داد و ستد میزند ازند  
و در حراج ها اشتراك میوزند .

انتونی سبینک ۴۹ ساله ، امر د بیارتمنت  
نقاشی ، همن تماشای سالون فروشات اگسفورد به  
اثری بنام منظره انبار صحرایی عهد ویکتوریا ، که  
به صورت رنگه آبی کار شده است ، برخورد و به آن -  
چنان علاقمند شد که به همکاری و وظیفه داد تا در  
حراج آن شرکت جوید ، این اثر هنرمندی گمنام از طریق  
مزایده به قیمت ( ۶۰۰۰ ) پوند به سبینک تعلق  
گرفت ، چه سبینک حد سر زده بود که این اثر از -  
نا بیغه رویایی قرن نژدهم سامویل بالمر است ، بعد  
ها آنرا به ۴۰۰۰۰ پوند به فروش رسانید .

انتونی گاردنر ، مسوول آثار هنری جنوب شرق  
آسیا ، ضمن دیدار از توکیو یک اثر برونزی با ارزش  
تاریخی را با آنکه خیلی خورده هم شده بود خرید  
و ترمیم نمود .

بعد ها معلوم شد که برونز منجوسری ، یکی از مر -  
یدان بود ، از موزیم میانامی بنگله دیش آمد  
است . او میگوید ، ( احتمالاً این برونز در زمان  
حکمت هند و پاکستان به سرقت برده شده باشد ، صا  
کاملاً آماده ام آنرا بازگردانیم مشروط بر اینکه مقدمات  
بنگله دیش تعهد بمانند که افراد موزیم ایالتس  
بدون امنیت نگذارند . )

با امانده مجدد برونز ، سبینک مبلغ ( ۵۰۰۰۰ )  
پوند قیمت بازار را از دست داد و این گذشتی است که  
گاردنر آنرا چنین توضیح میدهد : ( آنچه را که ما  
انجام میدهم عبارتست از حفظ آثار برای نسلهای  
آینده است . )

در حمله آثار افغانی مجسمه های از گند ها را  
که از نظر مضمون بودایی و از لحاظ شکل یونانی بود ،  
و میراث فتوحات قرن سوم قبل المیلاد سکندر کبیر  
بشمار میرود ، نیز در این فروشگاه وجود دارد .  
گاردنر میگوید ، که تا این اواخر آثار هنری و منا طبق

سلطان در تدارک هدیه بی به ملکه  
انگلستان از جواهر فروشی سبینک و سران واقع در  
لندن ، که ( ۳۰۰ ) سال قدمت دارد ، استمداد  
جست ، شرکت در ظرف یکماه ستاره طلایی و گلومند  
جواهرنشانی ساخته و را اختیار شد گداشت .

این شرکت برای بیش از ( ۷۰ ) کشور جهان و  
همچنان برای ملکه ، شعزاده فلیپ و شعزاده ویلز  
مدال ها و زیورات طرح و ساخته است که همین امر  
موجب شهرت جهانی آن گردیده است .

این فروشگاه به عنوان مخزن آثار هنرهای زیبا  
سالانه بیش از ( ۳۰ ) میلیون پوند ستارنگه داد و ستد  
دارد . هرگاه بهترین را میخواستید ، همینجا است  
گزانبهاترین آثار در همینجا است .

تلفورد شوت ، امراداری فروشگاه اظهار  
داشت ، ( این فروشگاه در سطح جهانی جالب  
ترین نوع خود است . )

نمایشگاه های سه منزله و گالری های آن از -  
مجسمه های شرقی ، منسوجات ، نقره باب ، نقاشی -  
ها ، جنی باب ، مسکوکات ، کتب ، مدال و تعداد  
زیادی از ایشیا و احنایر برانگیزند و جالب آنگند  
است . جالبترین بخش آن قسمت آثار چینایی و جا -  
بانی است که یکجا با دیگر بخش های شرقی منبع  
ثالث درآمد شرکت را میسازد ، اجناس ترتیبی  
از قبیل عاج ، برونز و جنی باب چنان با نظم و شکوه  
خاصی در اناقه چیده شده است که کویلا خان  
میتوانست آنرا به شرکت و خویش در خاناد و انتقال  
دهد .

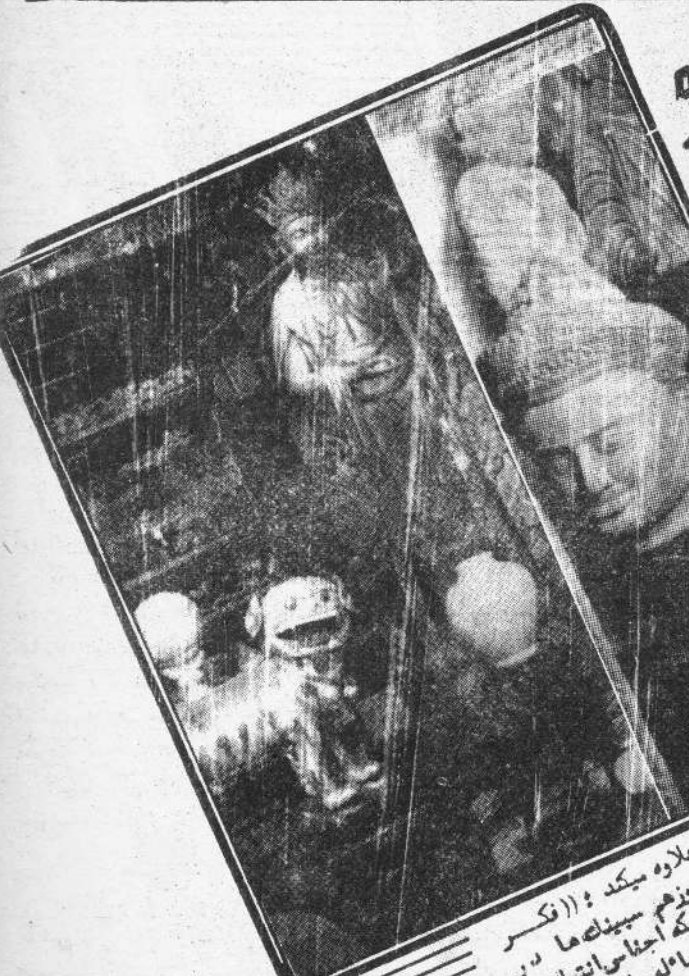
فروشگاه در این اواخر قار شده است که ۴۰۰۰  
لباس کلاسیک شبانه را که مربوط به سال ۱۹۵۰ -  
است و روی آن شلنگ نقره ای که منقوش با جعره ملکه  
سکات میباشد ، در برابر ۵۰۰۰ پوند به دست آرد .

داشتن همجو اجناس در لکتر توجه علاقمندان  
ماورای ابحار را بخود جلب نموده است ، یک امریکایی  
سخت علاقمند است تا در برابر بدست آوری مجسمه  
های سنگی هندی هر چه بیشتر پول مصرف کند .  
مشتریان خصوصی و موزیم ها به فروشگاه سبینک

# مغازه های لندن



میکایل سپینک، ۳۱ ساله، کارشناس ماهر هنر های اسلامی گفت: ((حتی در دوره مقدساتی مکتب می دانستم که به شرکت می پیوندم)) هنگامیکه نامبرده از رشته تاریخ و تاریخ هنر در کالج فنان تحصیل کردید از طرف صوفا پیش در امرتجا



رئی شرکت پذیرفته شد. او علاوه میکند: ((فکر میکنم خوش استند از اینکه تا هنوز هم سپینک ها در شرکت وجود دارند. برای آنانیکه اجناس انتیکه را جمع آوری میکنند، شاید این مسأله پیکار رشته ارتباطی دیگری باشد که باید داشته باشد.))

جنوب شرق آسیا کمتر بوده و ناچیز شمرده شده است. ولی از آنجاییکه این آخرین تمدن بزرگ بشری است چیزهای زیادی را میتوان از آن گردآوری کرد. قیمت تثبیت شده هر پارچه آن تاکنون در حدود چارمیلیون دالر بوده که با این پول به مشکل میتوان نرسید. از رینویرا خرید، هنوز هم بزرگترین آثار این مناطق را میتوان در بدل (۵۰۰۰۰) پوند بدست آورد.

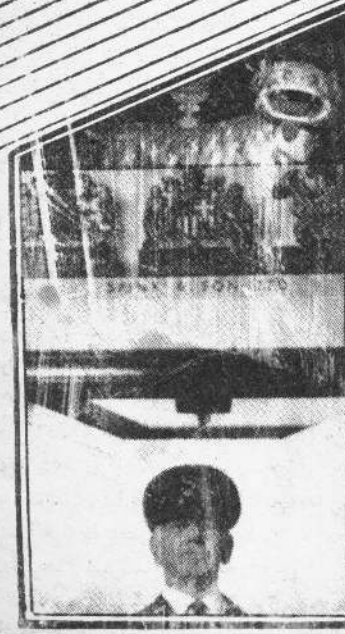
دیپارتمنت نقره ای، کاد موند لیرد کلاویز مسولیت انرا به عهده دارد، برای من نیست به تازه می رونق پیدا کرده است، خریداران در جستجوی متاع خوب اند و داد و ستد نقره باب ناد بازار خوبی کسب نموده است. بیاله می مربوط به الهیزابت که ده سال قبل مبلغ ۱۰۰۰۰ پوند ارزش داشت، اکنون بهای آن به بیش از ۱۰۰۰۰۰ پوند رسیده است.

در حال حاضر، کلاویز لندن را به مثابسه مهمترین بازار نقره میشناسند، در این تازه گی ها، مالک یگانه یادگار بیروزی مسابقه اسپ دو انی چیز دو م یعنی قاب باستینگ ستون در سال ۱۶۸۸ از طرفی کلان نقره پی که به سیک جینایی ترین یافته، میخواست انرا به فروش برساند، این شخص به فروشگاه سپینک مراجعه کرد و آنها مشتری اروپایی را پیدا کردند که حاضر شد مبلغ (۲۵۰۰۰۰) پوند در برابر آن بپردازد.

باتا، سینر دیپارتمنت مسکوکات در سال ۱۸۲۰ - سپینک نخستین قدمی را برداشت تا حیثیت یکی از بزرگترین معامله گران هنرهای زیبا را در جهان کامی کند. در حال حاضر باتریک فینن مسولیت این

دیپارتمنت را بعهده دارد، نامبرده یاد آور میشود که مسکوکات کلاسیک روسی و یونانی از جمله مسکوکاتی است که در سطح جهانی طرفداران و علاقمندان زیادی دارند ولی معامله گران بر تانوی مسکوکاتی را که در انگلستان ضرب زده شده اند ترجیح میدهند. زمانی انگلستان بیش از (۷۰) صرا - بخانه انگلوساکسون ونورمان را دارا بود و بعضی از علاقمندان تا که میتوانستند سکه جمع آوری کرده اند، برخی دیگر صرف سکه های طلا یا سکه های بزرگ پنج شلنگی را جمع آوری کرده اند، در این تازه گی ها، سپینک، سکه پنج شلنگی گوتیک عهد ویکتوریا را به مبلغ ۱۲۴۰۰۰ پوند بمزاید گذاشت و ریکارد جهانی را قایل کرد.

معامله داران شرکت شامل کسانی همی شوند که مایلند اشیای خود را به فروش برسانند چنانچه زنی در باغچه شهری تازه بیل زده شده سکه کوچکی را دریافت، فینن با تشخیص اینکه این سکه یکی از سکه های اولی انگلوساکسون دوران شاه (اوفسا) در قرن هشتم است آنرا به مبلغ ۳۰۰۰ پوند خرید و وانزن خوش شد. بقیه در صفحه (۸۹)



# زندگی استعساله کی

از سلسله کشت زار سوخته

تعبه کننده صباح الدین رهش

اوراد یکی از شعبات جنایی خازندوی میبایم . شوهرش به جرعت اعتیاد و فروش هیرویین در اینجا توقیف است . نگاه های وحشی و روسپیانه دارد . به خنده های بی معنی و لحن بی ادبانه عادت کرده . بیان عربان دارد و شیطان از گشته هایش نمیشود . به مشکل موفق میشوم که قصه اش را از خود نریشتم ، میگوید : (( ما قصه میکم به شرطیکه تو او رو چاپ کنی که کل دنیا نم مره بفانم و فغانم که چی دل کلانی دارم و دگه مره ملامت نکن و نگوین که ما به دل خودم زن هر جایی شدیم و ... )) قبول میکم و او بازسان خود قصه میکنه و من با زبان خود می نویسم :

\*\*\*

شاید در آن زمان نمیدانستم که چه سرنوشت شومی - آنگاه باشم و بی عفتی انتظام را خواهد داشت ، هنوز سالهای ده هم عمده بود که درد مرگ مادر مانند هر طفل بی مادری رخنه سوزنده می درمن بدید آورد ، فضای هرات زمین ( زادگاهم ) برایم تنگ شده بود . همیشه بیاد مادرم میگیرم ، بیاد مادرم که مرا ( گل بی بی ) خطاب میکرد ، گلی که برپرشد - گلپیکه یارای ایستاده می در برابر نسیم صبح نداشت . در تلاطم یک توفان از سرزمین برکه ها و لجن - زارها در میافتد . مدت کوتاهی از مرگ مادرم میگذرد که پدرم به فکر همسر دیگری میافتد و اما هیچکس حاضر نیست تا با مرد کلان سن که پدر یک دختر هم است ازدواج کند و سرانجام خانواده بی ازقائتر مردمان عیش و هوس حاضر میشود تا دخترشان را به عقد نکاح پدرم در بیارند ، به آن شرط که من باید الی رسیدن به سن بلوغ و قانونی پانزده سالگی آن فامیل گردم و ایام نامزدی را به خدمت در آن خانسه گذاشته شوم ، آنها در شهر کابل زنده می میکنند و بعد از آنکه پدرم شرط را میدهد ، من به کابل انتقال داده میشوم - حالا دیگر برایم جز یاد های از مادرم به ارمان نرسیده ام ، چیزی وجود نداشت . او مرد و مرا با کوله باری از اندوه و آشک - تنهایی و بی خانه گی در این دنیای بزرگ برای گریستن و کوچک برای شاد خندیدن ، تنها گذاشت . من طفل بودم - شاید هنوز از راست و چپ چیزی نمیدانستم - هم خانه هام همه مردمانی بودند که تازه با آنها آشنا شده بودم ، تازه د شناسمایشان نگاههای گوشه رانواز میداد - من تا حال از سکوی بلندی دست و پا زانان برتاب شده بودم - هنوز به زمین نخورده بودم - شاید در نهایت نفسهای تنگ ، در یک شب سیاهتر از هر سیاهی به زمین خوردم و دره - دره چون فریاد هایم با شنیدم . آنشب در دست شپش بود که ننگه های از آغاز مرگم بر صفحه زنده گی ام نقشه شد . من آنشب مردم و تا حال بر طومار آن مرگ رنج زنده گی دور از عفت رامیسم - آنشب نامزد جوانی می بروم مانند چند یسن

شب دیگر به بستر آمد - به بستر دختر دوازده ساله ای که از کسالت کار بام تا شام میخواست آرام گیرد - من از بوسه هاود ست بازی - هایش جز آزار چیزی دیگری رانمیافتم - شب مرگم به نیمه اشرنرسیده بود که با چینی خود را غرق دیدم ، و من آنشب چرکین مردن را فرا گرفتم - دیگر دختر باکره بی نبودم - من دیگر ( گل بی بی ) مادر نه - زن دوازده ساله بی بودم .

و شبهای سیاه یکی بی دیگری مانند لحظات آنگاه از توهین و ظلم بر من گذشتند - در سیزدهمین سال عمرم آنقدر خود رانانتهوان و ذبون یافتم که ناگزیر از خانه وهم خانه ها فرار کردم .

فرار - این بزرگترین دروغ - این بی بنای ترین واژه در انبوهی از آدمها و آدم نماها چه کنی میتوانست به من انجام دهد ؟ به خاطر دارم که راهروهای کارسرت کارت - سه کابل را با گریه و فریاد به استقبال یک شام بی مکان میشتافتم - چشمهام به من میدیدند و شاید تنها برای همان لحظه تا صبح به حال میگردند .

در حالیکه سخت میگریستم بیزنی با مهرانی دست به سرم کشیدو چنانکه باید به گریه طفل سیزده ساله بی آرزو داده شود ، دلیل ناراحتی ام را بر رسیدن آنها همینقدر گفتم که در خانه فامیلم برایم حای زنده گی نیست و پدر و مادر ندانم - خانم بیومراره خانه خود دعوت کرد و گفت میتوانم دخترش باشم . زن سیزده ساله بییکه سرگردان یک سرنوشت شوم در کوچه های شهر نادیده می بود زیاد ، از این تعارف چه میتوانست بخواهد ؟ چه میتوانست از روزگند ؟ و من بدون هیچ پرسشی بدیورفته در حالیکه دست بیروزن رادربین موهسای چرک لمر میگردم و لطف غرض آلودی را احساس میگردم ، راهی منزلش شدم ، در خانه محقر بیروزن یک پسر جوانش نیز با او زنده گی میکرد که از همسرش جدا شده بود و در یکی از اولین شبهای زنده گی در این خانه محکم به پذیرایی وهم آشپزی او گردیدم - ناگزیر به اطاعت بودم بخصوص حالا که از کیف بردن نیز کم کسی بهره داشتم زنده گی در این خانه نیز عمر کوتاهی داشت هنوز کسالت از زنده گی ام در این خانه نگذشته بود که یکروز همیستم گفت : (( کالایته جمع کوکه ترو به جایی میسوم )) و من نمیدانستم که کجا و به چه مقصدی میرم ، صبح وقت سوار سرویس سفیری شده بازم قند ها گردیدم . رفتن از شهری به شهری حالا دیگر برایم مفهومی نداشت چه من از خود نبودم - شاید اگر صاحبان نمیخواستند به زنده گی کردن نیز اجازه نمیدانستم .

در قند ها مرید در یوریکه در انتقال مال تا جران از یک شهر به شهر دیگر کار میکرد ، مراد ریدل بول - بولیکه قیمت من بود و تا حال اندازم - انرا نمیدانم از نزد صاحب قبل ام خریدم . ( بخاطر آمدن بود که زمانی پدرم مرفی را خریدم بود و از دوا ایژان تا خانه آورده بود و من فکر میگردم که با پاسر قیمتش را خواهند دانست هرگز ) .

من حالا دیگر یک زن نوجوانی بودم که کمتر میتوانستم از سرنوشت

آگاه باشم - در زمانیکه شاید سرنوشت راه نامش نمیدانستم ، زمانیکه خود را غشته به نجای میدیدم ، نمیدانستم که چسرا باید محکم به زنده گی شوم و اینبار تقدیر مرا دوباره به کابل آورد - نمیدانستم که اینبار چگونه مصدر خدمت به ماحم خواهم شد ، وقتی به کابل در خانه بی انتقال داد ، فکر میگردم شاید در اینجا تنها یک مایه داشته باشم ، اما در رخ که اینبار هر شب و یا چند شب بعد مالکهای موتقی را باید پذیرایی میگردم - باعین این آدم نماها خود را برایشان سرویس کنم ، در دستهای قهار و وحشی شان بلوتم و دره دره - وجود را ، وجود کوچک را برایشان تعارف نمایم صبح عا از کسالت شیهله بخوام

تعبه کننده صباح الدین رهش ( ۸۶ )

سر گذشت یک زنده گی بر باد رفته

# ازهریسی



## پسر بچه ارمنی عملیات بسیار نادر را گذراند

وقتی زلزله فاجعه آورده شهر سیتاک ارمنستان را تکان داد، قارن- قاجاریان مانند هزاران طفل ارمنی دیگر در مکتب بود، مادر وی برای نجات پسر نه ساله خود به مکتب شتافت اما ساختمان زلزله خاکی شده یافتند. خوشبختانه قارن با عده معدودی زنده ماندند اما چشم چپ و دست راست خود را از دست داده بود. فقط عمل جراحی بسیار مغلو او را نجات داده می توانست. دکتران شوروی که برای زنده نگهداشتن مریضی های بسیار و خیم زحمت می کردند به پدر و مادر او توجه کردند طالب کمک از دکتران امریکایی شوند.

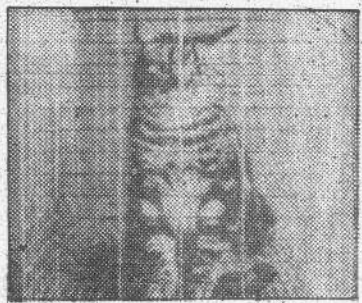
قارن و پدرش در اوایل فبروری به امریکا رفتند و از کمک های معسره مند شدند که به منظور مساعدت طبی به آنها رسیدگان زلزله ارمنستان تدارک دیده شده بود، قارن به شفاخانه اطفال در فلادمینا در ایالت پنسوانیا برده شد.

دکترول، وسترمان دهن شفاخانه پسر از معاینه پسر بچه گشت دو انگشت پای چپ قارن را به دست راست او پیوستند و زنده ایمن عملیات که دو انگشت را از پای او بدر آورده و دست راستی بجه زدند چهارده ساعت را در هرگزوت، دکتر وسترمان یک وید دست قارن را نیز با وید ساژ او تمهیز کرد.

وقتی عملیات بسر رسید، دکتر متوجه شده خون در بخش تازه پیوند حورده جریان ندارد و چندین ساعت دیگر برای جریان دادن خون صرف شد، این عملیات بسیار مغلو نیز مایکروسکوپ انجام شد و نتیجه آن قناعت بخش است.

قارن یکی از ۳۸ طفل ارمنی است که برای تداوی به ایالت متحده فرستاده شدند و با این احساس معجزه سیامگدان از دکتران امریکایی به وطن بر میگردند که خوش هایش را به او باز گشته اند.

## ازهرده پیشک اروپایی، یکی مصاب مرض ایدس است



دانشمندان آلمان غرب تخمین می کنند یکی ازهرده پیشک اروپایی یکی مصاب مرض است که شبیه ایدس میباشد. پیشک یا معمولاً این مرض را از حمله به یکدیگر میگیرند. ماهیان هارزینک بروفیسور هالندی میگوید تا چهل درصد پیشک ها در اروپا این مرض را با خود انتقال میدهند اما این مرض به انسان سرایت نمیکند. آزمایش روی انسانها به یک با چنین پیشک ها در تماس بوده اند ثابت میسازد که آنها دچار این مرض نشده اند.

## پولیس دریایی سگرت کشان

مقامات مانه لاد در محلات عامه سگرت دود کردن را ممنوع کرده اند و ۲۰۰۰ پولیس فلیمین در تعقیب آنان گماشته شده اند که مقررات را نادره بگیرند، واکسیر چنین شخصی بدست پولیس یافت از ۲۰۰ پوسوتا دالر جریمه داده روز زندان، جزا خواهد شد دید. طبق این مقررات هیچ شخصی اجازه ندارد در سینماها، همها های شهری، رستوران ها، هتل ها، مکتب و دفاتر رسمی سگرت بکند و اما مخالفین این اقدامات داهیل میاورند به غیره و مقامات مانه لاد اولتر گرتش موترهای سگرتی میخی پس را ممنوع کردند که ستونهای از دود غلیظ را به هوا بلند می کنند و آلودگی محیط را بازمی آورد.

## لیزتا یلورا با قانون گلا ویز شده

مایکل ویلکینگ جونیر، پسر لیزتا یلورا با اصرار به عدم بازگشت به سرش به انگلستان حکومت ایالات متحده را به حشم آورده است. از دست داد. سناتور جان ورنر، شوهر پیشین لیزتا، میخواست از مقررات مشخص مخدر گردید. بود خود که از قوانین سختگیرانه این حکومت، طبق قانون امریکا بیامون مهاجرت ظاهره رفته ایالات متحده، سبب می شود که است زاین امر منجر به ایحسان وی حق سکونت دائمی خود را در سرودهای در آن کشور گردید. آن کشور از دست دهد.

## بخطرات جلوگیری از قمعین کاری پدرش را گشت

در ایالت میسیسیپی آمریکا، متعلی پدرش را به قتل رسانید که میخواست او را نسبت اخسند نمرات خرابش تنبیه کند.

مسول بخش رکی بانکر میگوید: والدین این پسر خطرتنبلی واخذ نمرات پایین او را ملامت کردند و پدرش خواست او را با کمر بند ی لت و کوب کند، اما حاجی دانیل ۱۷ ساله پدر ۴ ساله اش را - پیش از توسل به قمعین کاری با ضرب گلوله از یاد آورد.

قاتل به انتظار محاکمه در زندان به سر می برد.



عادی نموی نماید و در تداوی و تربیه این نوزادان مالک آن توجه جدی میدون داشته و تحت نظر داکتر جوانان تحت معالجه قرار دارند. سیتلوریتا بعد از دو سال نوزادان را بدنیآورد.

یکسک ایرلندی به اسم سیتلوریتا در اوایل بهار ۲ نوزاد را بدنیآورد که رحمت عمه نوزادان خوب میباشند. خوردترین نوزاد که وزن آن از عمه نوزادان کم است به نیامیباشد که بحالست

خانه جی هسا

تهیه کننده حسن نیر

## آتش سوزی در ستدیوی تلویزیون میسور ۲۰ نفر را هلاک ساخت

حین فلمبرداری یک سریال تلویزیونی در شهر میسور هندسه آتش سوزی ۲۰ نفر را کشته و ۲۵ نفر را زخمی ساخت.

آتش سوزی در ستدیوی رخ داد که سنجی خان، هنریشهر دایرکتر سریال ۵۲ قسمتی ((شمسیر تپوسلطان)) را تهیه میکرد، علت حریق هنوز معلوم نشده و سنجی خان به نسبت حراحتیکه برداشته در بیمارستان بستری گردید. همکوران گفتند که خطری جدی زنده می آورا تعدید نمیکند.

قرار بود این سریال از ایرسل آیند و در تلویزیون هند به نمایش گذاشته شود. در این سریال سنجی نقش تپوسلطان، پادشاه انسانوی قرن ۱۸ را به عهد داشت.

# از هر کجا

## اکیهیت و سالیانه دو میلیون دالر

میگیرد



اکیهیتو، امیراتورجدید جاپان سالانه ۲۵۷ میلیون (معادل ۲ میلیون دالر آمریکایی) به عنوان معاش دریافت خواهد نمود. این درست همان مقدار پولی است که پدرش هیرو عیتو بدست می آورد.

انژون بران، ۲۵ میلیارد (۲۰ میلیون دالر) دیگر هر سال به صیغه مصارف دربار به وی پرداخته میشود.

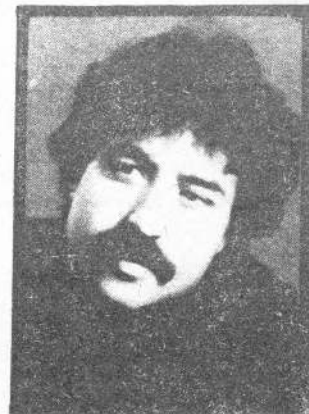
## سهه حیوانات از خود حقوق دارند

اختلاف نظر درباره حقوق حیوانات نهاد است و سهامی افراد و اشخاص اصلا دهن زمینیه چیزی نهادند.

تعداد نهادی به این عهد اند که تجارب فراوان به شمول غیر انسانی روی حیوانات صورت میگردد که همواره در هر کجایا سنجی های علمی به منظور بهبود زندگی بشر نیست. آنها به ضرورت رفع شرایط خرابی که این حیوانات نهادار میشوند و نیز قطع تجار و روی حیوانات مذکور تاکید دارند و میگویند همه حیوانات به نهاد این اصل ساده که زندگی بدون توجه به اینکه چگونه میگردد، زیبا و دلپسند است حقوقی دارند. بحث انسان این وظیفه است که زبان این بی زبانان و نگهبان این بیگانهان باشیم.

# از گپ‌های که ما خبر شدیم

## آیا معشر لاف زده نبود؟



دهد، که این حرف به اصطلاح به رنگ نیرت یک عده دیگران نوازنده گان خورد و بیرون بردند بالایی معشر در تلویزیون که چرا چنین گفته ای، معشر در و ساره در مباحث خود یاد رفتن جوانان گت: حاج معشر سابقه بد هم و شرطی عم نام منو بر اینکجه اگر در مسابقه بره از من نبود بنجهد همراهم می خواهم، اگر با حتم می بردن، کسرت مسابقه حاضر شد کسرت را ببندید.

معشر سیم حاضر شد و گت منتظر معشر واحد مسابقه نهدن من با برنده مسابقه، دست و پنجه نرم می کنم.

وقتی از معشر پرسیدم، حالا سخن از چه فرار است؟ گت: گمشکو بیاد رشت ای گپ نگردد که بوی خون از من می آید و من ندانم آیا معشر به اصطلاح لاف زده بود؟ طرفش جلدی بود؟ و بالاخره بخبر من کیست که به گپ خوب مردم ما قاپو داده نشست تا بگوید که عیچکدام آن ستار نواز نیست جزمی! به عزمورت قبول معرب: باد شوه باران نسوه خدا مراد خوشه چین بته، و ما و ما هم که اگر ستار علاقه داریم یک مسابقه جالب دیدنی راتناشا خواهیم کرد.

## صد قسم برای یک بوجی آرد

در سیاه سنگ منابیل نقلیهار دو نزد یک دکان لالا غفور بیروسیار عجیبی بود، مرد بچم پشت سر هم نس میخورد که خدا به قران به آسمان، به زمین یک بوجی آرد از ماه آبرو شخصی عم میگت از برای خدا چرا تاخ نس میخوری، هر نس بوجی از آرد من که همین چند لحظه قبل از موتربایس کردم و از هزار نس باخسود آرد، ام میوام تارته نسوه منزلت بیس، زیرا موتریکه بوجی

هارا آرد همینجاتیق خلاص نمون، منتظرین، موتریکه بوجی قسم اما آن شخص نس و قران میخورد که (بالا سره کت) این بوجی از خودم است و توچار بوجی را به بخلوبین بایس کردی، خلاصه به میانجیگی یک حاج موسفید به آن شخص گفتند تو حاضر نیستی دست را بالایی بران مجید بگا ریب و نس بخوری که این بوجی ازست! گت بلی من حاضرم و چنین کرد. آن مرد بیچاره از بوجی آرد را در موتریک

# شما هم خبر شوید

تعبیه کننده: احمد غوث زلی



## حالا که پرسیدید پس بخوانید!

انیمه محسن بوهنخی و تزئین بوهنخون کابل:

شاد به کارمند محمی یکی از شماخانه ها: س: آیا ساریان سخت خود را باز یافته، یا در ستر مریضی فرزند دارند؟ ج: ساریان به گفته شما کارمندان حی، شریان مغزی کفانده و با تا س از طرف راست بدن فلج بوده در ایار شانس در ستر مریضی فرزند دارند محمد شریف از لیلان چغان، نود هائیلی خیرخانه مینه: س: چرا بعضی از معترمنان عتکام بسنگ در تلویزیون مسی لرزند؟ ج: آنان نمی لرزند، حتما س: چرا بعضی از معترمنان موتیع خواندن، چشمان خود را پت می گیرند یا به اصطلاح با چشمان پت می خوانند؟ ج: به خاطر اینکجه می خواهند بوسه خود را ببینند.

شیشه تلویزیون شمالی است یا چشمانتان نقص پیدا کرده، حتما به داکتر دندان مراجعه کنید. گلای محسن روزنالمین: س: برنامه عسارویک گپ تلویزیون که متواتر هر شب سسر میشد چه شد که یکی و یکبار نشراتش قطع شد؟ ج: این خود یک گپ از هزار گپ است! سیمین از مکروریان س: س: خبر شدیم که سیمیا ترانه پنج انگشتش سوخته چرا؟ ج: کسی گفته بود، سیمیا بقیه در صفحه (۸۸)

## اسد بدیع از طبابت دست می کشد



نور اسد از لپ و بابت کتاره گیر کند. وقتی این شایعه را جاییو شنیدم، گت پرس اسد بدیع چه کار خواهد کرد، کدام کسار بگیر عم نمائده که سرافس برود گفتند شاید به نوع خلق - الله تدا مرکز ترانسپورتی شهری رایا استرات چندین تن از تجار ملی - ایر نماید و با نباید عم میوان اولیه ترس برزب معترمنان را تعبیه نماید. باران ترانسن روز هنوز برساند و یام کدام کسار نیب بگیر را دنبال نماید. از تعداد چند روز پیش ایران در همایز دای را بدیع

تلویزیون دیدم که جهت گرد اندگی برنامه سفینه راد یوی آمده بود، غمسه موسعات شایعاتی راه در مسورد او شنیده بودم برای سه کرد که بعد از شنیدن وقین بسیار آرام و شمرده گت: زلی جان همیشه این حرفها دروغ است تو باور نکن گت من که باور نمی کنم خدا کند خوانندگان عزیز هم باور نکنند خندید و گت دست اختیار - اری و من برای نمعه ای کردم ازین فرار میگویند شخصی بود که فکر میکرد نامه گتیم است، اورا دست تداوی به اساینگاه می بردند و گفتند که مرغانا برین کنند.

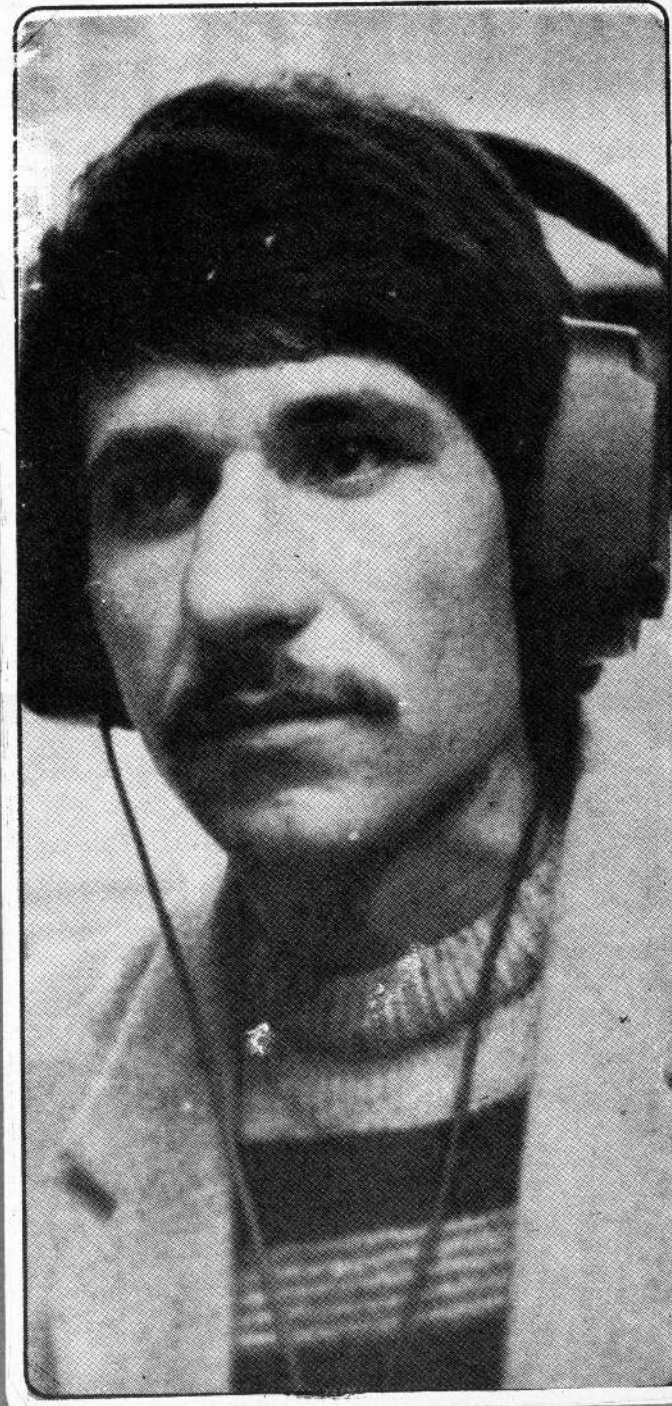
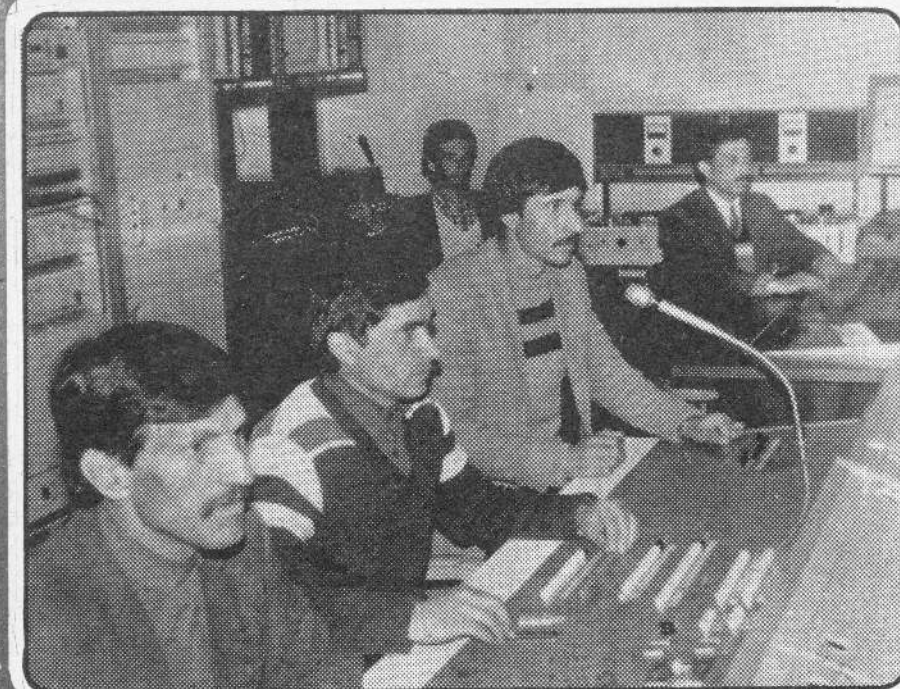


# مجله ناولوژی

مناصبه از اسد بدیح

## سی از یک دهه

### گفتگوی بانجیب ساکب ژورنالیست نویسنده و دایرکتور مستعد که از هفت سال به این سو برنامه ناولوژی مجله را تهیه مینماید



بایک تابلوی نقاشی از تیشه های طبیعتی - با الفقه در برنامه گنجانیده میشود تا از این رهگذر نیز در تظیف ذوق بیننده های خود سعی داشته باشیم، چنین برنامه بی طرف توجه و علاقمندی تشریحات از بینندگان تلویزیون هست، چون مجله تلویزیونی در جایگاه یک برنامه اختصاصی هنری - ادبی در سطح نسبتاً بلندی ارائه میگردد، بنا به بیننده های برنامه نیز در برگیرنده تصاویر گویا و صاف با زده مکتب الی بالانتهی - سطح دانشی است که البته هر بیننده بی با در نظر داشت اندازه آگاهی و علاقمندی خویش میتواند به نسبی با پرداختن های برنامه، موافق شود.

س - در سال جدید چگونه مجله بی راهی تلویزیون پیشین هستید و آیا حالا کدام کنی و کاستی در آن اساس میکند؟

ج - تصمیم داریم این ساله را با بیننده های مهربان برنامه ام در میان بگذاریم، یعنی با راه اندازی یک همه پرسشی از طریق خود برنامه هفت اتو ارسال بقیه در صفحه (۱۱۰)

تان باشید، کدام بخشها را بیشتر می پسندید؟

برنامه مجله تلویزیونی یکی از برنامه های اختصاصی تلویزیون است که در سطح بلند هنری ادبی انتشاری باید طبعاً این برنامه بنا به ضرورتی ایجاد شده است و اهداف مشخصی را دنبال میکند، در گام نخست این برنامه با اشاعه بخش ایجاد مختلف هنرهای مختلف و جهان جنبه های فرهنگ کشورهای مختلف پردازد، مطالب مجله تلویزیونی آنکسوبه معرفی و شطاسی هنری خفوم کلی و عام آن به مثابه یک نیاز حسی عاطفی و روانی انسان - اتکا میکند و از جانی دیگر، به تحلیل و وارنهای خواص و جوانب قابل تامل آن، دستی یازد، تا بدینوسیله ضرورت وارزشمندی هر هنر را برای خود، با زتاب داده باشد، یکی از زنده تین اهداف برنامه، پیش کشیدن موضوع ((پرویش هنری)) است آهنگهاییک در برنامه برگزیده میشود به همین هدف است، یعنی خویشتن آهنگ ها، در جایگاه یک اثر هنری - مستقل - مثل یک پارچه شعری

هنری اما با در نظر داشت محدودیتهای فراوانی که در برابر خود داریم، در زمینه پرویوس، صرفاً مستحق حکم فرموده ما من همکار و همراه است که لازم میدانیم از سبب بدین جهت و حاصل ما در قاتله اش سپاسگزارانیم کم.

و اما در زمینه نوشتاری از سال سوم برنامه بدینگونه مسئولیت برنامه، کلا بدوش من گذاشته شده علاوه بر نوشتن بخش های دربی و بنا به مردم موجودیت نهیسنده پشتو در اداره، ما نوشتن بخشهای پشتوئی برنامه را نیز به شکل ناگهانی انجام میدهم.

در گذشته نهیسنده گان - دیگری چون شهره هدا، زین انیسو، و اکبر کرگر (در بخش سخن هفته) منزه آسوده و اصف معروف نیز با من همکار بودند که اکنون صرف مستحق سرپرانی همواره برای هر برنامه ام یک مقاله خوب می نویسند.

س - حقیقتی وجود دارد که یک مجله به روشهای مخصوصی به یک هرزه تشریحات خود، تشریحات میکند، آیا مجله شما در کدام خط تشریحات رهسپار است؟ بیننده های برنامه، تان بیشتر بی - کسانی هستند و اگر شما بیننده مجله

۱۳۶۰ تاکنون یعنی مدت هفت سال است که پاتویه، نوشته و دایرکت برنامه مجله تلویزیونی بارادیسو تلویزیون همکاری دارم کارمن در - تلویزیون، اساساً در دو جمعیت هرزه، شکل یافته است؛ کارگردانی برنامه ها و نهیسنده کسی متین هنری - ادبی.

در بخش دایرکت، علاوه بر مجله تلویزیونی، برنامه کتاب را نیز برنام ((برگها)) اساس نهادم که نهیسنده کی و کارگردانی اثراتینیه مدهه داشتیم، جدا از آن، دهها برنامه فوق العاده هنری - ادبی و نمایشهای تلویزیونی راتویه و دایرکت نموده ام، البته در حاشیه، از نوشته ستایشی فلم داستانی ((سپند)) تیاتر تلویزیونی ((طلوع سانه ها)) بخشهایی از نخستین سهال تلویزیونی انقانی، چند داستان و شعر نیز میتوان یاد کرد.

س - کی هادرتویه برنامه مجله تلویزیونی شما راهی گویی میکنند؟

ج - گرداننده گان برنامه مجله تلویزیونی همانطوریکه اصول تهیه آن ایجاد میکند، با مسئولیت و مشکل میبود، آنکس بی نهایت و مشغول در تمام بخشهای فن و

که راه، موسم ستدر دوید برتو شده، کارگردانی در همه آنها هست، بازاری ندارد، از اصطلاحات هرزه، این سلسله گرفته تا بسیاری دیگر از آنرا های فنکار، کلا خلاصه - میشود به چند تکلیک و اصطلاحی (شاید درست و شاید هم نادرست) که از سوی برخی از کارگرداران - غیر مسلکی، تدوین شده است. اما، کارمن و سنی کارگری کهری از دایرکتوران تلویزیون، مبتنی است بر تجاریک حین کار و صلاحیت من آورد، اینجا اصول میزان - مؤقت یک کارگردان بستگی دارد به ابتکار، دید هنری و استعداد شخصی او، که در هر صورت و در همه جا، لازمه اساس کارگردانی برنامه های تلویزیونی است.

س - تحصیل اصلی شما در کدام رشته است و چند سال است که بارادیسو تلویزیون همکاری دارید، کدام برنامه ها راتویه کرده اید (البته جدا از مجله تلویزیونی) و آیا با کدام ارگان دیگر نیز همکاری دارید؟

ج - من تراگویی رتیه ژورنالیزم را در سال ۱۳۵۸ در دانشگاه ادبیات و علوم بشری به پایان برنم و از سال

در تلویزیون، در ایلام داشته های نیم جان و پاتویه (روشن سازی هنری)، برنامه (مجله تلویزیونی) یگانه برنامه نفس کی و زنده هنری ادبی است که صیقل معقول صلاحیت آرایه مؤثر را دارد بیشتر برای رانفان و رهپهان هنر و ادبیات درخور قبول پذیرش است.

بانجیب ساکب، دایرکتور جوان و آگاه برنامه (مجله تلویزیونی) که خود، انبیا، نهیسنده و شاعر است، نوشته ها و کارهای دهنق هنری - ادبی اش، صداق لبید صیقل روشنگرانه اش میباشد، گفت شنودی تهیه دیده ایم که پیشکی شما شود:

س - آیا در رشته دایرکتوری تلویزیون بهره در زمینه برنامه سازی - تحصیل بخصوصی کرده اید؟

ج - کار در تلویزیون طویبت که معایب و روابط بخصوصی در رابطه با دایرکت برنامه ها، از قبل تدوین شده است. من به اقتضای تخصص مسلکی ام، کم پیش چیزهایی در دانشگاه و هم از لایلی کتابها آموخته ام. اما در تلویزیون ما، همانطوریکه اشاره کردم، بسیاری از مواردی

# دوست میدارم و را

قند جویی ، بند جویی ، ای جناب  
 هرچه میجویی بجو  
 بیکران بحریت ، گزهر بیحساب  
 هرچه میجویی بجو  
 فارس گویی ، دري گویی و را  
 هرچه میگویی ، بگو  
 لفظ شعرو دلبري گویی و را  
 هرچه میگویی ، بگو  
 بهرین تنها زبان مادر است  
 همچو شیر مادر است  
 بهر آن تشبیه دیگر نیست ، نیست  
 چونکه مهر مادر است  
 زین سبب چون شوخیهای دلبرم  
 دوست میدارم و را  
 چون نوازشهای گرم مادرم  
 دوست میدارم و را

مومن قناعت

# کاسیر

بلبل به فغان چه کار دارد  
 نه که خبر از بهار دارد  
 قمری به طلوع صبحگاهی  
 جشنی به چمن هزار دارد  
 چشمش ز شراب ناب امشب  
 پتگرکه چنان خمار دارد  
 مردم زنگاه آشنیش  
 گلگونه قبا ، نگار دارد  
 اندام ظریف و نقره فامش  
 بردل هو من شکار دارد  
 آید بیم ز راه شوخی  
 حیف است به غیر نظر دارد  
 صید کشته بود و بناز و رامش  
 خون شهدا ، وقار دارد

# مشوش

من مرغ اشم  
 شب را بزیر سرخ بر خویش میکشم  
 در من هراس نیست ز سردی و تیوه گئی  
 من از سپیده های دروغین مشوشم  
 سیاوش کسرای

این شیشه ، دل ز سنگ روزگار  
 نشکست ولی غبار دارد  
 پژمان شده اسپیر زلفش  
 صد همچو منی بتار دارد

# بچه دیور

داکوشی ستا بر سپین مخ خوری وری شوی  
 که ز ما بر سیاوون تیاری خوری شوی  
 ستا دسترگود خیال سیوری چی بری ولوید  
 پرورشوی دارمان توری تیاری شوی  
 ستاد بزند و گنو تکه نه وه ، خه وه  
 ورسره می چی اسری خاوری ایری شوی  
 درسی شوی دادی خیلی پیسرا گانی  
 نه چی زما دعاوی تالره نیسری شوی  
 چی ترکی تلی ستا دادا گان سو  
 هغه لاری زما ستا تر منعه پسری شوی  
 دما بنام له تیکی تیخ د هلال ووت  
 د هسک مورگی د شفق به وینوسری شوی  
 چی ورتل به سرولمبو لکه اور پینتی  
 به هغو بلهارو لکی هد پسری شوی  
 چی د مینی د محفل بلی لوی وی  
 خاورو لاندی خه بنایسته نیلکی خیری شوی  
 بیا به و سپری رسی د سرو رید سو  
 که به سرو وینو خر وی می میری شوی

پوهاند زیار  
۶۷۲۲۲

# بچه تو در کجاست

فسرده روح مرا با گل و بهار چکار  
 ز نو بهار چه گویم به لاله زار چکار  
 بین زکان طبیعت به که سار سبزه  
 مرا به دشت و دمن بی تو گلزار چکار  
 ببر کنسید و چمن جامه نگارین خوش  
 مرا به گلشن د بیای مرغزار چکار  
 صبا نسیم تو آورد طرف لافه من  
 جدا از وادی عشقم به جویبار چکار  
 د مید صبح بهاران رسید وقت طرب  
 مرا به بیک فریبند و خمار چکار  
 فغان و ناله مرغان خوش ترانه شنو  
 مرا بی باغ و به گلگشت نوبهار چکار  
 بیا که شوق رخت در دل جوانه زند  
 قسم به تار دوزلفت به شام تار چکار  
 د رخت و باغ و چمن بین چه جامه زین  
 مرا به سپروسفر سوی گل بهار چکار  
 خروش موج بد ریاحه مستی هادارد  
 شکسته شیشه قلبم مرا قرار چکار

# مته، نیت

گرتویند اري دل م را حزتو یاري هست . نیست  
یاغم را غیر مهتر نمکساري هست . نیست  
گر بگویم سینه از دست تو بر خون نیست . هست  
ورپرسی گرتو در خاطر نمباري هست . نیست  
گر کسی گوید که درد نیا به دوش زنده کسی  
سخت و سنگینتر زه جریار یاري هست . نیست  
بیش تیرت گر بگویی دیده برهم زد . نـزد  
چشم مست را از این دل به شکاري هست . نیست

## غزل

ماد خپل سرویش خکلی دی به دی کوخه کی  
به مائل کانی وریدی دی به دی کوخه کسی  
به ما دینس او وفا زیادنی ولسی کوی  
تائل خندلی مائزلی دی به دی کوخه کی  
ستا به غضب غضب کاته نوي خبره نه ده  
داسی می لیرد پرخه کتلی دی بعدی کوخه کی  
سترگی خمار شوندی مسکی انگلی ولونه ولسونه  
خه خطرناک قاتلان بنگلی دی به دی کوخه کی  
ستاد بهار بهار بخوانی شراب به جا وریزی  
مائل د هجر زهر خنلی دی به دی کوخه کی  
توتی توتی کچکول بی مه زاری دژوند ملگرو  
سائل د زره توتی شیند لسی دی به دی کوخه کی

ابوالقاسم لاهوتی

## دخوانی گلونه

زیاد مینی بنگلی بنگلی پسانسی  
چی د سپرلی بنگلا پری بیه بنگاریده  
به مومرینولپچو خوب ته بی سرنه تیتاوه  
د بپشتی عظمت نینه بی  
پرته خته کی وه  
دغه غرور بی د پیری بیرونو  
مات نه شوکر ای  
کره صدقه بی له زلفانو  
دخوانی گلونه  
خودغه تورماران بی  
کله د غاری امیلونه نه شول  
چایی دیانور زیدل  
به شپه کی ونه لیدل  
به جوانی برگ مینی  
د جاخماري نازینی سترگی  
باندی نمجنی نه شوی  
خودخوانی گلونو  
د جانا زکوبینوته  
باسته فرشونه جور کرل

رحمت شاه سائل

## پروانه ها

پروانه های پروانه ها  
پروانه های خوشنما  
پروازتان بس دلنشین  
بر آسمان و بر زمین  
کالای خوشترنگ شما  
رقم شما، جنگ شما  
روی گل و روی چمن  
روی علف های دمن  
مستانه بال و پر زید  
بر روی من بر پر زید  
گفتم بگیرم بالکت  
آن بالک خال خالکت  
از دست من گشتی رها  
رفتی سوي تخت هوا

رازن روپین

قتیل خور یانی  
کابل ۲۰ مه ۱۳۶۲

## شبه

شب التیام زخم تن تاب دار خویش  
د رشام تار طرز صدایش نخواند . است  
اما  
زلفان تار دختر شب  
روی ماه را  
در چنبر طلسم سیاه کشید . است  
اری !  
شاید که زنده کسی  
یک انتظار دخت شب خوابدید ما ست

حمید مهرورز

# برادر خدا

دست بر از نیاز من و بارگاه تو  
 آه ای خدای من!  
 چون شاخه های خشک درختان  
 در آستان درگه \* تو با کمال عجز  
 از فرط یک نیاز  
 سر بر کشیده از تو طلبگار حاجت است  
 دستم تعی مدار  
 آه ای خدای من!  
 و این قلب من که جایگه ذات پاک توست  
 و اینسان غمین مدار  
 هرگز رواندار خدایا که قلب من  
 در این زمان که اوج جوانی زنده گی است  
 از غم بمیرد و شود خالی و تنه  
 هرگز رواندار خدایا که چشم من  
 در شمری فروغ جدایی شورسپاه  
 مرضیه عدیل

# شهباز

هر شب که آسمان خیالم درین دینار  
 با چلچراغ روی تو چون روز می شود  
 هر شب که دست باد از آن سوی کوهها  
 بوی تراب کلبه ای من می بیاورد  
 من، لوح خاطرم:  
 با قاف قامت تو،  
 دل انگیزی کنم  
 با یاد پادشاه تو،  
 شهبازی کنم  
 محبتی "سوزن"

# لیون

د عشق زخوره شول لبه لیون سی  
 تو رو تباروی شول د یوه لیونی  
 میگی ی خود د ن هدا و یکی ناخسی  
 یکی د یوه نه دی هغه لیونی  
 د اچی بی د ریغه بری قدم زدی آشنا  
 کلی گی نه شته دی بیوجه لیونی  
 د عشق په توری به د ا روه بحر وی  
 کله کوی جاته سجده لیونی  
 زهیز به کور به لبی پلی وی لا  
 ترخوچی پاتی وی د ا (دوه) لیونی

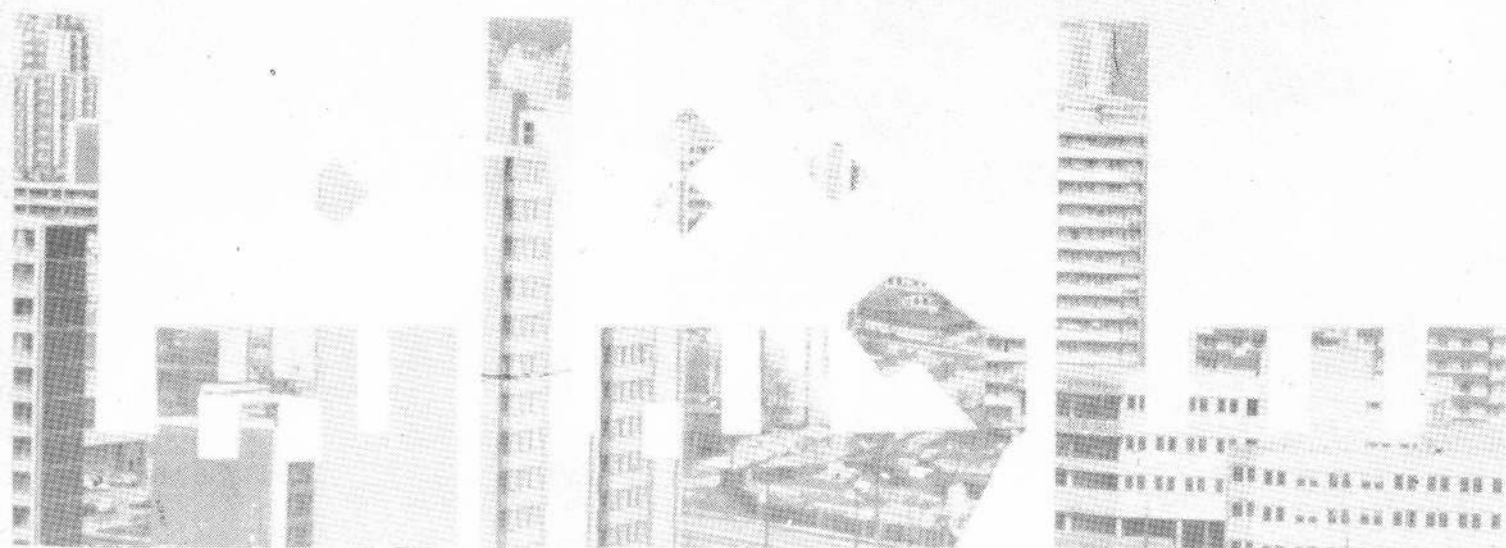
السمعیل

# شبنم پاک سحر

واضح باز میانند  
 نشان شیخ اندامت  
 به دیوار دل پادم  
 که می آیی به سوری من  
 به دیت ابروی صفا  
 و یاد ستان البرزانی  
 خدایا، نه، چرا سر زان  
 که شیخ است این که میگرد  
 نه دستان سید مریم تو  
 تو در شمر سکوت و خلوت خواب سحر گاهم  
 مثال شبنم پاک سحر گاهم  
 در آغوش تراوشم  
 که جوان د ستاهای کودک شیخ چمنزاران  
 به رویت باز میگرد  
 ارسالی: محمد اسماعیل برهان اندالی

# بهار و بیا

یک عصر تو بهار  
 من باشم و نگار  
 درختان شکوفه بار  
 بازان ریزه ریزه وهم مست و بیقرار  
 من با ادب بوسه بچشم زلف او  
 او از رواج ناز شود سرخ و شرمسار  
 وانکه بجام چشم اوستای من بنبار  
 یک عصر تو بهار  
 من باشم و نگار  
 (لومان) تویی خنار  
 ارسالی: محمد طیب (لومان)



# سربه آسمان میزنند

ساختمان ها و مزارع سه سه  
فلك كشيده در جهان آنقدر نهاد  
نمست • مزارع آسمان خراش از -  
همان آغاز مورد تعجب و حیرت مدتی  
زیادی مردم میشد ، این نوع معماری  
نشاندهنده اوج ترقی تختک  
دین هیا آن مرحله تاریخ است •  
در آغاز چنین مزارع یک چیز  
کاملاً لوکس حساب میرفت و ملتی که  
آنها بنا نهاد ، نبود به آن افتخار میکرد  
ولی امروز مزارع آسمان خراش نظر  
به ضرورت اعمار میشود ، کمبود مسکن  
، کوشش برای داشتن مراکز بزرگ -  
خدماتی و ادارات دولتی از عوامل  
اعمار چنین مزارع سه فلك كشيده  
میشود •

حساب آسمان خراش ها برج  
های بلند در جهان به هزارها  
میرسد ولی فقط نام بعضی از آنها  
زمانی دهن به دهن میگفت و آنها  
را بنامهای بزرگترین ، بلندترین  
••••• تهن می نامیدند • از ساختن  
های بلند ترین اول یکی هم بلند  
تین اهرام مصر است که بنام کوفی  
(Cheops) یاد میشود • این  
ساختمان سنگی ۱۶۶۱ متر بلند  
بوده و از سال ۲۶۰۰ قبل از میلاد

تا امروز با برج ایستاده است حتی  
انسان امروزی از دیدن این هرم -  
دست تحریر به دندان میبرد •  
انکشاف واقعی ساختمانهای  
بلند از زمان گوتمک آغاز میشود •  
دین زمان در تمام جهان کلیساها  
و اماکن مقدس که باید بگویند تنها  
در عرض و طول ، بلکه در ارتفاع نیز  
رقابت مینمودند ، اعمار شدند •  
کفایت میکند که کلیسای پتر مقدس  
رادر شهر رم که ارتفاع مناره آن به  
۱۳۳ متر میرسد مثال آورد ، هم  
چنان باید از قصر گوتمک در شهر  
کولن آلمان یاد دهانی کرد که  
۵۷ متر ارتفاع دارد •

بها دگاره های تاریخی همگون در  
زمانهای بعدی رومانتیزم و کلاسیسم  
نیز در پیوستیم ، ولی همان آمدن برج  
ها ، آنتن ها و آسمان خراش های -  
مصری با استفاده از تکنالژی جدید  
بستگی مستقیم دارد •

اولین برج فولادی با ارتفاع  
۳۰۰ متر که مدت نهادی در جهان  
بگانه برج از نوع خود بود ، برج مشهور  
در شهر پاریس است که همه ما آنرا

نبر نام برج ایفل پاریس می شناسیم •  
این برج طی مغل مجلی بمناسبت  
تعیینگاه بین المللی در سال  
۱۸۸۹ افتتاح شد بنام مهندس و  
طراح آن گوستاف ایفل منفی شد •  
این برج به جز جدا ناپذیر پاریس -  
تبدیل شد و در اکثر نقاط جهان -  
مادل های این برج گایی و اعمار  
شده است •

بکار در برج ایفل مدت نهادی -  
شکستنده شده ، بالآخره در سال  
۱۹۳۰ زمانیکه در شهر نیویارک آسما  
خراش کولمبیا بلدیگ ( CHURCH  
BUILDING ) ک ۳۰۶

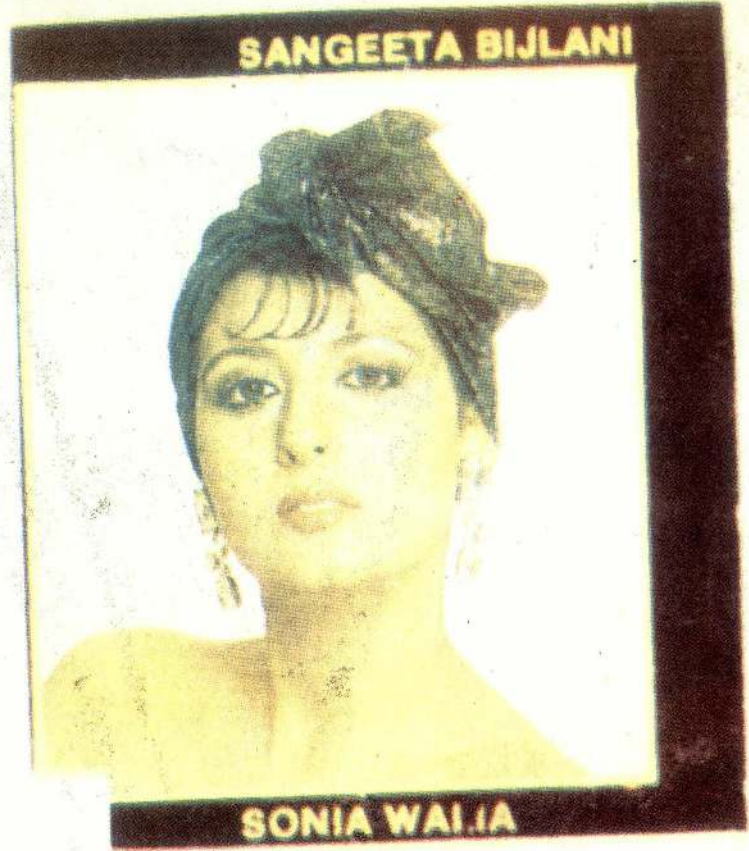
متر ارتفاع دارد ساخته شد ، بکار در  
برج ایفل نیز شکست • بعد از مدت  
نهادی مقام اول را در داشتن ساختن  
های بلند منزل نیویارک کایی کرد •  
مزارع امپایر سٹییت بلدیگ

( EMPIRE STATE  
BUILDING ) این مقام را برای -  
نیویارک گونتی کرد ، این ساختمان  
بدون آنتن که بالای آن نصب است

۳۸۱ متر ارتفاع دارد •  
آنقدر زمان دیر می نگردد که -  
ارتفاع فوق راسختمان دوج مرکز  
جهانی تجارتی ( WORLD TRADE  
CENTER ) ک ۴۱۲ متر -  
ارتفاع دارد ، نیز گرفت • ارتفاع -  
۴۱۲ هنوز هم نتوانست به بلند -  
تهن ساختمان جهان که در شهر  
شیکاگو واقع است برسد • ساختمانی  
که در شیکاگو واقع است دارای -  
۱۱۰ طبقه (منزل) بوده و ۴۴۲  
متر ارتفاع دارد • این ساختمان بنام  
SEGRS TOWER یاد میشود •

در طولی ساختمانهای بلند  
منزل ، آنتن های پخش امواج رادیو  
و تلویزیون به ارتفاعات بلند تر اعمار  
شدند •

در سال ۱۹۶۴ ارتفاع رکوردی  
را برج تلویزیون شهر توکیو ک ۳۳۲  
متر داشت به دست آورد • این برج  
بقیه در صفحه ( ۷۴ )



SONIA WALIA



# از دنیای مود

توسعه و عالی



## حرف‌هایی از دو مودل معروف

تازمانی که فلم

((خون بهری مانگ)) به معرض

نمایش قرار گرفته بود اندیشه ((سونوالیا)) به شابه طلوع و غروب آفتاب آکنده از سایه ها و روشنی هابود ، گا هن تهن امیدورمانی توام بادلهره جاس \* برای آنکه قهل ازاین فلم ، درنلم های ((تیرئ - شهرین)) و ((آگوشن)) نیز ظاهر شدولی شعری ازکار خود گرفته بود \*

وقتی اورادر ((پانسیون)) که زنده گی میکنند ملاقات کردم در برابر پریشی گت :

((بدون تردید فلم ((خون بهری مانگ)) برای - ثبوت اهلیت هنری من ، وجه تعیین کننده یسی داشت)) \*

ایمعدانک وقته کوتاه ، به دناله \* حرف هایش افزود :

((خوشحال استم ازاینکه ((راکش روشن)) درنلم خود برابم فرصت کار داد ویا این زمینه سازی، شناختی بین ماپدید آمدوموقع یافتم تا مردم برای هنرواستعدادم تهنقی قایل شوند وازنمایش فلم به اینسو، روزی رابسه یاد ندارم که زنگ تلفون به صدا نیاید وازکارکرد - موقعیت آمیز من حرفهای نرتند وبرایم تهریک نگیند \*

عده بی راعیده براین است که ((راکش روشن)) کارگردان فلم ((خون بهری مانگ)) ازمن به شیوه \* نا- جایزی استفاده کرده وکارحوش شنا با لباس های ((سکس)) مرابه انظارجلوه داده استولی اقتصاد من این است که اگر درکارحوض شنا، لباس شنا رابسه تن داشته ام که به مقتضای \* حنه \* فلم است این چه گناه کبیره است که ازان حرف نامی بافتند ؟

آیا توجیح یک بهننده این است که درکارحوض شنا، دختری با لباس سوراها مستور جا-ر شود ؟ ایادرمحل- شنا، پوشیدن لباس شنا، امرکاملآ طبیعی هست ؟ اگر کارگردان مرادرکارحوض شنا، با لباس های

که ((سونم)) درنلم ((وچی)) ظاهر شده است و ارد هکرد بدون تردید این حرکت کارگردان از لحاظ هنری جای بزرگی بود که برمن تحمل میشد.

درنلم ((آگوشن)) نقش نیک هنرمند به نام رسیده بی رامتعهد بودم \* نقش نندایت پراغواامض وایدامات بود ولی کارگردان ، مرایشوه \* کاررا آموخت وورا خوب یاری رسانید \*

درنلم ((تیری شهرین)) نقش کوچک داشتم \* یک فلم هنری بود ودر تلویزیون هم به نمایش گذاشته شد \*

((سونوالیا)) درنلم های نهادی ، درنقش های مختلف ظاهر میشود \* درنلم های ((جهین داتا)) و ((مهاستگرام)) یا ((ادیمه پنجولی)) ودرنلم ((نمیری آدمی)) با ((متهن چکروتی)) درنلم ((مستروسنر ۴۲۰)) با ((راج بهری)) همبازی میباشد \*

مناف براین ، یک عده از فلسازان جنسوب هندوستان نیز رغایت او رابرای بازی درنلم های جنوب حاصل کرده اند که وی صممانه ومسده \* همکاری به آنها داده است \*

دراین باره اوصوف هایی دارد به این تفصیل : ((من عجله بی ندارم که درلن آن به اف-شهرت برسم ، برای تسخیر و تصاحب این مقام تا \* ملوشکوبایی فراوان دارم ، برای تعدد قرارداد بازی درنلم ها هم دلچسپی فراوان ندارم ، ازاینکه همبازی من

کست ، بسیاری اندیشم \* برابم بسیار بی تفاوت است که درنقش مقابل من کی قرار دارد ، مثلیکه قهلا گتم درنلم ((تیری شهر - مین)) در برابر ((مارک نیبر)) ودرنلم ((آگوشن)) مقابل ((اکبرخان)) ودرنلم ((مهادیو)) با ((وتودکنده)) حاضر به بازی شدم \*

من به دراست وجرأت این موضوع را تایید میکنم که به هنرمندان نام نهاد ولی نامدار درگزرتکه تن نمایم \*

حالت که ((سونوالیا)) دروازه \* کاروبار مود را بسته ودرنمایش لباس ها- \* نمیگیرد ، خودش می-نهد :

((موقعیت کنونی حکم میکند که بعدازین ، سینما وهنرنامی مرکز تمام توجهاتم باشد و نهرا نقش راکه درنلم ((آگوشن)) ایفا نموده بودم ربه معرفت قناعت بخش نبود وچنانکه فلسازان معروف به من چشم امید دوخته اند لازم است من هم تلاش های فراوانی ازخود نشان دهم)) \*

درخروج دنیای مود وپوشش ((سونوالیا)) عکس- العمل خودداینگونه ترازم میدهد : ((اگر پیشنهادی در مورد نمایش لباس برابم برسد ردمی کم مشروط براینکه طبع ونحوه نمایش قابسل

# تاجهان سینما

## سونووالیا و سنگیتا بجلانی چه میگویند؟

توجه باشد تصمیم گرفتیم بهر نوع پیشنهاد سونووالیا  
هم نیک و لو که از احساس بولی ، قابل توجه میباشد))  
«سونووالیا» از آنانی که در عین اوج حرف های

نیایش می گویند ، دل بخون داشته میگوید :  
«نمی دانم چه آمده من به عزتنامه و دیگران من  
اعتزاز می نمایند ، تردید ندارم که در لسان انگلیسی  
مهارت کم تغییر دارم ولی نباید انکار کرد که از آنانی  
صحیح اردو و هندی هم بهره و فنیتر گان دارم ، روی  
این اصل توافق نیکم به انتقاد آنانی که عقیده -  
ندارند ، اردو را به شیوه آمخته با انگلیسی اداسی  
کم یادگیران بنامد آمیگ دارم .

اعتزاز سیم که حضرت تاجهان مود به دنبال  
سینما خالی از اشکال نیست ولی این ادعا درست  
نیست که میگویند مود را لباس هاتراندندری هنر -  
ندارند)) .

«سونووالیا» که از کار روزنامه نگاری حاصل  
قام ((دخترهنگ)) پیوسته به ترقیات قابل آمده  
میگوید : «والدینم در هر قدم مشور کارهایم بودند  
به استثنای شمول در کارهای هنر سینمایی ، تا آنکه  
سوانحار آنها را تقاضا دادم و رضایتشان را در این  
مورد حاصل کردم .»

برای اینکه ، دین فرصتیکه من راه خود را در  
سینما شخیر میکنم ، آرزو ندارم در محدودده ، نقش های  
منفی گیر شوم زیرا به صراحت میگویم که نقش های

منفی مورد علاقه من نیست

در این اواخر رزمه من از عشق و داستان عشق او  
با «وتودکنه» بجز هامرسید ، در حالیکه از این  
رزمه ها کاسته شده است و او به راحتی نفس تازه  
میگیرد ، در این باره تصریحی ندارم این شرح :  
«من با «وتودجی» در ظلم «معاذی» در -  
مسئله «اوتی» در حرف بازی بودم ، چون «وتودجی»  
مرد مسیح الصدر بوده و در بسیاری از موارد اندیشه من  
یک سان داشته ام ، اینه خا بر اینکه با دیگر تازه کار  
بودم ، به حاشیای هنرمند تجربه کار و مسوئله ،  
شماره خود را در اختیار من میگذاشت و برای بازی میروانید  
که از این سلوک انسانی او خبر نگاران بدون در نظر داشت  
حقانیت موضوع ، دست به شایعه پراکنی زده سانه  
را به شوه داستانهای تحلیلی انعکاس دادند .

این رهداد در حالیکه روی احساس ما ، تأثیر  
ناگوارانی به جا گذاشت ، هر دو تصمیم گرفتیم به اشکال  
همکاری دوستانه من شایه خود خاتمه بدهیم .  
نوا مقاومت در برابر شایعات غلط و اتهامات بی اساس  
که با شایخ بیگ های فراوان سمت دهن میشود حوصله  
و شکیبایی خازر الماده می خواهد .»

سونو والیا میگوید : «من به خود باور دارم که در سال  
های آینده ، به عنوان یک ستاره شناخته شده و  
موفق عرض وجود کنم با این تلقی ضمن بر آن دارم نقش  
های را بازی نمایم که دارای نرم احساس باشد تا  
هفت احساس نقش را به صورت متوازن انعکاس داد .  
بخوانم .

من عقیده دارم که با تمویل هر نقش ویت هنر سینما  
میتواند پول قابل توجه ذخیره کند ولی برای هنر  
خدمتی را انجام داده نمیتواند . از اینروست که با هر  
نوع نقش دلچسپی ندارم و اگر چنین میگردم امروز  
در مقام یک مجری می بودم و در یک «پانسیون» زندگی  
نمی کردم .»

و اما در مورد «سنگیتا بجلانی»

شهر هر مود را لباس در جهان سینما ، موفقیت

قیهه رصفحه (۷۸)







# برفراز تياتر وياسينما

— سینما يك شاخه با اهمیت فر...  
 هنگ بشمار میرود ، دست یازیدن  
 بدان جرات میخواهد و ایشان  
 جلایش چنین بیکره زیبا و انسانی  
 منحصر به ذکور نیست بکون طبق  
 حکم زمان ، اناث جامعه ما  
 میتواند در رشد و هشد این  
 بدیده والا از اهمیت باارزشی  
 برخوردار باشند .  
 — اگر همانند همه زنان که  
 به سلام این بیکره رجوع کردند  
 و بعد بلاد رنگ و اداع کردند چی ؟  
 — شما میدانید که جامعه ما یک  
 جامعه عقب مانده و روزه انکشاف  
 است و از جانی بدیده سینمای  
 ما تا هنوز نتوانسته هويت ملی  
 خود را کسب نماید و استند مدای  
 که بنابر تخیلات واهی گرایانه و یا  
 ممکن اشکالات ناشی از تعصب و  
 ریا، بای خود را از عرصه فعالیت  
 باز میدارند . ولی من بعد ان  
 می اندیشم که نباید عقب گرا بود  
 و سوي سایه رفت ، سایه بیکره  
 سیرش به تاریکی و لغزندگی  
 می انجامد . چرا ، خرد مندانه  
 به سوي خورشید گام ، بگام پیش  
 نرفت و از خورشید بیکه اشعه  
 پر فروزش همگانی است ، سود

به جست  
 — خورشید جان عقیده شما در  
 رابطه به داشتن يك سینمای  
 خوب چیست ؟  
 — بعد از لحظه بی درنگ افزود  
 باید برای یافتن سینمای خوب  
 اولتر از همه در جستجوی فرهنگ  
 ملیتها بود . در يك فلم نیز باید  
 اندیشه بران داشت —  
 محتوی از يك تفکر اصیل و فر...  
 هنگ جامعه گذران زندگی می  
 نمایم ، ما به داشته باشد .  
 — ستم شما در هتشدن سینمای  
 افغانی از چه قرار است ؟  
 — من بعنوان يك فرد درین عرصه  
 نمیخواهم بصورت دیگری فکر کنم .  
 فقط تلاش ورزیده ام بانها بیست  
 صمیمیت و بی الایشی به اجرا گری...  
 فتن کرکس سپرده شده ، رعایت  
 نظم و دیسپلین — داشتن اخلاق  
 خجسته و احترام متقابل ستم خود  
 را تا همین اکنون با صداقت تمام ادا  
 نمایم .  
 — میخواهم بدانم کارکرد هایتی  
 سینمای شما از کد ام فلم و  
 چگونه آغاز شد ؟  
 — من با پیشینه کاررادیو  
 ام با علاقه مندگی که در  
 بقیه در صفحه ( ۱۱ )

# خورشید



این بار در رابطه به ویژگی  
 های هنر و شناخت بهتر هنر  
 مندان سینمای افغانی ، با ی  
 صحبت هنرمند مجرب و مستعدی  
 که پیشینه کارکرد هایش از امواج  
 راد یو آغاز و در زمره نخستین  
 اکتریس های ( هنرپیشه گان ) تياتر  
 سینما — تلویزیون باد رخشد  
 چشمگیر جا گرفت و در آثار راد یو یی  
 تياتر ، سینمای و تلویزیونی موفق  
 از آزمون بد را آمد و تلاش بیکره  
 و علاقه وافر از زمره موفق ترین  
 چهره های سینمای افغانی در  
 سطح کشور شناخته شد .  
 نشینم .  
 این چهره پر درخشش محترمه  
 خورشید است که دعوت ما را با  
 علاقه و محبت پذیرفت . اینک  
 توجه عزیز خواننده گان گرانقدر  
 را به گفت و شنود این هنرمند  
 معطوف میداریم .  
 — میخواهم نخستین سوالها  
 چنین طرح کنم :  
 — از نظر شما موجود  
 دیت اناث در بیکره  
 سینمای نو پیا خواسته  
 ما ، از چه اهمیتی  
 برخوردار خواهد بود ؟

همینکه اثری از خود به جا میگذارم برایم افتخار است  
 استعدادها باید به موقع کشف گردند

# اسرار خوردنی ها

بادرنگ از جمله سبزی های بسیار معمول بوده که نوع آن خیلی نهاد رایج است. بادرنگ تا به سر سردکننده و طراوت بخشی داشته و قهقهه ها حاوی تمام عناصر است که برای بقای سلامت و زیبایی ضرورت است.

بادرنگ به انواع گوناگون با تفاوت شکل، اندازه و رنگ وجود دارد. رنگ آن از سبز کم رنگ تا سبز تیره است. بهترین نوع آن بادرنگی است که تازه و سخت بوده و شکل منظم و رنگ سبزه تیره داشته باشد. پوست بادرنگ نهالیت خفید می باشد. نهالیت تمام نکبات و مسمومیت ها را از بین می برد. بادرنگ را نباید پوست کرد.

در علم گیاه شناسی آنرا بنام کوکویز ساتیوا می نامند. بادرنگ را صوری ها، یونانی ها و روسی های

قدیم می شناختند و در قرن ششم قبل الميلاد در چین پیدا شد. اکنون این سبزی خفید در سراسر جهان کاشته می شود و از آن استفاده می کنند.

## ارزش های :

از نگاه تغذیه، بادرنگ حاوی نسبتاً خدار نهاد متوال هاست. تحمیل این صوره سبزی مانند نشان میدهد که در صد گرام آن (۱۶۳) فیصد رطوبت، (۴) فیصد پروتئین، (۰.۴) فیصد کربوهیدرات موجود است. مقدار متوال ها و مینرال های آن حاوی (۱۰) ملی گرام فیصد، فسفر (۲۵) ملی گرام فیصد، آهن (۰.۱) ملی گرام فیصد، نیاسین (۰.۲) ملی گرام فیصد، پتاسیم (۰.۲) ملی گرام فیصد، کلسیم (۰.۲) ملی گرام فیصد می باشد. ارزش آن از نگاه

کالوری (۱۳) است. علاوه بادرنگ منبع با ارزش پتاسیم، سدیم، منگنیم، سلنیوم، سلیکان، کلرین و آهن است.

## خواص طبی :

بادرنگ حاوی مقدار (۶۴.۰۵) فیصد متوال های القلی ساز و (۳۵.۹۵) فیصد متوال های اسید ساز می باشد. از اینجاست که خاصیت معالجه و درمانی این صوره رادری کرد. بادرنگ در حفظ القلیت خون خفید است. علاوه بادرنگ از بهترین مواد ادراور آور طبیعی بوده که دفع و جبهان ادراور را بهبود می بخشد.

## نکته :

بادرنگ دارای مستقل ضد قیضیت است. کسانی که به قیضیت دچار اند می توانند با خوردن روزی دو عدد بادرنگ از فوائد آن مستفید شوند.

## اختلالات معده سی :

صا ر ه بادرنگ در معالجه هلیکوباکتری و زخم های معده و

# باد رنگ

مترجم انجنیر حلیم

## سبزی مفید برای صحت و زیبایی

انتفاخ خفلی می باشد. در چمن مواردی هر دو صفت به هم می آید (۴) تا (۶) اونس آن تهیه می شود. از اینکه بادرنگ حاوی (۱۶) فیصد آب بوده مقدار صا ر ه آن بیشتر است. بادرنگ سبزی مفید را خفلی زود بر طرف می کند.

## بیماری های رایج :

صا ر ه بادرنگ در معالجه هلیکوباکتری و زخم های معده و

هنگامی که با شوره لکه مخلوط شود بوی شکستادن و بوی ساختن سنگ در مجاری ادراور و تقلیل اسید ادراور می باشد.

باید که با آب تازه و با درنگ به مقدار یک پاد او و ص هیک ساعت بعد دوای خفلی خوب بوی رفع تشنگی در هنگام حله کولسرا مسویب می گردد. این صا ر ه مخلوط توانی مایع الکترولیت را که در اکثر بیماری کولرا مثل گردیده، حفظ می کند.

## جوش ها و داده های روی جلد :

صا ر ه بادرنگ در بر طرف ساختن جوش ها و داده های روی پوست مؤثر ثابت شده است. به منظور اخذ نتیجه بهتر صا ر ه های زودک و گاه را با پوست به صا ر ه بادرنگ ملاه کرد. اضافه کردن مقدار کم صا ر ه شاد در بعضی موارد قدرت درمانی این ترکیب را بیشتر می سازد.

## باد رنگ بخانه داده حفظ زیبایی :

ماسک بادرنگ رنده شده روی صورت، چشمها و گردن برای (۱۵) تا (۲۰) دقیقه قوی خوب برای پوست صورت است. بخاطر استفاده از این ماسک با پوست دراز نکند. استفاده منظم بادرنگ از بهداشت جوش ها و چین و چروک و خشکی صورت جلوگیری می نماید. صورت را با طراوت و شفاف می سازد.

بادرنگ را می توان با سبزیجات، حبوبات، صا ر ه جات و صلا د مصرف کرد. معمولاً از بادرنگ به عنوان صلا د به شکل ترکیب با زودک، لبلبو، باد نجان روی، ملی، گاه و سبزی های دیگر استفاده می نمایند.

اضافه کردن شوره لکه به این صلا د آثار خوردنی لذیذ ها را از غذای صا ر ه همواره باید آنرا خام مصرف کرد نهرا ارزش درمانی آن در اثر پخت از بین می رود.



# پونم ...

بقیه از صفحه (۱۲)

رسیده باشد در غیر آن شکلات نهدی مایه خواهد کردید. به هر صفت تاردواند ن طاسب نمی باشد. صداقت و وفاداری جوهر انسان است با چندین مرد در یک زمان دوست بودن مقلات نیست. من به نظر شما دوستی های افراطی ممکن است؟ ج - چرا نه، دوستی یک زن با یک مرد می تواند محدود گسترده تر از سکی داشته باشد.

من در فضا شاد و رنجور می باشم. مردی که می آید، چه می کند؟ ج - او صا ر ه دیوانه خواهد شد. خصوصاً اگر از آن مرد خوشم نیاید در چنان حالت خود را به آب پوت همک تا از آنجا فرار نماید و لو بداند شاد که زنده بلعم می کند.

من شاد در نگاه انسان خفلی معصوم و پاک جلوه می کند. آیا

# دنوروزیه ...

د (۱۹) مخ پاتی

نوبه سی. ارد نوروز سندی و ایسی داجی :

خاوند به بیاد پسرلی کس له وجه پاکد لونگوبوی را خینه د پسرلی به و رخوا را شسته چی تور تکی رته کیزدی و غورومه خوانان هم به دغه و رخ بنگلی او نوبی کالی اغوندی خیل توستک را اخلی. تا کلیومیله خایونوتسه یسی. اتیونه کوی، بنی ولی او - سلنگی وهی چی دنومور ولوبو اتسل ته دکلی د سبین ز پری له خوابه گوته شوی بگری د پالی به توگه ورکول کیزی به خینوسپور کس حیوانی بیغلی خیلونامزاد شوپو ملگروته هگی ایشوی، نقل، نیسی او توتسه هغوته ورکوی))

د هزارونه سیمه کی برعمومی - دود و نوبسیر کویول خانگری دودو ته هم ترستر کویزی به دی باب د هزاره ملیت یوتن و ایسی جسی

د حیوان اتل) دراتگ به انتظار به تال کی کینی. د هغه دراتگ لار بخاری اوبه گزار کراریسان زنگوی خوله بده مرغه چی به تال کی چی خوب روی او همداسی وید به پاتی کیزی. داهم اسطوره ده چی د پسرلی طلسم سی به جادوی خوب خوبولی کوی. د - نوروز حیوان را می او تیزی به باغونو او راغونوکی او گلزارونو. د پسرلی د گلنوبد ناویغیزی ته خان رموی. خونوروزی بی بی خوارکی چی کله سترگی برانیزی - کوری چی ددی له بی بروایسی خنجه بی یارد نوروز نیزی و کسی لویدلی دی. دغه حال نه نس زغملائی. د لیونوتوب خیره پری را می او بخان له تال خنجه اجوی. که چیری به اوبوکی لویدنه نوهغه کال مسوراود برکتونو کال ویا و که چیری بی به وجه کی رلویدنه هغه کال بیاد و جگالی او خواری کال وی. د همدغی فولکلوریک کیسی برینستی هیله من یوچی سز کال به اوبوکی لویدلی وی خوسز نس کال موز ته برکتونه اوسو کالسی را پالی کری.

# خورشید بر فراز ...

بقیه از صفحه (۵۹)

زمینه تمثیل داشتیم در سال ۳۵۰ راه موسه آر یا ناقلم را در پیش گرفتیم و با آشنا سی مترم انجنیر لطیف محترم عباس شیبان، محترم نورالی شفق در فلم های جون: سیاسی و جلالی، غلام عشق، دام سرگ مزوره سبز، مرد هار هوقول اس، گام های استوار، فرجام صبور - سر باز، فرار، گناه، برنده های مهاجره مسافر و سفر نقش داشتند و داشته های تلویزیونی ام میارند از: فلم هنری کفر، نوای تشلیق زن عموس، د لمره لور، شمع زن - د هک، من و شما پشنامه ها و تیاتر تلویزیونی: غم مانی، زهره وید الله، امضا و زیر زن زمین، مرگ المازوف، آدم هساء، عموس، اشتباه عبرت انگیز چند دیگر ...

واقعا، فعالیت های سینما بی فرهنگ شما ارزشمند است. منی شود از افتخاراتتان در ایسن باب نام ببرید؟ - همینکه کار می کنم و از خود اشرفی به جامیگذارم، برایم افتخار است ولی در این باب افتخارات از - بابت اخذ مدال و جوایزی به خصوص بدست ندادم. ولی در سال ۱۳۶۶ - ۱۹۸۷ به نشیوال سینمای منعقد مسکو، شهر نیازی اتحاد شوروی در فلم سینمای (برنده های مهاجر)) بلعده بی از هنرمندان شرکت جست که خاطر آن برایم فراموش ناشدنی است. - پیامتان در ارتباط فعالیت های هنری رهنوردان سینمای ما و همچنان منوحت یک هنرمند راجع به وضع شورای جامعه چیست؟ - بالبان متبسم و دیکه کان آرزو -

مند افزود: - من از همقطارانم صمیمانه متوقع می بین تا صرف نظر از بد در ایسن ها و آوند بیخه بخود داشتن ها چی بهتر که در یک وحدت از کا - نیکه دست به دست هم داده - گام بگام در راه رشد و انکشاف هنر هفت (سینما) قدم می نمایند. بخاطریکه می توان به این نکته باور داشت و هم بدان تاکید کرد که در کشور ما در همه رده های هنری و درین شمار هنر سینما - استعداد های آفریننده بریاقت - بلیت باوروی و شگوفایی فراوان اند. استعداد های بیکه اگر موقتی به کشف آیند، بد رستی رهبری و مستند می گردند، در اندک زمان شگوفه میدهند و هنرمند ما به آفرینش های قابل بقایه با آثار جهانی نایل می آید. به امید آنکه همه توانایی ها در خدمت رشد استعداد ها و ظرفیت های هنری بکار افتد. - از حتمی کستقبل شد بد از شما اظهار میاس. - ممنون. - خدا حافظ. - خدا حافظ.

# مردها را خواستند

40 مینرنا

## آیا فحاشیهای فیزیکی خصوصاً زنده‌گی زنانه را اصله میزنانه

جهنیکولوژی خاخرشان میسازد که هرگاه یک زن ورزشکار بیش از دو ماه قاعده نشود در زمینه باید اندیشید و بعضاً تعویق قاعده کی رابحث یک عادت پذیرفته اند ، ولی در تشخیص ساله ، پرابلمهایسی عرض وجود میکند ، زیرا خانم کریستیانسین بدون اینکه فهمیده شود ، سه ماهه حمل داشت . داکتر معالجه متردد بود که شاید عامل عمده در زمینه خسته کی باشد . متوقف شدن قاعده گی اولین علامه حمل است . ولس کریستیانسین قبلاً نیز عادت دانت که بعضاً قاعده گی این بس تعویق بیافتد .

مینانسیکیستهای گونه کوتی در مورد توقف قاعده کی زنان ورزشکار وجود دارد که یکی از آنها کسی شحم وجود است . شحم بدون - هورمون اندروجن را ، که از غده های ادرنال تراوش میکند ، در نتیجه تغییر کیپاوی به نام اروماتایزیشن به ایستروجن ، که هورمون جنس مونث است ، تبدیل میکند . این ترکیب جدید ضمیمه ایستروجن میشود که توسط تخمدان به وجود می آید . (چاقی اضافی در جنس مذکر ، علامه زنانه مانند جمع شدن شحم در اطراف پستانها را باخود دارد .)

برای آنکه سطح ایستروجن را به گونه قناعت بخشی در زنان حفظ کرد ، شحم وجود آنها باید حداقل ۲۰ فیصد وزن بدن شان باشد . به صورت نورمال در زنان خانم

بقیه در صفحه (۷۷)

اندروجن بر رشد عضلات تا شیر میگذارد و در نتیجه آن پالای وجود زنان موی بیشتر میرود و عضلاتشان قوی میشود . سابقه های زیبایی اندام ، در حالی که بیشتر سابقه کننده ها از نظر فیزیکی جذاب اند ، این تصور نادرست را از بین برده است . به هر حال بازی با وزنها نوعی از مقاومت رابه عضلات میباشد .

هرگاه این ساله که اجزای تمرینات با وزنها سنگین به بزرگ شدن عضلات می انجامد ، مورد قبول باشد ، استفاده از وزنها ی سبک و تعریف متواتر ، به انفر شدن جسم می انجامد و این میتود است که اگر زنان آن را ترجیح میدهند .

چقدر باید وزن سنگین (یاسبک) باشد ؟ در زمینه کدام قاعده قابل ملاحظه می موجود نیست . ولسی مطالعه ساختمان وجود مردان و زنان بر مبنای گزارشها کی از آن است که به صورت اوسط بزرگترین مقدار وزن در تمرین عضلات سینه برای مردان ۱۶۶ کیلوگرام و برای زنان ۵۰ کیلوگرام میباشد . این گفته چنین معنی میدهد که برداشتن وزن بیشتر از صد پوند آسیبی به زنانه کی زنان نخواهد رسانید .

داده اند . چنین وضع زنان دیگر را متیقن میسازد که بسیاری از آنها ها در مورد حامله گی و خطرات - نریسهای فیزیکی رابی اساس بشمارند ، البته در این نوشته ما خواهیم - کوشید که حقایق را در بین زمینه روشن سازیم .

نیمه دوم قرن بیستم نسبت به سالهای قبل از آن با زنان بیشتر مهربان بوده است . البته این هم نتیجه مبارزه سر سخت زنها برای رسیدن به یک سطح بلند زندگی میباشد . امروز زنانی که دل مردها را میبایند و هم از نظر فیزیکی جوان اند ، رویه تزاید است . از ((راکل و لاش)) گرفته تا ((ریکا)) همه بر نرم سازی وجود تاکید میکنند . بعضیها معتقد اند که تمرینات با وزنها ، بعضاً خصوصاً ت زنانه کی زنان را از بین میرد این پندار مرد شدن را از دیاد سطح اندروجن (نوعی هورمون جنس مذکر) تشکیل میدهد . هورمون

کریستیانسین یک زن پرکار است . در سابقه هایی که انجام میدهد ، همیشه مقام دوم و سوم را حاصل میکند . او به نسبت ولادت سپورت ((دوش)) را مدتی متوقف ساخته بود ، ولی بعداً آنها از سر گرفت . اگرچه او میاند که مادر شدن او را از دست قهرمانان بیرون کرده است ، ولی چنین نشد . او در سابقه هایکی بعد دیگری به پیروزی رسید و تا اکنون هفت ریکارد های پنجهزار متر و ده هزار متر را حفظ کرده است . مثالهای دیگری نیز وجود دارد که بیانگر حالت زنانه است که بعد از حامله گی ولادت نیز لقب قهرمانی رابه خود اختصاص

# نیمه آدم نیمه حیوان

## اسرار جاودان ابوالهول



چهل و پنج قرن قبل زمانیکه فرعون ((خفرن)) دستور داد که اوزار رکاب گیزه به شکل ابوالهول (سفنکس) (نیمه آدم - نیمه حیوان) جاودان سازد، از همان زمان تا حال این ترکیب عجیب هنر فنانان راه خنود مشغول ساخت و به متابعمای بدون جواب و سرگنج کند مای باقی مانده.

مرد جوانیکه بدون کدام انگیزه مهم کسی را به قتل میرساند به شهرتیوانزد یک میشود. پیش از آنکه به شهر برسد در کوه صعب العبور و مرتفع نیکون بسا موجود عجیب و بیرو میشود. شیر بالدار با کله زن، که معای را از جوان میرسد. چیست آن در روی زمین یکی باد و دیگری با سه پا و یکی هم با چهار پا که بنده یک نام یاد میشوند. یگانه موجود است که بر روی زمین، در هوا و آب حرکت میکند. تغییر چهره میدهد. با تمام این باها و وقتیکه حرکت میکند بر عرش کم است.

موجود عجیب از همه همشهریان تیا، این سوال را می پرسید و بسیاری از ساکنان باید قربانی میشدند. زیرا جواب گفته نمیتوانستند.

ولی مسافر بنام اود پی معمارا حل کرد و در جواب گفت: ((انسانیکه توازن هن خود داری)) در ابتدای زنده می زمانیکه هنوز کودک است و راه رفته نمیتواند به چهار پا راه

میرود. بعد از یاد و باواز طرف شب به اساس قانون حکمت متصل به پای سیم میشود.

و موجود عجیب و وحشی که شهر نیوارا به خطر مواجه ساخته بود و جواب معایش را بدست آورد. به پایان میافتد.

اود پی مورد نوازش قرار میگردد و سیه یاد شاه یوکاستارا نصیب میشود. بدون آنکه بداند که با مادرش ازدواج میکند و حکمران کند و رمیشود.

یونانیان قدیم هیچ وقت در پیدا این موجود اسرارآمیز: جنس سره، نیمه زن، نیمه مار ایخید، سگد و سوره اوتروس و غیره هم عقیده نبودند. همچنان در باره ترکیب زن و شیر عقیده دیگر نیز موجود است: که از طرف رب النوع خیر از حبشه برای محازات شهر تیا فرستاده شده.

موجود عجیب که بر بسیاری از گله های یونان باستان تصویر گردیده با برنده آن اود پی بگمان اغلب در یونان از طرف بحیره مدیترانه آمد. زیرا ابوالهول تقریباً ۲۶۰۰ سال قبل از میلاد یعنی ۵۰۰ سال قبل از ابوالهول کار تیا قدمت دارد.

دو حیوان انسان نام بسیار کم با هم شباهت دارند. موجودیکه در کوه نیکون جا داشت زن است. با تنه از شیر، باقیافه زن و داریا.

لها و ابوالهول مصری بال ندارند و به اساس نظر ابوالهول شناس، هانیس و پیش نمایا گستر یاد شاه به شکل زمین روی با تقدس خدایی میباشد. در این جهزه او جان نشین رب النوع آفتاب میباشد که سمبول زمینی آن شیر است. فرعون خفرن ۲۶۵۰ سال قبل از میلاد دستور میدهد که قله بی از یک بلاک بزرگ سنگی به شکلی ابوالهول تراش گردد. ابوالهول خطوط چهره فرعون را میگیرد و بنا نوار عنقوی شاه میبندد. در حائیکه بدر خفرن، خیسویس دستور داده بود که سنگها را بر لب داخل اهرام که بنام خود شرمسی است، بفرشد. حالا حیوان شاهن مرتبه بزرگ شده بر روی زمین دراز کشیده ۲۱۰ متر درازی و ۲۰ متر ارتفاع، در طول سده ها، رنگ های بیابانی یادگار خفرن را پوشانیده بیود. در آخر قرن نوزدهم بود یک قسمت آن از خاک برآید و از سال ۱۹۲۶ است که ایسن آدم - شیر را به شکل بیبنیم که در اول بود. ولی روی ابوالهول زیاد ضرر دیدم زیرا در قرون وسطی توسط یک سلطان با توپ زده شد.

هیچ فرعون دیگر مانند خفرن با این عظمت جاودان ساخته نشده و این مجسمه نیمه آدم نیمه حیوان بر رسد. های مابعد خود زیاد مورد تقلید قرار گرفت. بعدا

نه شیر در مصر قیافه زن را گرفت. بسیاری از همین نوع مجسمه ها به شکل نگهبانان در پیش روی دروازه های اماکن مقدس گذاشته شدند، که اکثر آنها با کله های از قوچ، نهنگ و باز میباشد.

از این نوع موجودات، نمبر از حکمت بد هیچی در تشریفات نیز از آن استفاده بعمل آمد. در لوکسور راهروی از این نوع موجودات را ساختند که در طرف راه قرار دارند. همچنان در غرناطه از قرن هشتم راهرو از ابوالهول ها (سفنکس) بنا یافته که کله هایشان از قوچ بوده و تا حال پابرجاست.

برای توضیح ایده و شکل ابوالهول هانس ویشین اسناد زیادی را گردآوری نمود، او به هزاره ها انواع اشکال از این نوع مجسمه ها در کتاب خود بنام (ابوالهول) اشاره نموده و تعداد مصر زیاد تراز ۶۰۰ ابوالهول را تثبیت نمود. که زیادتر آن ۲۶ قرن قدمت دارد. صد هاسال بعد در سوپوتامیا بوجود می آیند و سر از آن در گریست و یونان.

ابوالهول سمبولی از حکمت دنیا قدیم است که اول از ساکنین شهر تیا و بعد از او در پیمهار رسید تا که در آینه خود ش به یک معما تبدیل شد. چطور پیدا شد، چی معنی دارد، ترکیب عجیب کله انسان با تنه حیوان؟

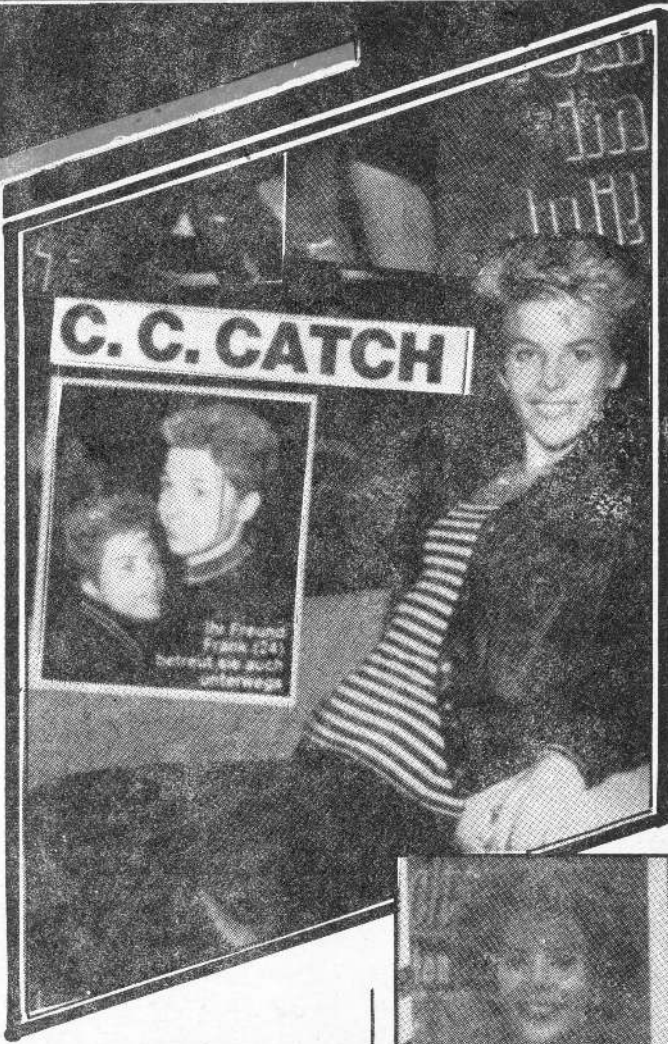
# ملک جهانی که بزرگ می‌شود

«من می‌دانم قلب خود را قدرتمایم»  
آهنگ تازه بی‌ازسی سی تیج

می‌کند. کمپوزیتور مورد علاقه اش دیتربولن از بروک یوسران معروف آلمان غرب می‌باشد، زیاد تر و - همیشه در سفرهای هنری اشتراک می‌نماید، ریکاد های فوق العاده جالب و زیاد عرصه می‌نماید که به مجرد رسیدن به بازار فروش می‌رسد.

قهه به شهرت رسیدن او هم جالب است، سی سی کیچ قبل از اینکه خود را بچیت یگانه خواننده تثبیت نماید، در گروه هنری زنان بنام ((اسی میل)) ترانه می‌خواند، در روز هاییکه خواندن هایش را در رادیو ثبت می‌نمود، در آنجا همیشه اتفاق می افتاد که از کارهای خلاق دیگر این هنرمند بروک یوسران آلمان دیتربولن تعجب می‌نماید. تودرن تلاکنگ یکی از بروک یوسران آلمان و تیکه کنسرت آن گروه زنان را از رادیو شنید، سی سی کیچ راه استدیو دعوت نمود، اکنون در تمام جهان از کنسرت‌های او بخاطر علین آواز زیبا و نرمش که شنونده گانش راه هیجان می‌آورد ستایش و استقبال گسترده می‌آید. شعرو کمپوزیکه بنام ((بخاطر

اینکه توجوان هستی)) توسط دیتربولن ترتیب گردید اولین گام موفقیت و سر آغاز شهرت سی سی کیچ بشمار می‌آید. با آنهمه تلاش و فعالیت‌های هنری او بلا نهای در آینده دارد، او همیشه در کلمات این هنرمند آمده است (( در زمان ماستاره های معروف و معروفه های تازه ظهور می‌نماید که تصور و بینش آن مشکل است )) در این اواخر موسیقی با سیر صعودی روبرو تکامل است که در این راستا خلاقیت و ابتکار سی سی کیچ در شو های تلویزیونی مقام عالی و برجسته را حایز میگردد. تاننا جیان کسرت‌های سی سی کیچ به ده ها هزار نفر میرسد، سی سی کیچ و گروه هنری اسرینام ((کوله فیوز)) نه تنها مورد استقبال علاتمندان قرار دارند بلکه در جهان نیز هواخواه و شهرت زیادی بدست آورده است.



### می‌نمایم

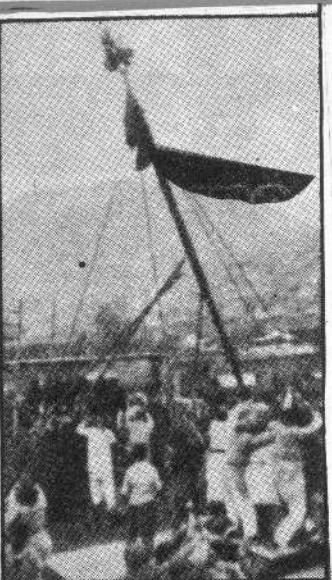
در یک شب مقبول بچیت هنرمند د یسکو تبارز می‌کنند. خواندن زیبایش با هم می‌توانم قلب خود را قدرتمایم)) مردم را هیجانی و آرام آرام به شور می‌آورد، خواندن های زیبایش از اعماق مردم تبارز نموده بچیت د یسکو زدگرم در تمام اروپا شهرت یافتند ریک نمایش تلو - یزیونی که د یسکوی فوق العاده اجرانمود بنام ملکه د یسکوی را خود شهرت بسزا کسب نمود. این سی سی کیچ نه تنها در اروپا بلکه در جهان نیز شهرت دارد، نام اصلی وی کسور سولیراست که در سال ۱۹۶۴ در هالند تولد یافته است. در آلمان غرب زنده گی دارد، رنگ دوستد اشتیاش سیاه است و برای لباسهایش رنگهای آبی کمرنگ و زرد را انتخاب

دنیای بزرگ موسیقی همچون بحر خروشان نیست که از امواج پرتلاطم آن انسان این موجود آفرینشگر و مبتکر همه توانمند ی- اش سروده ها و پارچه های رابره می‌گیرند و آنتی‌نوس های بیکران آنها در نوردیده به سوی شادی های فرجبخش و نشاط آنزاده می‌سپارد. اینک باد ست یازدیدن به جهان موسیقی - گل خوشه یی را ازین سرزمین هستی آفرین به شناسایی می‌گیرم و هنرمندی را به نام من: من کیچ باهمه محبوبیت هایش به شما معرفی

# لرغونې نوروز او

# نوروزي دودونه

د ليمه ليکه



کال له سختيوسره خداي پاماني کوي او نيکمرغيو ته ورژد ي کيزي زمري په ميواو کي نوموړي - دودونه تراوسه پوري په پوره برتم سره نما نخل کيزي او تراوسه لا زمري خلگونه دي هيرکري له اولسي او اتلسي بيړي رايه دي خوادغه دودونه په لزاو پير تويرسره نما نخل کيزي شمير - الدين ظريف صديقي به دي - باب وايي ((له کابل کي دغه ميلي لومړي د جبه بياد سيا مندي - بابرباغ، د سخ او دنيا لگير داينود لو او زگر د ورخي د ميلو په نامه جوړي شوي او تراوسه پي خيل او پير برتم عمداسي ساتلس دي په عرات کي هم دغه دود په تخت صفر بل مالان خواجه سپاران خواجه صفا ريگ روان په خانکر و ميلواو خو سيو سره نما نخل کيزي په مزار شريف کي د گل سرخ ميله جي خلويست ورخي روانه وي په دغه ورخ ملتهد حضرت علي جنده پورته کيزي جي په کابل کي هم د سخ جنده او د مندي توغ په عمدغه ورخ پورته کيزي

د نوي کال د ميلو په باب غلام محي الدين ملکري جي د خلکود فرهنگ د خانگي مسلکي نري دي وايي : ((د نوروز په شپو ورځو کي به گند هارکي د شالمار بابا ولي، جهل زيني په گرد يزي کي د (روحاني ما - حب)) په کونړ کي د پير بابا او په ننگر هارکي د ولکي بابا ميلو د يادوني ورځي په پښتني سيمو کي نجوني او پيغلي نوي او نکلکي کالي اتوندي تبيل وهي زيارت ياتي به (٦١)

دغه اوسني تاك ووايموه يي په خپل وار انگور شوه باجاله هغه وروسته د سپرغ د دغه لطف په ورځ هرکال دنيا لگيد کينه لسو دود پيل کي اوداي په گوته کره جي هرکال بايدغه ورځ د خوښيو او خوشحاليو په جوړولو سره پيل شي .  
 د ((سيزه بدر)) له نيو شگومونو څخه يوهم د باران اور پيل دي جي هغه به يي دنیکمرغه قال په توگه ياد او په ديار - لسمه ورځ جي دنوروز ياي وهم ټول ټول مراسم ترسره کيدل نارينه زويه بهلواني کولي ميلونه به يي وهل زړه وينخوا ويند و په خپل وخت به ندرنو هلنگر نو په تودولو او د خيرات او خيانت په برابرولو باندې تياره بخوانس نجوني او پيغلي به په دغو ورځو کي به شيلو کي کزيدي په شيلواو سمور کورونو کي به يي خوښي کولي او راټوکيد ليوشيلو پاني او څانگي به يي دنیکمرغه ښک به نيټ غوټه کولي له لگيد لو او بلخوا وروڼو څخه به يي په خاښو نارو او اگانو توپونه جون کله به يي جي وايه سره غوټه کول د هغو غوټه به يي د خپلي مينې او پلاني ور عنوان په نامه اېوله دنوروز به د رښل ((سيزه بدر)) کي به د باندې باور و جي ټوک يي دغه دود نما نسي او نه يي ميروي هغه د تيارو زار -

لومړي شپي مراسم يي د سندان تيار يي به نيول کيده او په اوله ميوه به لند يده داووه شين د سترخوان به وغوړ يده جي بيل به اووه سين باندې واوښت پير سيره برهڼو به يي پاكي او په هم راوړ يي او د کال د اوښتون په شپه کي به جي اوه ونيور يي اوله هغو سره سم به د خوښيو جشن او موسيقي پيل شوه دنه روزبه ورځ به د بزگر ميه هم جوړ يده دغه ورځ د جمشيد ((يما)) پاچا په عصر پوري اړ ونده بولس .  
 په دغه باب لرغوني انسانه ده جي وايي : دغه پاچا د ليدني کتنس ورځ درلوده جي دروازه يي د عامواو خاص ورځ پرانيستی وه هوکي پرانستی وه ځکه جي تر شنه آسمان لاندي به ازاده فضا کي دي ليدني کتن صورت نيو جي دعاسي ميلي بڼه يي نوره کر پوه د ميلي به خوښواو تودو کي د هما يا سپرغ مارغه له الوتس راهيت شواو هغه څه جي يي په مښوکه کي وود باچا په قدمونو کي و اجول او وروڼه يي وغوړ ول کوم شي جي مارغه راوړ يي و پوهانو ترخپل ن لاندي ونيول او د نبات دانس يي تشخيص کړي باچا حکم وکړ جي دغه دانس بايد سپين پيري او پوه بزگر په ځمکه کي وکړي د کرلونه ديارلس ورځي وروسته هلته نيا لگي راټوکيد لي ووي -

ترکومه خايه جي زمري د خلکو او زمري د بلرونو ژوند په باب ځرک لکيد لي ((نوروز)) او د هغه اړوند مراسم زمري په فرهنگ کي د باطرنی وړ لرغونتيا لري ځکه نو دغه مراسم له يوه پښت څخه بل ته اوله بل څخه بل ته ليز ول شوي او تر زمري پوري رارسيدلي دي د پخوانو اريايانو په زمانو کي به جي کال پاي ته رسيد د کال وروستې چارښه به يي په برتم سره نما نخله دغه چارښه د سوري چارښي په نامه سره ياد يده او په هغس کي به يي ميلي کولي ځکه جي داد بستر لي د برتم به د رښل کي دنوروز د ميلي پيل و په دغه ورځ به يي اورونه جي پات او پيغلي توک و بلول او هغه منگي او گري يي جي پښي ((مهرگان)) به جشن کي به يي لغلي نه ټکول به دغو ورځو کي به يي ماتول داله ژمي او ارام سره د خداي پاماني ښه و په استور وکي راغلي دي جي له سوري چارښي څخه ديارلس ورځي وروسته واپه به فارس ژبه د ((سيزه بدر)) په نامه ياد يزي زرد شتيانود د دود يار لسو ورځو پيل د ((اښاد)) او پاي يي د ((پهشتوار)) په نامه ياد او په دغو ورځو کي به دنوروز ميلي وي له سوري چارښي څخه وروسته به بيا د کال د

## شاید خنده گنید

روزنامه بایین بیاید ، دوم اینکه ممکن است میزان انتشار بایین نیاید ! و در صورت . . . . .  
 ارسالی ژولیا (بهارا کبزراده) از بدخشان  
 شخص پیراهن را زدید به پسر خود داد که بفروشد ، پسر پیراهن را به بازار برد و از او زدیدند ، دست خالصی مراجعت نمود ، پدرش گفت پیراهن را چقدر فروختی ؟ گفت به همان قیمت که تو خریدی ، بو - دی ارسالی محمد ابراهیم هجران

مدیر یکی از روزنامه های معروف ، نویسنده یکی از سر خواننده ترین ستونهای روزنامه خود را خواست و به او گفت : میدانم خسته شده اید ، برای رفع خستگی حاضریم شما را مرخصی به شما بدهیم . نویسنده سرش را خاراند و گفت : از لطف شما متشکرم ، ولی من این مرخصی را قبول نمی کنم به دو دلیل : اول اینکه ممکن است در نتیجه تعطیل شدن ستونی که من می نویسم میزان انتشار



ای یاری وفا ، تو بوکس کو مه دفاع



## اخبار سال

خبرنگار اختصاصی ما ، شافل میزاشا اخبار که همیشه مصروف جمع آوری اخبار خالص می باشد ، برای این شماره این اخبار را تهیه دیده است :

\* در اثر زرد و خوردی که بین احمد خان و برادرش (فرید خان) در اتاق نشیمن شان صورت گرفت ، تمام نشیمن های اتاق شکسته و قسمت اعظم فرش و ظرفی که موجود بود از بین رفت . در این جریان ، احمد خان دست راستش را زد دست داد و فرید خان در ناحیه قلبش زخم شدیدی برداشت . بدرفامیل وقتی که حال روز

فرزندانش را دید ، عاجزانه ایشان را به نماخانه انتقال داد و در نخستین روز به تمام معاشین را که بعد از آن ماه عرق ریزی به دست آورد ، بود مصرف نمود ، بلکه پند بین مزار افغانی فرستاد . خبر می افزاید که برادران زد و خورد میکنند ، بعد از آن که به حال آمدند ، اعتراض کردند که علت مشاعره شانرا نمیدانند .

## از تیلیفون نمبر ۵۴۰۰ می شنویم

انا نسر تلویزیون :  
 ببیند ، گان گرامی ، اخبار را شنیدید ، حالات توجیه تا نرا به تبصره به تعقیب آن به تعاشای را بر تاز معذرت داشته و در اخیر فلم هنری عنندی به نام (سو ستوری) پیشکش میگردد .  
 \* \* \*  
 جرنگ ، جرنگ ، جرنگ  
 - بفرمایید ، تلویزیون است .  
 - اوه نوکیوال ، اول اعلان کردید که فلم (سلطان قلبها) را نمایش میدید ، حالا چرا فلم لوستوری را انانوردادید .  
 - امر مقامات بود .  
 - کدام مقامات .

تیلیفون نمبر ۵۴۰۰ که تازه در جوات - فجات (۲۲ گانه شریک) به فعالیت آغاز نموده ، اخیراً توسط اپریتران فعال خود گفتوگوهای بالی را ثبت نموده که اینک پیشکش میگردد :

جرنگ ، جرنگ ، جرنگ  
 - بفرمایید ، اداره نشرات تلویزیون است .  
 - نشرات تلویزیون است ؟  
 - بلی ، بفرمایید .  
 - بیشتر اعلان شد که امشب فلم هنری ایرانی به نام ((سلطان قلبها)) نشر میشود .  
 - بلی درست است .  
 - اما از آنجایی که این فلم را دیشب از طریق وید پوکست در خانه تماشا کرد ، ام و برای فامیل ماکراری می باشد ، امرو می کنم ، آن فلم هنری

(لو ستوری) را نسر کنید .  
 - ببخشید ، آخران فلم را بنابر تقاضای مکرر بیننده گان تلویزیون و ضرورت نشرات پیش آماده ساخته ایم ، اما نندار که آنرا نسر نکنیم .  
 خاموش با سر مامورت مستاخن نکن .  
 میدانی ، من یکی از مسؤولین بلندرتبه استم ، من ( . . . ) استم که امرو کم .  
 اوه ببخشید صاحب ، صاحب ، حتماً تغییرش میدهم ، صاحب ، ببخشید ، صاحب .



تما با هنر نشیمن





## از خود شما

سوال  
گفت: يك سوال ميكم، اگر جواب دادی مردی.  
گفتم: بگو، تا مردانگی ام ثابت گردد.  
گفت: آیا میتوانی برای همیشه خشویت را نزدت نگهداری؟  
گفتم: نامردم و جواب نمیدهم.

\*\*\*

مادر: انسان با کارهای خوب به بهشت و با کارهای زشت به جهنم میرود.  
پسر: انسان چه کار کند تا به سینما برود.

ارسالی هماپرویز از بونهعی  
ژورنالیم ویان برویز از ابمه بلخی

(( امتحان ))

يك سوداگر معروف دریایی از همسرش خواست که تا عشق و علاقه خود را نسبت به او آزمایش عجیبی ثابت کند. مرد به زن گفت: - اگر راست میگویی و حقیقتاً مرا دوست داری برو چشم بسته بر لب بامی ایستاد شو سه مرتبه دور خودت بچرخ بعد به هر طرفی که من میگویم قدم بردار. خانم نه تنها زیر بار این امتحان بزرگ نفرت بلکه آقا را به محکمه کشانید و از وی طلاق گرفت.

(( در صنف ))

معلم: پنج چیز را نام ببر که صد سال پیش اصلاً وجود خارجی نداشت؟ شاگرد با کمی مکث: سنجی دست، کارگرد، میناکشی، توپسرا، اندرسن و نواد رامز.

## مادر زن یا روزنامه

شخصی به دوستش شکایت کرد که: خشمم مثل روزنامه است.  
- چگونه زنانه حرف میزند؟  
- نه هر روز به خانه ما می آید.

## راه حل

رئیس اداره حسابدار است شرکت تجارتي ربه معاون خود نمود و گفت:  
- حالا چطور به رئیس عمومي بگويم که تحويلدار پنج مليون فرانک موجودی صندوق را برداشته و فرار کرده؟  
معاون: همگرم چطور است این ماموریت را به آقای دوران که لکت زبان دارد بگذاریم تا آقا رئیس از جیبان مطلع نشود.

## اندرزهای مطابق روز

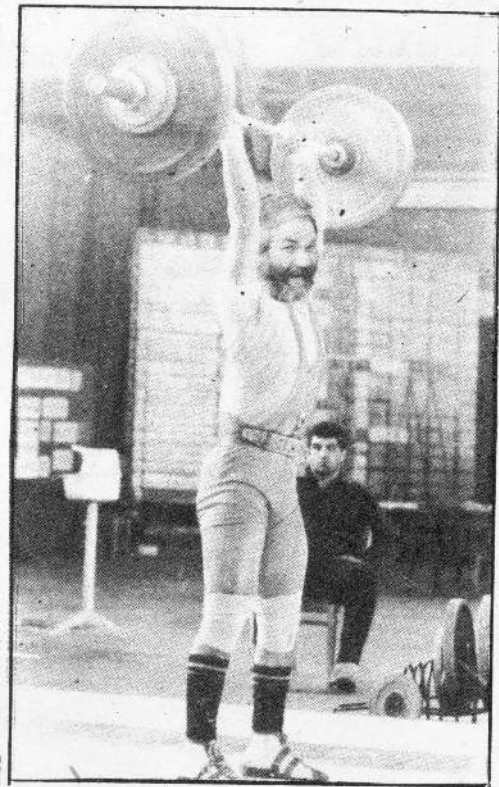
X بگذار کودکان مکتب را ترک و در مسدود بمانند تا مسؤولین سیل صف منتظران نانوائی قرار گیرند.  
X لقب نهرمانی را به دست آرند.  
X بگذار تلویزیون شروع گردد و ما را X بگذار انتقادات را مسؤولین پشت خواب ببرند.  
X گپ زن که يك جنس به صد نسخ نکنند.  
X عرمه گردد تا پاره‌های از خواب بیدار X چپ باش تا مسؤولین بخواب روند و شهریان از گرسنه گن بنالند.  
X خاموش باش، معازره مای کوبونی نوشته: جاله

د بیوزیک تن از دست پیر...  
است کمترین تم، به بد از آن که...  
ن انست در کاند از آن در پیسر...  
تا رئیسند با بیب انست...  
همکاری نمایند خود را به خانه رسانده، خود انست نمود.  
خبرس از این که خبرس از این...  
ک این از این خود کنی به جانیه...  
موقع تغییر، احب سوسوف...  
براز خوشی و قدر دانی نموده،...  
از روند انامه، این سلسله...  
در ریاست بدست بره می باشند.

خبرنگار: میرزا شاخسار

شخصی نزد دوستش شکوه میکرد که: میدانی چقدر رهسایه بد دارم در شب تا ساعت ا شب با مشت به دیوار اتاق میکوبیدم! دوستش پرسید: آنوقت تو خواب بودی. آن شخص گفت: نه، خوب بخفته خوابیده بودم زیرا با اکورد یونم تمرین میکردم.  
ارسالی عطیه

نورانی بوموقع  
همسایه بد



معلم صحنه خوب است

# مینیاتوره‌های طلایی

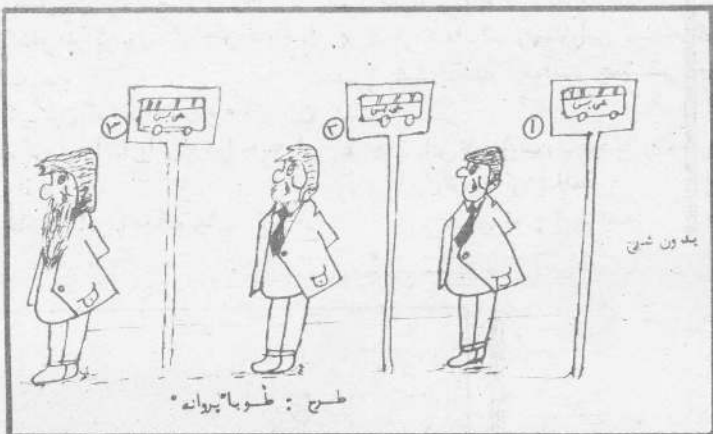
اگر اثریست مولف را بد زدی آنرا بد زدی گویند . اگر از چند مولف را بد زدی این دیگر تحقیق است .  
 به هر اندازه ای که فکت ها کم باشد بهمان اندازه اشکال زیبا می باشد .  
 چیزی که امروز حقیقت است فرد انانید تحریر پیش نیاید .  
 اگر واقعیت ناخوش آیند و یا غیر منتظره باشد بدان کسی باور ندارند .  
 بهترین منطق ، منطقی است که بعداً بوجود آید .  
 تاریخ برای ما می آموزد که از او چیزی نیاموزیم .  
 به هر اندازه که بالای اندیشه خود گارمیستی به همان اندازه متیقن میشوی که بیگانه است .  
 از تمدن گذشته و نواریهای آینده به وجود می آید .  
 زمانیکه همه چیز گفته شود و عملی گردد زیاد گفته شده .  
 از اندازه عملی شده .

مادر کلان : عسوی از نامیل که نس تواند از غنید ای بیرون آید .  
 خوشو : مشاور با المقطع در پروم های خانگی :  
 بیکار : حیوانی که وقت را میخورد عروسی : ( عقد ) قمار که مردان در آن آزادی خود را دو میکنند و زنان خوشبختی خود را .  
 جنگ : دو بیلوماسی بین المللی که مدق خود را از دست میدهند .  
 دشمنان : مگوری از دوستان که نمیتوانیم خود را از آنها دفاع کنیم .

## کارتون



# طعم است



## نیم کاسه های زیر کاسه

مارک تواین روز جمعه را روزی شو می شمرد .  
 یکی از دوستان روزی برای پیش گفت :  
 دوست عزیزم جمعه شخصیت های بسیار بد نیامده اند مانند جورج واشنگتن ، تایلور ، تشین و کلاد استون .  
 مارک تواین موافقت کرد : ممکن است ولی فراموش نکنیم شخصیتها مردند .  
 امیل زولانزد ، اکثری رفت ،  
 دکتر برید : چه شکایت دارین ؟  
 خود را ضعیف احساس میکنم از چند روز است که یک لقمه راهم در دهان نگذاشتم .  
 دکتر سر از معاینه برای پیش نسخه نوشت :  
 ای تابلیت ها برای داشته ای تان کت میکند .  
 امیل زولانرش را با ناراضی شور داد و گفت :  
 دکتر صاحب این تابلیت ها برای من کت نمیتواند من اشتها دارم ولی چیزی ندانم که بخورم .

مدیریت باشد کسی دیگر را ندیدند .  
 محمد سرور خیرنکار که به خاطر تکیه صاحب ، نسبت به دیگران رجعت نیادتوی را مقبول شده بود به آشخرف گفت :  
 چند روز پیش مدیر صاحب برای مامکتور روان کرد که بیاید با ما صاحب کهد ، ولی حال خودشان تشریف ندارند ، آیا شما حاضرند کجارتی اند ؟  
 معاون شعبه گلشن را ماف کرده گفت :  
 وله راسته بگویم ، من هم نیامم که مدیر صاحب کجارتی ، مگم دیروز در امری امضا صحه علیا داد که ده سینعالم نهند شده ، شاید نمونه رفت باشن .  
 محمد سرور که گوی خشکی

## بی غم باش لالا

سفر اراخان مدیر تیلیت و ترو صغ فاجیکه ساختن طی مکتوب -  
 رسمی از خبرنگاران رادیو و تلویزیون دعوت به عمل آورد تا ساعت ۱۰ هتل از ظهر روز دوشنبه به شعبه اش آمده با او جوار امر مربوط مدیر پیش صاحب تعیینند .  
 روز موجود فرارسید ، مسئولین تلویزیون با هزار جار و جنجال ، موتو ، کمره ، ایت و همکاران تشکیکی رفتی را آماده ساخته آنجا رفتند .  
 همین که داخل شعبه شدند به جزارتشخص که پهلوی مدیر شسته و معلوم میشد که باید معاون

شده پوئوسید :  
 ای پسر به شعبه خات آمد ؟  
 معاون جواب داد :  
 ایزه خوب میخام که تنی ، به خاطر که مدیر معادلت نداره وقتی که بر آمدن پسر بیایسن .  
 تمام خبرنگاران و همکاران تختهکی در حالی که سخت آورده شده بودند دهناره به ظرف اداره تلویزیون حرکت کردند .  
 در نیمه راه شهر حسن فلمبردار بیکاره همه را مخاطب قرار داده گفت :  
 اویسه ها ، اینها حومه خوب سرگردان کردن ، مام کارز میکنم که تازنده استر یادتان نره ، اوهم ای که برشان میکنم که روزیکنیه آینده آماده باشن ماسی ایم ، باز

### متولدین ماه اسد :

خوش شانس شما در اینست که در راه بنامت آوردن مواد بخفته سیلواز خود مقابلهت نشان نمیدید اما ممکن است حین بالاندن به سرسری ملی بس جراحی برآید که بعد از رفتن نزد دایر این تشویر رفع خواه شد .  
متولدین ماه سنبله :

شما دم کم حوصله بی استید به مجرد تماس کردن بایک تبنگ یا کراچی روی سرک باد ستغرو - شان برخاطر میباید ولی بایک محتاط باشید که انعام بر - گری کم از شما نیستند احساس استناد بدی تان را تقویت کنید .

### متولدین ماه میزان :

تشویشی که از ناحیه بلند رفتن تکت ملی بر در شما ایجاد گردیده است انقدر جدی نیست در میزان هم نگران ایکی د واقعا تان را صاحب میزند ندیده رستوران کمتر سرزید زیرا مقابل مگر حساسیت دارید .  
متولدین ماه عقرب :

همیشه از روند استید تا در هر جا از جمله موتریلی بر موقف خوبی داشته باشید . از همین رو با دیدن جالبی به لگن موتسری جمله ورمیشود اما متوجه باشید که جیلک تان را حین رسیدن به هدف کم نکنید .  
متولدین ماه قوس :

ادم با اراده استید وقتسی بخواید کاری را انجام دهید بدون توجه به سنگینی آن ، آن



# فالی که طنز نویس دیده است

### متولدین ماه حوزا :

ارزوا یینه به خار به دست آوردن کین لیت به سو میروانید به جزازته و بالادین چندین هفته به تمرین رسید به مشکلات زنده تی تان انافه از این افزوده نمیشود به زودی بوجی اردی به غدومی اندازید .  
متولدین ماه سرطان :

شما دم خون خرقی استید بوی ونگه گیاه کارسری در شما اثری نمیکند . بول صفای را در مواقع معین میبرد از بد بجز واسطه ها ، واسطه های قوی پیدا خواهند کرد .

### متولدین ماه حمل :

امید و ارزو هم وقتیت کوشت از سر تان به اسمانه ای هفتم پرواز میکند . در هفته که پیشرو دارید روزی این خوشی را در تان تیل سیری مینمایید در باره تخم مرغ کمتر فکر کنید .  
متولدین ماه ثور :

همیشه با ما مورین متاز به بر - خورد صمیمانه دارید خوبست به خاطر رفتن تان وقت ترا - خواب برخیزید تا با اطفال تان کمتر سرنا بنوازند کوشش کنید بی د بار در هفته به دفتر سرزید .

را انعام میدید مثلا شما قادر استید به اسر وقت از نانوای نزدین خانه تان ، نان بدست بیاورید اما متوجه باشید که نفع شما درسی واسطه شمس است .  
متولدین ماه جدی :

ناراحتیهایی که از ناحیه بلند رفتن مواد اولیه طسرف صورت دارد بی فایده است در اینده نه چندان دور شیز - خانه تان را قطنی روغنی رنگین خواهد ساخت براد بومک بشنود زیرا مقابل سایل تکراری حساسیت شده بد دارید .  
متولدین ماه دلو :

فکر مرغ بلورا از خیال تان دور سازید . کتوبه بازار بروید بی نشی ملی بر شمارا متاثر میسازد ولی باید بدانید که این موضوع د پیکاری شده است شما هم مانند مسولین در زمینده معافیت حاصل نمایید .  
متولدین ماه حوت :

اگر شما امور دولت استید ، اطفال تان در نانوایی مصروف اند و شانس کامیابی در مکتب کم دارند ، وظیفه شماست که به معلم آنان واسطه پیدا نمایید که در جمله مشروطان ختم سال ، کامیاب گردند ، حتما بخت اطفال تان بیدار میشود ، تاراحت نباشید اطفال تان را تشویق نمایید که بوظیفه خود در نانوایی بگیرانده ادامه دهند . از لیل سعادت

تعمیر باید به صورت نمونه در این شود و تولیدات فابریک هم به قسم نمونه به نمایر گذاشته شود تا از آن چند شات بنهیم ، و در روزی که ماهی آیم ، تمام کارگران و کارمندان مدیریت تان را جمع کنید تا با آنها دم صحبت نماییم و در ضمن برای تان جاشت (۱۲) نفر خبرنگار و پرسونل تحمینی مسندا تهیه کنید .  
برای سرفرازخان بکجید کارهای را که کفتم حتما باید انجام دهند ماه صورت حتمی آیم .  
معاور گفت : به چشم و حتما برشان هم .  
روز موعود فرارسید اما هیچکس برای صاحب به شعبه سرفراز خان نرفت .

روزی که رسید نصیهم همه در حالی که لهخندن بر لب داشتند قبول کردند .  
همین که به دفتر رسیدند بشیر حسن نظیر در گوش تلفون رایسر داشته به شعبه سرفرازخان تلفون کشیده گفت :  
معاور صاحب محترم ، از کجه تمیه صاحبیهت شما با اتمه مهم اثر ، بری مدیر صاحب سرفراز خان و امیر شعبات شان بکجهین ( - لنگه یاد داشت کجهین ) که مارونیک شنبه آینده ، ساعت (۱۱) می آیم ، مارو بر سرفرازخان و آمرهلیس باید رهبر موسسه هم دعوت شود ، چند جریده دیواری به تشریفه و تاریخچه مفصل فابریک نوشته شده جانر باشد ، بخشهایی مختلفه





## دوهامدينه

د راديو-مجلي پسر لک  
پسې داستان

## سرپرست رئيس

نطاق : دراد يوچريد ي برله  
پسې داستان د پروگرام اوريد-  
ونکو لوستونکو سلام )  
تاسې به تيره گنه کې ولو -  
ستل چې د بېتا توشپنولو دريا -  
ست ريس د مقاماتو د لزم ديد -  
ياد ناغې ي له کبله برطرف شو .  
بي له دې چې بل ريس وټاکل  
شي او ياد رياست د کم مرستيال  
د سرپرستي مکتوب راشي . دريل  
ست د چوکي د نيولوبه خاطر د  
اداري اوفسي مرستيال ترمنځ  
رقابت او کش وکړمنځ ته راغی . په  
لومړي ورځ له سهاره ترغرمسي  
پوري اداري مرستيال به چوکي  
پوري نېستی و . خو کله چې د -  
پنځو دقيقو له پاره له چوکي پورته  
کيزي او د باندې وځي . نو نونسي  
مرستيال د رياست په چوکي پښه  
ياتي ( ١٠ ) مخ ته



## نانوای

دغه مهم اوحياتي لغت په  
معاصرو قاموسونو کې د اډول تو -  
ضیح او تشریح شوي دي :  
( نان ) د ډوډي او -  
( واي ) د واخ مانا لري .  
يانې کله چې خوک د پښار په  
نانوایانو کې په پنځو ډوډيو پسې  
( واخ ) چيځي ورهي او هغه  
هم په لاس ورته ورته شي .  
.....  
غور خوره . غوري وايه . خوبه  
غور وښه تيروښه ا



## علمي تخييلنه

هغه خوک چې دغه ليکه لولي غرموسې د نيو نېسي په دوران  
کې د ناپيروجن دوراني حالت د بېولوژي په کتاب کې ترسترگو  
شوي دي ، خود لته د ناپيروجن پرخاي د يوې بلې ډيرې مهمې  
اوحياتې مادې د دوران په باب غږيزو . دغه مهمه اوحياتې  
ماده د سر کونوله باسه هغه خاوري او ډوډي دي چې هره ورځ  
په زمونږ پښاريان په دوراني ډول دخولي اوزي له لاري سزواو  
کولمونه ننه باسي . اودالري ترهغې روانه ده چې خود پښار  
په واټونو کې دخټواو ډوډو دغه حال وي .  
له دې خبرې سره داخبره يې لا پراتواره په ثبوت رسپيزي  
چې حاده څه ډول له يو حالت څخه به بل حالت بدليزي او خپلي  
بقا ته دوام ورکوي .  
راغی چې په دې باب په خپله دغه دوراني حالت ته  
ورنښوئو :  
.....

# نردی لیدونتی هیله او د سنځی وریوری



## دیوډاگانو غونښتلیک

د راپیو، تلویزیون، وریوریا،  
مجلو او جریډ و محترم موسولینو!  
غوره ریځ وینواو اوږدنی سیه  
تلویزیون او راک یوکی د ماشومانو  
او حیواناتو له باره ځانګړي خبرونې  
خپریږي او هم به مجلوماتوکس  
دغه ډول ګلیښی ترسترګو کړي.  
خود یو ډاګانو خبرونه تراوسه نشه  
چالیدلی، نه یی اوریدلی او نه  
یی هم لوستلی ده. ایا یو ډاګان  
غوز ونه نه لري، زه ونه نه لري،  
اوستری نه لري یی خوب یس  
د دې ډول خبرونو تمه خوري،  
د ایه موسور او یریدلی وی چی:  
زاره به خواږه، مرګ یی دی،  
سار، خواږه، د امانانه لري چی  
سړی به مړه ګیډه، لیتی یا اوکوره  
و خوري، بلکی روحی خور ونه چی  
د خولی به ځای د سترګو او غوزونو  
له لاری کولموته ننوخی هم اړ تیا  
ده. هیله کړی چی د دنیس  
اړ تیا به پام کی نیولوسوه (د بو-  
ډاګانو نړی) ایه نوم خبرونه به  
خپلو خبرونوکی وریاته کړی.  
ستاس اجزا توت غوز اوستری  
به لاریو.

بریالی اوسی  
کاکا سفندر د بو ډاګانو د تولنی  
سرپرست

وکل شو!  
د بو ډاګانو دغه غونښته به ځای  
ده اوله عمدی نیسی وریسته به  
د بدجاره هتی هنیوال د بو ډاګانو  
د نړی به نیم یوه ټوکر به هتی  
کی وریاته کړی.

# ګندنه

زه مجنون د ګندنی م، ګندنه زما لیلاد ه  
به لاسونه راغی ملګرو، کبرجنه بی وفاد ه  
اوس بی سینه بازاری ده، له پتی تللی د ګان ته  
به مفلس مین شرمیز ی، ښکه ما ځنی اجداد ه  
د مهران مودی اوز دی شوی، د وصال په طمعه طمعه  
زه د یواښت په هیله، تیرم میاشتی ګندنه  
داله ځمکی نه عواته، پورته شوی به هوا ده  
لاهم ورځ به ورځ جکیزی، یو ځیران رانیتنه شوه  
د نرځونو په سیالی کی، ګله ګله له (پامپا) ده  
به مړه ګیډه، عینکله، ماونه خور، به مینه  
د اچی ورګه ده له مانه، نوله ما ورګه د تیا ده  
که یی نرځ راکښته نه شی، د خوراک عیله یی به کړه  
ای مفلسه حیبت ته کوره، ګله خوراک ګی یا شتیا  
بخوانی مینی اوسنه شته، زه د دې عیله یاری کړه  
اول نرځ کوره بازاری، ګندنه یی مینی ته سودا ده  
غسی نه چی لیونی شی، به کونډه بازارونو  
خه به لاس درله درنه شی، د ابله تما شاد ه  
نورته افریاد ونه کړی، زه مړه مړه مړه ګندنه  
ای مفلس ګندنه خوره، د ازما درته وینا ده



## میزز له میزسره خه خپلوی لری؟

میزخوتول بیژنی چی د دفتر  
په کوچ کی به څلور ښو ارام  
ولار وی او په رسمی وخت کسی  
میززایان ورباندی خپل سرز دی  
اویده کړی.  
راعی وګورچی میززاده ته  
واپی: میززاده دوه برخو  
(میر-زا) خخه جوړ شوی دی  
چی دوه لاسونه، دوه ښی،  
دوه سترګی او دوه غوزونه لري.  
اوس که (میز)، (میر) او  
(زا) د وار ه سره یوځای کړو  
نوبه به سترګو ویلاي شو چی:  
میززاهغه (میر) دی چی له  
(میز) خخه زیږیدلی دی.  
(خبرکی)

## دیوډاګانو نړی

د روغ وای وروږه! زه چی غا-  
ښونه لرم، نوبه د وېږی څخه ښه  
وهم لږ دم یی، خودغه بو ډاګان-  
ښونه نه لری او د وېږی ژوند یی  
ژوند یی تیږی.  
یوشن میززاده لار خوخپل بو ډا  
بلا رته لیک ورباندی ولیکی، میززا  
دغه وویل:  
میززا- ښه وروږه! بلارته دی په  
لیک کی خه ولیکم.  
سړی- سلام... ګرانه بلاره...  
میززا- ولی چیغی وهی؟  
سړی- د دې لپاره چی بو ډا-  
بلا رسی به غوز ونو کول دی او  
وړو خبره نه اوری.

یوه ډاګانو ځوان به ګوره، د  
د وېږی ګلی ته پامت وړ اړ-  
د وېږی یی خور له  
د وېږی د وار وېږی خوله څخه ښه  
راهه اوسه سترګوکی اوسکی نیولی  
یوشن چی د دې عجیبی بیسی ته  
هت پت پاتی وکله بو ډا خخه و-  
پوستل.  
- کاکا خانه (ولی زار یی)  
- چیغه بوښته به ګوره... نه پامه  
خوله کی غاښونه نه شته اوسه  
د وېږی څخه ښه شم وهلاي.  
خودغه ځوان چی غاښونه لری  
توله د وېږی یی راځنی رځسره  
ځوان چی خوله یی له د وېږی  
په ګه وه، به پک ستونی بسری  
ا و دانګل.



# علی مشتری سفر پر ماجرای رابه دنبال عشق خود از سرگذشتانند

## مجموعه قصه‌های

خواننده گان عزیزان در شماره های قلمی مجله باغ رشک سفر  
علی مشتری را دنبال عشقش در هیالای به غنای خوانندگی اینک پیش  
بهری این همه را برانید

شب فصل بهار و ماهتاب است  
نغم باغ رشک مشک تاب است  
شگفته دامن افشاده به گلشن  
زخون لاله شاخ گل خضاب است  
بدیده تان (( ماه دور بسا لا))  
ز خجلت ماه تابان در حجاب است  
نغم آهسته تبر بگرد ز گش  
که (( ممتاز جهان)) من بیخواب است  
درین فصل بهار ای گلشن نساز  
زهجرت مشتری اندر عذاب است  
مجله کابل هم در یکی از شماره های خود  
بیوگرافی مدهو بالا را بطور مکمل تحت عنوان هللی  
مشتری ومد هوایا بدست نشر سیرده که چندند  
صفحه از آن مجله مصروف وزیران گرفته است  
جریده انیس هم زیر عنوان (( علی مشتری رایشنا -  
سید)) یک صفحه از روزنامه را به بیوگرافی بنده  
و عشق عصری قرن بیست و موضوع مدهوالاتش  
یحات مفصل داده وهم چنین موضوع روز را اطلا  
جمعی افغانستان بود و اکثر روزنامه ها و جراید  
درین باره مضامین و اشعاری بدست نشر  
صی سیردند که چون مدت و زمان زیادی از آن

تاریخ نگشته و اکثر آنها فراموش گردیده اند  
همچنین مجله ننداره که یک مجله هنسری  
فلسی و ادبی بود در وقت و زمان خود شهرت خوبی  
داشته و صاحب و راپور تازی مفصل و نظریات خویش  
را بدست نشر سیرده و عکس هاییک مدهوایا در آن  
امضا کرده و بطور یادگار برایم اهدا نموده بسود  
و هم چنین عکس های از من در مجله ننداره به  
چاپ رسیده

و این است راپور تازیکه در شماره دوم سال دوم  
مجله ننداره که مد برمسوول آن محترم شفیق رهگذر  
بودند - نشر گردیده یک قسمت آن بحضور  
خواننده گان گرامی سپاروین بدیلا تقدیم میشود

((یک راپور تاز د لچسپ خوانندگی  
گفتگوی با علی مشتری))

((عشق)) امید (( و آرزو)) سه کله خوش  
آهنگه سه لفظ خیال انگیز و شاهرا نه و بالاخره  
سه معمای مشکل و پیچیده هستند که بدور مرکز  
دن می چرخند و دل این مایه زندگی و این اوست  
زندگی بهر رنگی که خواسته اوست این هر سه را

بسا خود می رقصد و آدمی را بدنبال آنچه نغم  
عشق و آرزو در وی بوجود آورده است گاهی در  
صحاری خشک وریگه بیابان رگه با پای برهنه  
روی خار مغیلان می میدان وطن میدان میدواند  
و اهتایی باین ندارد که کف پای آدمی را در دی  
وشت پای او را گردی نصب نموده است  
آنچه راهبان اخبار و ناقلان آثار و خوش  
چینان خرمن سخن از دوران کهن بدل نسبت  
داده اند که اگر غلط نیست عجیب ضرور است  
زیرا گاهی دل را خون شده گان مظلم ناچسار  
خواننده و هزاران نوع نوحه دیگر برای اوسر و دهاند

در حالیکه همین دل بیچاره عاجز و ناچار ایشان را با خاک و خون کشیده و بعد هم برایش نوحه گری که بوشق نفرین کرده آرزو را محال خوانده و امید را فریبنده میدانند به تعقعه خندیده است. همین دل مظلوم دوست باکتر لوگه ما علی مشتری را دو سال تمام از یاد دور و دیار بر برد و جای او را در محافل ادبی و هنری و محفل انس دوستان خالص ماند، داستان اینکه وی در راه یار غربت چها کشیده، برای خود بی کتابی است.

ولی اینکه در سرزمین بیرونیان نمکین و سستی، جهادید و چهارگز برای خوانندگان مجله دوستداران مشتری، موضوع معتنا به و غنیمت سی است که با استفاده از یک صحبت دو ساعته با ارجحی اجالی بخوانندگان نامه خود از آن ترتیب و تقدیم میکنم تا با کمال تعجب بیکار دیگر در یابند که مشتری هم در حالیکه مثل همه ما و شما باز چه دل بوده، باز هم برای دل خود بسیار میسوزد و هر لحظه آهی کشیده، میگوید ((بیچاره دلکم)) با خوش خلقی ((همیشگی مرا پذیرفت و بعد از تعارفات معمول، مانده نباشی اضافه کرد: گمان میکنم در اینجا هم مثل بعضی بیک مشت سوالات تو و امثال تو بپسند جواب داد، روی خصوصیتی که داشتیم، خندیدیم و گفتم.

س: جزاین چاره نداری وقتی که حاضر شدی تمام جراید فنی بیگانه را از نظریات و اظهارات عاشقانه و هنری خود بزرگی ناگسری برای نماینده مجله فنی کشور خود هم حرف بزی. عده زیادی خواننده گان ما تو را شناسند و دیدار سنتن ماجرای مسافرت عشقی و هنری تو عسلا - کنند اند.

ج: حاضرم به سوالات تو جواب بدهم مشروط بر اینکه زیاد وارد خصوصیات نشوی و من برای سکوت اجباری احساس نکم. س: به دیده این قسمت را رعایت میکنم اما تا آن حدی که حس کنجکاری یک خبرنگار بتواند اجازه دهد.

ج: بسیار خوب فرمایید، من حاضرم که به سوالات شما جواب گویم.

س: اولتراز صحبت صحبت کن تا جاییکه من میدانم منظور از مسافرت توبه بعضی در مرحله نخست معالجه چشم بود، آیا بهتر شد؟

ج: خدا را سپاس گزارم یک مدت مختصر تحت تدابری بودم که به زودترین فرصت تکلیف رفع گردید.

دیدن روی عزیزان چشم روشن میکند داری بنیابی یعقوب را یوسف کند س: پس چرا توقفان در بعضی مدت دو سال طول کشید؟

ج: خودت میدانم که من به عوامل هنری علاقه زیاد دارم، از روزیکه پای من بروی سنیو بهار شده بیش از آنکه یک شاگرد اهل صالح بسرای طیب باشم، دو دسته دامن هنر و سوانح هنر مندانه را چسبیده ام، ازین جهت خیف دانستم از شهری مانند بعضی که مرکز هنر و هنرمندان کشور بزرگ هند و تقریباً هالیوود شرقی است، بدون فیض

بردن و انداختن معلومات هنری برگردم، طبعاً این کرد شها و کسب معلومات هنری مدت زمان طولانی را ایجاب میکرد و من هم بی مضایقه حاضر شدم، این مدت را فدای اندوخته هایی هنری کنم. س: خوب، البته این مطالعات منحصر به ملاقات با ستاره زیبای آسمان سینمای هند بود و هر لحظه بی که بایکی ازین آفات مفسل و هوش رنده بدیده باز ماندی یک انسا یکلوییدی نوبی از تو بوجود آمد؟

ج: یقیناً این وجهه احساساتی و شاعرانه مطالعات من است، معذراً هر یکی ازین ستاره ها در جلوه زیبایی و دلربایی، عالم بخش هستند و دارای یک استعداد سرشار در پیشه خود هستند.

س: به نظر تو هنرمندترین ستاره های هند کدام عا بوده و آسامی شان چیست؟

ج: به نظرم را جگپور، بلراج سمانی، کمنور ساهو، دلپ کمار، اشوک کمار، بروتی راج و جانی و اگر از جنس خشن، نرگس، مدهوالا، نی، وی - جنتی مالا، نلنی جیونت، گیتالی، کانی کوشل نو باری از جنس لطیف، سربر آورده گمان جهان سینمای هند بشمار میروند، البته این یک قضاوت هنری و شخصی خود من است و من هیچ گونه وجهه قطعیت و احتیاط به آن قایل نیستم.

س: نگاه شما از نقطه نظر زیبایی روی کدام

ج: شاید تاجیزی درین نباشد مردم از آن چیز هانی سازند، محبت و علاقه من به مدهوالا یک ساله چندین ساله دارد و تماشای فلم های محفل نازنین، ((خانم آتای ۵۰)) در تشدید و تحکیم این محبت سعم زیادی داشته و بعد هم همین عشق و علاقه به او محرک احساسات شاعرانه من شد و توانی در حدود ((ده هزار)) بیت در وصف مدهوالا از طبع من بوجود آمد، گرچه علت اساسی مسافرت به هند طوریکه در بالا گفته آمد یک مسافرت هنری و ورزشی بود، معذراً آرزوی باز دید ازین محبوب و معشوق رویا ها و تخیلات نیز درین مرحله سعم زیادی داشت.

س: بعضی از جراید چاپ بعضی مثلاً اداکار آرزو و غیره ضمن راپورتاژ هاییکه از تو طبع کرده اند حرفهای نیز در مورد ملاقات تو با مدهوالا و اهل خان بد را و بچاپ سپرده اند، چاک از اینکس مدهوالا به ازدواج با توبی میل نموده، ولی پدرش دو صد هزار کله در هندی جمعیت مصرف عروس برای بستن زبان مردم از تولید انبوهاتی اساس مطالبه کرده است، آیا این مطالب حقیقت دارد؟

ج: بی شک دیده ام مدهوالا از نزدیک یک تضایی قلبی من بوده و بعد مدتی انتظار روکشش توانستم اوراد رفتارش که یکی از زیباترین مهارت حوالی بعضی است، ملاقات کم درین ملاقات از هر دری سخن راندم و طبعاً از دل بستگی و علاقه پی که بوی داشتم نیز سخن بمیان آمد، مدهو برخلاف

# مدهو بالا وینوس شرق است

آنچه در زلم هاملاحظه میکنم یک د ختر خلق و محب است، بنابراین وقتی سخن بدینجا کشید، گونه هایش از شرم گل انداخت و در حالیکه نمیتوانست بمسوی من نگاه کند، گفت، برین موضوع بهتر است با یسد صحبت کنید، شاید راه حل درستی پیش پای تان بگذارد، ملاقات با اهلوالله خان نیز در استان دورو درازی دارد ولی مختصراً همان است که جریده آرزو و بگجراید هند نوشته اند.

س: و طبعاً تو این پول را نتوانستی تعمیم کنی زیرا سرمایه بی که با خود برده بودی یکی هنر و دیگری یک دل شوریده و پرورد بوده که ایسن دو نمیتوانست خان را اقناع کند و نه خان نمیتوانست بدان وسیله زبان دراز مردم را کوتاه کند.

ج: این قسمت را به اجازه تو مسکوت میکنم و امیدوارم طالب هیچ گونه توضیح بیشتر از آنچه میدانسی نباشی.

این قسمتی از صحابه بود که در مجله ننداره به طبع رسیده بود و کلکسیون مجله مذکور هم در کتابخانه عامه کابل موجود است، علاقه مندان میتوانند بقیه در صفحه (۱۱)

یک از ستاره های هنری مخصوصاً توقف میکند؟ البته ذوق و سلیقه خوانندگان را باید در نظر بگیرد.

ج: سوال ضد و نقیض و عجیبی میکنی، اول میگوئی نگاه خودت و بعد سفارش میکنی ذوق خوانندگان تو باید مد نظر من باشد، اگر این جنبه را رعایت کنم تا گریز سختی برخلاف آنچه دلم خواهد گفت، گفتم ام زیرا دل من و نگاه من فقط یک ستاره زیبای طنازود لریا در آسمان سینمای هندی شناسد و من بیند که آنهم ((مدهوالا)) وینوس شرق است، غیر از او هر کس هر کس را میخواهد برای خودش زیبا بگیرد ولی نه آنرا قبول میکنم و نه میتوانم تأیید نمایم.

س: پس چیزهاییکه مردم راجع به تو علاقه مفرط به مدهو بالا میکنند، زیاد بی اساس نیست؟

ج: مثلاً چه چیزها؟ س: مثلاً میگویند علت اصلی مسافرت توبه هند دیدار نزدیک ازین ستاره آشوبگر هندی بوده و در چشم و کسب معلومات هنری که هم اکنون از آن صحبت میکردی، حرف مفت و بهانه بی بیش نیست؟

# لی غم باش لالا

مدیر صاحب ، سزای قسوت  
 ((ا)) گرم  
 هفته گذشته ماره سرگردان  
 ساختن ، ما آمدیم شمانودین ،  
 خیالی دیدیم که چلو صدخوده  
 گرفتیم که یک هفته شماره به خاطر  
 صاحب صرف ساختیم ، آخر  
 هم دیروز نامدم  
 سرفرازان که این حرف ها را  
 شنیده ، خنده ، تمسخر آمیزی  
 کرده گت :  
 بی غم باش لالا ، ما دیروز هم  
 نبودیم .

بقیه از صفحه ۱۲۲  
 شوهر من فلمدارک در من  
 حال به حیت بدی خبرنگاران -  
 تلوهون ایفای وظیفه میکرد ، یک  
 روز بعد گویی را برداشته سزای  
 سرفرازان که همان روز در شب  
 بود تلهون کرده گت :

بقیه از صفحه (۷)

# مصیبت اعتیاد

ج : همین شخړ صاحب به  
 وابستگی مواد مخدر و رانمیتوان به زور  
 و فشار تد اوی کرد با وجود اینکه  
 تمام تسهیلات آرمایی موجود د  
 باشد ، رضا و رغبت صاحب به  
 تد اوی شرط اول تد اوی است .  
 برای تد اوی معتادین باید برنامه  
 های وسیع تبلیغاتی نیز در رنر  
 گرفته شود ، نمایش فلم ها و نمایشنامه  
 های تواند موثر باشد . برعکس  
 فلم های تشویق کننده یک  
 جایا مواد مخدره از طریق تاجران  
 مواد مخدره خود اعتیاد را بیشتر

می سازد ، در برنامه تد اوی باید  
 خانواده ها و استادان مکاتب  
 و همروسه زیرط سم بگیرند  
 یعنی منظور این است که اولاً  
 برنامه و قایون داشته باشم  
 نه معالجوی . بسیاری از صاحبین  
 می توانند داخل پسترونند  
 اغلباً دیده شده که آنها از  
 طریق همیره های سابقه به مواد  
 مخدره کشانیده شده اند .  
 ج : طوریکه قبلاً گفتم تد اوی  
 اجباری این انفراد مفید نیست  
 معلوم کردن معتادین هم چنانچه

# لیزاروی

بقیه از صفحه (۲۱)



نمایشنامه (( اودن نیست ))  
 بعضی نمایشنامه های تلویزیون  
 و رادیویی نشعهای داشته ام  
 - لیزارجان کونکه به آرزوی تان  
 نایل آمده اید و هنر پیشه سینما  
 شده اید ، فلم جدیدتان کدام  
 است ؟  
 - فلم جدید اینکه من در آن  
 نقش برارنده ام ، (( سفر ))  
 نام دارد به کارگردانی سعید  
 ورکزی وهم اولین بار است که  
 رضایت کارگردان را جلب  
 کرده ام چون نقش یا کرکتریکه من

آنرا اجرا میکنم نهایت خوش  
 آمده بود و از سئوی تشریح و کار  
 دقیق کارگردان و اعضای هیئت  
 فلمبرداری ماسپ شد که من  
 بهتر و خوشتر در قالب کرکتر سیرده  
 شده قرار گیرم .  
 - قرار اطلاع شما شاگرد ممتاز  
 مکتب خود نیز هستید آیا به هنر -  
 پیشه مگی تان ادامه خواهید  
 داد یا چطور ؟

- یاد رایت و هوشیاری با سح  
 داد :  
 - از هنر ، هنر زنده مگی کردن  
 را موخرم ، نه تنها به درسهایم  
 میروم بلکه در منزل با مسادین  
 نیز کمک مینمایم و زمانیکه تسهیلات  
 خود را بی پایان رسانیدم ، آرزو  
 دارم ، در آسمان سینمای افغانی  
 ستاره باشم ، آگاه و پردرخش ش.  
 - ما شما این بیروزی را قبلاً  
 تیریک میگویم .

# به شعر جان میبخشد

بقیه از صفحه

- پلی شما درست میگوید من در حدود ۲ هزار پارچه  
 موسیقی را دایرکت کرده ام .  
 - وجه تعداد اشعار را دیکله کرده اید ؟  
 - شاید در حدود دوصد پارچه بوده باشد .  
 - پس در بخش دایرکت باید تسهیلات همه جانبه داشته  
 باشد میشود از تسهیلات تان بیروم ؟  
 - نسبت مشکلاتی که داشتیم نتوانستم بیشتر از ۱۲ صنف  
 تحصیل کنم اما در بخش دایرکت از طریق تلویزیون دایران یک  
 کورس ماهه را تمقیب کرده ام .  
 - در بخش دایرکت تان پیامد کدام یک مؤفق تراست ؟  
 - سه نفر من مؤفق تراست .  
 - چرا ؟  
 - زیرا که من میتوانم بخصوص در حوضه رنگ لباس و آرایش  
 دقیق تر باشد .  
 - میخواستم بیروم دایرکت آهنگهای استاد هوشی بوشو  
 وسما ترانه ، کار کدام دایرکتراست زیرا لباس و آرایش خواننده  
 با فضای که خواننده در آن قرار دارد هم آهنگی تلم دارند ؟  
 - کار من است .  
 - پس به این صورت بیشترین ضرورت شما در تلویزیون است ؟  
 - فعلاً در خانه .  
 - چرا ؟  
 - مشکلات دارم .  
 - در نظای مؤفق تراستید و یا در دیکله اشعار ؟  
 - فکر میکنم شعرا را خوبتر میخوانم .  
 - گاهی بخارج از کشور سفر داشته اید ؟  
 - بل در فنیشیوال و در گاه ماسکو سفر کرده ام و یکبار هم سفر  
 شخصی به کشور هند داشتیم که در ضمن پاکستان راهم دیدم .  
 - فعلاً کدام پروگرام را پیش می برید ؟  
 - پروگرام زن و جامعه را .  
 - و در اوایل که به تلویزیون آمدید کدام وظایف را پیش  
 می بردید ؟  
 - از سال ۱۳۶۰ برای ۱ سال مدیر عمومی موسیقی تلویزیون  
 بودم .

# آیات اقتصاد زمین با ستاره

بقیه از صفحه (۲۹)

امکان مشاهده اثر و نشان این  
 حادثه تیل از وقوع نبشند اجرات  
 دفاعی در برابر آن اتخاذ میگردد ؟  
 یکی از شاگردان پروفیسور (پول -  
 ساندرف) از وی چنین سوال  
 کرد : چگونه میتوان زمین را از  
 تصادم و آرهانهید در صورت تیریکه  
 هشت ماه به تاین وقوع این  
 تصادم نمانده باشد ؟ آیا میشود  
 راکت های دوگلوله ای را غرض  
 انفجار ستاره به خاطر تغییر  
 میرای سیمون بکار برد ؟  
 بعداً ساندرف اظهار داشت :

دفع کردید که در نتیجه چهره عالم  
 تغییر یافتم ، زمین لوزه ها ، انفجار  
 در که های بزرگ و تواننا به وقوع  
 پیوست ، طبقات غبار سنگ های  
 ضخیم یوز هوا را احاطه کرده و آن  
 مدتی چند در همانجا باقی ماند و -  
 حبابی در برابر اشعه آنتاب -  
 گردید . درین میان به اثر توقف  
 ترکیب نور هزاران هزار موجود  
 زنده با مرگ مواجه گشتند .

برخی از دانشمندان معتقد اند که  
 خطر تصادم زمین با یکی از ستاره  
 های یک امر کاملاً حقیقی به شمار  
 می آید . ۱۰۰۰۰ لیکن میتوان آنرا کاملاً  
 ضایل نیز کرد . طبق اقتصاد  
 (شویسکی) ستاره ای که فوت -  
 انفجار معادل هیرمز را دارا باشد  
 امکان تصادمش در خلال صد هزار  
 سال یکبار مت و راست . اما ستاره ای که  
 متادل تو انفجارش فقط یک میگان  
 باشد امکان دارد بعد از هری سال  
 داخل یوز جوی زمین گردد .

انفجارات هولناک  
 در سال ۱۹۰۸ برفراز جنگلات  
 دور دست سالیها جسم طمعی با  
 طاقت انفجار هایدروجنی دوازده  
 میگاتن عبور کرد این حادثه سبب  
 تولید امواج زلزله در منطقه  
 تانکوسکا شوروی گردید ، اشجار -  
 قطع و به سانه ، پنجاه میل دور  
 انداخته شدند ، غبار و تند بساد  
 ها مناطق وسیع دنیا را فرا گرفت .  
 از همان وقت تا امروز از طلا در ساره  
 سبب این انفجار و شش تا سانه  
 تانکوسکا سوال میشود آیا جسم  
 مذکور رأس متلاش شده ، مذکور  
 (یکی از سیاره ها) یا ستاره ، سخنر  
 ایست ؟ گویی از دانشمندان با  
 این سوال مواجه اند آیا در صورت

ستاره های پرواز کنند :  
 مای بیهم بعضی از زمین  
 شناسان را که این کار را نهاد  
 موجب اظهار نسی دانند . . .

# ساختمان ها

# سریر

# آسمان

بقیه از صفحه (۵۱)

به مناسبت بازهای المپان توکو  
 امارشاد . چنمین زلزله را از سر  
 گذشتاند . در سال ۱۹۶۲ این  
 یکبار به سکونت انتقال یافت . دهن  
 شهر اتن تلوهون اوستانکون -  
 بالارفع ۵۴۰۷  
 متر امارشاد . این اتن تلوهون  
 جمعه ۵۵ هزارتن وزن دارد .  
 در ارتفاع ۳۲۵ متر این اتن  
 رستوران واقع است که چن مجرود  
 این رستوران منظره بسیار زیبایی  
 به شهر مسکو نصیب مارجم -



گفته شد کاری ساده نیست اداره ماصرف درحالاتی میتوانست آنان راحت تدای بگیرد که از جانب خانواده های شان یا بطور داوطلبانه از جانب خود شان مراجعه صورت گیرد .  
س: آنانیکه بعد از تدای معتامی شوند آیا باز هم چانس صحت یابی را دارند ؟  
ج : آنانکه دوباره بعد از تدای به مواد مخدره روسی آورند کسانی اند که باز نخست به زور تحت تدای قرار گرفته اند.

و طبعا مصاب شدن شان بسیار دیگر خطرناکتر است زیرا برای ترک اعتیاد تصمیم و اراده قوی و علاقمندی شخصی باید وجود داشته باشد .  
س: معتامین چی نوع برابلم هاراد رجامعه به میان میاورند ؟  
ج : برابلم های ناشسی از معتامین وسیع است .  
از نظر جسمی خطرات جدی بیماری های کشنده را بوجود می آورد مثلا بیماری های ریویم و خطرناک جگر که از استعمال

مکرم مشروبات الکولی بید می شود .  
خطر سرطان نزد کسانیکه عادت به دود کردن دارند . بوی دهن چنین افراد سبب از پتدیگران می شود . زرق داخل رور سدی مواد مخدره زمینه انتقال و انتقال مرض خطرناک اید سر برابلم می آورد .  
حادثات ترافیکی ناشی از همین موارد می باشد .  
از نظر روانی نیز مشکلات بوجود می آورد .  
از نظر اقتصادی چنین انبساط کارایی کمتر داشته و باید شانرا راصرف مواد مخدره می نمایند

طبعا خانواده ایشان دچار تنگدستی می گردد آنها بیشتر اوقات خوشتر با دوستان همردیف خود گذراننده اطفال شان از مهر محبت شان محروم می گردد .  
گاهی اطفال شان نیز مصاب به این موادمی گردد .  
تناسبات خانواده کی آنها نامطلوب گردیده سبب ایجاد جنگ و جدال ها با اخره به طلاق و جدایی منجر می گردد .  
انسانها ثروت جامعه اند طبعا انسانعامتاد ازین ثروت کاسته می شود .  
رجای

زنده کی برای آنها محدود میگردد بعضا بخاطر بدهی است کورده ن پول غرض خرید اری مواد مخدره آنها مرگب جرم و جنایات مختلف می شوند .  
حتی تا سرحد قتل و زردی های بزرگ بعضی اینک برابلم ناشی از اعتیاد طفیل وسیع دارد که برای درمان آن مبارزه بزرگ بکاراست چی ضم مادران و اطفال مسکمه جوانان و سرانجام مصیبت یک جامعه ناشی از اعتیاد به مواد مخدره می باشد .

# نقطه مرگ

بقیه از صفحه ( ۲۶ )  
کوبایی چنانکه سوطون عمر را کوبند یاد میشود و شامل ۱۲ نوبی است که از نباتات و حیوانات بدست آمده و هیچ عنصر منومی کیمیاوی در آن وجود ندارد .  
عبارتند از : عصاره جمجمه سنگ پشت خاور دور ، عصاره شاع کرگدن ، خسته های نباتات Armenacae Juulperus-Rioids  
لیومی چینی ، خسته قیسی و شنبلیله های که در کوروسا نیز پیدا می شوند .  
راز روزگاران بچلی سینای بلخی مورد اعتقاد قرار داشته اند .  
از نامبرده برتنش بعمل آمده که : آیامکن است که عمر را طولانی ساخت ؟  
اینگونه پاسخ میدهند : بل ، با قویه سیستم های قبلا ذکر شده ممکن است .  
زیرا تضعیف فعالیت آنها باعث بیری میگردد .  
طول عمر سورا میتوان تا ۱۲۰ سال و حتی از آن هم بالاتر برد .  
بالای اشخاص بین سنین ۶۵-۷۰ که وظایف تمام سیستم های شان تضعیف شده بود ، تجاری انجام دادیم .  
رستورانت میشود .  
اخین حرف تخنیک به شهر توتوتو کانادا اطلاق میشود .  
۱۹۷۵ زسال دین شهر برج بزرگ تلوهون با ۵۰۴ متر ارتفاع خود انبزرگترین ساختمان جهان از نوع خود میباشد .  
در ارتفاع ۳۴۷ متری این برج رستورانتی که دارای ۴۷۶ چوکی میسرای معامات بوده و واقع است .  
معامات این رستورانت توسط لفت که در کنار

با انکفالمیت جنسی آنها از ۵۰-۷۰ میقد کاهش یافته است .  
توانستیم که آنها را با نر تدای بحال نورمال برگردانیم .  
برای اینگونه تدای عموما تطبیق دو یا سه کورس لازم است .  
قسمی که کورس از ۱۰ تا ۱۰ بار تطبیق میگردد و تطبیق بیچگاری .  
ها چند روز را در بر میگیرد .  
در حله اول بیچگاری ها در نقاط فعالی صورت میگردد که بیمار از آنها شکایت دارد .  
چیز مهم در تطبیق این سیستم است که نقطه مورد نظر بد نیصد پیدا می شود .  
در حالیکه در سوزن زن عادی تقریبا ممکن نیست .  
داری تر رقی شده خود بخود زیر جلد انتشار یافته و خود را به نقطه مورد هدف میرساند .  
کورس اول تطبیق بیچگاری در ظرف ۳ تا ۶ ماه نتیجه میدهد و نتایج کورس های بعدی بهتر و بهتر خواهد شد .  
سپس نظریه وضع بیچگاری تطبیق بیچگاری بعد از یک سال یاد و سوال و یا سه سال تطبیق گردد .  
بعضی اشخاص در اولین تطبیق بیچگاری صحت یاب میگردد .  
تلاش طبیعی کوریا به تزریق دروا نقاط لان طول عمر محدود نموده در صدد پیدا کردن نقطه مرگ نیز استند .  
داکتر هونگ بیامون نقطه مرگ چنین عقیده دارد :  
در یک حیوان بزرگ بحری بنام

اوختاپوس یک چشم سوی نیز وجود دارد که از آن هورمون مخصوص بنام هورمون مرگ ترشح می کند .  
هرگاه این چشم سوی ازین برده شود آن حیوان برای همیشه زنده خواهد ماند .  
فرض کنیم که پسر شدن انسان هم که معلول فرسایش اساج و جگره ها میباشد .  
از هورمونی بنام هورمون مرگ سرچشمه گرفته باشد .  
هرگاه بتوانیم ترشحات این هورمون را زایل کنیم و یا لاقط کاهش دهیم به جلوگیری یا کاهش بروسه بیری نایل خواهیم شد .  
همانطوریکه هر عضو بدن یک نقطه فعال در روی جلد دارد به احتمال قوی هورمون مرگ هم باید نقطه فعالی در روی جلد داشته باشد .  
به نظر او این نقطه با لای خطی موقعیت دارد که بنام خط طول عمر پداسی شود و از گلو شروع شده پس از عبور از سده و ناف به آلات تناسلی ختم میگردد .  
بین ناف و استخوان جنسیخ نقطه طول عمر ، که از قدیم ها تصدیق گردیده ، موقعیت دارد .  
مهمترین آنها نقطه چمانگ است .  
داکتر هونگ نقطه جدیدی را هم کشف کرده که ۲ تا ۴ سانتی به طرف پایین ناف موقعیت دارد و بنام خود روی قسمی است در تحقیقات بعدی خود تصمیم دارد که نقطه مرگ را هم درین منطقه پیدا کند .

بقیه از صفحه ( ۲۶ )  
چواند انسان را از نظر اشعه هایونایی حفظ کند .  
درجهان حیوانات و نباتات چه اثری خواهد داشت ؟  
هنوز حوات راتعا از ضلیم سوی حیوان صورت گرفته .  
هرگاه انسان بتواند خود را تا اندازه ای از تشعشع محافظت کند .  
کی آنف بر حیوانات و نباتات اثر گذار نخواهد بود .  
طوطال ، سطح حاصل دمی حیوانات غیر نفاهی ۲۰ نمد حاصل خیزی بعضی نباتات ۳۰ نمد کاهش خواهد یافت .  
شد تشعشع مابرای بعضی امکان دارد نفا را بکوته مناطق صنعتی و آلود سازد .  
نگر این امر ممکن نیست .  
پس از ۵۰ سال صورت گیرد و تمام در صورتی ثابت ماندن انسان در برابر آن .  
طریق معلوم است در سالهای نزدیک به خط نعداری این از خطر نخب اقدامی ضروری در نظر گرفته شده است .  
آیا بعضی حیوانات خویض شابه صل دانگنی شیه نیست که از بعضی مرض جدی او را بمانان نگهدارد ؟  
گفته های من نه تعابیهانته های تجاری طی هیولانم بلکه بر تبطیح پژوهشهای جهانی آشوار است ،  
تجارب و آزمایش های چندین ساله پروگرام انگسانی مل متسد ( UNDP ) سازمان متروپولی جهانی میانگرجان تطبیق است .  
از ده سال در هر پاییز بالان قطب جنوب شکاف آتونی پدیدار میگردد ،  
طت چیست ؟  
در برابر این پرسش هنوز پاسخ قناعت بخش وجود ندارد .  
با انهم در زجهت این فرضیه ها تمام گردید است :  
شکاف آتونی شاید زا ده جهان کیمیاوی با حیوان دنیاکی با هر دو ی ان باشد که بالان توصیف صورت میگردد .  
بعضی هالین موضوع را با اختراعات رقم حرارتی و همچنان با اعمال شدن خورشید پیوسته میدهند .  
همچسک تاکنین به تشعشع مناسب آن توفیق نیانته است .

بقیه از صفحه ( ۲۶ )  
پژوهشها و آزمایش های بیشتری در کار است .  
تحقیقات بشرک شویو ، آلمان دموکراتیک ، بلغاریا ، منگولیا ، کوبا ، هند و ایالات متحده روی دست است .  
در سال حاضر چه پیمانه مواد تهیه کننده این درجهان تولید میگردد ؟  
تعدادی روی ساله در حدود یک طین تن ( ۴۰ نمد آن در ایالات متحده ، ۳۵ نمد آن در ایالات ۱۰ نمد آن در جهان و شویو ) - تولید میشود .  
تلقشته تعدادی در شویو ، ایالات متحده و بعضی کور های دیگر مواد الترفاتی آن تولید میگردد .  
در کفرانس مونتهال چه مصامی اتخاذ گردید ؟  
مصام حق قبل از آن در سال ۱۹۸۵ در هائیا هم اتخاذ گردید .  
چنانچه طبق آن تحقیقات سراسری جهانی رویدت گرفته شود در پروتکل آن ۵۰ کور اضافه کننده تمدد سپردند که تولید مواد تهیه کننده این واقع نمایند .  
تا چه وقت هکدام پیمانه از تولید مواد ضربه قطع خواهد شد ؟  
در کفرانس مصمم گرفته شده که در سال ۱۹۹۳ از تولید نوی رین ۲۰ نمد و در سال ۱۹۹۵ به اندازه ۵۰ نمد کاسته شود .  
آیا کاهش های در نظر گرفته شده کافی است و چرا تا ختم شده جاری منتظر کاهش بیشتر اند ؟  
هرگاه برنامه وضع شده تطبیق گردید و تولید مواد تهیه کننده این افزایش نیابد پیمانه تهیه شد کشور این مایه نگرانی نخواهد بود .  
با کور هلیک پروتکل مونتهال را تا هنوز اضافه کرده اند چه معاطه صورت میگردد ؟  
نظریه موافقه مونتهال تکلیفی وسیل تولید نوی رین در اختیار آنها گذاشته نخواهد شد .  
البته متخلین با مسازات جدی اقتصادی سرزنی خواهند شد .

ایالات متحده امیکاکه ۸۸۶۲ متر ارتفاع دارد و دومی پایه تشرامواج رابجوی دشر و راسی پولندا است که ۶۴۰ متر ارتفاع دارد .  
ارتفاع ۶۴۰ متری فعلا نقطه اخین را گذاشته و ولی منتظر بیلد بود که از این حد ارتفاع چه گاهی به اسان هانزیک هاید شد .  
به همین الان پیروزه های نورگراست که در صورت آساران ارتفاع هزاره متری در نظر گرفته شده است .

برج واقع است و اطرافش را شمشیر اسطه کرده انتقال داده میشود .  
معامات میتوانند از لفت به منظره نما که به شهر توتوتو خواهد شد لذت ببرند .  
شاید برایتان غیر قابل قبول باشد اگر بگویم که درجهان تا حال دهبار از سرحد ۶۰۰ متری ارتفاع تجاوز شده .  
این دو ساختمان - مرعج چارت انپایه های تلوهون بوده که یکی در اراکت شدالی در

ایالات متحده امیکاکه ۸۸۶۲ متر ارتفاع دارد و دومی پایه تشرامواج رابجوی دشر و راسی پولندا است که ۶۴۰ متر ارتفاع دارد .  
ارتفاع ۶۴۰ متری فعلا نقطه اخین را گذاشته و ولی منتظر بیلد بود که از این حد ارتفاع چه گاهی به اسان هانزیک هاید شد .  
به همین الان پیروزه های نورگراست که در صورت آساران ارتفاع هزاره متری در نظر گرفته شده است .

ایالات متحده امیکاکه ۸۸۶۲ متر ارتفاع دارد و دومی پایه تشرامواج رابجوی دشر و راسی پولندا است که ۶۴۰ متر ارتفاع دارد .  
ارتفاع ۶۴۰ متری فعلا نقطه اخین را گذاشته و ولی منتظر بیلد بود که از این حد ارتفاع چه گاهی به اسان هانزیک هاید شد .  
به همین الان پیروزه های نورگراست که در صورت آساران ارتفاع هزاره متری در نظر گرفته شده است .



# جواد عبر چهره جوان موسیقی در بالسخ

## اولین بند بربق

مرجوری جویت بل نخستین امریکایی بود که در سال ۱۹۱۱- به کابل آمده و اجازه اقامت یافته بود (در ۱۸۸۰ پارک ملی بدریار امیردوست محمد خان رسید - بود)

انجنیر بل توسط امیرحبيب - الله خان برای تاسیس دستگاه برق آبی در جبل السراج استخدام گردید . هر چند برای یکسال - آند ه بود اما هشت سال زادن سر گرفت تا کارش تکمیل گردد .

کارها توسط فیل انجام میگرفت کارهایی از قبیل انتقال سنگهای بزرگ و اجسام سنگین فن و غیره چیزها .

سامان لوازم همه به پشت اشتر حمل میگردد . البته این سامان آلات از مالک خارج چون هندوستان و غیره همه بواسطه اشتر و فیل حمل میشد . بل در سال ۱۹۲۵ از میان رفت . یادداشت های او زیر عنوان :

انجنیر امریکایی در افغانستان در سال ۱۹۴۸ از طرف یونیورسیتی منیسوتا منتشر گردید . این کتاب که شامل ۳۳۵ صفحه است مشتمل بر نکات دلچسپ درباره وضع مردم افغانستان در آن روزگار است .

مخاضل خوشی میخواهم و هیچوقت هم مانع دروسم در یوهنخی نیباشند . میخواهم در آینده هم در تعلیمی رشته بی که تعجب مینمایم به حیث آواز خوان باقی مانم و زیاد میکوشم نرفروش نباشم .

وی در مورد سوال دیگری گفت : در مورد انتخاب شعره کمبوز و تلفظ کلمات خودم سعی بنده می کنم . راه خن میدهم و از اهمل ادب کسک میگیرم همیشه دیوان غزلیات شمس تبریز را میخوانم و میبالم به اینکه حضرت مولانا جلال الدین محمد بلخی به دیار ما تعلق دارد .

می پرسیم آیا آهنگهایت از عشق رنگ می خورد ؟ میگوید : تا حال عاشق نشده ام ، اما زیاد میکوشم آهنگهای رنگی داشته باشم تا طرف قبول واقع گردد . به امید موفقیت های زیاد

ورقایت های سالم جواد عمر در ساحه درس و هنر وای خدا حافظی مینمایم . زلمی

از خود بکنم که خوشبختانه طرف تایید فرار گرفت . و از آن روز به بعد به تقلید از جوانان آوازخوان گاهی شرقی و گاهی هم به سبک غربی میخوانم ، اما زیاد میخواهم غزل خوان باشم زیرا دوستانم به این عقیده هستند که غزل را خوب تر میخوانم از همین سبب است که به صدای فرهاد دریا بعد از احمد ظاهر علاقه مندم .

جواد در مورد سوالی گفت : در شهر مریه تن دیگر از هنر - مندان آوازخوان هنرنمایی دارند که به همه شان احترام دادم و میخواهم رقابت سالم باهم داشته باشم . خودم گروه هنری تشکیل دادم که در -

در شهر مزار شریف هنرمند بر آوازه بی محاضرات خوشی شهریان دیار مولای رانگیر ، سرمی سازد که صدای خوب ، گم و گبرایش شنونده - گانی دارد ، او جواد عمر نام دارد و محصل یوهنخی ادبیات یوهنتون بلخ میباشد .

خواستیم با وی صحبت کوتاهی داشته باشم ، میگوید از مدت پنج سال به اینطرف نظریه علاقه خاصی که داشتم به موسیقی رو آوردم ، آواز هنر - مندان خوب را شنیدم و روزی جرات نمودم عقب ارمونیه بشنیم و صدای بی

# مردمها نخوانند

بقیه از صفحه (۶۴)

مقدار شرح بیسن ۲۲ تا ۳۰ نیمی وجود شان در تغییر است. در آنهایی که به دوش عادت کرده اند، شحم بدن شان تا ۷۰ درصد پایین آمده میتواند، درین صورت از آنجاوی که مقدار استروژین کم است، بنا درجه پایین تر است.

سطح رحم میتواند که زمان کوتاه قاعده کی را توضیح کند. میکانیزم دوم عبارت از این است: بودن سطح هورمون LH (Luteinizing Hormone) است. این هورمون که از غده های مخاطی ترشح میشود، سطح آن در زنانی که به ورزش دروس اشتغال دارند، پایین است، بلند رفتن بیکاره کی این هورمون به خاطر خارج کردن تخمه از تخمدان در نیمه دوره - قاعده کی ضروریست. خارج کردن تخمه از تخمدان به کوه عادت، علت به وجود آمدن دروس از جنس در محل تخمه خارج شده از تخم دان است که هورمون دیگری را با نام پروریجسترون میازد. کوتاه این که مقدار کم هورمون LH معنی آن را میدهد که تخمه در تخمدان به وجود نمی آید، بنا

در تخمدان پروریجسترون وجود ندارد که در نتیجه زمان قاعده کی تعویق می افتد. پریش میمون دالوی در اینجاب وجود می آید که آیا به تعویق افتیدن قاعده کی خطری دارد و یا خیر؟ ما هم میدانیم، دیده شده است که استروژین برای محافظت استخوانها در زمان غروبیست، پایین آمدن ها کاهش استروژین بعد از توقف قاعده کی به نرم شدن استخوانهای انجامد، مطالعه آنهایی که به دوش اشتغال دارند، نشان میدهد که محتوای منزالی ستون فقرات شان کمتر از آنهایی است که به دوش اشتغال ندارند. مادر مورد خاصی قبل از سلامت کردیم که شجاعت وی بعد از مادر شدن تهیه اثبات رسیده است. روانشناسان و دوکتوران تلاش

کرده اند تا این پدیده را توضیح کنند، در زمینه چندین نظریه وجود دارد، نخست اینکه سن زن که تحمل شدیدترین درد - یعنی درد هنگام ولادت، را دارد، میتواند در اثباتش همین پلانی خود فشار را تحمل کند، زیرا پلانی خود اطمینان تحمل درد را دارد، دوم اینکه زنی در اثبات اجزای تخمین شاید کمربند را نگاهدانه محکم گیرد تا به زنانه کی اش آسیب نرسد، ولی بعد از زادن میتواند سخت تر تربیت گردد، - زیرا آگهی امتحان زنانه کی خود را گذاشته است، سیم اینکه، تغییرات هورمونی در اثبات حاملگی امکان دارد که اندازه حرکت یاها را در اثباتی دوش قوت کند، بالآخره چنین مطرح گردیده که هورمون پرولکتین که بعد از ولادت

تولید می شود در فعالیت میکند، تا اثرات موثر روانی را با اثرات مقاومت دارد که تاثیر آن مد - نیادی دوام میکند. به اصطلاح نوروردن میجادار زمان حامله کی خسرات است، ولی در آنهایی که متواتر به دوش عادت دارند، بتدریج اندونگیف های مانند فشار خون را ندارند، خطری به دنبال آن نیست، در ایالات متحده آمریکا بسیاری زنان تا روز ولادت به دوش ادامه میدهند. کدام تخمینها را باید از زنان انجام بدهند؟ در پاسخ باید گفت که هر نوع تخمینهایی که خواسته باشند پیاده گردی، دوش، بویگاهها ورزشهای دیگر، ولی مهم این است که از آن لذت ببرند و بهسر میند شوند.

## جهان بعد از قاجار

بنیة ازمنه (۷)

ارکانهم حای زنده را از شمع ماورای بنفر مخلوط نگه دارد در آن برتاب، توخار آتشی ناشی از انفجار تخمیر خواهد شد. شمع ماورای بنفر که زمانی محروم و انگیزه زندگی روز زمیمن گردیده میتواند بعمان بیمانه موجبات نسبتی آنرا نیز فراهم کند. این شمع خرمه کوبنده بی را خاصیت پرورد ابقار وارد خواهد ساخت. چنانچه اکثر ارکانهم حای یک حجره وی را که حلقه صده بی را در زنجیر غذایی موجودات بنفر تشکیل میدهد ازین خواهد برد، و بدین ترتیب زنده محتویات وی را به حلقه های زنجیر را صادر خواهد ساخت، نه تنها در اینها تا ازین خواهد وقت بلکه شمع ماورای بنفر را بکول های را که مشخصات ژنتیک هر ماده به آنست تخریب خواهند نمود. در قسمت سلولها تکمیل پوست یا پیرهای شان در برابر شمع سیر گردی ولی قادر نخواهند بود چنان شانوار - امان نگه دارند جهان بسوی ناپیدایی خواهد رفت. میلیونها پرند گان و جانوران تا بیجا در جستجوی آب و دانه سرگردان خواهند بود و انسان قادر نخواهد شد با آنها کمک کند زیرا خوش نیز در وقت شایه قرار خواهد داشت، نیکولو بوچکوف، دانشمند ژنتیک آکادمی علوم حسی اتحاد شوروی واقفیده، بر آنست که در چنین شرایطی مالتانه نخواهد بود تکثیر بشری و از نگاه ژنتیک ها داده پرورش تکامل انتظار داشته باشیم، ایندهش شمع مواد را بدینو اکتف تحولات زیادی را در تمام مایکروارگانهم حای بازمانده، نباتات و حیوانات بشمول انسان بوجود خواهد آورد، جراثیم کاملاً بی ضرر خنرات مرکب از راتوجه انسانها خواهد ساخت. مازو بران، کمک تغییر بازمانده ژنوتیپ تکثیر را بعلت اینکه شمار آنها به بحرانی ترین سطح پایین کاهش خواهد یافت، از دست میدهد، نه تنها اختلاف ژنتیک به حداقل خود کاهش خواهد یافت بلکه جلوگیری از جنت گمی با همی غیر ممکن خواهد بود در نتیجه خطر تغییرات نهایتی ظاهر خواهد گشت و به این معنی است که بشر در طول دوره، تکامل خوشی بدوش گیده است عوامل جدیدی که یقیناً نیل بشری را به سوی نیستی خواهد کشاند، امانه خواهد شد.

## فردین موزیک

انواع مختلف کسهای موسیقی افغانی، هندی و فریسی را به علاقمندان موسیقی پیشکش مینمایند. آدرس: مارکیٹ جمہوریہ

## رستخیزان

خوله دانه در مدخله فنی مرستیال به جوکی کینه اولی و اداری مرستیال جی دانه جوکی بی د خان منلی حق باله به خیسل بخوانی د نترکی بی دریاست بول صلاحیتونه به خان بسوری و ترل له بی خوا اداری او فنی مامورین هم له د وید و پرو نخه کم نه وو، حکه جی د بوئن به ریسیر کید لو سره د نولو به جوکی او بیستونکی تغییراته که حیرته فنی مرستیال ریسیر شوی وای نو د فنی خانکی د - پنجواگونگانو د تیره کولو عمیسی مد برد فنی مرستیال جوکی او بیست تراسه نامه او د همسه مرستیال ته به خبله د عمیسی مد بریت جوکی وریاتی وه، حسی به دی بول ترورستی مامور جوری دانه حق خیسل حقدارته رسید.

جی در نشیف مد بوکوب دیوست له مکتوب سره یونای بی د خیلی امانه کاری بیستندام هم له میز خانی راه اخست ایه د اس حال کی جی در ناپیت خندان به شونو و خبره وه، د اداریسر - خیالی د دستریه لو رور و خویجید (لوستونکی دی د خوشیسیو له باره یوست موزیک و تر وی) نصاب: در نیولوستونکو (ناسی خه فکر کوکی جی به مکتوب کی به خه لیلیکی وی، در نشیف مد بر د خه شی له باره د خیلی امانه کاری بیستندام له مکتوب سره یونای اداری مرستیال ته یور. ایان در نشیف مامورین له خیسل مد بر خده مخکی بی مکتوب لوستلی و فنی مرستیال به له موصوع خیبر کی آوکه نه، او هم داجی دریاست جوکی به د خا به تعیب وی. د اهنه بویشی دی جی د برله بیس داستان به درسه اوروستی برخه کی جی به را - نلونکی که کی به خبره شی حل کید ونکی دی، اور نو د خدای به امان، روغ او حوینحال - اوسسی.



# موکیش

## از دنیای مود...

(بقیه از صفحه ۵۰)

شهرت را با خود همراه ندارد. هر (ثبت امان) (رکعی گانکر) آسمان سینما را می‌تواند ببورد.

در سینمای هند، مودل های فراوانی مرخص وجود کردولی به عدم توفیق خود واقف دیدند. اما در این مجبوره ((سنگیتا جلالی)) نام پر درخشش و استیلا کاشده ایست که از دو سال بر سکون موقعت ششم مهر قلمرو سینمای هند حکمفرمای میکند.

او از مدت‌ها به این سوتقاضای فلما سازان راستنورد میگرد برای اینکه علاقه بی چندان برای بازی در فیلم ها در خود احساس نمیکرد و از جانب دیگر نمیخواست از زین مقام اصلی اش که سخت به آن علاقه مند بود تهاشی کند. چه او از اتصال به این طرف یگانه مودلی بود در عرصه نمایش لباسهای که مودم او را ((چراغ)) - خطاب میکردند و در این دایره از شهرت فراوان بر - خورده بود. ولی سرانجام به نام سینماگران افتاد. در جهان فلمبرداری فلم ((قاتل)) که تمهین یک رقص رابا ((انیمه پنچولی)) منمود، در گرو صحت شد و در برابر یک سوال گفت:

((به پیشنهادات و تقاضاهای سینماگران ظهور در پرده سینما کوچکین علاقه مندی احساس - نمیکردم برای اینکه در قبال کارم به عنوان ((مودل)) شهرت، مصیبت و ثروت فراوان حاصل بود از اینسرو مودلی نبود که مرابه سینما متماثل بمادول حلالا دیگر شده که شده)).

((سنگیتا)) نهایت پاکیزه، نظیف، خوش لباس و خوش ترکیب است که در برابر هر سوال با کساد و - دهی و تواضع لب به سخن می‌گشاید ولی هر گاه در مسایل شخصی او سوال دویزنده، آن وقت مثل کرم ابلهش که خودش را در تارهای باهک تنیده اش سخن میکند، او هم خودش را در لابلای حرف ها، کلمات می‌پیچاند.

هنگامیکه ((جی، پی، دت)) یکی از کارگردانان مشهور، پیشنهاد بازی را در فلم ((هتیار)) به عوض ((دمیل کادیا)) به وی نموده، او از تومن غیرورتیکبر فرود آمد و این نقش را بیدهن پذیرفت در حالیکه تا قبل از آن هر نوع پیشنهاد را قاطعانه رد میکرد. انگیزه این پذیرش را ((سنگیتا)) این طور توجیه میکند:

((نزد من، ((دت صا حب)) یک کارگردان توانا و آگاه است از اینرو پیشنهاد او را احترام گذاردم ولی تصور نمیکردم که بعد از این پذیرش، در موقعیتی قرار بگیرم که حساب تراراد های بازی در فلم ها برایش شکل شود و کار و بار فلم سازی در قلم هام شکل تر از آن.

در حال حاضر ۲۴ ساعت در شفت های منتظیف صرفم استم برای بازی در فلم هاییکه تراراد آنرا قیلا بدون سنجش اضافه کرده ام. شما باور کنید در این اواخر در عرصه فلسفی که قرار داد میشود، دهکی آن پانزگرا اول من انتخاب میشود تنها با ((سنی دت)) و ((متن چکورتی)) هشت فلم در دست تمهه دارم.

بقیه در صفحه مقابل

بقیه از صفحه (۲۱)

سرانجام آهنگ در کوشش نخستین، بدون آنکه ضرورت به باز خوانی بیافتد، ثبت شد و در قضا میلودی ((راگ درباری))، ((دل جلتاهی توجلی دی)) پیچید. عمه موکیش را با سیگل عوض گرفتند و ((انیل بیسواس)) به موکیش توصیه کرد تا زمانی که قسا در به کسب هویت مستقلانه در آواز خوانی شود از سیگل بجزدی کند. این آهنگ موکیش را به اوج شعسرت رسانید.

تمرینات اساسی زیر نظر ((جگه نات)) به آواز موکیش نریش ضروری را برای سرودن میلودی های ریتما تیک داد. اکثر آهنگهای راکه در آن زمان خوانند بشهرت رسیدند، ولی آواز ((پ))، موکیش از عینی گلوش اداه میکرد، بطوریکه قسمت های حزن آلود آهنگ مطول شده غم ازان میتراود. ادای آوازه های طولانی یک بدیده نسبی است، ولی در مقامیسه با سایر آواز خوانان، موکیش توانایی محدود در کشیدن چنین آوازها را داشت. در بسیاری حالات حین ادای آواز های طولانی صدا را بیشتر از طریق بینی اداه میکرد، لکن اینها را کمپوزر ها به اغراض مینگر بستند و راضی بودند که موکیش را نسبت به عکس دیگری دارند.

((شیورا جانی سلوا)) نقش اساسی را در شهرت رسانیدن موکیش بازی کرد. شهرت او بین سالهای (۱۹۴۸-۱۹۵۱) زمانیکه نزد یک به یکصدوسی آهنگ را در ظرف چهار سال سرود برفق آسایود. بعد از لحاظ تعداد آهنگهای موکیش به رکورد مواجه شدند، چنانچه در ظرف هفت سال مابعد یعنی تا (۱۹۵۸) وی پنجاه و پنج آهنگ سرود که خوانند نهایی فلمهای ((اه))، ((سری ۴۳)) و ((ده هوماتی)) از شهرت نوی العاده برخوردار شدند. فلم ((معشوقه)) شاید یکی از بدلا - یل این رکورد باشد، زیرا برود یوسر فلم با موکیش به توافق رسیده بود که تا پنجایش گذاشتن فلم ((معشوقه)) او نیایست آهنگ تازه برای فلم دیگری میسرود. فلم ((معشوقه)) که در (۱۹۵۳) به نمایش گذاشته شد، زمان طولانی را در بر گرفت تا تکمیل شود. با استفاده از همین فرصت رفیع - و طلعت سبقت جستند، در سه سال (۱۹۵۰ - ۱۹۵۴) رفیع دو صد و شصت آهنگ و طلعت بیشتر از یکصد و شصت آهنگ خوانند. دلیل دیگر در این رکورد شاید ترجیح کمپوزر های مورد علاقه - موکیش مانند ((روشن))، ((انیل بیسواس)) - ((شنگر - جکشن))، ((راتی)) و ((نوشادا))

به دیگر آواز خوانان بوده باشد. دلیل هر چه بوده موکیش از پس این اجماعات باشایستی بنا آهنگهای فلم ((یهودی)) در (۱۹۵۸) بد ر شد. بازیگر فلم ((یهودی)) دلپ کمار که همیشه در - فلمها آواز های طلعت و رفیع را با سنگ میکسرد اصرا روی وزید که قبل از اجرای آن از شنونده ها نظر خواسته شوند. شنونده ها عمه با اتفاق هم به موکیش ارج گذاشتند.

وقتی ((بعالت رام)) و ((رام چندرا)) موکیش را رد کردند وی خم به ابرو نیاورد. به موکیش هیچ چیز بیشتر از یک آهنگ خوب که منظم مانسند نظم عقربه های ساعت سه سوراخش می آمدند، ارزش نداشت.

با گذشت زمان کهنه کاران جهان موسیقی هند یکی پس دیگری ناپدید شدند. وقتی موکیش آهنگ ((الوداع الوداع)) را در (۱۹۶۵) سرود در واقع وداع آهنگ الودیا ((انیل بیسواس)) و - ((موتی لال)) بود که برای آخرین بار کار مشترک شانرا انجام دادند.

با انکشاف وسایل تخنیک در سینما، موسیقی در فلم هانیز مد رتیزه شد و آرکسترهای کلان با آلات جدید موسیقی بکار گرفته شد ولی موکیش مثل همیشه بدون تغییر همانطور ساده و بی تکلف باقی ماند. آهنگهای زیاد با موسیقی دایرکتوران چون ((لکشی کانت - بیاری لال))، ((سلم چودری))، - ((کلیانجی - اندجی)) و دیگران خوانند که برخی از این آهنگها با لطف خوشی که دارند ماندگار شدند. زیاد ترین آهنگهای رابا ((کلیانجی - اندجی)) در فرستی خوانند که آنها در آریسه بهترین نمایشان فرار داشتند.

یک دهه پس از مرگ موکیش به این واقعیت متوجه می شوم که این تعداد آهنگهای موکیش نیست که اسطوره او را جاویدانه نگه داشته است بلکه این صمیمیت وی آلیشی آهنگهای او که آنگده باغم اند دلیل جاوید انگی آنهاست.

وقتی معجزه موکیش را به ازایی میگیرم تا قبل اعمیت است بخاطر بیایرم که مانند آهنگهای سینگ وینک ملک یکصداد زیاد آهنگهای حزن آلود موکیش مستقلانه بدون ذکر نام کمپوزر ها و با قلم هاییکه این آهنگها برای شان سروده شده اند، در آن ها شنونده ها باقی مانده اند و آنها را محفوظ می سازد، و این به نوبه خود سیاس و - امتنان به خواننده بی است که آوازش قدرت تداومی خاطرات شاعرانه روز گاری را دارند که نمران سروده شده اند.

# آشیان بزرگ ترمیت‌ها



بزرگترین آشیان ممکن  
ترمیت‌های استرالیاراداشمندی  
بنام ستین بیوان در جنگل‌زاری  
که در ۱۷۰ کیلومتری داریسین  
موقعیت دارد کشف نمود.  
ارتفاع این ساختمان بزرگ  
به ۶،۷۰ متر و قطر محیط آن به  
۷۳۳ متر می‌رسد. این آشیان  
آشیان عظیم (دانشمندان این  
ساختمان‌ها را چنین مسمی  
نموده‌اند) چهار میلیون ترمیت  
زاد خود جاداده است. آنها  
شبهه مورچه‌گان در یک نظام خوب

ما زمان یافته، حیات بسرمیرند  
حتی در مناطق، شهرهای نیز  
از این ترمیت‌ها وجود دارند.  
دیوارهای ساختمان‌های بعضی  
از این انواع به حدی محکم ساخته  
شده که تخریب شان تنها بوسیله  
ابزار خیلی قوی میسر است و پس  
این حشرات همه چیز را می‌خورند  
و با این کار سالیانه ملیونها خساره  
وارد می‌نمایند.



# از دنیای مود...

بقیه از نسخه مقابل

در خصوص اینکه در بیست‌فلسمی که ((امتا بهر))  
فعلا روز آن کار می‌کند، در یکی از آنها، نام ((سنکیتا))  
خوانده نشود و بطلب قابل توجه است:  
نخست اینکه هنر پیشه‌ها را تازه کار به قدری  
صروف‌اند که همه از آنها از بیست‌فلسمی فیلم در قفسه  
قرارداد دارند که مایه انصراف فلان‌سازان از آنها  
شود.

دو دیگر اینکه ((سنکیتا)) انقدر جوان و شگفته است  
که همبازی شدن آنها ((امتا بهر بچن)) هیچگونه  
ظرافت هنری را ایجاد نمی‌تواند.

مگر در هر صورت نظر بر این دو، در پرده فیلم  
انقدر هابمید از امکان نیست. ((سنکیتا)) در این  
مود می‌کشد:

((آرزو دارم به عنوان یک بازیگر خوب مقیم  
برای خود کماش کم هر این طرز تلقی که، می‌کنند  
(مودها)) هنرمندان خوش از این در نمی‌آیند و  
خط بطلان بگم تا دیگر گفته شود که ((مودها))  
مود اند و جسم‌های غیر متحرک را مانند  
اگرچه در فلم ((هتھار)) ظاهر شدم ولی فلم  
اولی من ((قاتل)) است که بی صبرانه منتظر مگر العمل  
مردم در برابر هنرمندان ام می‌باشم.

داستان این فلم پر از فحاشی و بی‌بندگی هالیوود  
که از لحاظ اصطلاح سینمایی می‌توان آنرا گفته از  
(سینس) خوانند.

به عقیده ((سنکیتا)) بین هنر پیشه‌گی و مودل  
بودن چندان تفاوت قابل ملاحظه وجود ندارد.  
او می‌گوید: ((بین این دو حرفه، یک تفاوت کوچک  
موجود است و آن اینکه در نمایش لباس‌ها یک محصول  
به معنی فحش قرار می‌گیرد در حالی که در سینما  
تخیلات یک نه‌سند، خلایق کارگردان، مهارت  
کمتر بین به صورت یک مجموعه توسط هنر پیشه  
موضه میشود.

اگرچه در فلم‌های هندی رهنموده نقش حساس  
برای یک هنر پیشه، به ندرت محسوس میشود ولی  
تلاش خواهم کرد تا چنین نقش‌هایی را در بام ((  
(سنکیتا)) فعلا حدود پانزده فلم در اختیار  
دارد که آنها را طی یکماه اول سال محسوس قد نموده  
است.

اگرچه در این‌ها و آخره داستان مشقی ((سنکیتا)) با  
(آسیانان) روی نه‌نماست ولی او موضوع را اینگونه  
جلوه میدهد:

((در زنده‌گی من فعلا هیچ مردی سابقه  
ندارد. اگر کسی نایبانه به من مشق می‌ورزد  
مرا دوست میدارد باید تا زمانی انتظار بماند که  
به آرزوهای که در قبال بازی در سینما دارم موقانه  
نایل آیم)).

## ویا سالهای مینوز به ظهور می‌رسد.

ولی همچنان انحصار زنده‌گی  
جنسی نیز اسباب بدیده کلیتومان  
(عقد و گزنگی روانی) را فراهم  
می‌آورد.

منتها مرد هانیز می‌توانند  
از نقطه نظر زندگی جنسی منجمد  
باشند، پس چرا آنها دست  
به سرقتمی زنند؟

روانشناس هامبورگی بنام  
زیله ویبر در پاسخ می‌گوید:  
زنها بیشتر ناخوشی بوده و کمبود  
عاطفی و جنسی رایج و عیاشی  
در آن احساس می‌نمایند، در  
حالی که مرد هاندت عاقل‌امو -  
خته‌اند که چگونه عواطف خود  
غله حاصل نموده و مانع بروز  
ان گردند. مرد هایش تریمار ی  
های جنسی مبتلا میگردند.

نباید از ندراند اخت‌که  
زبون یعنی دزدی رعایت  
خاطرمی بخشد. در جریان  
دزدی انرژی تشنج روانی از او  
شده کسیده‌گی و گزنگی انباشته  
شده از میان برداشته می‌شود.  
و بالاخره انگیزه رعب و وحشه  
که از ناگرایی ترس‌میان می‌آید  
با احساسات لذت‌آور جنسی  
می‌تواند ارتباط داشته باشد.

## دو مین نفر معترف به سرق چیز شده‌اند.

رعیت بیشتر در دزدی -  
اجناس از قبیل، عطریات، لوازم  
آرایشی، زیورات، ریکاردهای  
موسیقی، فرآورده‌های چرمی  
والیه سود روز که بی‌بزه مسورد  
بستند خان‌ها قرار دارند، دیده  
می‌شود.

رواقعا خانها، با وجود  
اینکه در مقایسه با مرد هاکتشر  
مرکب جرم می‌شوند، به اصطلاح  
در بالا رفتن دزدی مقام اول را  
احراز می‌نمایند.

در اطری منتشره وزارت عدل  
ریاست نورد اینوست فالن المان  
عرب چنین آمده است: ((در  
دزدی مغازه‌ها زنان و مردان  
نسبت ۱- را بخود اختیار نموده  
که عدد بزرگتر مربوط زنان است))  
علت آن چیست؟

روانکوی از دوسلدورف بنام  
داکتر هانس یواخیم شوین،  
هرمون‌های زنان را معترض‌ناخته  
ومی‌نویسد: ((عقد و گزنگی  
های روانی در رابطه‌علسی  
با اختلالات غده‌یی قرار دارند  
که در مراحل نوجوانی (۱۲ -  
۱۶ سالگی)، قلعه‌گی، حمل

# بازی با ترس

هر دو مین شخص بازی با ترس  
را انجام داده است. از تحقیقی  
که در شهر هامبورگ المان  
فدرال صورت گرفته، روشن  
میکرد که چرا تعداد کثیری از  
زنها در مغازه‌ها به دزدی می  
پردازند. ((نورا برمن چیره‌گی  
یافت و خطر را در جیب پنهان  
کردم))، اهتراف ویژه و تهیه  
زنی است که در فروشگاه‌ها به  
دزدی می‌پردازد.

برودن اجناس گسترش  
نییابد و طوریکه تازه ترین آمار  
نشان میدهد (۲۰۰۰۰۰) -  
مرتبه در سال، باشندگان  
المان فدرال دست به سرقتم  
اجناس مغازه‌ها می‌زنند و این  
تعداد فقط انعامی را در برمی  
گیرد که ابتدا بدستگیر شده‌اند.  
طوری که تجارت برچون  
فروشی وانمود کرده، تعداد  
واقعی انعامه‌الی بیست برابر  
بیشتر از عدد فوق الذکر است.  
از پرسش همه گان‌ای که در  
شهر هامبورگ بعمل آمده، هر

# بدنیست اگر بدانید

بیشترین ورزشکاران هنگری در تیم های خارجی عضویت دارند، همین اکنون ۱۸۰ ورزشکار هنگری در کلوب های مختلف ورزشی چهار قاره جهان ورزش می نمایند، که بیشترین آنان را فنبالیستها بعد از هند بالران، والیبالران، بیسکیت بالانک بازان، وواترپولس تشکیل می دهد، و ۷۰ فیصد از عایدات ورزشکاران به کلب های مربوطشان در هنگری انتقال داده میشود.

XXX

الینیت معروف ایتالسوی نخستین انسانیت که ۱۴ قله کوه یورست را فتح نموده است، او در نظر دارد قله ۸۵۰۱ متری یورست را تا قسمت جنوبی تسخیر نماید، تا حال هیچکس قادر به چنین کارنگردیده است. ورزشکار ۴۳ ساله به خبرنگاران اعلان نموده که در سال جاری در کوهنوردی یکرنیز او را همراهی خواهد نمود.

XXX

فدراسیون بین المللی باسکتبال بزرگترین مؤسسه ورزشی جهان است که ۱۷۲ کشور عضویت آن را دارد و در آینده قریب نیم های باسکتبال بعضی کشورهای دیگر چون تانکسو، موناکو، ایسلند و بعضی کشورهای دیگر نیز جدیداً عضویت خویش را در کمیونیکس فدرترکیزی اعلام نمیدارند.

فدراسیون وسیع و بزرگ است که در سال ۱۹۱۱ ابا راه انداختن مسابقات المپیک از صدمین سالگرد خویش تجلیل بعمل می آورد.

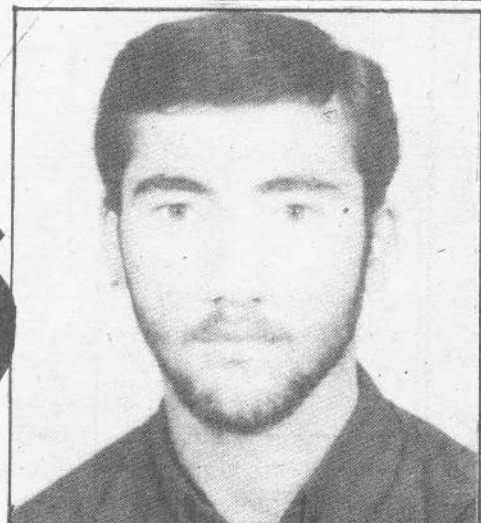
## زمینه والیبالر

\* زمینه ورزشکار مکتب نمبر ۱۴ مکرویان :

تمرینات ورزشی ما پیش از وقت درسی میباشد و باعث عقب ماننی دروس مانی شود، در فستیوال جوانان و تورنمنت های بهاری و خزانسی مکتب ولیسه های دختران جای اول را کسب نمود، ام مشکلات عمدتاً مانع بودن میدان و لوازم سپورتی میباشد، معلمان ما نسبت به سپورت اهمیت خوب ندارند با ما برخورد نادرست می کنند که شاگردان تغیل و بازیگوش هستیم، غرض بهبود وضع ورزش به مشکلات ما رسیده گی صورت بگیرد، و در زمینه تهیه لباس و عصریسه ورزشکاران را کمک نمایند.



## ورزشی



# قوی ترین

مصاحبه از منیره

## ناصر هوتکی ورزش

در ۱۱۳ آن سیک بومسه و در ۱۴ کشور سیک هیانگ رایج است. در تی کواندو به عکس سایر ورزشهای رزمی مانند کاراته و کانگو ۸۰ فیصد حرکات روی باها استوار است و هر ضربه یا قدرت معادل پنج ضربه دست را تولید میکند.

در کشور ما شمار زیادی از جوانان به این بازی روی آورده و کلب های ورزشی آن را ایجاد نمودند. استاد تریگرکپ ((تی کواندو سو-سه)) محترم عبدالناصر هوتکی است.

خواستم تاباوی بیرامسون کارش صحبتی انجام دهم، موصوف چنان شخصیت گیرایی دارد که

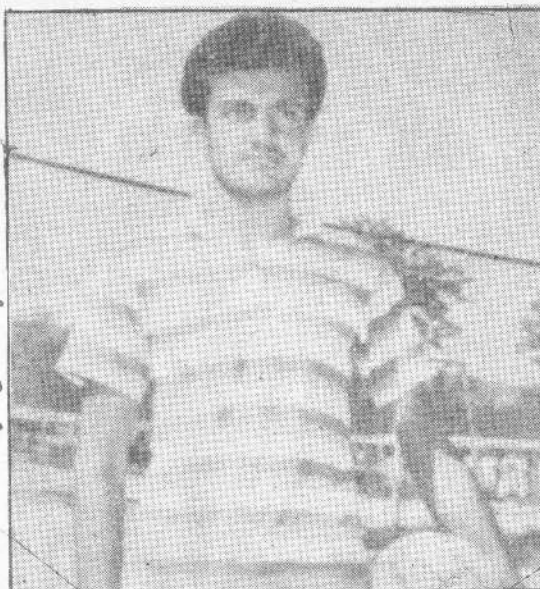
ورزش تی کواندو در جهان به عنوان کامل ترین و قوی ترین سبک دفاع از خود شناخته شد، است. این بازی برای نخستین بار در کشور کوریا جنوبی بوجود آمد که کاملاً مجزا از کانگویی چین و کاراته جاپان است و فعلاً به عنوان یک ورزش عصری و بین المللی در شراسرد نیابنداشته میشود. تی کواندو از سه کلمه کوریا می (تی) ضربه زدن و جهیدن با یا (کوان) به معنی دفاع کردن (دو) (سه) معنی روش مشکل است. این بازی دارای دو سبک شناخته شده است. تی کواندو وی هیانگ و تی کواندو وی بومسه میباشد و از جمله ۱۱۷ کشوری که این ورزش در آنها معمول است

از چشمانش مهر و حوصله میبارد، وی با قدرت و لوا پسی به حرکات پسران تمرین کننده مینگرد، او باور مند فردایی درخشان شما. گردان خویش است از جابا می خیزد تا حرکت نادرست یکی از پسران را اصلاح کند، یک بای خود را بلند مینماید و دست خود را به عقب برده به اندازه دو متر بلند

## همایونج باسکتبالر

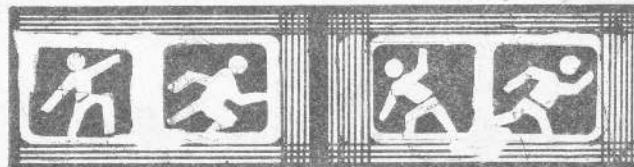
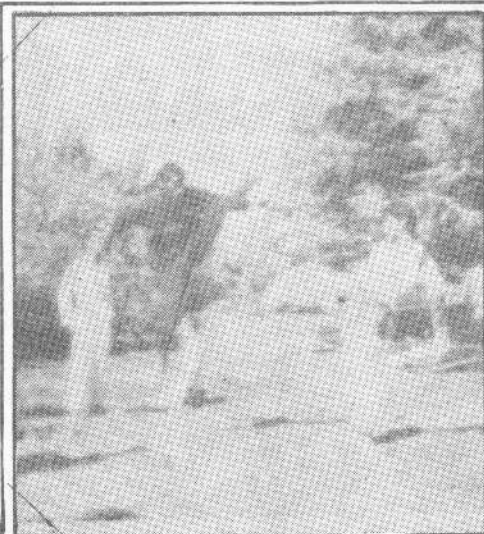
\* در میان چهره های ورزشی جوان مکتب شهریکی هم همایون باسکتبالر لیسه انقلاب است ، وی سرنیم مکتب خود است اوصاف یک ورزشکار خوب را چنین بیان نموده است :  
 ورزشکار باید جدیت ، تکلیک خوب و بازی ماهرانه داشته باشد .

وی در مورد موفقیت های خود گفت : اشتراک در همه مسابقات دارم و در سال ۱۳۶۲ ، تیم مکتب ما در ناحیه مقام اول را حایز شد . راجع به مشکلات شان در زمینه ورزش مورد علاقه اش - میگوید : لباس مناسب ورزش ، توپ کریمج ، - عصریه ، اینها همه نیازهایی است که شاگردان برای پیشبرد امور ورزشی بدان ضرورت دارند .



## درخشانترین چهره های ورزشی آمریکای لاتین در سال ۱۹۸۸

به اساس نظر پرسی سالیانه آژانس خبری پرسنالاتینا ، هاوسر سوتوما کیویا ، برجسته ترین ورزشکار خیز بلند امریکای لاتین در سال ۱۹۸۸ بوده که جایزه این آژانس برای بهترین ورزشکار مرد امریکای لاتین را برده و - همچنان سیلویا پول کوستاریکایی در آب بازی جایزه مجله پرینسا را درین عرصه بدست آورد .  
 در جمله ده ورزشکار خیلی هاس معروف یکی هم دیگوارماند و ما - رادونا ، از کشور آرژنتین ، در فوتبال ، دیگري انانید پلیناکیرت ، از کیوبا ، در دوش ۴۰۰ تا ۸۰۰ متر هستند .  
 و اما در مسابقه پرند هاس ، طوطی آرژنتین در نمایشی در نزدیکی شهر ننگ بیشتر از هم قطاران خود نظر تماشاگران را جلب کرد ، این پرند ه بزرگ از جمله چند پرند ه تربیت یافته در تایلند بود که با مهارت های هیجان آورو حیرت انگیز خود تماشاگران را به شورش و شغف در آورد .



# سبک فاع

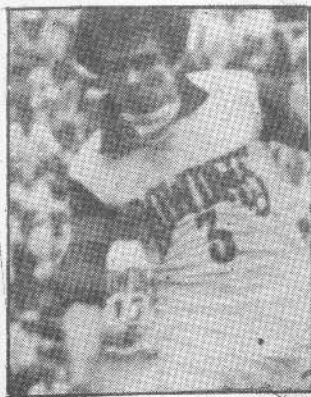
بازگشتم و کلب (( تی کواند و پوسه )) را ایجاد نمودم .  
 از جمله شاگردانم هفت تن کمربند سبز ، بیست و سه تن زرد و بیست و سه تن سفید گرفته اند ، من میخواهم هر آنگاه که در مدت پنج سال تعیین موخته ام به آنها منتقل سازم برای شاگردانم بر علاوه تی کواند و طریق استفاده از سلاح های سرد مانند نان جیکو ، زنجیر ، چوب د راز ، شمشیر ، سامورایی ، پرتاب چاقو و پرتاب میخ را نیز می آموزانم ، فعلا به جز کار در کلب که ام مصروفیت دیگری ندارم ، چون امتحان کانکور بوئینتون را گذرانیده ام ، امیدوارم سال آینده به بوئنخی طب قابل تحصیل کنم ، در اخیر به امید موفقیت های هر چه بیشترش با وی خدا حافظی میکنم .

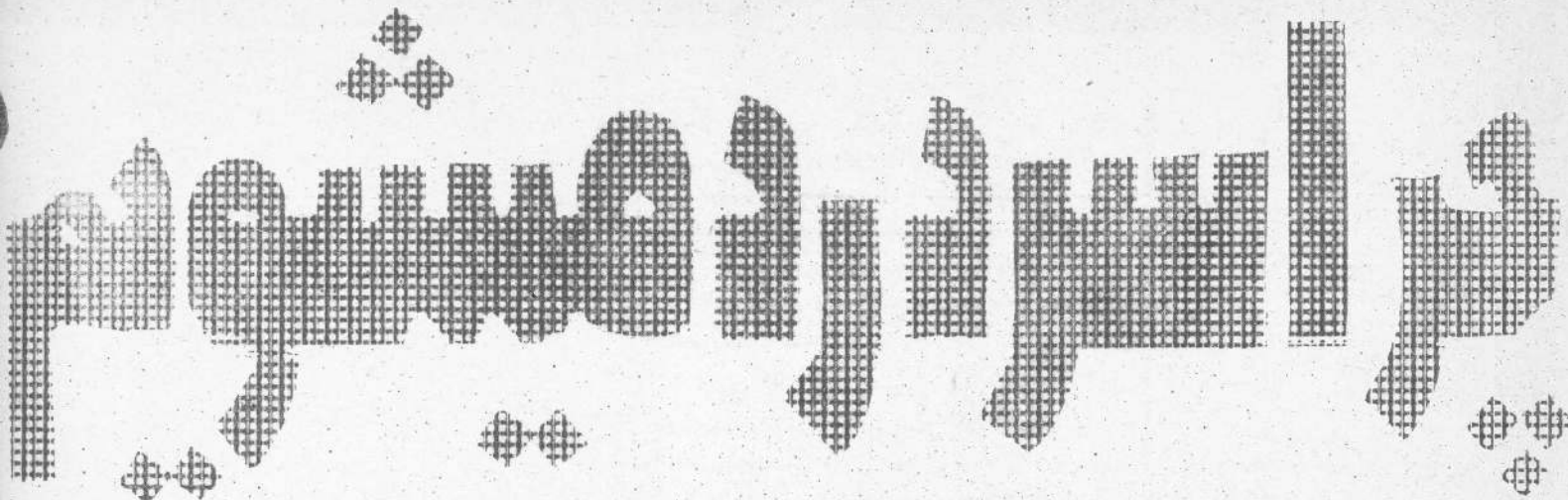
معلومات دهد ، اود زمینیه اینگونه آگاهی میدهد :  
 (( برای اولین بار در صنف نهم مکتب به ورزش بوکس روی آوردم و مدت دو سال تحت نظردرم این ورزش را موختم و سپس نظر فعلا - قه بی که به ورزش های زینس داشتم به تی کواند روی آوردم و در سال ۱۳۶۲ نظربه عواملی به کشور ایران رفتم و در آنجا تحت نظر (( قدراسیون ورزشی ایران )) موافق به اخذ کمربند سیاه شدم و در ضمن مربیگری کلاس رانیسز تعقیب کردم ، در آنجا با رهسا در مسابقات اشتراک ورزیدم چهار بار به کسب مقام اول نایل آمدم که غمه اسناد آن نزد من موجود است ، در سال ۱۳۶۶ به وطن

## چهره جوان تکواندو

میود ، پسرانی که همه مجذوب حرکت او شده اند ، به دورش جمع میشوند و وی به تشریح حرکت خود میبرد از .  
 بعد از اینکه تمرین آنها ختم

میشود به وی که جوان بلند قامت و موه دبی است نزدیک میشوند و صحبتی بعمل می آوریم و میخواهم تا پیرامون آغاز کاروسا پر مصروفیت های شریه من





# دیدن بعضی تصاویر، استفاده

## از عینک‌ها و کلاه‌ها

### بعضی تصاویر سردی

### میکرد

ترجمه ستانک

مجموعه وایلی

یکی از معمولترین علل سردی دردی صرف الکل است، شرب الکل غشای مخاطی دهن را میسوزاند و در جریان عبور از مری نیز سوختنیده و به داخل معده می‌ریزد و از آنجا به جریان خون داخل شده و در سراسر عضویت انتشار می‌دهد.

باید تمام اعضا و مجاری به سم خوش بعضی کمتر و برخی بیشتر از آن را میگیرند. حساسترین آنها در مقابل الکل حجرات صبی و مجاری مغزی است و گه گه میشود که معوم شده اند. این حجرات و مجاری خیلی زیاد دچار اختلال شده و جریان خون مغزی به هم خوشتر از دست میدهد و برخی از این مجاری تا اندازه بی منقبض گردیده و بعضی دیگر اتساع پیدا میکنند.

هنگامی که تیر الکل از من رفت زمانیکه عضویت بسختی اثرات آنرا خنثی میسازد، مجاری برای یک مدت طولانی در حالت غیرمادی باقی میماند ولی دقیقاً باید توجه کرد که بازم همین مجراهاست که دوران مایع فقراتی مخ و فشار روی زوهای مغزی و همچنان بالای خود راتا همین میکند. در چنین یک حالتی چه چیزی را میتوان انتظار داشت؟ بهترین چیزی را که باید انتظار داشت سردردی یا احساس سنگینی در سراسر است.

چه چیزی موجب حمله میگردد؟ سردی یا گرمی زیاد، کار بیش از حد یا خواب ناکافی. میگردد میتواند بعد از ماندن زیاد در بوسه اطاق دلتنگ کننده یا مبلوازد و در وجود آید. نقش صده رادر زمینه حالت روسی بیمار بازی میکند. شکل اصلی حمله چگونه است؟ خون از هر دو سمت از طریق شریان های قوی سیات (شاهرگ ها)، چه داخلی و چه خارجی به سر میرسد. حتی جریان ثابت خون در شاهرگ میسر میشود. دفعات از طریق سیستم شریان های داخلی و خارجی باز-توجه شود. در مرحله نخست افزایش سیخ جریان خون در شاهرگ داخلی به وقوع می پیوندد که با این کار آنه عمل رساندن خون به بخش های دیگر دماغ بهبود حاصل میکند. این کار بعد چشم و شنوایی را خیلی تیزتر میسازد و فعالیت میسر بدن را بیرون میسر میسازد. همزمان به آن، جریان خون در مجاری متسع شده شریان سیات خارجی (شاه)

رگ خارجی) متاسفانه بطور آتی گذر می شود. صورت بیمار به سرخی میگراید این نشانه یک حمله میسر میگردد و در واقعیت میسر نخستین مرحله میگردد است. مرحله دوم بیماری باعث پائی توجه سیخ دیگر جریان خون میگردد و در این حالت صورت بیمار رنگ باخه بنظر میرسد. زیرا انجاری سیستم شاهرگ خارجی تنگتر میشود. در این حال، مجاری مربوط شاهرگ داخلی بطور آتی منقبض شده که دقیقاً موجب سردردی میگردد. حادثترین انقباض در مجاری زویه های دماغی به مشاهده میسر و بالای گیرنده های درد حساس میگردد. سردردی غیرقابل تحمل میگردد. این تغییرات در مجراها

همچنان فشار داخل جمجمه بی را بالا میبرد. در نتیجه برای بیمار بعضی پالانویه اسهراق دست میدهد که به تمهید آن حمله صلا به پایان میرسد و این حالت است که مایع اضافی دیگر از بدن خارج شده است. کاهش دوشار سلول اتفاق می افتد و اسفقا لسی تا حدودی زنده های دماغی از من میسر.

اینست آنچه بدن بخونش کک میکند ولی بدبختانه صوف وقتی این کک میسر میگردد که تهبانی حله رنج نهادی را متحمل شده



در مرحله دوم دواهایی که موجب تنگ شدن مجراها میگردد - اسامه میتواند حمله را بر طرف سازد ولی بهتر است از وقوع حمله جلوگیری بعمل آورد بهترین راه برای این کار غسل پاها با آب گرم است - هم چنان بهتر است دستان را در آب خیلی گرم غوطه وریخت - پلاسترو مرهم خردل میتواند تا شهر شاهی داشته باشد - تجهیز مقدار کم ادویه های انبساط دهنده مجاری - (صنایین پ پ ، پایا وین و غیره) برای یک مدت طولانی میتواند در راه مقابله با نخستین حمله تنگن با تنگتر ساختن مجراها مفید و سودمند تمام شود .

ولی طبعاً جلوگیری از مسکون همچنان شامل رژیم درست منظم - خواب ، استراحت و تغذیه و تفسیر اجزای تمرینات جسمی و حتی - پرورش و تربیت مجراها میگردد .

تصاویر، مثال ها ، نمک ها و کلاه های شب پوش

از سالهای خیلی قبل یعنی زمانیکه هنوز مصل بودم داستانی را که از طرف یکی از استادان مادر - باره داکتران معروف شوروی و - قدرت قابل ملاحظه شخصشان قصه کرده بود بخاطر دارم - این قصه در باره داکتر معالج و معروف پروفیسور ماتوی مودوروف است - یک روز زمستانی در اوایل قرن نوزدهم از جمله تاجرانیک در کپلین مسکو کار بهار مغازه داری را پیشه کرده بودند ، مغازه داری نزد مودوروف مراجعه و از سردردی های شدید شکایت میکند ، بعد از معاینه پروفیسور از بیمار میپرسد ، (( از کدام مدخل به مغازه ات میروی ؟ )) بیمار میگردد ، (( از مدخل سیاسکیا )) . داکتر به بیمار توصیه میکند ، (( از - امروز به بعد باید از طبقه مدخل بوروئیسکیا داخل کپلین شوی )) با این کار سردردی بیمار برطرف میشود ، بعدها از پروفیسور ملت را می پرسند زیرا سردردی ها با اظهار نظر یا سلمه با شهرت داکتر که - تدایون نمیشد ، توضیح داکتر -

مودوروف خیلی ساده بود ، در آن روزها بهر آنی مدخل سیاسکیا - مثال حضرت مهیم را اوخت - بودند ، این تاجر با مودوروف مدخل - بمجودیکه پیشش به مثال می - افتاد ، کلاهش را بر می داشت و بدین ترتیب سوش خنک میخورد ، بهر آنی مدخل بوروئیسکیا چنین مثال می - وجود نداشت .

چنین بنظر میرسد که عمدتاً سردردی های تاجرانیک از بیماری ضلالت کوچک و نازک واقع در حشره های موجوده است ، هرگاه تمام اینها آنا منقبض شوند ، طبیعتاً میگویند ، می ایستند یا بلند میشوند - در وقایع بیماری های التهابی و - خنک خورده گی ها این ضلالت دچار درد شدید میگردد و چنان تصور میشود که تمام سردرد میکند - باری این یک بیماری خیلی معمولی بود ، بخصوص در موسم های سرما در اخیر شب بخاری ها و همراه با آن اطاق ها خیلی سرد میگرددند - کلاه شبانه محض جنبه نشن رادر بر نداشت بلکه آنرا همچنان بعلمت کامله دتقیق طبی توصیه میکردند - این روش معالجوی آزمایش شده - زمان میتواند حتی امروزه با نورمال نگهداشتن دوران خون در فسیح سردردی ها سودمند و موثر واقع شود - این کلاه شبانه بایست سبک و بقدر کافی بزرگ باشد ، در ضرورت علیه تنفس در پوست سر - متوقف خواهد شد و موجب گرمای - بیش از حد خواهد گردید ، در - صورت امکان ، این کلاه را از نشم نرم یا فانیل باید ساخت - این یک چاره ساده ولی نهایتاً موثر - وضع سردردی است .

ولی گاهیگاهی اینگونه پیشه شدن - ها واقعا پر ایلم های زیادی را بیمار می آورد - بخصوص اگر تنگ باشد و سر را در ضیق نگهدارد و آنرا چون جالی تنگ احاطه کند یا در موسم مناسب آن پیشه نشود - محکم بمتن کالهای تنگ که حرکات کردن را - محدود ساخته و بهر مجراها فشار را در

می گذختی اگر این فشار کمتر هم باشد میتواند موجب سردردی گردد - نتیجه آن درد ، احساس سنگینی در سر ، گدیی در تنگ و کاهش واکنش - هاست - در نهایتاً کفرا نسی ها انفراد مایلند کالرها یا تنگن های شان را سست نمایند ، با این کار فوراً احکام آرامش و بهبود میکنند .

اتفاقات ، سردردی هائیک از استعمال نمک ها نیز میباشد ، یعنی تجهیز نادرست نمک یا نرم ها که میتواند با این نمک یا شقیقه ها فشار وارد کند - در اثر آن با این - شریان های صغری ( شقیقه ) فشار وارد میشود .

نمک و تنگ

بازی رشد موسم کرما بسیار زی را که در حدود ۲۵ سال عمر داشت به شفاخانه آوردند - معایناتی که انجام شد نشان داد که آب بدنش سرد و یا صایع شده است - داکتران معالج فوراً به تدایون - لازمه پرداختند و همچنان سعی - ورزیدند تا او را به نوشیدن میسر سازند - برای حفظ فعالیت منظم قلب او سعی فراوان بخرج داده شد - ظرف یک ساعت وضع دمائی اش بهبود یافت و سردردی اش برطرف شد - ولی بیمار ضعیف و ناتوان باقی ماند - چه اتفاق افتاد ؟ بهر صورت ، بیمار تنگها مرده بود .

جرم اینهنه ناراحتی بدیش - ماهی خشک کرده بود ، در هوای خیلی گرم ، مرد جوان دلش بسزای خوردن چیزی نمکی تنید ، بدون - اینکه واقعا فکر کند ، بصورت تدریجی در حدود یک کیلوگرام ماهی خشک کرده را خورده بود ، سرد احساس سنگینی نمیکرد ولی فوراً - توانایی اش را از دست داد ، فشاری را روی شقیقه هایش احساس کرد و در وقت بدقیق گردش پیدا شد و سوزش زانیه شدت در گرفت ، بقیه اش را نمیتوانست بخاطر بیارود .

صرف مقدار نهاد نمک در هوای

گرم زمانیکه اطراح مرق خیلی نهاد است موجب کمبود سوخ آب در بدن تراکم خون ، کاهش در مایع فترات مع و در نتیجه باعث پلیمین آنتادگی در فشار داخل قحفی میگردد .

ضعف نتیجه مشابه از کاهش آنسی - صرف آب نیز موجود می آید - انسان بایست مقدار مایعاتی را که میگیرد صرف در حدود معین قابل قبول کاهش بدهد .

اعتیاد به سکرته یکی از صده تنه فوالمیست که موجب سردردی میگردد ، با گذشت زمان بقایای - تنها کوبه نه های صید و نسای آکسیجن در واقعیت امر کاهش می - یابد ، این عمل با این مجاری سر تا شهر ناگاری دارد طبیعتاً دهک جالین مجراها در حالت تنج و در جای دیگر در حالت اتساع قرار می - داشته باشد ، بدین ترتیب در نتیجه سردردی های دوامدار دامن گیر شخص میگردد .

انادرموروتیک مایلند سکرته را ترک بکند ، نباید هنگامیکه به کدام بیماری خاد یا مزمن صاب - هستند این عمل را انجام دهند زیرا ترک آبی سکرته به عدم توان موی قتی سیستم وایی منجر شده و حالت شخص را بدتر میسازد - درین صورت باید یاداگر مشورت کرد .

عامل دیگر عوامل صبی در ایجاد سردردی هائیک خاصی را میدهد دارد ، هر - گونه جارو جنجال خانواده گی وضع فوق العاده وحاد درجهان کارو - فعالیت روزمره حقی یک مناقشه اغتایی میتواند اضطراب روسی و بارها - سنگین روانی را که موجب ایجاد قلیح مختلف ضعف اعصاب میگردد و بنام اختلال صبی وایی معروف است ، بهر آورد ، افرادی دارای کرکتر های قوی میتوانند احساسات شان را فروشانند و آنرا نزد خود نگهدارند ولی نمیتوانند اختلال عصبی وایی را که یکی از علل صده سردردی های معمول بدون (( دلیل )) است بر طرف سازند .



# زند و اولاد از بدو چه میسر می آید

و در یکی از این شبهای منحوس - چرکین و لعنتی بود که مالک آب - تلخی را برایم داد تا سیرکتش - قیلا - میدیدم که شیشه ها از شر آب به خلقم رفته - این معامله گران انسان تهنی میشدند اما آنشب در - برکه غرق شده و زنده نمی آید - کی میتوانست مراد را کند ؟ دست و پا زان و بیخود خندیدند و گریستم - کی میتوانست مراد را کند ؟ دست و پا میتوانست گشودند - ام ربه من بازدهد ؟ کی میتوانست آنچه را که ازین رود شده بود - باز دهده ؟ کی میتوانست برایم روزهای کودکی ام - مادرم - عفت داشت را با بزرساند ؟ هیچکس - هیچ چیز هیچگاه - روزها و شبها میگذاشت و من دانسته بودم که وسیله مساعد در آمدن پولی صاحب است - کم کسی از مهربانی هایشان بهره میگرفت - یک روز مرا نزد خیاطی بردند و فرمایند لباس برایم دادند - لباسیکه - شایسته یک روسی باشد - شایسته بی یک زن هرجایی - لباسی که زیاد تر مورد توجه مردان و لالو و میانش باشد - و خیاط دانست که من کی باید باشم قبل از اینکه لباس را بدوزد با مالک معامله خریدن را سربراه کردم مرابه خانه اش کشاند خانه میکند دست کسی از خانه قبلی ام ندانست و علاوه برین عده دیگری - زنان روسی و بی خانسه نیز را اینجا مصروف خدمت و پرداخت جنسی مردان (مشتتری) در این مارکتی انسان فروشی بودند

فکرتی اتفاقا هنوز آفته باد و دست مگردت و مخدرات و الکل بود - اینها محافل فحشا درسته جمعی گروهی بود همه محرم بودند - در این خانه من به مثابه زن نوجوان به تمرین رقص انتخاب شدم و مدتی کسی گذشت و شریک شریک یا هام در سالون ها - اتاقها و حویلی هاییکه جمعی از مردان عیاشان - قمار باز و وحشی جمع بودند طنین انداخت روزها و شبهای دیگری نیز چنین گذشت با این تفاوت که هزار بار رقص ها گاه میخواستند برهنه برقصم وسیله ایمن حراب را در من با شراب و جرس تقویه میکردند و بدی نگذشت که یکروز از این روزهای فحیح همه با همراه با (خانه والای) مانعم به نجایم و فحشا پشت میله های زندان رفتم - زندان این باشگاه آزادی ام - زنان محبوس را اینجا طوری به من نگاه میکردند که میشویدم - شاید با خود میگفتند این دخترک احمق بد بخت تر از ما است - چنانیکه یک زن جوان وحشی با چشمهای همیشه از حدقه بدآمده اش میگفت : ( سرماره از پشت خار ) - تعاروتها یک زن در زندان به همه داستان گذشتند ام علاقه گرفت و زنیکه به اتهام معامله گری روسی ها محکوم به حبس شده بود و مدتی را که در توقیف بودم یاد نظر داشت بی کسی ام به من زیاد کنکها کرد بجه بعد از زندانی شدنم دیگر حتی از معامله گران خبری نبود که احوال را بگیرند بگر محبوبین (با یواز) ها داشتند و اما من جز هر لحظه سرگردن دوساره (با یواز) نداشتم - زنیکه از واقعیت زنده می آید اما گاه شده بود بیکروز آزاد نشد ولی همواره خبر را میگریف و بعد از یکماه منم بیکروز مقامات زندان برایم اطلاع دادند (توصیه راستی و مطابق قانون) نباید توقیف بمانی و در همین روزها آزاد خواهی شد و من که در اینجا یکسال و شش ماه (کیوها) سیری کرده بودم خبر آزادی ام رابه همان خانم - مهربان هر مسلم که در زندان آشنا شده بودم بازگفتم و او آدرس منزلش را داده گفت بعد از آزادی با او زنده می خواهم کرد - به مجرد ورودم در منزلش که جایگاه فحشا بود در ریافتنم که تقدیم چنین بوده که من نباید در و از نجای باشم - آخر غیر از چنین جاهایی کجا میتوانست بناگاهم باشد ؟ کی میتوانست مرابه خانه اش فریاد چنین اشخاص معامله گر دادند ؟ هیچ جا و هیچکس - چرا نتوانستم خود - کشی کنم ؟ زیرا نتوانشرا نداشتم - زیرا میدانستم که از فعالیت معامله گران برای روسی ساختن دختر دیگری کامر باید برمیگردم معلومگویی میکنم

اما اینبار بعد از مدتی که در این خانه زنده می میکنم صاحب خانه (با همان زن) به خاطر جلوگیری از بندی شدن من و خودش سرا به عقد نکاح برسر من مردی بود از قماش مردان ذلیل و ست فقرت - در آورد و در پیش این نکاح من یکی از اعضای فعال گروه عیاشی این خانه ششم - و این وقتیکه که این خانم برایم محوطه نویسیه خاطر عرضه حسن جوانم به مردان وحشی صفت که در برابر پشت پولی شیی وساعتی را کارم سرمیکردند و من به تنهایی ناگزیر بودم - پرداخت آنها را طوری بکم که در لندن میخواست - وقتیکه باید بداند آن اشخاص مرضی های جنسی در وجودم از این فعالیت (با) میوزم محکوم به اخراج همه امیر خانه میشوم - خانه بیکه همیشه مهمانان بیگانه و مشتربان وحشی با آن سروگردا شدند - شوهر که اصلا در اندراب زاده شده بود و بعد بی از اعضای فامیلش آنجا زنده می میکردند مرابه اینجا انتقال میدهد و دوباره ازین فحاشی میخواهد و اما حال دیگر مسرفی

بدش جنسی دانگم شده بود که باید ابا میوزیدم و کارهاییکه باید در آنجا انجام میدادم - بالاتر از توان بود - باید زیاد تر زنج می کشی در میان ناگهان دین صفت ترا خودم را میکشیدم - روزها از درد و سوز سوز بالاتر از زنجی نباید میداشتم - ناگزیر و بیکار بودم دست به دوزخ میزدم یعنی فرار میکردم - با تقبل دهه های شوری و بی عشق راه کابینل را میپیمیدم در کابل هر شب را باید نزد معاند آزادی گاه در منزلی - گاه در سرسرای - و گاه در در کانی سرمیرساندم برین می آمد شدت پیدا میکرد من مرده بودم و از روی بد فون شدنم رانین راهمه احساس سر رسیدم میافتم و چند می بعد دوباره راه خانه ماد روشهر را میپیمیدم اما بعد از اینکه تضرع برای معاف ساختنم از روسی گری میکنم و مرضی ام را دلیل من آوردم از توجه و مهربانی های میوزین بی بهره می شدم

این اختراع بود که وادانم به فحشا کرده بود - اجتنامیکه تنها از کتافتهای آن بهره داشتم هرگز کسی ازین دعوت به پاکن بستن نکرد - هرکسی به دست نظیر سلام دانگم بخاطر فروش جانم و بد بگری به خاطر برداختهای جنسی اش - و من در رانینوی از نیازهای منستن - این بزرگترین اشتباه اطلعه بوده ام

د بوی نگذشت که شوهر دوباره از زندان آمد مرابه چنگ بود - لیس دادند به اتهام اصلی ام (فحشا) بلکه به اتهام سرقت پول و جواهرها زخانه اش و لیا ر محکوم به جارسال حبس گردیدم و دوساره زخم محدود زندانی برین تحصیل شد - محیطیکه هنوزم انتظارها را دارم - محیطیکه در آنجا بی تفاوت ترین خبر برایم رسید - خبر مرگ شوهر آورد و من بعد از سوری نمودن میخانه توقیف در منزل ماد رش به ادا شده زنده می میکنم گردیدم و کمال بعد از این آزادی کسی از طریق تلیفون عشقش را به من بازگفت - کسیکه نمیشناختمش - اولین بار در سینما و ده گذاشتم - اولین بار یک مرد برایم از عشق گفت و او بخاطر از دواج با یک روسی از خانه پدرش رانده شد - بعد از ازدواج متوجه شدم که او توان دادن نان من چه که توان مصارف احتیاج خود را - ندارد او معتاد همرویین است - بدون آنده که مخالفی نظرم را تایید کرد که برقصم پول بیاورم بد تیرا در اینجا و آنجا در این محفل وان - محفل رقصیدم و اما نمیدانستم که باید برای رسیدن نیازها نامسه داشته باشم - به کشته کتور رفتم بعد از شرایط لان برایم کارت دادند - که تا حال به اعتبار همان کارت در حلقه مردان مست و سی خود چرخ میخورم - پول میگیرم و براسم ظلم را که هنوز کدک یکساله است بنام میدهم و به تکه هام میچم - چرخ میخورم پول میگیرم و شوهر معتادم را مرفوع میسازم

من حالا (کل بی بی) نیستم - او در دوازده سالی مرد من ((سهیلا)) شده ام ((سهیلا)) بیکه شرم سرخروی ((سهیلا)) هاست سهیلا بیکه شرم هر دخترترین است

شبهات برقصم روزها میخوابم - بدرکود کم از هر اس جلیب نظامی و عسکری در خانه رامین رانگاه میکند تا بندی شد - او بیخود تر از من است من بر یاد رفته ام و از فرقی در بر یاد ی اعتقاد است

بگذر حالا دیگر که در غریبترین یک زن - بی حجاب زنده می اش را چنین قصه کند که دیگر زاده از این برای رسوایی چیزی باقی نمانده من در پیشری بزرگ شدم و پیشروی عادت شده - پس از چه باید شویم ؟ چرا باید هراسید ؟ تعامن نگاه نکرده ام - احتیاج و انسانهای سنگدل و معامله گرش بر من ظلم کرده نگاه کرده اند اما حال دیگر شاید بد زنده باشد و از قصه ام آنقدر رنج ببرد تا ببرد - کاش چنین باغی میبود - مردانیکه در دستم خوابیده اند از قصه ام سوخی خواهران نویسنخ همسران شان کنند کاش چنین نیرو پیدا شدند - معامله گران از قصه ام دست به کیسه هایشان بزنند و دیگر از معامله انسان آنرا برکنند کاش چنین تقوی میداشتند

و من از قصه خنده کم - آنقدر خنده کم تا بهیچ ود دوباره زنده شوم و تقدیم بیکه اش باشد کاش چنین خوشبخت میبودم

من سواد ندارم اما زبان سواد زنده می آید - زنده می آید این بزرگترین اشتباهیست که مجازاتش را با خود دارد و از گردن شزبان من در دهانم پادستد بگری در روزهایی گذشت ترسم می شود

من نه گم نه اصلاح - نه زنده و نه مرده - تعانهایی از انسانیت که میسازد بر من است و منم در بزرگ شرافت و خوشبختی است از من کوچیده - شاید خدا چنین خواسته که این بد و (خوشبختی و شرافت) رابه انانی از زانی بدارد که توان م فون شدن در زین و جها و آشوب بی عشق راند از زند و باز روسی ها که این توان را دارم - بر ما تا اوقت این آشوب روایند داشته شده که چون فریاد از ستاری زمین تا بیکران نایبند شوم - زنده می طومار آماز شدن است و بیگانه طومار زنده می و من آغاز شده انجام شدم - مانند آن قناری که زبانش (زنده می اش) را - گرفته اند و زبانش را بیخود مپا فریند و گوهر خود را میقتدر حرم میکند



# آیاتاسی و خیل میرمن یاستی

دغه  
ازمایش ساعت تیری  
ده، مگره بحان بوری  
بی هم بایسد و تری  
حتما تاسی ته خیل  
د کجکاوی حسن اجازه نه  
درکوی، ترخو موخیل بحان  
نه و نی ازمایش کرمی چی  
ترکوم اندازی بسوری د  
کورنی له بحیرکو میرمنوخچه  
شمیرل کیزی .

۱- فرض کوچه تاسی به کورکی  
خو ضروری شیان نه لری، او د  
بازارخچه یوازی یوشی رانیولا  
شی، کم یوشی به تاسی اول-  
واخلی .

الف - یخچال ۳۰ نمری  
ب - تلویزیون ۵ ډډ  
ت - د کالیود مینه معلوما شین  
۲۰ نمری .

ث - بالابوش ۱۰ نمری  
۲- آیاتاسی همیشه خیلد کالیو  
الماری تنظیموی .

هو  
نه ۲۰ نمری  
۱۰ ډډ  
۳- آیا هر هفته خیل کور همیشه  
به هغه معینه ورخ جاروکوی .  
هو ۲۰ نمری  
۵ ډډ  
نه  
۴- آیا مخکی له د ی چی میلانه  
موکورته راشی، کولای شی ټول  
خوراکی مواد به اشترخان کس  
تیار کړي .  
هو  
نه ۸ نمری  
۲۰ ډډ  
۵- آیا کم وخت داسی تصادف  
واقع کیزی چی خیلو میلنو ته  
سوی بووې، مخ ته کیزی د ی .  
هو ۱۰ نمری  
۱۵ ډډ  
نه  
باتو به ۹۳ ټ

## کلیسیونهایم راه دوست دارم

ساخته ویرایم امکان داده اند که  
مناسبات گسترده با رادیوهای -  
خارجی بخاطر گشتوش پسته هایم  
داشته باشم .

زمری علاوه بر کلکسیون پسته ،  
دو صد و بیست نوع سکه های تازه  
از افسانه از سی کشور جهانرا که متجاوز  
از چهارصد سکه میشود نیز بدست  
آورده ، دسرکه های این کلکسیون  
نوجوان سیمای تانخ سرزمین هاو  
طل درازنه ، تانخ چه درسیکه  
خط وجود داشته وچه قبل از آن  
برجسته است .

زمری سهارضیراز این سکه ها  
از بیست و پنج کشور جهان یکصد و بیست  
نوع بانک نوت را نیز در البومها نگهدا  
میکند .

اوارزو دارد تا با کلیه کلکسیونان کور  
تماس ، تبادل و تعمیم تجارت  
داشته باشد چه تازه از دو سال به  
اینسوراه برادرش ابراهیم سهار  
زاد بخش کلکسیونسازی ادامه  
داده و بارهنگامی و شوق مستقیمش  
به حفظ و تنظیم این کلکسیونها دست  
یازنده .

کلکسیونر مابنج سال آموزش را -  
پهوسه اول نمره ، موموی وصفی بوده  
از ذوق و سلیقه ، عالی برخوردار  
است .

کلکسیونهایش هر کدام تصویر  
و قسه بیست از تانخی و دورانی وطنی .

منعنه ، کلکسیون سازی  
در کورما پدیده بیست نو معدود  
از کلکسیونران کست، گوگرد ، عطریات  
شبیخ ، سگرت ، پسته ، سکه و  
بانک نوت و ۰۰۰ را سرانجام دارم .

زمری سهار نوجوانی که متعلم  
صدف پنج لسه ، انقلاب است یکی  
از این کلکسیونرها میباشد ، وی پسر -  
بست هوشمند و دقیق ، او اکنون با -  
کمال علاقه مندی سه هزار پسته  
مهر خورده ، اضافه از ۴۰ کور -  
جهان را با سلیقه ، لازم حفظ مینماید  
بسته عایر که با نظم خاص در البوم  
ها تنظیم شده اند ، سببهای -  
اند از عرصه ها و حیوانات گوناگونی  
جوامع مختلف بشری .

زمری سهار که از شوق و  
حمایه ، فایده ، بخصوص برادرش -  
ابراهیم سهار برخوردار است ، در  
حفظ و نگهداشت کلکسیونهایش  
سخت دقت دارد نوی میکند .  
( کلکسیونهایم را مانند کتابهای  
درسی ام دوست دارم ، این پسته  
ها مرا با همه سرزمین ها و ممالک آشنا

سه هزار  
تکت پستی  
در یک  
کلیسیون

# اختراع پاپیروس

و دلتای نیل در آن هنگام فراوان یافت می‌شد، مصریان مخز این گیاه را بصورت نوار می ساختند و نوارها را دولا و سه لای بصورت چلیپایی روی یکدیگر می‌گذاشتند و پس از سر کردن آنها را با فشار بیکیه‌گیری چسباندند و سپس آنرا صیقل می‌دادند و آنرا به صورت کاغذ نوشتن استقا د می‌کردند.

ناگفته نباید گذاشت که کاغذ های راکه امروز استعمال می‌کنیم، بسیار بعد تر از پاپیروس اختراع شده اند.

درجه اهمیت قرارداد داشتند اما آثار طولانی ادبی نیازمند نوعی کاغذ بود.

مصریان باستان مساله نیاز به کاغذ را با اختراع پاپیروس حل کردند، پاپیروس ماده نوشتن مناسبی بود که از مغز علفی بنام بردی Bardy بدست می‌آید و دریا تلاق‌ها

حظنویسی انگاهی ارزش اجتماعی خود را بتمامی اشکار ساخت که انسان توانست ماده بی را اختراع کند که به فراوانی و ارزانی در دسترس باشد. واضح است که تا زمانی که خط نویسی منحصر در آن بود که خطوط را روی سنگ حک کنند، استعمال آن محدود و به اموری می‌شد که در نهایت



میزند و باعث آسیب دایمی یا شروع تشکیل سرطان می‌شود. یک‌سده از سلول های که از این طریق مورد حمله قرار می‌گیرند شجریه بیماری کشنده، لوکم می‌شود که سالها بعد ظاهر می‌گردد، همانگونه که سالها پس از انفجار اتمی در هیروشیما، موارد آن پیدا شد.

که علت آن احتمالاً از اثر اختلال عمومی میتابولیس سلولی است. سبب تعداد بیش از حد ریشه چه ها یا رادیکالهای است که در کارواکنش های انرژی وقفه ایجاد میکند، مقدار کمترین اشعه که البته بازم خطرناک است. می‌کانتین ( سنتیز اسید نوکلیک ) پروتین لطمه

نشر بیش از حد اشعه اتمی که فی المثل بر اثر تصادف در حمل و نقل ( پیل )) هسته ای تراوش میکند، یا بر اثر تماس مستقیم با بمب ها و یا از سقوط آنها ناشی می‌گردد، و اکنش های شدیدی در همه سلول های آسیب دیده ایجاد می‌نماید

## تأثیر اشعه اتمی بر موجودات زنده

کنید

س از شهر مزار شریف:

س: خانم نام که بسیار کم خلی، بد برخورد و بدگذاره است زندگی راتلج نموده معما گویند چکار کنیم که زندگی را به خوبی و آرامی بگذرانم!

ج: برادر عزیز! خانم نام بگیرد تا خانم اون نام سرعفس بیاید.

چرت عروسی خود می‌باید که به چرت بوره هم نماند.

راسیه احمدی از کتوله بسته متعلم است. ۱:

س: به گفته بعضی دوستان سواد چندانی هم ندانم قساره ام بدگو نیست، آواز را چه عرض کنم، می‌خواهم نظای شمع چکنم؟

ج: همی، واسه پیدا

حالا که پرسیدید... حومه خواندن دروس خود را - هم ندانم!

ج: کتلا ۱۹۸۱ را بید کنید.

خانجان از صوفی مویل:

س: محشر ستار نواز خوب ما مجرد است اگر نیست پس چرا خوب می‌نوازد؟

ج: محشر نامزد است و در

بقیه از صفحه (۴۵)

است و حالا کامران مدت بسیار و چار دختر دارد، خودش می‌گوید تعداد بچه ها و دخترها باید مساوی باشد ورنه برایم شوم است مرسیه از بوهنتون لایل:

س: چه کنم که علاقه به مطالعه پیدا کنم، حالانکه حتی

است. اینها انواع منسوجاتی را از لباس شبانه گرفته تا خیمه مخملی هندی که با برگه های طلایی تزیین یافته در بر می‌گیرد. فرانسیسکا گالووی آمرییکایی - صنعت اظهار میدارد: ((در پنج سال گذشته بازار منسوجات رونق گرفته است. تازه ترین منسوجات در لجنی لباس قرن بیستم است، که در حال حاضر موزم ها خیلی زیاد مایل به خریداری آن اند.))

موزم استرالیایی بخاطر پیراهن ساده، دراز و چین دار ابریشمی و جاکت بخلی که کار طرح ونیس اقای ماریانو فورتونی بود مبلغ (۷۰۰۰) یوند پرداخت.

انتونی سپینک بانگامی اخترا آمیزه گذشته ها اظهار میدارد: (( برای بیش از سیصد سال جنسیت و کیفیت اساس فعالیت ما را تشکیل داده است، آنچه که موجب خوشی من میگردد اینست که مسترد و معیار مانست به گذشته بالا رفته است.))

## مرگاه بهترین

بقیه از صفحه (۳۹)

در منزل فوقانی اند ریولیترا ند باید الهایی سروکار دارد که از فتوحات معروفی از قبیل ترافالگر و واترلو و مبارزاتی که سالها قبل به باد فراموشی سپرده شده است از قبیل جنگ جین (۱۸۴۲) - اوی سینا (۱۸۶۷) جمووکشمیر (۱۸۹۵) سودان عهد خدیف (۱۸۹۶) نماینده گس میکند بروی اکترمد الهایی برتانیوی نام گیرنده مدال، رتبه و رشته خدمت او موجود است، برای علاقمندان جمع آوری کننده مدال تاریخچه برنده مدال وکامروایی های او بخاطر کسب مدال دلچسپ است.

یکی از دلچسپی های تازه سپینک تک باب -

قو طاسیه فروشی

علی گلرین

مصرف کلینیک مرکز

# ادیان عمده هند

۲- ریشه و اصل تلم ریج ها در تناف آرزو نهفته است  
 ۳- هشت راه برای زدودن ریج و درد وجود دارد به این شرح ایمان درست، اراده درست، گفتار درست، کردار درست معیشت درست، آگاهی درست، اندیشه درست، خلصه و حال درست.

این آیین در سیلون و بنما به شکل ساده تر بنام ((هینیا نه)) باقی ماند، در کوریا و جاپان به نام ((مهایانه)) و در تبت به بنام ((لاما)) وجود دارد.  
 در هند و چین مذهب جدیدی به نام آیین کائود ایابود یسم جدید رواج دارد که مقدسات سایر ادیان را نیز مقدس می شمارند.  
 ۳- جین

یکی از ادیان است که در قرن ششم قبل از میلاد، همزمان با ظهور دین بودیسم رواج یافت. اصول اخلاقی این آیین مبنی برین استوار است که به هیچگونه جاندار، هیچگونه بدی و آزاری نباید روا داشت.  
 آیین جینیسم از پیروان خود، زهد و خود فراموشی طلب میکند و برای روز ارزش فوق العاده قایل است، بر اساس این آیین هرکس برای رستگاری باید سه گوهر معرفت، ایمان و تقوا را رعایت خود فرار دهد.

شبه جزیره بزرگ هند سرزمین فرهنگ، عبادت و مذاهب مختلف است به قولی دین سرزمین در حدود سه صد کیش و آیین وجود دارد. اما عمده ترین ادیان سرزمین هند عبارتند از:

۱- برهمنی  
 دین اکثریت هندی هاست، این دین منحصر به ریشه هندی دارد، شاید آغاز این دین هشتصد سال قبل از میلاد باشد، بزرگان و کاهنان برهمنی - برعین نامیده میشوند، کیش تلیت از برهمنی شروع شده (ویشنو - برهما - شیوا) است، به همین دلیل خدای خود را به صورت انسان دارای سه سر انتخاب کرده اند، رسالت این دین با برهما (رشن) است، که از زنده گی آن اندکی آگاهی وجود دارد.  
 ۲- بودایی

آیینی است که پیروان آن تابع بودا هستند، این دین ابتدا شبیه به برهمنی بود ولی ظاهر پر دازی کمتری داشت. اصل اساس این دین عبارت از اینست که حیات ریج است و هوس زاید و ترک نفس تنها وسیله رهایی ازین ریج میباشد، کمال مطلوب دین بودایی عبارتست از وصول به ((نیروانا)) و یاخنا.  
 اصول عمده بودیسم عبارتند:  
 ۱- جهان سراسر ریج و عذاب است.

بقیه از صفحه (۸۵)

## درسهای موسیقی

ولی در هند قبل از قرن نهم الفبای موسیقی ذیل مروج بود: کهرج، رکهب، گندار، مد هم، پنجم، دهیوت، نکاد یا نشاد که با وجود آمدن موسیقی غربی - بندانی، نوع موسیقی کلاسیک تا امروز الفبای اختصاری بوجود آمد که آواز خوانان کلاسیک معمولاً در آثاری خوانند نوع اختصاری آنرا سرگم میکنند مانند: ساسری، گه، مه، به، ده، منی، سا، نوت؛ وقتی خواننده در آثاری آواز خوانی نام از الفبای فوق میگیرد آنرا ((سرگم)) میگویند همچنان یک نوع الفبای موسیقی در ایران هم موجود است مانند: برده، اورده، میانین، زینمایا، نمایان، روزنمایان، محسوس، هنگام.  
 این بود خلاصه از ظهور الفبای های موسیقی که زیاد تر امروز در دنیا مروج است و جمعا این هفت سر را به نام سرهای طبیعی یا Natural tone و در سانسگرت به نام بلاول یاد می شود

کارته نو تعمیر سینمای اقبال

## قواسمه فروششی ارزان

# دیوارهای (۵۰۰) ساله

و مقبول سما نمودند.

بقیه از صفحه (۲۷)

دیوارهای کرملین بیشتر از دو کیلومتر طول داشته که با در نظر داشت شکل اراضی منطقه به روی خط منکسر طوری که از هر برج میتوان تمام نقاط دیگر را مشاهده کرد، اعمار گردید.  
 تمام برج های بیست گانه کرملین سیمای هستند اصلی خود و نام خود را دارد. دیوارهای برج های کرملین از خشت های خوب تکلیف شده سنگ ساخته شده که هر کدام آن تقریبا هشت کیلومتر وزن دارد. معموره چلیپا مانند از مصالح ریج و آهک دیوار ها را عملا محفوظ نگاه داشت گرچه آنها نیز بخش های مشکل سار بوی تمام قلعه را: حملات، حریق ها، فیرهار توپخانه، انفجارات، و تپ ها را متحمل گردیده اما با حملات رهاروی هیچگاه متصرف نگردیده بودند.  
 این دیوار نیمه ای از هزار ساله ایستاده و بعد از صدمت های مختلف هر مرتبه محتاطانه پوشش ها و خشت های آن تجدید ساختن گردیدند.  
 واقعا که ارمن ها، گورجی ها، بلغاری ها، - پولیتدی ها، سنگ کاران بهار خوی بودند اما با آنهم برای بار اول جهت اعمار این دیوار استادان روم قدیم دعوت گردیدند.  
 دیوارهای کرملین به محافظه گاه معمولی - گنجینه معنوی جهانی، مبدل گردید. در کرملین سکواتار هنر و باستانی استادان بزرگ هنر حفظ گردیده است. کرملین سکو - همین انامیل روس - در شکل معنی و مفهوم معمول وحدت بدون اعمال به زور و تشدد شدن بیشتر مردم روسیه و دیگر مردمان روز زمین گردید.  
 دیدن کرملین توجه جمعیت کثیر مساحیان، نقاشان، شعرا، و اشخاص دارای حرفه های مختلف را بخود جلب نموده و برای ایشان لذت بخش میباشد. حتی در قرن شانزدهم خارجی های که از سکو دیدن نموده بودند کرملین را یک قصر بزرگ

# سیر درد

بقیه از صفحه (۸۲)

در هم پیوراد، آنچه های  
سکن که پالن میراها شمرده  
دانه و احسای درد را تخفیف  
مهد و در طبیعت آسانی آنطوری  
هست باقی میماند یعنی نمیتوانیم  
کرکتر و احسای خود را تغییر دهیم  
رضی که موجب بیماری میگردد  
استغناء مواردی که چگونه در  
شرایط کلی با آن برخورد صورت می  
گیرد همیشه تغییر یافته نمیتواند  
برخی اشخاص حتی میباید خیلی سا  
بهر رانم هم مشغولند و اینرا خیلی جدی  
تلقی میکنند • بعد از گذشت لفظه ای  
این بیمار خواهد گفت: (پسالة زان  
کامل درک کردم ولی نتوانستم چگون

احساسات را بگریز) ولی در واقعیت  
امر چنین کاری را نمیتوانستیم  
ساختار خوش وضع زنی او چنین  
است  
سردردی ها بسیار بسیار  
ها از فصل بهاری های معده ، جگر  
کلیه ها و روده ها همراه است •  
اغلب سردردی ها سستی تریلیج  
ناراحتی های سستی قنرات بخصوص  
قنرات ناحیه رقی ، رما تسم  
بیماری های گوناگون تلقی نیز میز  
مکند • در واقعیت امر ، تمام  
بیماری ها سردردی را با خود دارند  
و از همین جهت است که دانستن  
طل آن لقب مهم تلقی میگردد و نه  
باید که آن راه درست تدای  
راندی با هم  
در اغلب حالات ، ظهور سردرد  
دردی برای بیمار آسناست • به  
معاون یک قاعده ، بیمار رژی  
های کلی خوش را برای مبارزه با  
سردردی دارد • این روش های  
تداوی صرف شکل طبی ندانند  
بلکه اشکال خوب فلکوری • همز  
وجود دارد • بیمار شکست برای  
لخته کتاه قسمت خارج جوف

اف (بالای بینی) را با انگشتانی  
محکم بگیرد (برای یک دقیقه در  
فضای آزاد) بیمار با این کار احساس  
بهبودی خواهد کرد • این عمل را  
میتوان تکرار کرد • یا اینکه سر را  
می توان بایک تکه نازک مک  
بست • این تکه را تا ابروان و  
کشاکش کبید و پوست پیشانی  
کش بکشاید • این کار با بسیاری  
بیماری های سردردی های ناشی  
اینهمه آمدن فشارخون دارند که  
نهاد میکند  
در سردردی های مزمن با  
ها در آب گرم بپوشد • هر چند  
از آب خیلی گرم نباید استفاده کرد  
در صورتی که مریض آنچه که  
طلوب است بدست خواهد آمد •  
از پلاسترهای خردل میتوان در  
پشت گردن و بین تخته های شانه  
یا روی قفساق ها استفاده کرد  
ولی این پلاسترها را نباید یکباره  
روی تمام این قسمت ها گذاشت  
ساز خودی قسمت های  
متنفر سردردی میتواند مفید ثابت

شود ، چین فشار متوسط بر روی  
قنات دردناک سر می تر بوده است  
استفاده از مرهم ها مانند مرهم  
پلنگ تشان روی پیشانی و شقیقه  
ها میتواند خیلی مؤثر باشد • گاه  
گاهی با بکردن بعضی قطعات و  
مطلوب ها یا بخار آمونیاک سردردی  
بطرف میشود •  
هرگاه در حالیکه روی جاده  
راه میرود چه سردردی دچار  
شده که شکست ناشی از نوشن باد  
روی پیشانی باشد • شال یا کلاه  
تا نرا تا ابروان تا پایین بپوشد •  
گرچه این کار جذاب معلوم نخواهد  
شد ولی خیلی بهتر از آنست که به  
سردردی ناشی از شنگ خوردگی  
مثلا شکر که میتواند شکست  
دوامداری را برای آن بپوشد •  
باید چارشدن به سردردی  
ها معمولا میدانیم که چگونه  
با آن برخورد کنیم • ولی اگر  
سردردی برای بار نخست باشد  
باید با آب سرد و وضع پد تر شود  
پس در آن صورت باید فوراً با  
داکتور مشورت کرد •



## پرده شفاف تلویزیون

الکترونیک شوروی آخذ  
تلویزیونی کوچک را بپارد •  
تعمیری که از کریستل مایع ساخته شده و فقط دارای ابعاد ۶۸۱۰×۲۰ سانتی متر

## مجله تلویزیونی

بقیه از صفحه (۷۷)

نوه مورد سوال قرار دم • هر  
چند که طرح های در زمینه  
بهمد ان همین اکنون هم در  
سردام •  
س- ایاصمم افراد اید که مجله  
تلویزیونی به یک مجله ترقی  
و خانوادگی بدل شود تا همه  
مجله هوشمندتر  
ج- هرگز! نهراتلویزیون برنام  
های فراوانی برای خانواده ها  
دارد: برنامه زن و جامعه  
کودک و اطفال • جوانان  
نمایشهای تلویزیونی ، برنامه  
های ترقی و تفریح ، فلم ،  
سپال و .....  
س- چه بچال باشکالی در  
راه ساخت برنامه ، ثان وجود  
دارد و ایا طرح و تهیه برنامه  
چقدر به اراخ روان و آراش  
زندگی ثان صده هزند  
ج- تهیه برنامه بی چون مجله  
تلویزیونی هر چند که درگام  
نست و سهل ساده به  
نظر میرسد ، اما ، حقیقت این  
است که دشواری های فراوانی  
دارد • این دشواری ها اگر از  
یک رنگر امور تهیه برنامه را  
در بر میگردد کما • مربوط  
تهیه کنندگان برنامه میشود ،  
از سوی هم ، محدودیت ها و  
امکانات اندکی هست که روال  
بهمد برنامه را صده هزند  
از کم بودن وقت محدودیت کانی  
بودن امکانات و مد منابع •  
تصویری ضربه که بگذریم ، گاهی  
زنجیر دست و پاگیر پالیسی و توجه ها  
سیاسی ، اقتصادیه • کار را برای  
ما محدود میسازد که بهتر است از خ

## سردرد

بقیه از صفحه (۳۱)

مرحوم (سردرد) طی دوره  
کارش بی نهایت آنگان فلم درهلوی  
سناریو نویسی برای هنرمندان  
و دست اندرکاران سینمای کشور  
لکچر های نیز تهیه می نمود  
مرحوم سردردی قبل از مرگ  
اش شش سناریو آماده کرده که  
دو سناریو یان را عباس (شیان)  
کارگردان ورزیده سینمای ماکسیم  
وینام های (ستاره گان نمسی  
میزند) و هیرت فلمی تحت  
ساختار است ویک سناریوی دیگر  
ان تحت نام (تلان) بوسیله  
موسسه هنری قیس فلم درجریان  
فلمبرداری قرار دارد •  
داکتور غلام محمد سردردی  
در شام سه شنبه مورخ ۲۹ حمل ۱۷  
ساعت ۲-۷ دقیقه در حالیکه

دو ساعت بعدی ان ماشاهد  
نمایشی صحبت وی بهرامون  
صدمین سالروز تولد ی نایفه  
سینما - چارلی چاپلین از وری  
نشرات تلویزیون جمع شوری  
افغانستان بودیم به عمر ۴۳ سالگی  
وفات یافت  
آخرین کارهای او به سان  
اشکهای که در رخساره شمار  
می بندد و خشک ویه گونه  
لبندنی ناتمام به تمام شدن  
زندگی او ناتمام ماند • ترجمه  
نما بشنامه تیازنی او بنام  
(بدن شکست را خورد کنند)  
برنده جایزه اتحادیه هنرمندان  
گردید ، این آخرین یاد اش  
بود که هنر برای او اهدا کرد  
و چی غم انگیز است این برای  
کسیکه با هنر زیست و در راه هنر  
و جلاش آن تلان ورزیده و سر  
انجام حباب اکسا پس رستر

حسری از نفس انتاد •  
اعظم جوهر هنرمند شناخته  
شده را دیو تلویزیون و سینمای  
ما در رابطه به شخصیت فرهنگی  
مرحوم سردردی گفت: (مرحوم  
داکتور غلام محمد سردردی که شش سالگی  
خواهرزاده من بود دوست  
بسیار صمیمی من نیز  
بود • مرگ ناگهانی او برای  
من نیز سخت رنج آورده شد •  
داکتور سردردی انسان خوش  
برخورد ، خوش قلب ، متمم  
با دانش متواضع و صمیمی بود  
صحت ها و معلومات های علمی  
وی در بخش های مختلف برای  
ملازمان ان هنر و فرهنگ تابلی  
استفاده بود • من شخصاً  
در بخش سناریو نویسی از مشوره  
های سودمند وی بهره میگیرم ،  
مرحومی دارای دو فرزند ، یک  
دختر و یک پسر بود دلپسنگی

## نظم معده

بقیه از صفحه (۹۱)

یک نوع بکتریا را در معده اتویسی شده و بعداً  
در ۱۹۴۰ Fred Berg این بکتریا را در  
انسان معده مریض گستر کستگویی شده ، دریافت  
نمود ، در ۱۹۲۹ در استرالیا G. R. Warren  
در شفاخان Rogalpearl این میکروب را در ریه  
شیمی معده تشریح نمود و کلچر نمود و بالاخره  
تدقیق بیشتر یک ترکیب  
Tindazole + Amoxicillin را محومیکند  
گردان این واقعیت دیگر تداری گستریت عا  
وزخ معده ، نه فقط به اساس تنزیل اسید معده  
که ممکن در اکثرها مریضان قیلا کم باشد ، میشود  
بلکه با محور و نابودی عاجل این ارگانیسم از معده  
و تعقیب مریضان ، تداور گردند و ناگفته نماند

مریضانیکه با محور و نابودی مکل این میکروب و تدای  
مکل جواب نمیدهند ، ممکن علت مریضی شان چیزی  
دیگر غیر از زخم معده باشد ، ممکن فقط حجای  
حاجزی و ایز و فسفریت رستند رم ایتیمال باول و غیره  
باشد و ناگفته نماند که بعضاً مریضان ناقل میکروب  
بیلورن معاد سیمی نفخ و گاز هلو توسترو بیدی  
بوی دهن ، توسع پطن بعد از غذا - عارق زدن  
مندا ام بوده که با تدای میکروب تمام امراض از بین  
میرود • در اخیر باید اضافه شود ، گرچه اسید  
معده در تولید قرحات رول دارد ولی تنزیل تخریب  
مقاومت میکرو زایعه در ارتعاش توسط بکتریا  
بیلوری برای تاثیر فکوریته و علت اساسی قرحات  
گستریت امی مزمن میباشد (دکتور روح اللعویان)

# تصویر بردار...

بقیه از صفحه (۳۱)

کرده و دست نشتر سبدم، از آن به بخلصورت تدریج تصویر برداری را آموختم و پس از آن برای تهیه زاینترها به ولایات کسور عزیز و همچنان در مورد به کسور های اتحاد شوروی هندوستان ویتنام، کمپوچیا، چکوسلوواکیا و نیویارک سفرهای داشته از هر یک کتاب را برایتان تنظیم و آماده کرده ام.

تصویربرداری استفاده کرده - اینست:

- از مینود تصویر برداری - تلویزیون و امکانات لنز و کمپوزر تلویزیون و هم از تبادل نظیر و تجارب دیگران استفاده اعلی حاصل آورده ام.
- با امکانات محدود کسور تلویزیون، آیا تلم های نیز فلز - داری کرده اید ؟
- بلی کارهای در تصویر دارم و توفیق امروزم اولین محترم آموز هنر و فرهنگ تهیه آموزش بهتر بود - سترنگد اشتن و سبیل و جهر سوز تکنیکی برای کار بر نمود به رویان توجه روی پرابل ها و خانه بد و نشی فرهنگیان شان مساعدت نموده تا با نیوی هر چه تمامتر در اجرای امور این بیشتر و بهتر بردارم.

که نوشته ام در پند ح زبانی، هنر آکت و تمثيل به خود بالا و هم چنین اشعار شعری میباشد. امید دارم قناعتتان را حاصل نموده باشم.

من - برای من جالب من میباشد افراد رکنی تصویر برداری و در زمینه کسور شما در افغانستان همین انگیزه برای تصویر برداری چون نه اشک که در صورت آن شخص تصویر برداری که همه اشعار را تازم در صورت شخص من مای هوای اسزوده اید.

«اولاً اینکه عشق به اشعار خودیادم نیست و این نگارنده است و کارهای من در هم از قدیم تا الانه مغز انسان خارج است چنانچه حرکات مغز تلویزیونی و در دوران خون قلب خارج از اراده و انداره انسان است و نتیجه سلطان مغز میسر زمین در به خیمه زده منطبق و استدلالات کنی میکند و حضرت سلطان کنیزی عشق امیران مطلق العنان تلویزیون در این است و این میگرد و نمائند خورشید در فضا در همه چیزهای دیگر را از زمین برده تا یکی های گوشه های بدل را در زمین ساخته و تقویت کینه و جدا و بیخ و بن و سرت تا به از زمین قلب تحلیه میکند.

«ثانیاً اینکه بزای تصویر برداری اشعار خود بیک منبع الهام ضرورت داشته همیشه فکر میکردم چیزی را که کرده ام و کمپوزی بی در خود احساس میکردم مانند یک آتش فشان منجمد شده در حالت قبض از لحظه انفجار خود را احساس میکردم و این منبع الهام باید حتماً زنده باشد و چون از یک طرف هنوز زخم جملات در لغت انسان صورت نگرفته بود و مشکل میشد منبع الهام بر خود اید حتی نامکین نبود و از جانب دیگر چون به مبرهله زیاد داشت و هم مانند جوانهای دیگر بعضاً علم های هندوی و اروپایی را می دیدیم - که در نتیجه مبرهله بالا براد زلم حاصل شدیم منبع الهام خود را پیدا کردیم و بقصد استان را بخودشان می اندید.

نمائند درین شعر در گزین ریاضی کد خود به ملک دیگر میفرستیم یک چشم ندیدیم که از آن چشم کسور است این شعر چه شعریست که میخوانند از بقیه از صفحه (۷۵)

# مچون قرن

بقیه از صفحه (۷۳)

بقیه این ترانه را در مجله مطالعه نمایند و نگاهته نمائید تمام جزایه روزانه هائیکه گفته آمد پانزده خوسه در موجود است و یاد رکاب به خانه نامه کابل در صورت لزوم آزادیده میتوانید.

یک عمر میتوان سخن از زلف یار گفت در زیند آن میاغر که مضمون نمائند است و اما راجع به نشرات مطبوعات هند طوری که قبلاً هم بعضی رسانیده شد، آنرا ترجمه کرده و در یکی از شماره های آینده میابون منتشر خواهد شد البته در صورت موافقه اداره سب و روز و خوانندگان گرامی اس:

مختر علی مشرفی ایابرسیده می توانم که شمارهای بد در هندی تان اشعاری سروده اید یا خیر، انشا الله خو خفه نس شوید ؟

عربی صاحبه اصطلاح شطرنجی در لغت هندی نام شعر سروده ام یک و دو صد و در صدی بلکه هزارها یعنی ده هزار شعر سروده ام که در جوان شعر بد کوز بنام ریخوس شرقی یا قد هوایا میباشد و اشعار مشرق زیاد هم درین باره نوشته ام که در مجلات انجمنی و زیاد تر آن در جزایه و مجلات اردوی هندوستان به نشر رسیده که خدمتتان تقدیم است در پیروان اشعار مذکور را به مدعو بالا تقدیم نموده ام اگر نمونه ازین اشعار را بجهورتان تقدیم نماید، بقصد آنرا نشر نخواهید کرد زود رصاحه گذشته نمونته شعر را شما خواستید و من گفتم نوشتیم، ما سنا سببه آنرا نشر نکرده ایم که دلیل آنرا نمیدانم شاید بسه ترم و تراکم مضمون و شعر در چار میانشه البته تمام اشعاری که در سیابون به نشر میرسد بسیار عالی و استادانه هست که شعر ناقص من محتوا و ناچیز و اولان ندانستید که در جمله و زین تان نشر شود و اکنون که از من سؤال کرده بد در چه مورد شعر سروده اید در لغت بود یک نمونه آنرا برای تان عرض نمایم اما بد لایل غرض از اظهار آن صرف نظر نویسم البته اشعاری

میباشد جدیداً اختراع نموده اند - قطر این سبده تلویزیونی ده سانتی متر است - این وسیله بر اساس عینی سبده کسین استوارن باشد که سلابد رنگه است - منتها درین جانر عوض سبده قشر مواد کاغذی رنگه سبده - این وسیله که انعام در ترکیبش معین چهره رنگ را میسازند (سه قشر کربن پستل مایع را کسه شفافیت خود را در اثر تفاوت پوتنسیال برقی تغییر میدهند) بکار برده اند.

بوده جدید تلویزیونی درین امر پاینده های معمولی تلویزیونی متعابیر متعابیر دکه بوده جدید سبده مغز فوق العاده کمپوز کسور کرده و همچنین تصویر تلویزیونی رنگه گونه سلابد در مقابل رویشی میتوان مشاهده نکرد - در این جا از روشنی عادی روز نیز اعتداده شده من توانم - اینچنین اخذ ه های تلویزیون هنوز در هینچ عالی تولید نمی شود.

ولانتهی زیاد از حد غافلیتن بد اینته ولی سخن در زشتت هائیکه باور د اشتی یک چیز را در میان کشم که همیشه در زمانه طولانی در تلام بود و بی هموار میگردید تا بسبب این امر خاص من سازد البته چه رفتن و چه در زیند دانستیم از اهرار کسبه کسی نگفت - در دست تان روز هائیکه سناریوی تاریکی زندان را با همی سنی و احسن نظری کار کردن روزید و سنیما تلم کرده بود خوشحال به نظیر میروید ولی با تاتر که مینورک به سرافرا اند در راتر شکسته قلبی چشم از جهان بست و بار در سبده خود نشانده بجای دگستر غلام محمد طه بد برای همیشه در قلب ما و در جمیع ما خالی است و یاد ها و خاطره هایش در ذهن ما ماندگار - روحش شاد و بیسان نویسی راد شش

بیشتر و در نتیجه چسبگی بیشتر به چسبند با وجود اینکه باید اعتراف کرد که او یکی از چهره های بود رخش سینما هند و یکی از یاد فرهنگ ترین مردم ترین، خوش برخورد ترین افراد فرهنگی است در جهان نمایان امرورزی او به همان بیمانه که در روی برده سینما (بد) جنبه مینماید به همان بیمانه در خارج از محدود سینما (خوب) شناخته میشود با وجود پیشبرد نقش های کثیف در باره دست دانستن او در کثافت کاری های رسوایی بخش خرفی زده نشده است - فلما سزان حرارت آنرا ندانند که با این ابراه ابدان و بیایلی یکشنده مردم در باره آن حرف صد نفی برزند بعین نسبت در روز و بیرون صنعت فلم سازی از محویت تراوان سر - خورن اراست

گرمی یابد که به عرض جلت توجه نشانگر به بریم جویره نیز نقش سبازد - چنانچه علم های (ایلی) و (سینا) بر همین منوال بنایافته است تا حال برود بیوسران نتوانسته اند کسور و اید آنها باشند که حالگین بریم جویره پناز سبده آنها یکدیگر میکنند درین روزگار ان بریم جویره بیشتر تحریفی خورد و ادعای نمایند که استعمال در تمثیلی اوزر یا به جلال است بد اند که اگر شور و شوق او نمائند گذشته رویه انرا بیست ولسی رویه کاهش هم نیست - بعین سبب با وجود شلوغ بودن بازار - فلما سزان از غنر بنه گان، از نیاز یا ویک زده هم کاهش نیافته است - برود بیوسره، بر عکس تلاس میوزند که در روزهای خود اوزر نیز نشان نمائند زیرا انعامی اند که فرین فراوان پس از هر فلم بالاتر رفته میروند، حتی یک سینما روحانی ندیده میتواند که او، مانند امیتا به چن باتقیه هر فلم جدید

# بریم جویره

بیمارمون فلم کالا بقا را یک تیم اشکارا بریم جویره را چنین ستود (در وقتنگه اقلیم در ایلم فلم که بریم جویره در آن حدیث اکتور در وقت نفس داشته باشه، خیرت برانگیز است. زیرا حضور او در فلم چنان اثر انگنده است که کاکشور د بگوزرا و امید آرد تا سوبه غیر نمای. در جمعا اجرای نقش خود را با ایلم بود (خوس کار بریم جویره در آنست که نمیخواهد مغزین تقلیدی ویک نواخت حلوسه کند. او در هر فلمی چیز دیگری احساسی در قالب کرکتر سروده شده چنان حال میگرد که او را زنده میسازد و نشانگر او امید آرد که آن صحنه را میزهی از واقعیت آن در این موضوع حقیقت دارد - اگر برود بیوسر یک جفت ستاره (غیر پیشگان) تازه، استخراج میکند خود را ن-

# مرد خشن

بقیه از صفحه (۳۱)

(جان واین) سه بار از ده واج نموده و نمره آن هفت نژند و (۱۷) نواحه میباشد و در سن (۵۰) سالگی به موزن سرعان دچار شده مدتی تب ابری گردیده و کسار امروزمی را در هنر فلسفی ازین اژده ستند اولی بتاریخ ۱۱ جون ۱۹۷۱ در شفاخانه بیوروستی لانجلس - اعمه مرض سرطان گردید و چشم از جهان بست.



# سازمانت کودکان

# چه مالک خوبی!

بود و نبود دخترکی بود ،  
فرخنده نام ، فرخنده خروسی  
داشت و خروسی هر صبح زود از  
خواب بیدار شد و دیدگون  
بانگ می کشید :

کیکرکی ! صبح بخیر صاحب !  
پس از آن سویی فرخنده دیده ،  
از کف دستش هاله هاله بار بار  
خوشی می چید و آرام بروی دراز  
چوکی که جلو خانه شان قرار  
داشت ، کارش می نشست .

خروس برهائی رنگارنگی داشت  
و طوری جلایش میکرد که گویا همه  
بارون جرب شده باشند ، روزی  
از روزها فرخنده نزد زن همسایه  
ماکیانی راد پنهان و از ماکیان  
بسیار خوشش آمده به زن همسایه  
گفت :

ماکیان تان را به من بده و من  
در بدل خروس را بشما میدهم ؟  
باشنیدن این حرفها خروس  
تاجش را به پایین آویختند  
و سرش را به زیر انگه چه  
این خود مالکش بود که میخواست  
ویرا به کس دیگری بدهد ، زن  
همسایه با فرخنده این تعویض  
را قبول و ماکیان راد در بدل خروس  
به فرخنده داد ، فرخنده  
به زودی با ماکیان دوست شد ،  
ماکیان با پرهائی سبید خود  
احساس گریس و آرامش می نمود ،  
همه روزه یک بیضه تخم میگذشت  
گنگ ، گنگ مالک عزیز ، از زومندم  
تخم ، را با اشتها و مزه زیاد صرف  
کنید .

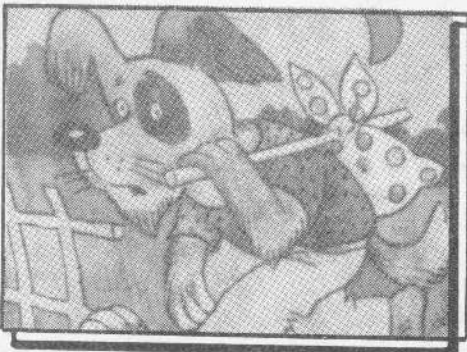
فرخنده تخم رانوش جان میکرد ،  
همواره ماکیان راد را قشوق گرفته  
و بروی برهائی زیبایش بصهریانی  
دست می کشید .

یکی از روزها زن همسایه  
رو بروی شان همراه پایک مرغابی  
به دیدن فرخنده آمد ، فرخنده  
وقتی چشمش به مرغابی افتید ، از  
مرغابی خوشش آمد و از زن -  
همسایه خواهرش کرد :

مرغابی تان را به من بدهید  
و من در بدل ماکیان خود را به  
شما خواهم داد !

ماکیان از شنیدن این حرفها  
نمگین شده و از تانوش پند  
بالعایش جانب زمین آویخته  
گردید ، با تأسف ، چاره بی جز

ترجمه : م ، رهتاب



تسلم شدن به سرنوشت ندا -  
شت ، چه این مالکش بود که  
من خواست وی را به کس دیگری  
بدهد .

دری نگذشته بود که فرخنده  
با مرغابی دوست همیشی شد ،  
یا هم یکجا به دریای رفتند و در  
آنجا مرغابی در کنار فرخنده شنا  
میکرد .

گنگ ، گنگ ، گنگ ، مالک عزیزم  
آنقدر رها دور شناسم ، زیاد را  
در آنجا زرف است ( با این صدا  
دخترک دوباره به ساحل دریا  
بر میگشت و مرغابی از بی او می آمد  
یکی از روزها همسایه بی باک  
کوچک و دوست داشتنی خود به  
خانه فرخنده ، شان به معناسی  
آمد ، فرخنده هنوز سگ را به  
قد رکابی از چشم نگذشتند بود  
که گفت :

سگ تان را به من بدهید و در  
بدل من مرغابی خود را به شما  
خواهم داد !

وقتی مرغابی گفتا فرخنده را -  
شنید ، بالعایش خود را از روی قهر  
به هم زده و از منقارش آواز -  
اند و هگینی لرزان ، لرزان بلند  
می کشد ، همه بی فایده بود و  
چاره نبود ، همسایه مرغابی را زیر  
بغل گرفته و با خود برد .

فرخنده بروی سگ مقبول دست  
کشید و گفت :

خروس داشتم که با ماکیانیش  
تبدیل کردم ، ماکیانی داشتم و آن  
را در مقابل مرغابی به کس دادم  
و حالا مرغابی را داده و سگ  
قشنگی بدست آوردم ، همینکه  
این سخنها به گوش سگ رسید ،  
دم خود را جمع نموده و به زیر  
دراز چوکی خانه فرخنده خود را  
پنهان کرد ، در تاریکی شب  
هنگامی که فرخنده در خواب  
شیرین بود ، دروازه را آهسته  
باز نمود ، و بایک خیز به بیرون  
خانه جست و پاه فرار نهاد ، در  
راه این سگ دوست داشتنی  
زیر زبان زوزه میگرد :

با همچو مالکی نمی خواهم  
یک جا زنده گنم ، وقتی  
دخترک بیدار شد خود را تک و  
تنها یافت .

# آیاتناسی د . . .

- ۱- آیاتناسی د یوځای نه
- ۲- آیاتناسی د یوځای نه
- ۳- آیاتناسی د یوځای نه
- ۴- آیاتناسی د یوځای نه
- ۵- آیاتناسی د یوځای نه
- ۶- آیاتناسی د یوځای نه
- ۷- آیاتناسی د یوځای نه
- ۸- آیاتناسی د یوځای نه
- ۹- آیاتناسی د یوځای نه
- ۱۰- آیاتناسی د یوځای نه
- ۱۱- آیاتناسی د یوځای نه
- ۱۲- آیاتناسی د یوځای نه
- ۱۳- آیاتناسی د یوځای نه
- ۱۴- آیاتناسی د یوځای نه
- ۱۵- آیاتناسی د یوځای نه
- ۱۶- آیاتناسی د یوځای نه

په لاس راوړل شوي نمرې جمع کيږي .  
د آزمايش نتيجه :  
تر ۱۵۰ نمرې پورې :  
که غواړي چې د کورنۍ د خپل کور د ميرمنوله جملې څخه وشميرل شي بايد پخپلو کارونو کې نور هم د پيچيدگۍ د نظر وکړي ، تر ټولو د مخا بايد د دې چې د وخت په موند - اقتصادي واړس ، او په ښه صورت سره خپل کار ته سازمان ورکړي .  
د ۱۵۶-۱۹۰ نمرې پورې :  
تاس کار که ياستی ، هر نسی - ستاسو په کور کې خپل مشخص تعادي لري ، که چېرې تاسې کوم وخت څه شي بايد ولټوي د لادي کبله چې تاسې تر اوسه پورې د کورنۍ ضرور - يات په ښه توگه ندې زده کړې .  
د ۱۹۰ نمرې څخه پورته :  
ستاسو په کور کې د استقيا خيالي دي ، هميشه يوڅه شي مينځې ، يا کوي او يا جاروکوي ، اما اعتبار ولري چې د کارونه لاندې هم په لږ قدرت او په کم وخت کې تر اوسه تر سره کولاي شي ، لادي کبله لږ لږ سوې تر څوچه وخت لري ، اما بايد هيزه کړي چې په دې دن کورنۍ مشکلاتو څخه نور مصرو - فيتونه لکه تياتر ، سينما ، کتابونه او ملگري هم شته دي .



خانواده سوگوار است

## فایده . . .

بقیه از صفحه ۳۰  
بعد از نسخ نامردي همیشه ناميل ماز طرف اعدا تعدييد ميشد ، دوسين که صاحب منصب اند همينکه آنها در وظيفه ميوند ناميل ما مورد تعدييد قرار ميگرفت بولي من هرگز به سوانم چيزي نميگفتم موضع را بنهان ميکردم تا مباد امنين آنها بر خورد صورت گيرد ، بالاخره بتار يخ ۱۱ حوت سال ۶۶ روز سه شنبه ساعت ۲ آن حاده المناك رخ داد ، آند شب جاويد بسرس بخانه آمده بود ، صبح چند ين بار صد ايشن گفتم گهت ملد ريگدار خوابم ، نيمدانم چرا خوابم بوره ميشود ، وقتي در زنده شد ما رينا د ختم رفت تا ببينند کيست همراه با باز شدن دروازه صد اي د و غير مری و فریاد د ختم شنیده شد ، بجاوید و ارخطا از خواب برخاست بطرف بھرون دوید . د ختم مرم انيتا که بيشتر از برادر خود ش ربه قاتل زسانیده بود ، مور د اصابت مری قرار گرفت و دلوس برادر خونش را سپر خواهر ساخت که يك مری درجان خواهر و ۸ مری درجان برادر جاي گرفت ، وقتي من به نزديکی بسرس رسيدم خواهر و برادر هر دو د رافوش هم بودند برادر با وجود آنکه سوراخ سوراخ شده بود ميگوشيد خواهر را از افتادن مانع شوه ، ولی بعد هر دو بزيم

انتانند ، من باي لي و سولج عقب قاتل ميدويدم او بطرف سرك ميدويد وقتي به سرك عمومي رسيديم ، زير سينما اقبال همراه يانه و شارسندوي اورا احاطه کرديم ، چون در دشت سلاح بود کسی جرئت نميکرد نزديکيش شوه ، گفتم اورا بگيريد تفنگچه مریسي ندارد و بايد شده در غيران من تا اينجا زنده نمرسييدم درين اثنا دو مظيفين حوزو رسيدند و اورا گرفتند ، او را دوباره به محل حاده آوردند به جن خود اترار کرد همه جاها را نشان داد ، گهت بازم می آيم همه را ميگشتم و دختر را ميبرم .  
همچو ربه شفاخانه برديم ولی او مرده بود ، طب عدلی ۸ مری را در وجود او نشان داد .  
ولی من همان لحظه بخون فرزندم سوگفت ياد کردم او که بسن را ظالمانه گشت من اورا توسط قانون ميگشتم .  
دو د ختم زخمی شدند یکی در کرده و دیگری در رطن .  
درين يكسال چقدر دويدم روزها بال و بدن خشک بايين و بالا تا دويدم يكسال مدت کسی نيست .  
در طول اين مدت بارها از طرف قاتل نعمت الله هغه ما تعدييد هدم . بارها گفتم شما که خون ربا خون می شوييد ماهمه تانرا نابود ميکنم .  
ولی هرگز از تعدييد آنها نترسيده ام زيرا در صورتی که نعمت الله اهدام شوه چانس سپم خود را براي نابودي ناميل من از دست ميدهد ، اينک نمر مکتوب را بدست د ان که نعمت الله د ولد نور علم بتاريخ ۱۱ ار ۱۲ ار ۱۳ به اهدام محکم شد .  
با اهدام اولم اندکی آرام خواهد گرفت ديگر جسم سوراخ سوراخ شده جاويد که فقط ۱۸ سال داشت مقابل چشمانم هزارها بار جان نخواهد داد .

# نقش جديد من . . .

بقیه از صفحه ۳۱  
من در فلم سفر نقش مصطفی را بازي ميکنم که با گروپ از جوانان که براي سواد آموزي به قريه دور افتاده ميروند فلم نيز از همين جا آغاز مييابد . و حوادث فلم يکی بي ديگري اتفاق ميافتد و - گروپ از جوانان به شمول مصطفی با اين حوادث درگير ميشوند و - قهرمان متن با ديگر جوانان با شجاعت و باي - مرد ي با ان دست و پنجه نرم ميکنند و در مجموع فلم نمايانگر آنست تا آدم ترسو و زبون نبوده و بدون ترس با شجاعت بهتسو ميتواند به هدف دلخواه خود برسد .  
من از نقش راضی ميباشم زيرا اولين بار است که نقش يک جوان تحصيل کرده و روشنفکر را بازي ميکنم .  
و نقش هاي من عمدتاً با نقش توري دي در فلم مسافر و فضلود فلم مرد هاره قول است فرق دارد .  
در اين فلم با من سعید اورکزي واسع صدي ، اسد الله آرام - خورشيد ، فریده همرا ، انجانا شمسی ، موسی رادمنش ، فتح الله بزند ، شاه محمود شارق ، زلمسی عبادي همبازي ميباشند .  
فلمبرد در فلم محترم قادر طاهري بوده و اهنگ از محترم شاد کام مييانشد .

# چاپخانه

بنیه از منحه (۲۲)

سنت يك تلاشگر ایدمه ال بود  
 با این هرچیزیک همانندشید اگر -  
 خنده دار بود از اول می -  
 خندید، سهم نگاه میکرد و هسی  
 میخندید و آنس خنده بخود  
 ملزومید. این کاری مراجعات داده  
 به تویح تمیم پرداختم.  
 سنت بی مقدمه خطاب به  
 دیگران گفتم: ببینید این آدم هر  
 کاره است، ولگرد، آقا، شامه،  
 ایدمه وار، تنها چاشق پیشه و -  
 ماجراجو. او میتواند شما را مقاصد  
 سازد که عالم، مونسین، اشرافی  
 و بانگر پولواست و در زمین حال از  
 بوداشتن تم سوخته سگرت و -  
 شربتی برخاک افتاده نگ ندارد.  
 - خوب من او ریسه خود را  
 به پایان میرسانم میدانم که وقت  
 و شرایط برایم بسیار مناسب بود.  
 محبوب مردم سراسر جهان شدم.  
 هم دوستم داشتند و هم از من  
 نفرت میکردند.  
 بلی زنده گی ازودیمه هایش  
 خوبترین و بهترین را بمن ارزانی کرد.

البته يك کی از تاملات راهم  
 تلاشچان چارلی بیشتر چه  
 ها و کارگران بودند، و برخلاف تصور  
 همگانی فلماهی تا سال ۱۹۲۰ -  
 هنوز مورد علقه امان و اشرفان  
 ترانگرفته بود، زیرا آنها هنوز  
 خام و عوام پسند بودند. شاید -  
 تقاضای زمان بود که آنهاوش رنگ -  
 ماهانه داشته باشد. طبقه با  
 سواد و تحصیل کرده کی در بر تبه  
 چارلی علقه مند شدند و بنابراین  
 نتوانستند او را منحرف سازند. از  
 ((ولگرد)) ۱۹۱۵ گرفته تا ((کوچه  
 درام)) ۱۹۱۷ اودوش رنگ ۱۹۱۸ -  
 و ((پسرن)) ۱۹۲۱ او ((زایر)) ۱۹۲۳  
 و ((جستجوی خلا)) ۱۹۲۵، او -  
 ((روشنایی شهر)) ۱۹۳۱ او «صفر  
 جدید» ۱۹۳۶ آنچه به نظر میرسد  
 نه دگرگونی بک زرنمایان و کامل -  
 شدن شخصیت ((ولگرد)) است. حتی  
 لباسش که اتفاقاً برای بعد از ظهر  
 پارانی تدارک شده بود کم کم معنی  
 خاصی مییافت. در این لباس زنده -  
 پوشی از نگاه نجبا، لوکس  
 از نظر فقرا، نقش مبرد  
 فقیر بی همه چیزی را بازی میکرد که  
 باشجاعت تمام واقعیت تلخ فقر و تهی -

دستی خود را نادیده میگرفت. چارلی  
 نمونه مردم بی همه چیز و فقیر شد.  
 برای تجسم روحیه ((مرد کوچک)) از  
 حیلله های بصری و تبدیل ناگهانی  
 اشیا که در قلمهای نخستین به  
 کاربرد استفاده میکرد. مثلاً در  
 ((پسرن)) وقتی چارلی دستکش بی  
 انگشتش را بیرون میکشید تا هم سوخته -  
 بی را از قوطی سگرت (قوطی سارهن  
 است) بیرون آورد این حرکت عادی  
 را ظوری انجام مدهد که مانند  
 تنفس بسیار ضعیف و گرانجا به  
 نرس میرسد. در ((روشنایی شهر))  
 چارلی در مهمانی مجلی ایشیا را  
 بی بلعد و از درون شش صدای  
 فصل شنیده میشود و نیز در کاره  
 وقتیکه توشه های کافذ با مگروشی  
 مخلوط میگردد. این دو واقعه هر  
 يك عموماً برای آنکه به جای خود بسیار  
 خنده دار است در ضمن تعایشگر  
 است که چگونه چارلی از در و جان  
 میکشید تا هرگز جماعت نشود. تا  
 میایستوان، دختران، بانوان خوبی  
 لباس او را در جمع خود میپذیرند و بی  
 چارلی بخیلی میدانست که کوچک  
 مردی هرگز نمیتواند هرگز این -  
 جماعت شود. سرنوشتش چنین است  
 که همیشه در تاریکی به امید و انتظا

بسرزد و همیشه با همی دوری نسا -  
 اصدی را از خود دور براند.  
 شاید در اینکه چاپلین در روز -  
 گارانی که مردم به سن و رسوم  
 جامعه گردن نهاده بودند -  
 شخصیت ولگرد خود را جلوه دهد  
 معنای خاص نرفته باشد. شاید  
 چاپلین دیگر (صردک کوچک) به  
 نهر و ایستادگی اش در برابر اجتماع  
 ایمان نداشت و شاید احساس میکرد  
 که رسانیدن پیامش به جهانسان  
 بیان صریح تر و مستقیم تر را ایجاب  
 میکند. وان اتکا به نفس و ملامت  
 نروانی چارلی ولگرد دیگر برای -  
 این منظور کافی نبود. حتی ارسال  
 ۱۹۴۰ به بعد با فلم ((دیکتاتور  
 بزرگ)) چارلی شخصیت خود را کار  
 گذاشت، تا از تله تلویزیون اصد -  
 واری دهد و دلگرم کننده اش به  
 گوشه های مردمان خورد شوند. در  
 نیرسا و نظم و استبداد برسانند -  
 در فلم بعدیش ((سپوورد)) -  
 ۱۹۴۷ چارلی ولگرد بکل ناپدید  
 شد. در این فلم، که شاید -  
 همین امروز تهن فلم باشد، قاطعی  
 در دفاع از خود میکشد که جنیت او  
 اصلاً گناه نیست بلکه قیاسه  
 آن وحشتناک است. ((قتل یسک  
 تن انسان را چینی تارک همساز و لسی  
 قتل چندین میلیون تن باعث افتخار  
 است.))

از وی. تاسی و لوستل جسی  
 اداری مرستیال ددنی نیسی  
 وری صلاحیت به زور. تولسو  
 د فترتونه دخیل خان دسر -  
 پرست والی رسمی اطلاع بررسوله  
 اود همانی وری له فریب و روسته  
 چی فنی مرستیال ترجمی خان  
 و رساوه. نوتولود فترتونه بی د  
 خیل کالت متحد المال مکتوبونه  
 ولزیر. به دوهمه ریخ سعار  
 اداری مرستیال بنجه جسی  
 موسی ته رانی. حال داجسی  
 فنی مرستیال له بیبسی ناخبره  
 به اووه جسی تمکی موثرکی له  
 نوروما مورینود مخه خان موسی  
 ته راروسی. خوگله چی خوکیدار  
 ورته وای چی اداری مرستیال  
 ترده دمخه رانلی دی. نونسی  
 مرستیال د موسی به عومنی  
 دروازه کی لکه ریج لرگی به خای  
 ریج کلک باتی کیزی. اوسر به  
 وگورچی دغه لویه دجابه کتبه  
 رانخرسی.  
 (یونیم اواملا موزیک دی به  
 خبله لوستونکی و غمز وی)  
 راوی: که فنی مرستیال  
 موسی دروازه به خوله کسی -  
 لرگی غرنی ته تکیه نه وای کری.  
 نوبی له شکه به به خمکه رانور -  
 خریدلی وای. دومره ورسره  
 بخت یاری وگره چی دما مورینو  
 موزیکه ویرا رسیدلی. که نوبه  
 دغسی وضعیت د فنی مرستیال

لیدل کومه وری. خبره نه وهغه  
 داداری مرستیال به دغه موقتی  
 برلاسی ناامیده نه شو. او نیخ  
 خیل دفتر ته لار. فنی مرستیال  
 ددی له باره چی اداری مرستیال  
 بی به راتلو یوه نه شی. خیل  
 بو تونه بی دد هلیزه دروازه کی  
 وایستل اولکه دچرگانو دغله  
 غوندی دگوتوبه خوگوخیل دفتر  
 ته لار.  
 (د فنی مرستیال د ورو ورو -  
 قد مونوبه مگرونوکی دی محترم  
 لوستونکی د قمرگلی دغه مند ره  
 چی: ((و رو و رو کیده قد مونسه  
 اشنا)) له خانه سره زمزمه کری (ی)  
 به دغه ریخ اداری مرستیال  
 دومره دروند دریاست به جوکی  
 باندي ناست و چی به ار مونو  
 به هم جانته وای و زخنی ار ولی.  
 دغرمی و پوی بی هم دخیل گارد  
 میزله پاسه و خور. او به دا لویه  
 ریخ کی بی ترمازد یگره پوری به  
 جای روزه هم ماته نه کری.  
 د فنی مرستیال خانه سامان  
 حضرت میر چی یورخ دمخه بی  
 دکیم غرووی کارله باره له فنی  
 مرستیال خخه اجازه اخستی وه.  
 به دغه ریخ کار ته نه و رانلی.  
 کله چی اداری مرستیال له دی  
 بیبسی خبر شو. د اجیرانوجا -  
 ضری بی دفتر ته ورونیسته اوسه  
 خیل قلم بی ((نیم روزه)) نمیر -  
 حاضر کری. فنی مرستیال به دغه

ریخ دجوکی به نه نیولود و سره  
 خپه نه و لکه دخیل خانه سامان  
 غیر حاشیه لوجی به قهر کر.  
 دوه د ری حله بی تیلون ته  
 لاس ورتیر کری. خود تیلون له  
 لاری اداری مرستیال به بی ابه  
 کری. خوهرخل به بی یسه  
 شیطان لعنت کی او دغه کلمات  
 بی بل وخت ته برینبود. هغه  
 پوهیده چی اداری مرستیال د  
 ریاست به جوکی پوری مییخ  
 شو بی ددی. او غرو به یووخ  
 چی نییورته شی. هغه وخت  
 وری فنی مرستیال بی فال به  
 زه کی نیولی ز درسی وخت  
 پای ته رسیدل وو. کله جسی  
 رسمی وخت پای ته ورسیده. نو  
 فنی مرستیال داداری مرستیال  
 د غالفکیر کولو له باره د نورومامو -  
 ریخ به خیر له دفتر ته راویت او  
 به لوی لاس دریاست د دفتر  
 دکری تر خت تیر شو او هداسی  
 حال کی چی اداری مرستیال  
 دریاست دجوکی له سرنه ورته  
 دستر کولاندی کتل له موسی  
 ووت.  
 اداری مرستیال درسی وخت له  
 پای ته رسید و روسته بوره یسو  
 ساعت لا هماغسی تینک به جوکی  
 پوری نبستی و. کله چی دخیل  
 رقیب به تللو پاوه شو. نو  
 دروازه بی به خیل لاسر کولپ  
 کره او کونجی بی به حیث کی له

خانه سره و اجوله. خو خیرنه و  
 چی فنی مرستیال به کونجی  
 لا بیون ترلاسه کری وه او هم بی  
 دیوال له لاری موسی ته د -  
 بیرته رانوتلونیت کری و.  
 (دلته دی یوازی دریا یوه  
 لنده نغمه د خوتانیوله باره -  
 ویزول شی).  
 فنی مرستیال د ما بنام پوی  
 به کوکی و خور. اود سهار له  
 باره بی یوه وجه پوی او خور  
 ایشیدلی هکی له خانه سره  
 به بکری و اجولی. د ما بنام  
 به خره کی د موسی به دیوال  
 وروایت او به بیخه زه بی د  
 ریاست دروازه و خلاصه کری. ایه  
 خرخی جوکی شیز اووه خرخه  
 هاخواد یخواتا و راتاوشو. که خره  
 هم دشبی د خوب او بلاستی  
 له باره به دفتر کی یوغت او -  
 مناسب کوچ هم بوته و. خوله  
 دی ویری چی سهار دی ویده  
 و او جوکی بی اداری مرستیال  
 ونه نیسی. نوبه بی به هماغه  
 جوکی سبارک. (دلته دی لوستو -  
 نکی داس فکروکی چی گوندی  
 چرگان بانگونه کوی اوله دغسو  
 بانگونوسره یوخای دی د صحنی  
 بیلولو یوموزیک هم ورسره یوزوی  
 سهار اداری مرستیال بیلا  
 دخیل رقیب له ویری به هماغه  
 پورنی وخت موسی ته رانسی  
 باتی به (۷۷) مخ

# چاپخانه

۹۱۵



# مجنون قرن...

قیمه از نسخه (۹۱)

راجع به ملاقات های رسمی و شخصی  
تان با ناد هویلا میخوامم بدانم

ملاقات ها که زیاد دست داده اما یک بارتی  
و یا ملاقاتی که در منزل مد هویلا تقریباً صورت  
رسمی در حضور اکثر هنرمندان فنی و ژورنالیست  
های هندی ترتیب شده بود که کمی از آن رحمت  
منابع - ترتیب بارتی در خانه مد هویلا در -  
( بندره ) بعضی صورت گرفت که از جمله  
هنرمندان در آنجایی، نیویاری، دلیپ گماز  
نوروزان بلراج سها نی و چند نفر دیگر هنرمندان آن  
معروف و علاقه مندان مد هویلا تشریف داشتند  
راستی در نظر د خرافاتمان که دو خواهر بود رسید  
و حدیث در رحمان فنی شروع بکار نموده بودند  
البته از طرف من درین دورات اشتراک داشتند که  
اسمهای شان، شاه گل و ملکل بود - بر علاوه روز -  
نامه نگاران تایمز اندیا، سکری، اداکار، آنزو  
و چندین ژورنالیست های ران یو هند و کهکشان  
فلم ستار، شمع دهلی، فلم نیوویو، حضور هم  
رسانیده بودند - دعوت ساعت چارم شروع شد  
همگی حاضر شدند - دو هم شیره مد هویلا، کیتیز  
و چندل هم دروازه از مهمانان پذیرایی میکردند -  
موجهر شوهر هم شیره مد هویلا هم تشریف داشت  
که او هم یک هنرمند جهان سینما باشد - فلم بود ار  
عکاس موقع گرفته بودند این دعوت رسمی را مد هویلا  
بافتخار من ترتیب داده بود - بعد از صرف عصره  
بسیار عالی و مجلل سخن از هر دو زبان آغاز شد  
از کابل و هوای آن و سوه جات تازه و خوشک  
افغانستان که مخصوصاً بسته وادام، کشمیر  
و انگور و خر بوزه افغانستان در هند شهرت  
فوق العاده دارد - آهسته آهسته سخن بجاهای  
جسارت و بیاریک کشیده شد - ژورنالیست ها را شما  
می شناسید - از خدا می خواهند مومنی برای شان  
بیا آید که آدم را سوال بپس کنند سوالا مختلف  
یکی میگفت چند رمدت بود که ماد هویلا دوست  
میداری بد یگری می برسد - سبب و عوامل این عشق  
چینت گری می میگفت چرا مد هویلا برای محبت  
انتخاب کرده بی و بد یگری می رسید معنی عشق چیست  
و من باید همه این سوالها جواب میگفتم، بعد و ن  
آماده گی پیش بینی شده یکی به انگلیسی سوال

میکرد یگری به هندی و من به اردو و چارمی  
هم به زبان دری - من در بین خیران و سرگردان  
مانده بودم که اولتر یکدم شان جواب بد هم  
همچنان مد هویلا را سوال بپس کرده بودند که  
آیاتو هم علی مستزنی را دوست میداری یا اینکه  
عشق او که طرفه است آید یگری میگفت چطور است  
با او ازدواج کنی ؟  
و من درین گمرو دار درست آنرا پیدا کردم که  
کتاب ( وینوس شوق ) را که برای مد هویلا نوشته  
بودم و شام ده هزار بیست میباشد - با تشریفات  
مخصوص بحضور تقدیم کنم که این صحنه از طرف  
حاضرین با یک زده تهای زیاد، استقبال کرد -  
چون این کتاب را بقلم متن نوشته بودم و هر صفحه  
آن میناتور و در بزرین حد امکان داشت و چندین قطعه  
تصویر مد هویلا را رسم کرده بودم که از جمله یک  
رسم مذکور مد هویلا را در لباس انسانی که مخصوص  
افغانستان است نشان میداد - بنابراین کتاب  
دست بد شدت گرفته بود - دوباره بدست مد هویلا رسید  
که او کتاب را بوشیده بالای میز مقابل خود گذاشته  
گفت ( این یک کتاب مقدس است برای من که باید  
تقدیس شود - بر علاوه امتیازات معنوی آن - این  
کتاب و نویسنده آن شهرت فوق العاده من بخشید  
که شعرت برای یک ستاره فنی ازین نوع العاده  
دارد ) - مد هویلا ضمن بیان " خوش امانم  
نمود : ( تو من لقب وینوس شوق را دادی که این  
لقب نه تنها در مطبوعات هند بلکه در جمله فلسف  
دای - جست آمریکا هم من بیوگرافی من منتشر  
گردیده و اینک مجله مذکور را برای من هم فرستاده  
است )  
من از تو بسیار گدادم که قدر و منزلت مرا  
آنگذری بلند - بر دی که به ستارگان آسمان رسانیدی  
ز این برای من راستن مایه انتخار و مباحات است  
خیال کنی که من قدر و قیمت تو را شعاع ترا  
نمیدانم و یا خلق ناشناس و ناسیاس هستم )  
مد هویلا انزود : ( در یکی از جراید فنی بعضی  
خوانندم که ترا مجنون من بیست خطاب کرده -  
بودند و من این را نمانید نمیکم - اگر به معنی جنون  
آن باشد و اگر به معنی وفاداری، فداکاری و عشق  
باید اریاشده جزای ؟  
زیرا تو شاعر هستی - نویسنده بود اکثر هستی  
پس توانی مجنون عاقل نامید و موسول و رهنمای  
عشاق هستی - تو نمونه عن و زاده آهنین و تعمیر  
عالی هستی - تو توانستی با تمام مشکلات بدست  
و نجه تم گش و ناممکنات را ممکن سازی، هستند  
در بعضی هزاران نفر که میخواهند با ستارگان فنی  
از نزدیک ملاقات نمایند و این برای شان امکان  
بند بر نیست - و تو بر علاوه اینکه از افغانستان  
تالیا ( بدی ) آمدی بعد از کد ام جاد بیه  
بود که مرا واد آر کرد ترا به نزد خود بیدیم - هر  
صورت از این همه زحماتی که در راه من کشیده  
ای باز همه اشعاری که برایم نوشته ای بیکار دیگر  
ساز و دیگران خویش را در حضور همه این هنرمندان  
دایرگروه، ژورنالیست ها و مدبران جراید بپس  
تقدیم میدادم - امید رام بد پرته گردند ) - در اخیر  
گفتار و بیانیه مد هویلا بدویت از قسمت آخرین  
کتاب را بزرترین چنین خواندم - یعنی بعد از ده هزار  
بیست که سروده بودم - گفتم :

هو کن گریمن جسارت کرده ام  
ازم در یک اشاعت کرده ام  
نیت نگاهشتری مفتون تو  
گشته عالم غرق در آسوس تو  
مد هویلا فوراً گفت : من غرق در آسوس تو  
در اینجامد بر موسول مجله کهکشان گفتم :  
( زمانیکه فردوسی کتاب مشهور شاهنامه را برای  
سلطان محمود غزنوی بفرمایش سلطان نوشت  
سلطان غزنوی در بدل حریت یکدانه اشعری برایش  
بخشید - یعنی در عوض صحت هزار بیت که سروده بود  
صحت هزار طلیبی اشعری برای فردوسی داد - و او  
درین اثنا طرف مد هویلا نظر انداخته - خاموش  
ماند - مد هویلا گفت : ( من قدرت برداخت  
ده هزار طلا را بدم و این مبلغ را برای داکتر هلی  
بپردازم ) - من گفتم : ( قبول نمیکم - زیرا فقط یک  
شکر تو برای من از ده هزار طلا بیشتر ازین دارد )  
گفت : ( من میدانم و تو شکر موازیاد ترا زده -  
هزار طلا میدانی ) - مد هویلا همیشه مرا بنام هلی  
خدا میگرد و من هم او را مد هوی - و گاهی متاخر مد  
میکردم - محفل تا ساعت یازده شب دوام کرد - مجلس  
اشی بود - همه نوع موزم در آن اشتراک داشتند  
در وقت بد شدن حسین و رقیب - بعد از صحبت  
موسیقی شروع و چند پارچه رقم محلی هندی  
و سپس طعام شب - و بعد از آن هم محفل بی پایان رسید  
همه معناتان خدا حافظی کردند و رفتند درین  
وقت من منتظر بودم که چنگ که بلراج سها نی سرا  
از تر بد بیرون کرده بگفت : ( بیا همراه من برویم  
زیرا هتل محل رهائین تو از اجازت یاد دور است )  
درین وقت مد هویلا مداخله کرده بگفت : ( بهتر  
است هلی شب همین جا ماند جاد ارم ) - و من این را  
از خدا میخواستم - و از هم بردا بعد از صرف ناشتبا  
در کتابچه با دست خود نوشتم :  
خداوندنا چه منزل بود شب جاییک من بودم  
هر سورقم بسمل بود شب جاییک من بودم  
بری بیگر نگار سوز قدی لاله رخساری  
سرا یا آنت د بود - شب جاییک من بودم  
رقیای گوش بر آواز او در ناز و من حیوان  
سخن گفتن چه مشک بود شب جاییک من بودم  
- به هر حال اکنون که ماد هویلا عزیز شما  
جهان فانی را وداع گفته کنون عاشق کی استید ؟  
من قیلا هم گفته ام که عذف شما از مطرح  
نمودن این گونه سوالا بیروان بودن جنجال  
و مشکلات برای من است که میخواهید حتماً سرا  
توسط کسی بی آب سازی - هر صورت جواب تان  
را میدهم زیرا باشما وعده کرده ام که بسوالا تان  
تان جواب گو باشم  
پس گفتم :  
ما من خداداندولی در شانه من بینم  
که از سودای کیسوی کسی دیوانه خواهم شد  
در پایان صحابه اگر سوالی دیگری داشته  
باشید از شمارایی رحمت تان که با من این صحابه  
را انجام دادید اظهار سپاس منیام - با تقدیم  
یک راضی علامه اقبال :



# مطالب ارسالی شما

## نقش ناخنها در تشخیص کرکتر

دانشمندان اخلاق انسانها را ازبانه چشم وموي سرودست بالاخره ازندان واندام ورخی دیگرکردارعمل تشخیص واززیبی نموده اند ویکش از دانشمندان اخلاق اشخاص را از روی ناخن تشخیص نموده .

۱- اشخاصیکه روی ناخن دست های شان نقطه هایی سفید است به جنس لطیف (زن) علاقه مند اند ولی این علاقه مندی زودگذر بوده ازیک زن دلسرد شده وبه زن دیگری علاقه گرفته دل می بندند .

۲- اشخاصی که دارای ناخن کوتاه میباشند ، انسان هایی برو باره متحن وبرهیزگرگالی میباشند ودر مقابل مذاقات ومضاکلا حوصله فراوان دارند .

۳- کسانی که ناخن طویل ونوک تیزطبیعی دارند ، دارای خطوط زیاد ومسارونی باشند برای تعلیم وترتیب ومعلمی مساعفند ومعلمی برکاروشایسته معرفی می گردیده اند .

۴- کسانی که ناخن بیضوی ((گرد)) وصاف وشفاف دارند مردمان برحوصله ، آرام وصلح دوست وصلح هستند .

۵- ناخن دست راست انده که کم رشد وکم باشد معمولا اشخاص شکم پرست وبرسرف هستند وبالاخره همه اروزند ار خود را به شکم صرف کرده وبدریسات چیزی نمی گذارند .

۶- کسانی که دارای ناخن فرمزی رنگ وروشن هستند مردمان مهربان ، خوب قلب خوش مشرب ، شیرین کلام ودوست داشتنی هستند .

۷- بالاخره انهایی که در موقع ناخن گرفتن ناخن های خون را به یک اندازه معین (( مساوی )) به دقت می چینند انسانهای باعزم سریع وثابت قدم به شمار میروند .

روشنه (( زین )) ازگوزن کابل سنتر

## زبان پوستر

چطور از طرز چسباندن - پوستر بر روی بایکت از دورن - فرستنده آگاه شویم ؟

۱- پوستری که راست چسبانیده شده باشد ، مفهومش این است (( فکر سوار لم بیرون است ))

۲- چنانچه پوستر قدردی متقابل به سمت راست باشد مقصدش این است (( بمن اطمینان داشته باش ))

۳- چنانچه پوستر را افقی ودر بجانب چپ چسبانیده ، مفهومش این است (( دیوانه وار ترامپیرستم ))

۴- اگر سر پوستر قدردی متقابل به سمت چپ باشد مفهومش این است (( ترا دوست میدارم ))

۵- اگر پوستر بطور معکوس ومتقابل بر است چسبانیده ، مفهومش این است (( دیگر ترا دوست ندانم ))

ارسانی : حلیه

## نگته ها

۱- کم دانستن ویراگفتن مانند پول نداشتن و زیاد خرج کردن است .

۲- مانند مرد عمل ، عمل کن ومانند مرد فکر بیندیش .

۳- جدیت وشتکار آدمی را بفضله نزدیک میکند .

۴- از نیکی چاره فرزتوان دانست که بی مغز است .

۵- خوشبخت ترین مرد کسی است که برای تضایق دیگران ارزش قائل شود واز شادایی دیگران انقدر شاد میشود که گویی ایمن شادایی مروطه به خود اوست !

۶- در جمع آوری دوستان وهمچنان در دوری از انسان حمله کن !

فرستنده : شریف نورین

مستوره محبت نامری ( استعداد تاز ، راد ریخشهای دیگر هنر تجربه کید تنها نامری بیشه نیست ) بلقیس احمدی از بوهنی علم طبیعی ( بیسی از گردید ) تان :

رنگی ز صفا نیست درین خانه خدایا  
برخیزم واز خانه به میخانه گریزم  
سایره شکیب از ولایت جوزجان ( باره کردن حملات ومصراع وارنوبتن شعر نیست ) از شعرا ی متقدم زیاد تر شعر خوانید . ( ۵ ) شکلا ازلیسه " آنه " فدوی ( خوب است اگر بجای شعر داستان نویسی رایبشه کنید ) ( ۵ ) احمد شاه کامکار از ولایت جوزجان یکی از دو بیتهای تان با کمی تصرف :  
الله یارجان بگیرم اصل نامست  
کبوتری میگردم به با مست  
اگر یکبار بگویی یار شیرین  
شوم ندقه همونوک زبانت  
( نام ) و ( بام ) با ( زبان ) قافیه نمیشود . حالات فعل بی جهت از حال پاینده تغییر میکند - مصراع سوم نیز زیاد است . ( ۵ )  
خالده خرم اقل " مهم :

استعداد خوب شعری دارید ، مگر در استعمال کلمات دقت نموده قوامه سنتی شعرا را بیشتر آشنا شهد " بندری از سروده " تان را با کمی دستکاری چاپ کردیم :  
خواهراتم بگذرید از مد تو  
مد تو ارقش ندارد یک دو جو  
تو مکن تقلید از هر بیگانگان  
ابروی خود همیزان رایگسان  
کی توامد خوب و نهیام کند  
بسل تو این کار رسوا میکند

هنزه نوین انزولسوالی بلخمری :  
دوستی های که به نام (( تک بیته )) فرستاده بودید رسید در نقل آثار هنری دقت کنید .  
سفروکدی به شهر دور دستی  
دل نازکتر از جام شکستی  
بهارتوک وناکن (( بیوه )) چنان  
به هر آیین وهر مذهب که هستی  
ترک وفا نادرست است باید ترک چفا باشد .

لیدا نارام ازب . اقتصاد :  
(( نارام )) راه منظر که مانوشتم بنهسید ، منتظر آفیده های خوب تان هستم .

عبدالرزاق حسن یا مازت ختمیک ساختمانی :  
برادر عزیزه اوقات بیکارن را کارکند و نه شعری راکه به مجله می فرستید بنهسید از کت ؟ از شما هاکن دیگر ؟

ملالی محبت : نامه ات رسید ، مگر شعر ازکی بود ؟  
فریده احمد فاعل : رابعه بلخی : شعر (( در خیال )) شما گامستی های فراوان دارد .  
جستن معشوق از طرف شام و در شعری ، (( سنی )) نه خواهد ، همینطور رسم است . در قسمت شعری می توانید از کاتبین ادبی نهسندگان جوان رهنمای شهد فرهاد حاجب ازل : خبیبه :  
به املا وانشاتوجه کید بیته اشعر تان :  
دیشب که به خواب تو خیالات پتان بود .  
در کلبه " فزده گان اه و فغان " بود .

ماریارحیی ازلیسه دوستی ( خواهر عزیز ، دیوان حافظ را که مام دارم ) . نوبه عطا ( تجربه تان را در شعرهای بیوزن توسعه بخشید ، استعداد خوب دارید ) . سمیرا نجیب سادات و خاطره های بیوزن بیزاد ازلیسه " مهم ( دوستی تان قابل نشمر نیست ) . عادل اختاری از وزارت امور عودت کندگان ( شعر انتخابی تان را گرفتیم یک بیت آن :  
بی عشق ای طبیعتی نیست در جهان  
تا بیره درد کمر نشناسی دوام کن )  
سخن مراد مسکین امسرق . غ ولایت مزار شریف ( شعرتان گامستی های دارد با انهم دوست آنرا نشمر کردیم استعداد تان را با مطالعه بیشتر پرورش - دهید :

کنون از حال زار من مبرسید  
که فرم دوستان در عالم خود  
خراب یزار و حیران نمودی  
بت شیرین ادا می از غم خود ( )  
شکیلا نور از بوهنی علم طبیعی یک بیت از شعر انتخابی تان :  
ای قاسد آرزو نامه زد لذت زنداری  
از هر تسلی زبانش سخنی ساز  
لینا نارام ازلیسه آریانا ( خواهر عزیز ) ماد راد بیته دربی ژانری به نام طرح ندارم به املا دقت کنید )  
اینه مقبل بنه آرزلیسه " مهم ( دوست عزیز با شعر ارسالی تان زنده باشید :  
ای صبا یا شهنه سالک از فلسفگی  
از فراق نان سیلو جان ما بر لب رسید  
برود یوار شورا این سخن باید نوشت  
تا یکی این زهر تلخ جنگ تحمیلی شید ( )  
میروس نژند ازلیسه انصاری ( دستوزبان ) و زن قافیه ود دیگر معاییر شعری رایباموزید . رباعی تان لغزشهای فراوان داشت ) ، فرید احمد امید ازما -  
ر شریف ( استعداد خوب دارید بیشتر زحمت بکشید آینه روشن شمارا استقبال میکند ، دوست از نزل تان :  
باز فصل باغ بوستان میرسد  
لبیل دل در گلستان می رسد  
سبز میگردد چمنزار امید  
نوعوس باغ خندان می رسد

شکیلا پوهس از مزار شریف ( طبع روان تان را روان تر میخوانیم سه بیت نزل تان با یاد داشت کوچک ما :  
باز فصل نوهاران آمده  
فصل شوق مند لیان آمده  
باز گلگهای فریبا و قشنگ  
سوی بوستان و گلستان آمده  
من شکیلا خوانم هر دم این سرو  
لبیل غیلم نزل خوان آمده

واژه بوستان در مصراع جام ثقیل است اگر (( بوستان )) بسازم این تعمیم رفع میگردد و مصراع پنجم را به خاطر ثقل واژه هر دم این طور سازید خوب است :  
(( هر زمان خواند شکیلا این سرو )) . آری از طب کابل ( شعری در رسا وجود دارد ، فقط بیشتر زحمت بکشید و شعر مطالعه کنید ) . مارجع . ک ازلیسه رابعه " بلخی ( حرفهای که به آریان جان گفتیم در مورد شما نیز صدق میکند ) . تورن عبد -  
الصادق (( هارون )) از کینناری بگرامی ( دوستی های تان را به برنامه های نولکوری راد یوفرستید )  
شکیلا نجیب ازلیسه آریانا ( نامه تان با چها ر چشم رسید یک بیت از گردید های تان :  
چشم اگر این است ابرو این و ناز و شوه این  
الوداع ای صبروتقوی الوداع ای عقل و دین )

# براسمه فال گرفته ایم

## متولدین ماه حمل

موفقیت های شایانی پیش رو دارید ، اما دقت کنید که متکبر و خودخواه نشوید . از صحت تان مواظبت کنید . باد و ستان مهربانتر باشید . دیدار تازه در تنمیر سرنوشت شما نقش خواهد داشت .

## متولدین ماه میزان

ملاحت ساختن دیگران برای برائت خود کارشایسته نیست . باید شهامت آنرا داشته باشید که خطاها و اشتباهات خود را ببینید و با پیشانی باز آنرا جبران کنید . کودکان عزیز می همسان خانواده تان میشوند . مجرد ها به ایجاد زنده گی مشترک تاجند روز دیگر آغاز می کنند .

## متولدین ماه ثور

عهر شدن و خصمانیت بی مورد عمر شمارانیم می سازد . از مصروفیت و کار بیشتر همیشه لذت می برید و این نکته بی است که متوجه آن نشده اید . قضاوت هرگونه میباید شما همانطور زنده گی نمایید که استید ، ضرورتیست مطابق میل هر یک باشید .

## متولدین ماه عقرب

ضعف بزرگ شما ، ضعف اراده تان است که نمیتوانید تصمیم عاقلانه بگیرید . دوری شما از خانواده و وطن کار نادرستی است . اعتماد شما نسبت به خانواده تان به جاست اما آنها بدون شما احساس کمبود مینمایند . مجرد ها دیدارهای خوبی در پیش دارند . دقت کنید انسان را با تمام ابعادش باید بشناسید .

## متولدین ماه جوزا

امید هایی که برای خوشی و خوشبختی در خانواده بزرگ شما ایجاد شده به واقعیت می پیوندد . یکی از مسافران شما به زودی نزد شما می آید و دیدار تازه شما پایک عزیزم کرده برای تان بسیار پر لذت خواهد بود . فضای خانواده تان را همواره شما نگه دارید سعی نکنید آنرا وقت و ناوقت از دست کنید .

## متولدین ماه قوس

بسیاری از عزیزان انتظار دارند تا شما با آنها مهربانتر باشید . کودکان بزرگ تان بیشتر به محبت نیاز دارد . کسانی که متاهل نیستند به فکر ایجاد خانواده میشوند ولی بهتر از مصارف اضافی صرف نظر نمایند . درس بزرگ زنده گی برای متولدین این ماه تحمل و شکیبایی است .

## متولدین ماه سرطان

تصمیم شما برای تحمل دشواریها و مشکلات عاقلانه است . زنده گی باغم های پیش زینماست . دیدار تازه ای که دارید برای شما امید های جدیدی میدهد . بدبینی و کدورت را از خود دور کنید و با امید های بزرگ خانواده تان رانیز جرات بخشید . آرزوهای تان بر آورده میشود و انهم در همین روزها .

## متولدین ماه جدی

خیالات بزرگی در سر دارید که با کار و پیگیری جدی میتوانید آنرا به واقعیت مبدل سازید . هیچگاه با شاگردان تان رویه نادرست نکنید آنها به محبت و آموزش نیاز دارند اگر آنرا درست تربیت نکنید عذاب وجدانی بزرگی شمارا ازیت مینماید .

## متولدین ماه اسد

انتخاب دوست و یاور زنده گی تان کار معقول است . تشوشت روانی خود را دور سازید . خوبست که دل بسته گی های تان به کار زنده گی افزایش می یابد . بیشتر به فکر آموزش باشید . آنچه را که در رویاها تصویری کنید واقعیت خواهد یافت .

## متولدین ماه دلو

یا حق و ناامیدی را از خود دور سازید . تصمیم برای دوست داشتن یک کسی عاقلانه است . یک دوست خوب میتواند یک ثروت هنگفت و عظیم باشد . قدر دوستی را دانستن ، قدر زنده گی را دانستن است .

## متولدین ماه سنبله

سفری در پیش دارید که برایتان بر خاطره و جالب است . نامه های دوستان تان را بی پاسخ نماند . همسر تان را از خود دور سازید چون آریگانه پناه خود را در وجود شما می یابند .

## متولدین ماه حوت

به صحت تان توجه داشته باشید . ورزش مصروفیت بسیار خوب برایتان خواهد بود . نگذارید کسی از شما بی جهت آزرده شود . دیدار عاشقانه بی در پیش دارید ، امیدوار باشید که بخت با شماست .

# تهدیدهای فضا

## تهدید بود که سیاره بزرگی با کره زمین تصادم نماید

بافتد . سیاره مارا بارچه بارچه ساخته چنان خاک و قیاری تولید میکند که ماها اتوسفیر را خوا- همد پوشاند و مانع رسیدن شعاع آفتاب خواهد گردید که در نتیجه یخبندان انسانها تلف خواهند شد و نباتات از زمین خواهند رفت . در باره جلوگیری از چنین حادثه منجمین نظر میدهند . یک راکت مجهز با کلاهک هسته ای میتواند چنین سیاره ای در حال تقرب را نشانه گرفته و پیش از آن ل شدن به جو زمین از بین ببرد . اما درین صورت نیز بارچه های سیاره به زمین خواهد ریخت . نظر بهتر آنکه در سال های ۱۹۸۰ آرایه شد میگوید به جای نابودی سیاره خونتر خواهد بود اگر مسیر آنرا توسط مواد منفجره انحراف دهیم .

ترجمه حسن نیر

بت خواهد کرد و یا با حرکت د لهره آفرین و تخریش اعصاب از نزد یکی زمین عبور خواهد نمود . حتی اگر سیاره اف سی ۱۹۸۹ به زمین نخورد سیاره مشابه بالاخره به آن اصابت خواهد کرد . سیاره های با عرض نیم میل در - سیستم شمسی در حرکت اند و طور متوسط در هر ۱۰۰۰۰۰ سال داخل اتوسفیر زمین میشوند درین میان سیاره های بزرگتر به عرض پنج یاده میل وجود دارند که در هر ده ملیون تا یکصد ملیون سال به زمین اصابت میکنند که به تمامی سیاره ها خطر بزرگی را متوجه میسازد . همین سیاره ها به عقیده بسیاری دانشمندان ۶۵۰ ملیون سال پیش سبب نابودی حیوانات عظیم الجثه در روی زمین شدند به نظر عده ای از ستاره شناسان اگر این اجرام سماوی به زمین

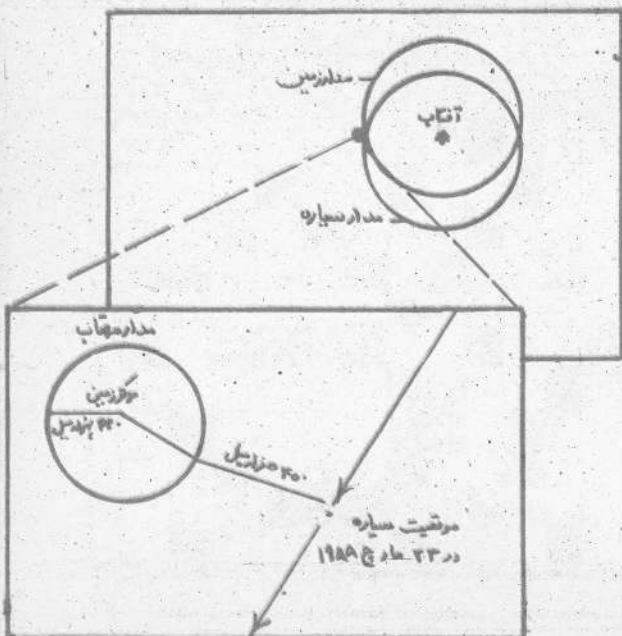
اریزونای شمالی کشف شد و ایسن درست او اسط مارچ بود که سیاره مذکور با مصونیت از زمین دور میشود . اقای هولت عکسهای این سیاره را که توسط یک تلسکو- پ ۱۸ اینچ در رصدخانه بالامور در جنوب کالیفورنیای تهیه شده بود مطالعه کرد . گفته میشود عرض این سیاره شاید صد یار د بوده باشد و اگر به همین بیانه کوچک هم بوده باشد در صورتیکه با سرعت ۵۰۰۰۰ میل فی ساعت به زمین اصابت میکرد . حفره ای به بزرگی یک میل که چندین صد فوت عمق میداشت ایجاد میتوا- نست یعنی گودالی به همان وسعت که در حدود ۴۰۰۰۰ سال پیش در اریزونای شمالی توسط یک سیاره ایکه به زمین افتیده بود به وجود آمده است . اما چنین حادثه ای اگر امروز اتفاق افتد کافی است که مرکز عمده بر جمعیت رانا بود کند . ستاره شناسان میگویند اف سی ۱۹۸۹ بر خواهد گشت . مانند زمین که به دور - آفتاب گردش میکند منتهای سه عوض ۳۶۵ روز ۳۸۰ روز را در سر خواهد گرفت . وقتی این سیاره در ماه اپریل دوباره از نزد یکی زمین بگذرد غالباً در یک فاصله مصون تر قرار خواهد داشت . اما منجم بریان ماریسن از رصدخانه هاروارد سمت سونیان که بر مبنای تخمینات هولت محاسبات خود را آرایه داشته میگوید در صورتیکه محاسبات ماد قیق باشد ایسن سیاره میتواند با زهم خطری به وجود آورد یا اینکه به زمین اصا-

شب بیست و سوم مارچ (۳ حمل) کجا بودید . خارج از منزل . همراه بادستان یا مشغول تما- شای برنامه های تلویزیون . به هر حال شما نمی دانستید که در همان لحظات در چند قدمی شما یک فاجعه قرار داشتید . شما ازین خطر آگاه نبودید . اما یک سیاره بزرگ به چنان فاصله نزد یک از زمین به سرعت عبور کرد که در ۵۲ سال گذشته سابقه نداشته است .

اگر این صخره عظیم به زمین اصابت میکرد فاجعه ای مانند انفجار هزاران بم هایدروجن می آفرید و ملیونها انسان رانا بود میکرد و در صورتیکه این سنگ آسمانی به بحر می افتاد امواجی به بلندی صد مایتر ایجاد میکرد .

پیش از اینکه شما زیاد بهراس بپفید لازم است بفهمید که نزد یکترین فاصله این سیاره از زمین در حدود ۴۵۰۰۰۰ میل بود یعنی در حدود دو چند فاصله زمین با مهاب . با انهم در شرایط و محاسبات کیهانی امکان اصابت این صخره زیاد بعید نبود . از سال ۱۹۲۲ به اینسو هیچ سیاره به این بیانه با زمین نزد یک نبوده است . در آن سال یک سیاره کوچک به قطر تقریباً نیم میل از عین فاصله از نزد یکی زمین عبور کرد .

این سیاره جدید که مطابق سیستم نمره گذاری رسمی اتحادیه بین المللی نجومی اف سی ۱۹۸۹ نامیده میشود . نخست توسط پروفسور هنری هولت از یوهنتون





# سپید بازی

سفید بازی را شروع می کند  
و در سه (۳) حرکت مهره سیاه را  
مات می کند .

سفید بازی را شروع می کند  
و در دو (۲) حرکت سیاه رامات  
می کند .

# پرسش ها

## جدول ضرب المثلها

عمودی :

- ۱- نقره - لباس خر
- ۲- معکوس ان قوت است - جور برانگنده - بوی نیست
- ۳- غم نداری انرا بخس - قوغی کمر - دزدی بی پای - معکوس ان اواز خر
- ۴- ان بود برکتش نی - ی خ س
- ۵- ... حول بالله - نوشید نیست - بدون ان غذا لذتی ندارد
- ۶- مزین به در کس به انگشت که نزنده ... معکوس ان شکایت

- ۷- پروا (اصطلاحی)
- ۸- تکه ناکاره (اصطلاحی) نفس اصطلاحی - کاری کن که نی ان بسوزد نی کباب
- ۹- یکی اواز صاف و رسا دارد و دیگری ... دارد - زیر بوریا
- ۱۰- جنگ ... سر ... عدد شروع جدول
- ۱۱- بایش رابسته کن همسایه ات را زد نگیر - استم - همان خوک و همان ...

انقی :

- ۱- نام همین جدول ان را خدا کریم است
- ۲- می گویند ... برادر ندارد - ... مردان دیر پخته می شود
- ۳- تاک - برای ادم تبیل می گویند که ... تخی است - شل بی پای
- ۴- بوج های بلند - پدر پدر کلان
- ۵- دنیا را آب بگیرد اورا تانید بایش است - بالق لق سنگ مردار نمی شود
- ۶- کوزه شراب - عربها

## چقدر پول دارند

سه دختر قرار گذاشتند که سینما بروند هر کس باید می گفت که چند انگانی با خود دارد . شکیبا گفت : من انقدر بیسه دارم که اگر با پول ماریا،  $\frac{1}{3}$  پول شعلان نیز جمع شود . ماریا گفت : من انقدر پول دارم که اگر با پول شعلا،  $\frac{1}{3}$  پول شکیبا نیز جمع شود . شعلان گفت : من ده انگانی دارم ولی با این ده انگانی  $\frac{1}{3}$  پول ماریا را نیز جمع کنید . حال شما گویید هر کدام انها چه اندازه پول با خود دارند

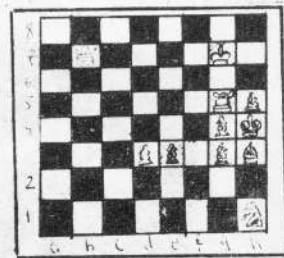
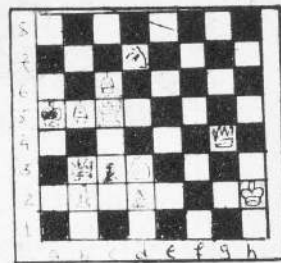
## مخاسبه کنید

می گویند که عمر اسپ رابه اساس دند انها پیش تعیین میکنند ولی بیابید ما و تمام رینجا قابلیت ریاضی خود را یکار بینه ازیم . ان اسپ چند سان عمر دارد در حالیکه  $\frac{1}{2}$  (یک بر دو) است

### جدول ضرب المثلها

|    |    |    |   |   |   |   |   |   |   |   |   |
|----|----|----|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
|    | ۱۱ | ۱۰ | ۹ | ۸ | ۷ | ۶ | ۵ | ۴ | ۳ | ۲ | ۱ |
| ۱  |    |    |   |   |   |   |   |   |   |   |   |
| ۲  |    |    |   |   |   |   |   |   |   |   |   |
| ۳  |    |    |   |   |   |   |   |   |   |   |   |
| ۴  |    |    |   |   |   |   |   |   |   |   |   |
| ۵  |    |    |   |   |   |   |   |   |   |   |   |
| ۶  |    |    |   |   |   |   |   |   |   |   |   |
| ۷  |    |    |   |   |   |   |   |   |   |   |   |
| ۸  |    |    |   |   |   |   |   |   |   |   |   |
| ۹  |    |    |   |   |   |   |   |   |   |   |   |
| ۱۰ |    |    |   |   |   |   |   |   |   |   |   |
| ۱۱ |    |    |   |   |   |   |   |   |   |   |   |

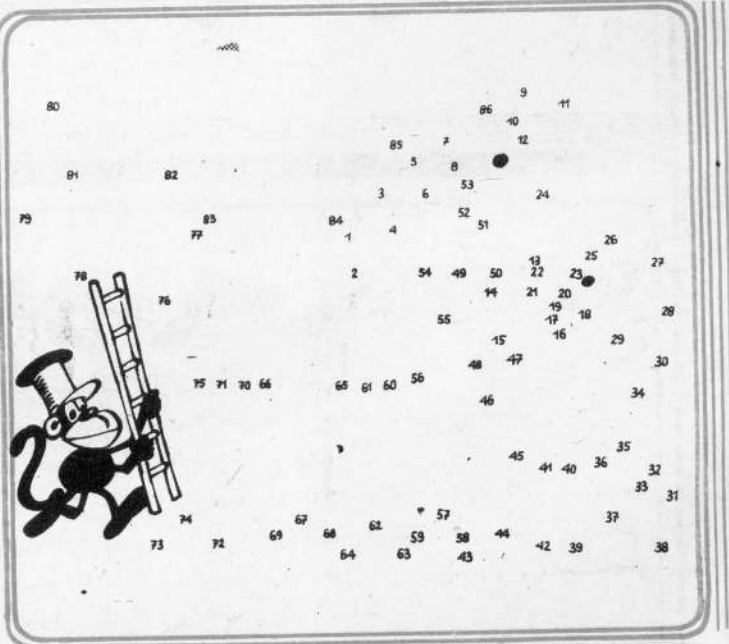
# سرگرمی‌ها



پیش ادبی

## حل کنید جایز بگید

### برای اطفال



اگر میخواهید بدانید که برای زینه چه صورت است اعداد را به ترتیب با هم وصل نمایید

درین شماره مجله ما پرسش های ادبی را مطرح می سازیم؛ دستداران مجله بخصوص علاقمندان عرصه ادبیات فرصت دارند تا یکی دو ماه درین مورد مطالعه نموده و سپس پاسخ های ما را ارسال بدارند. البته ما جایزه های عالی برای آنها در نظر داریم. میتوانید پاسخ هارابه زبان های دری و پشتو ارسال نمایید.

۱- مولانا جلال الدین بلخی کی بود و چند اثر ادبی از او جامانده است.

۲- سنایی چگونه شاعری بود و چند دیوان شعر دارد.

۳- کتاب فیه مافیه یک ارزیابی و نتیجه گیری کلی در یکی دو صفحه تهیه نمایید.

۴- فهرست نویسندگان معاصر افغانی را با نام آثار چاپ شده آنها آماده بسازید.

۵- شماره رباره آثار یکتا از نویسندگان معاصر افغانی یک تحلیل و نقد صرف به حیث خواننده تهیه نموده و ما بفرستید.

۶- آیا شماره رباره نویسندگان قبایل آزاد معلومات دارید؟ لطفاً درین باره ما بنویسید.

۷- آثار رحمن بابا و خوشحال خان خټک کدام هاست؟

۸- دوره های ادبیات را در افغانستان چگونه مطالعه نموده اید؟ درن خود را ازین دوره ها بنویسید.

۹- چه وقت وضع ادبی در کشور ما درخشندگی بیشتری داشت.

## صحنه گان

دینی الله عمرخیلی، فریده امید بلقیس احمدی، مریم دانستن، امیلا لطیف وردک، جاوید احمد زکی، محمد وکیل نایب، مسعوده توخی، احمد نوید وردک نورجان ضیایی عادله انورعزتی، شمیم حسن حمید، انیس نایل انزهرا تفتح محمد فتاح، سلم دانستن لیلما کاروز، خواجه ابراهیم نادره سیما، فرزبان جویان سیدعزت الله مجید، سوما فران فاطمه شریف، نادیه، معروفه درویش، سیدعزت الله مجید، گل علی فقیه فدایی، محمد فریدون خن، گل علی فهیم، سید احمد شاه حسینی، نصرت الله صحت، سید امرالله ناچه شکره انور، محمد عمرعزیز عبدالوهاب راسخ، وحید الله ابراهیمی، وحید الله حبیبی، رابعیه رحمانی، محمد مصطفی شرمیلا شریفی، فائزه یادگار سونیا اسمعیار، مرخیمه محمودزاده احمد شکیب کوهستانی، صادق احمدی.

به اساس فرقه محمد وکیل نایب و فریده امید، مستحق جایزه شناخته شدند.

قابل توجه هوطنان!

فرقه کئی جوایز بوی های فروشگاه بزرگ افغان به تاریخ ۱۸ سرطان صورت می پذیرد.

ادرس اعلان شرکت ترانزیتی صفحه عقب را چنین تصحیح نماید:

ادرس: شعرنو مقابل پارک سړک نمبر (۷) مارکیت جاده عقب زین ننداری  
نمبر تېلفون (۳۰۲۶۲)

# شرکت ترانزیتی و بارچالانی کاشفی هرات



**باشرکت ترانزیتی و بارچالانی کاشفی  
هرات در تماس شوید و مشکلات  
تان را به سهولت حل سازید**

آدرس: شهر نو مقابل پارک نمبر بیست و یک مارکیت

## هوس تیس HOSTESS

یک نام آشنا برای خانواده ها .  
صابون ، شامپو ، جلائی موی و مواد ظرفشویی هوس  
برای هر وقت برای هر کس ، برای هر جا .  
این اجناس را طور عمده از جاوید لهند ، کوچی مارکیست  
نماینده گی ان در کوچی مارکیست دکان موهن لعل و همند کانهایی  
شهر ولایات بدست آورید . همچنان این شرکت صابون ضد بخار  
( DM4 ) را تازه وارد نموده است .

نیازمندان عجله نمایند :  
تلفون : ۲۰۰۰۹ - ۲۲۶۲۹

## وحید الله پلاستیک

وحید الله پلاستیک هر نوع اسناد و کارت های شمارا توسط  
ماشین بوش می کند . همچنان قرطاسیه مورد ضرورت د و ایسر  
و طلاب معارف را به قیمت نازل تقدیم میدارد .

آدرس: میر و ایسر میدان مقابل بانک تیس

# فروشگاه ارزان

آدرس: شهر نو مقابل زینب نداری



ارزینام تازه ترین  
اجناس مورد  
نیازتان استقاده  
نمایید ارزان و به  
مفادیتما

# قرطاسیه فروشی ناصر سیرتی

قرطاسیه فروشی ناصر سیرتی مجلات و سایر جراید کشور را به سترس شما قرار میدهد همچنان هر نوع قرطاسیه مورد ضرورت دوايروطلاب معارف را به قیمت نازل تقدیم میدارد.  
قرطاسیه فروشی ناصر سیرتی توسط ماشین بصری اسناد و کارت دست داشته شمارا بونس میکند.

قرطاسیه فروشی ناصر سیرتی چوک میرو سیر میدان و نماینده کسب در چوک جاده میوه متصدت جسر افغان

صنایع ملی را تقویه نمایید

# فروشگاه

## بزرگ افغانان

بزرگترین مارکیت فروش بوتها ساخت وطن

۱۰ هزار افغانی جایزه

فقط با خرید یک جوره بوت

و بار هم

۵۰ هزار ۲۰ هزار ۱۰ هزار

# افغانی جایزه نقدی

صرف با خرید یک جوره بوت

بوتهای ساخت وطن با بوتهای خارجی رقابت میکنند  
بخرید و امتحان کنید

مشتریان محترم بلهای خرید را نگهداری کنید و  
در روز قرعه کشی که بعداً اعلان میگردد آنرا با خود داشته باشید



بزرگترین فروشگاه همیشه در خدمت شهروندان است  
قدای خوب قیمت مناسب

کتابخانه دیجیتال

**Get more e-books from [www.ketabton.com](http://www.ketabton.com)  
Ketabton.com: The Digital Library**